



۲۵۲

فرهنگ
اصطلاحات حقوقی
جلد دوم

عبدالحمید البواحد



تاریخچه علمای ایران
۹۰

فهرست
اصطلاحات علمی
۲

تذکرات
تاریخچه علمای ایران

۸	۲۶
۷	۱۸



بفرو

ایشیخرت مایون محمد رضا پوری
شاه شاه آریا مهر

بنیاد فرهنگ ایران

دبیر استانی

علی حضرت فرج پهلوی شهبانوی ایران

نیاست

والا حضرت شاهخت اشرف پهلوی



بنیاد فرهنگ ایران که به فرمان شایسته آریا مهر برای خدمت به زبان فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران تاسیس یافته است و علی‌حضرت فرج پهلوی شهبانوی ایران ریاست افتخاری و والا حضرت شاه‌پخت اشرف پهلوی بنیاد ریاست آنرا پذیرفته اند از جمله وظایفی که بر عهده گرفته است اقدام به تألیف و تدوین یک فرهنگ بزرگ فارسی است که جامع کلیه لغات و اصطلاحات این زبان سیح از قدیمترین زمان تا امروز باشد.

کارکنان بنیاد فرهنگ ایران این وظیفه عظیم را از دوشو آغاز کرده اند : یکی از نخستین آثاری که به زبان فارسی در دست است تا به این طریق تاریخ و زمان پیدایش و رواج هر کلمه و هر یک از معانی اصطلاحی و مجازی آن نیز معین شود .

دیگر از دوره معاصر یعنی مجموعه الفاظ و اصطلاحاتی که در این زمان بر حسب اقتضای احتیاجات علمی و فنی و اجتماعی و سیاسی و فلسفی بوجود آمده یا ناگزیر باید ایجاد شود .

در قسمت اخیر مصمم شدیم که به تألیف و تدوین فرهنگهای جداگانه برای اصطلاحات خاص هر یک از رشته های علمی و فنی بپردازیم ، تا هم کسانی که با علمی یا فنی خاص سروکار دارند بتوانند از لغت نامهای که مربوط به آن است استفاده کنند و هم از مجموع این کتب مواد لازم برای لغت نامه بزرگ فارسی فراهم بیاید .

چون غالب علوم و فنون متداول امروزه از زبانهای اروپائی و آمریکائی اقتباس شده است و مترجمان و معلمان در رشته های خاص خود از کتابهای خارجی استفاده میکنند لازم دیدیم که به اصطلاح را با معادل آن در یک یا چند زبان بزرگ دنیای امروز بیاوریم و فهرست های متعدد به ترتیب حروف هر یک از زبانهای اصطلاحات آنها در فرهنگ ذکر شده است مرتب کنیم تا استفاده از کتاب از هر جهت میسر و ممکن باشد .

در بعضی از این فرهنگها به تنهایی ذکر معادل بهر اصطلاح در یکی دو زبان الکفا شده و در بعضی دیگر تعریف علمی و دقیق اصطلاحات نیز با تفصیلی متناسب آمده است .

در هر یک بنیاد فرهنگ ایران . پرویز نائل خانمیری

فرهنگهای علمی و فنی
«۹»

فرهنگ اصطلاحات حقوقی

فارسی-فرانسه
جلد دوم «ج-ژ»
زیر نظر
عبد الحمید ابوالاحمد
استاد دانشگاه تهران
بایمکاری

نعمت فحماری
قاضی دادگستری

ابوالفتح قطبی
قاضی دادگستری

رزماری اخوی
مدرس دانشگاه فرح پهلوی



انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
«۲۵۷»

از این کتاب

۲۰۰۰ نسخه در سال ۲۵۳۶ شاهنشاهی در چاپخانه خواجه چاپ شد

فهرست مطالب

هفت	پیش گفتار
نه	علامت اختصاری به فارسی
سی و سه	علامت اختصاری به فرانسه
سی و نه	منابع و مآخذ
چهل و شش	آوانگاری
۱-۱۸۲	متن کتاب
3	مقدمه به فرانسه

پیشگفتار

اساس کار و پژوهش در این جلد همان روشی است که در تألیف جلد نخست داشتیم. با این حال کوشش شده است که از تکرار برخی از اصطلاحات و ترکیبات مشابه که در جلد یکم دیده می‌شود پرهیز شود. به منظور تسهیل کار استفاده کنندگان این فرهنگ علامات اختصاری فارسی جلد اول را به اضافه علامات اختصاری دیگری که به آن افزوده شده است در آغاز کتاب آورده‌ایم. علامات اختصاری فرانسه و ترتیب آوانویسی که در جلد پیشین هست به همان گونه در این جلد تکرار شده است.

باید یاد آوری کنیم که معادل پاره‌ای از اصطلاحات حقوقی فارسی به فرانسه که در این جلد هم بکار گرفته شده است از مرحوم منوچهر امین ناطقی است.

لازم می‌دانیم که از خانم دانیل ابوالحمد که در تصحیح نمونه‌های چاپی این جلد و جلد یکم سهم مهمی داشته است تشکر کنیم.

تهیه کنندگان این فرهنگ از جناب آقای دکتر پرویز ناطل خانلری

استاد فاضل و دبیر کل محترم بنیاد فرهنگ ایران که مشوق آنان در ادامه این فعالیت بودند صمیمانه تشکر می کنند .
با این که مشکلات کار چاپ اکنون در ایران بسیار است و عامل اصلی ایجاد فاصله زمانی نسبتاً طولانی میان انتشار جلد یکم و دوم گردیده است، امیدواریم که جلد سوم به زودی منتشر شود.

عبدالحمید ابوالحمید

تهران مهر ۲۵۳۶

علامات اختصاری

الف - علامات اختصاری به فارسی

۶

آییننامه	آ.
آییننامه آب رودخانه جاجرود	آ. آ. ر. ج.
آییننامه اصلاحات ارضی	آ. ا. ا.
آییننامه اجرای اسناد رسمی	آ. ا. ا. ر.
آییننامه اجرای مفاد اسناد رسمی سال	آ. ا. ا. ر. س.
آییننامه اجرائی قانون تشکیل اصناف صنایع و معادن	آ. ا. ا. ق. ت. ا. ص. م.
آییننامه اصلاح اجرای قانون ثبت علائم و اختراعات	آ. ا. ا. ق. ث. ع. ث. ا.
آییننامه اطاقهای بازرگانی	آ. ا. ب.
آییننامه اجرائی تبصره ۲۹ قانون بودجه کل کشور سال	آ. ا. ت. ۲۹. ب. س.
آییننامه اجرای ثبت	آ. ا. ث.
آییننامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری	آ. ا. ث. ت. م. غ. ث.
آییننامه امور خلافی	آ. ا. خ.
آییننامه انتخابات خانه انصاف	آ. ا. خ. ا.
آییننامه امور خلافی ساکنان روستاها	آ. ا. خ. س. ر.
آییننامه اجرائی راجع به استملاك اتباع خارجه	آ. ا. ر. ا. خ.

علامات اختصاری	ده
آ. ا. س. ب. ا.	آئیننامه استخدامی سازمان بیمه‌های اجتماعی
آ. ا. ش. ت.	آئیننامه استخدامی شهرداری تهران
آ. ا. ع.	آئیننامه انبارهای عمومی
آ. ا. ق.	آئیننامه استخدام قضات
آ. ا. ق. ا. ا.	آئیننامه اجرائی قانون اصلاحات ارضی
آ. ا. ق. ا. ن. م. ش.	آئیننامه اجرائی قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی
آ. ا. ق. ج. ا.	آئیننامه اجرای قانون جلوگیری از احتکار
آ. ا. ق. ح. خ.	آئیننامه اجرائی قانون حمایت خانواده
آ. ا. ق. ح. ص.	آئیننامه اجرای قانون حمایت صنفی
آ. ا. ق. س. ت. آ.	آئیننامه اجرائی قانون سپاه ترویج و آبادانی
آ. ا. ق. ش. ص.	آئیننامه اجرائی قانون شکار و صید
آ. ا. ق. م. ت. ز.	آئیننامه اجرائی قانون مربوط به تملک زمین‌ها
آ. ا. ق. م. ح. ن.	آئیننامه اجرائی قانون مؤسسات حمل و نقل
آ. ا. م. ا. ر.	آئیننامه اجرای مفاد اسناد رسمی
آ. ا. م. ز.	آئیننامه اداره کل مهندسی زراعی
آ. بنادر.	آئیننامه بنادر
آ. ب.	آئیننامه بیمه
آ. ت. ت. ه. ر. س. ا. ا. ا. ک.	آئیننامه ترتیب تشکیل هیأت‌های رسیدگی سازمان امور اداری و استخدامی کشور
آ. ت. ج. گ.	آئیننامه تأسیس چاپخانه و گراورسازی
آ. ت. ص. د. ن. م.	آئیننامه تشکیل و صلاحیت دادگاههای نظامی موقت
آ. ت. ف. آ. ر. ج.	آئیننامه تقسیم و فروش آب رودخانه جاجرود
آ. ت. ف. ر.	آئیننامه توزیع و فروش روزنامه‌ها
آ. ت. م.	آئیننامه تعدیل مال‌الاجاره‌ها
آ. ث. ا. م. ک.	آئیننامه ثبت انتقالات و معاملات کشتی
آ. ث. ش. غ. ت.	آئیننامه ثبت شرکتهای غیرتجارتی

یازده	علامات اختصاری
آ. ح. ا. آ. ط.	آئیننامه حق انشعاب آب تهران
آ. ح. ا. آ. ت.	« « « « «
آ. ح. ب. ك.	آئیننامه حفاظت و بهداشت كار گاهها
آ. ح. م.	آئیننامه حداقل مزد
آ. ح. ن.	آئیننامه حكومت نظامی
آ. خ. ا. ا.	آئیننامه خرید اراضی وابنه عملیات عمرانی
آ. خ. خ. ع.	آئیننامه خبر نگاران وخبر نگاران عكس
آ. د. ا.	آئیننامه دادرسی اداری
آ. د. ا.	آئیننامه دادرسی ارتش
آ. د. ث. ت.	آئیننامه دفتر ثبت تجارتی
آ. د. محاسبات.	آئیننامه دیوان محاسبات
آ. د. م.	آئین دادرسی مدنی
آ. د. م. م.	آئیننامه دلالت معاملات ملكی
آ. ر. ر.	آئیننامه راهنمایی و رانندگی
آ. ر. ك.	آئیننامه رودخانه كرج
آ. ر. ن. آ.	آئیننامه روش تنظیم ونشر آگهی های وزارت داد گستری
	و ادارات تابعه
آ. س. آ. ب. خ.	آئیننامه سازمان آب وبرق خوزستان
آ. س. ا. ا. ا. ك.	آئیننامه سازمان اموراداری واستخدامی كشور
آ. س. ت. آ.	آئیننامه سپاه ترویج وآبادانی
آ. س. ق.	آئیننامه سجل قضائی
آ. س. ك.	آئیننامه سازمانهای كارفرمائی
آ. س. ن. ف.	آئیننامه سالنهای نمایش وفیلم
آ. ش. ك.	آئیننامه شورای كارگاه
آ. ص. پ. ن. ف.	آئیننامه صدور پروانه نمایش فیلم
آ. ط. و. ع. ش.	آئیننامه طرزوصول عوارض شهرداری
آ. ق. ا. ت. م.	آئیننامه قانون اصلاح توسعه معابر

دوازده	علامات اختصاری
آئیننامه قانون اجرای ثبت علائم	آ. ق. ا. ث. ع.
آئیننامه قانون اصلاح قانون توسعه معابر	آ. ق. ا. ق. ت. م.
آئیننامه قانون تصفیه امور ورشکستگی	آ. ق. ت. ا. و.
آئیننامه تشکیل خانه انصاف	آ. ق. ت. خ. ا.
آئیننامه قانون ثبت	آ. ق. ث.
آئیننامه قانون حکومت نظامی	آ. ق. ح. ن.
آئیننامه قانون دیوان محاسبات	آ. ق. د. م.
آئیننامه قانون شرکت‌های تعاونی	آ. ق. ش. ک.
آئیننامه قانون مالیات بر درآمد	آ. ق. م. د.
آئیننامه قانون منع کشت خشخاش	آ. ق. م. ک. خ.
آئیننامه قانون وکالت	آ. ق. و.
آئیننامه کمک خرج کارمندان دولت	آ. ک. خ. ک. د.
آئیننامه قانون وکلاء	آ. ک. و.
آئیننامه مرخصی‌ها	آ. م.
آئیننامه مؤسسه برق تهران	آ. م. ب. ط.
آئیننامه مؤسسه خاک شناسی	آ. م. خ.
آئیننامه مالیات بر درآمد سال	آ. م. د. ص.
آئیننامه مالی شهرداری	آ. م. ش.
آئیننامه منع کشت خشخاش	آ. م. ک. خ.
آئیننامه نظارت بر فیلم و اسلاید	آ. ن. ب. ف.
آئیننامه وصول عوارض از وسایل نقلیه موتوری در شاهراه تهران کرج	آ. و. ع. و. ن. م.

الف

۱. اساسنامه
۱. ا. ک. ج. و. خ. ماده واحده اجازه استخدام کارمند جهت وزارت
امور خارجه

علامات اختصاری	سیزده
اساسنامه بین المللی بانک ترمیم و توسعه	ا. ب. ب. ت. ت.
اصول تشکیلات دادگستری	ا. ت. د.
اصول تشکیلات عدلیه	ا. ت. ع.
اعلامیه حقوق بشر	ا. ح. ب.
اساسنامه سازمان آب و برق کرج	ا. س. آ. ب. ک.
اساسنامه شرکت سهامی چاپخانه وزارت اطلاعات	ا. ش. س. چ. و. ا.
اساسنامه شرکت نفت ایران وایتالیا	ا. ش. ن. ا. ا.
اساسنامه صندوق بین المللی پول	ا. ص. ب. پ.
اصل قانون اساسی	اصل. ق. ا.
اصل متمم قانون اساسی	اصل. م. ق. ا.
اصلاحی قانون استخدام کشوری	ا. ق. ا. ک.
اداره کل مهندسی زراعی	ا. ک. م. ز.
اصول محاکمات حقوقی	ا. م. ح.
ت	
تبصره	ت.
تصوینامه	ت.
تصوینامه راجع به اجازه تملک تأسیسات نیروی برق	ت. ر. ت. ت. ن. پ. خ.
تصوینامه چرانیدن دام در مرتع	ت. چ. د. م.
تصوینامه راجع به مقررات مربوط به رودخانه های کشور	ت. ر. م. م. ر. ک.
تصوینامه سازمان اموراداری واستخدامی کشور	ت. س. ا. ا. ا. ک.
تصوینامه قانونی	ت. ق.
تصوینامه قانونی حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع	ت. ق. ح. ب. ج. م.
تعرفه گمرکی	ت. گ.
تصوینامه هیئت وزیران سال...	ت. ه. و. س.

علامات اختصاری	چهارده
ث. ا.	ثبت اسناد
ج.	جلد
ح.	حقوق
ح. ا.	حقوق اداری
ح. ب. خ.	حقوق بین المللی خصوصی
ح. ب. ع.	حقوق بین المللی عمومی
ح. ج.	حقوق جزا
ح. ک.	حقوق کار
د.	دوره
د. ا.	داد گستری
د. ب. د.	دیوان بین المللی داوری
د. ب. دا.	دیوان بین المللی داد گستری
د. ع. ک.	دیوان عالی کشور
د. ق. گ.	دوره قانونگذاری
د. م.	دیوان محاسبات
س.	سال
س. آ. ب. ک.	سازمان آب و برق کرج
س. ق.	سازمان قضائی

پانزده	علامات اختصاری
	ش
ش. شماره	
ش. ن. ا. ا.	شرکت نفت ایران ویتالیا
	ص
ص. صفحه	
	ض
ض. ا.	ضمانت احتیاطی
	ف
ف. فصل	
ف. م. م.	فهرست مواد مخدر
	ق
ق. قانون	
ق. آ. پ. ع. ا. م.	قانون راجع به آموزش وپرورش عمومی اجباری ومجانی
ق. آ. س.	قانون آمار و سرشماری
ق. آ. م. ز.	قانون آزادی مشروط زندانیان
ق. ا.	قانون اساسی
ق. از.	قانون ازدواج
ق. ا. ا.	قانون اجرای اسناد
ق. ا. ار.	قانون اصلاحات ارضی
ق. ا. ا. ا. ذ. س.	قانون اعطای امتیاز استخراج ذغال سنگ
ق. ا. ا. ا. ش.	قانون اعطای اختیار به افسران شهربانی برای وصول جرائم رانندگی

علامات اختصاری	شانزده
ق. ا. ا. ب.	قانون اصلاح انحصار بازرگانی
ق. ا. ا. ت. ع.	قانون اصلاح اصول تشکیلات عدلیه
ق. ا. ا. ح. و. م. ب. ن.	قانون الغاء حق الثبت وسائط نقلیه و وضع مالیات به یز بن و نعت
ق. ا. ا. د. ص.	قانون اداره امور دانشکده صنعتی زیر نظر هیأت امناء
ق. ا. ا. ع. ب.	قانون اجازه اخذ عوارض بندری
ق. ا. ا. ف. د. ع.	قانون اجازه اشتغال فارغ التحصیلان دانشسرای عالی در دانشگاههای شهرستانها
ق. ا. افلاس.	قانون اعسار و افلاس و اصلاح قانون تسریع محاکمات
ق. ا. ب. آ.	قانون اصلاح بنگاه آبیاری
ق. ا. ب. ا.	قانون استفاده از بی سیمهای اختصاصی و غیر حرفه ای
ق. ا. ب. ا. ق. ا. ب. م. ا.	قانون اساسنامه بانک ملی ایران
ق. ا. ب. ق. ا. م. ح.	قانون اصلاحی از مواد قانون اصول محاکمات حقوقی
ق. ا. ب. ک. ا.	قانون اساسنامه بانک کشاورزی ایران
ق. ا. ب. م. ث. ا.	قانون اصلاح بعضی از مواد ثبت اسناد
ق. ا. ب. م. ق. ث. د. ا. ر.	قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی
ق. ا. پ.	قانون امور پزشکی
ق. ا. پ. م. ب.	قانون استخدام پزشک متخصص برای وزارت بهداشت
ق. ا. پ. ه. ر. آ. س.	قانون اجازه پرداخت هزینه راه آهن سال ...
ق. ا. ت.	قانون اقدامات تأمینی
ق. ا. ت. ب. آ.	قانون اجازه تأسیس بنگاه آبیاری
ق. ا. ت. ب. ر. ا.	قانون اجازه تأسیس بانک رهنی ایران
ق. ا. ت. ب. ف. ص. س.	قانون اجازه تأسیس بانک فلاحتی و صنعتی سهامی
ق. ا. ت. ب. م. ا.	قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران
ق. ا. ت. خ.	قانون انحصار تجارت خارجی

ق. د. ت. د.	قانون اجازه تأسیس دانشگاه سال ۱۳۱۳
ق. ا. ت. د. م. ع.	قانون اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی
ق. ا. ت. ع.	قانون اصول تشکیلات عدلیه
ق. ا. ت. م. ا. ت. ع.	قانون اعتبار برای تشکیل مدارس ابتدائی و تعلیمات عمومی
ق. ا. ث.	قانون اشتباهات ثبتی
ق. ا. ث. ا. م. م.	قانون اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض
ق. ا. ح.	قانون امور حسبی
ق. ا. د.	قانون انحصار دخیانیات
ق. ا. د. ت.	قانون انحصار دولتی تریاک
ق. ا. د. ش. ا. ب.	قانون اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها
ق. ا. ر.	قانون ایمنی راهها
ق. ا. ز.	قانون انکار زوجیت
ق. ا. س.	قانون انتخابات سنا
ق. ا. ش. م. ن. ا.	قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران
ق. ا. ف. ق. ج. س.	قانون اجازه فروش قسمتی از جواهرات سلطنتی
ق. ا. ق.	قانون استخدام قضات
ق. ا. ق. ا. ا. ک.	قانون اصلاح قانون افزایش اعتبارات کشاورزی
ق. ا. ق. ا. م. ج. ت. ن.	قانون اصلاح قسمتی از قانون استخدام افراد و مستخدمین جزء تشکیلات نظمی
ق. ا. ق. ا. ا. ق.	قانون اصلاح قانون استخدام افراد جزء تشکیلات نظمی
ق. ا. ق. ا. پ.	قانون اصلاح قانون استخدام پزشکان
ق. ا. ق. ا. ت.	قانون اصلاح قانون اطاقهای تجارت
ق. ا. ق. ا. د.	قانون اصلاح قانون انحصار دخیانیات
ق. ا. ق. ا. د. ت.	قانون اصلاح قانون انحصار دولتی تریاک
ق. ا. ق. ب. م. ق. ک. ع.	قانون اصلاح قانون بعضی از مواد قانون کیفر عمومی

ق. ا. ق. ت.	قانون اصلاح قانون تجارت
ق. ا. ق. ت. ب. آ.	قانون اصلاح قانون تأسیس بنگاه آبیاری
ق. ا. ق. ت. ب. آ. ك.	قانون اصلاح قانون تأسیس بنگاه آبیاری و امور مربوط به آبیاری كشور
ق. ا. ق. ت. ح. آ. س.	قانون اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی
ق. ا. ق. ت. ح. آ. س. م. ن. ا.	قانون اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی منطقه نظارت ایران
ق. ا. ق. ت. خ.	قانون اصلاح قانون تجارت خارجه
ق. ا. ق. ت. م.	قانون اجرای قانون توسعه معابر
ق. ا. ق. ج. ت. ع.	قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی
ق. ا. ق. خ. ن.	قانون اصلاح قانون خدمت نظامی
ق. ا. ق. ا. ت. ع.	قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه
ق. ا. ق. ا. ت. ن.	قانون اصلاح قسمتی از قانون استخدام تشکیلات نظمی
ق. ا. ق. ا. م. ج. ت. ن.	قانون اصلاح قسمتی از قانون استخدام مستخدمین جزء تشکیلات نظمی
ق. ا. ق. م. آ. د. ك.	قانون اصلاح قسمتی از مواد آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۳۵
ق. ا. ق. م. ا.	قانون اصلاح قانون مالیات برارث
ق. ا. ق. م. ا. ن. ا. ع.	قانون اصلاح قانون مالیات برارث و نقل و انتقالات بلاعوض
ق. ا. ق. م. ج.	قانون اصلاح قانون اصول محاکمات جزائی
ق. ا. ق. م. د.	قانون اصلاح قانون مالیات بر درآمد
ق. ا. ق. م. ر.	قانون اصلاح قانون مالیات راه
ق. ا. ق. م. ق. ا. ت. خ.	قانون اصلاح قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی
ق. ا. ق. م. ق. ا. ق.	قانون اصلاح قسمتی از مواد قانون استخدام قضات
ق. ا. ق. م. ق. م.	قانون اصلاح قانون متمم قانون معیزی

علامات اختصاری	نوزده
قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش	ق. ا. ق. م. ک.
قانون اصلاح قانون مالیات بر درآمد و حل اختلافات مالیاتی	ق. ا. ق. م. و. ح. ا. م.
قانون اصلاح قانون نظام وظیفه	ق. ا. ق. ن. و.
قانون استخدام کشوری	ق. ا. ک.
قانون استرداد مجرمین	ق. ا. م.
قانون لغای مالیات اراضی و دواب	ق. ا. م. ا. د.
قانون اجازه مبادله و اجرای قرارداد پیمانکاری اکتشاف و تولید نفت با ارباب	ق. ا. م. ا. ق. پ. ا. ت. ن. ا.
قانون اصول محاکمات جزائی	ق. ا. م. ج.
قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری	ق. ا. م. ح. ت.
قانون انتخابات مجلس شورای ملی	ق. ا. م. ش. م.
قانون انرژی	ق. انرژی.
قانون اعمال نفوذ	ق. ا. ن.
قانون امتیازات نفت به شرکت آمریک	ق. ا. ن. ش. آ.
قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی	ق. ا. ن. م. ش.
قانون املاک و اگذاری	ق. ا. و.
قانون اوقاف	ق. اوقاف.
قانون انحصار وراثت	ق. ا. و.
قانون استخدام هنرآموز	ق. ا. ه.
قانون ازدیاد هزینه دادگستری	ق. ا. ه. د.
قانون بیمه	ق. ب.
قانون بیماریهای آمیزشی و واگیردار	ق. ب. آ. و.
قانون بانکداری	ق. ب. ا.
قانون بیمه اجباری	ق. ب. ا.
قانون بیمه‌های اجتماعی	ق. ب. اجتماعی.
قانون بورس اوراق بهادار	ق. ب. ا. ب.

علامات اختصاری	پیست
ق. ب. ا. ك.	قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران
ق. ب. پ.	قانون بانکی و پولی
ق. ب. ح. ن. د.	قانون بین‌المللی حمل و نقل دریائی
ق. ب. س. ك.	قانون عمرانی برنامه سوم کشور
ق. ب. ع. س.	قانون برنامه عمرانی سوم
ق. ب. ع. س. ك.	قانون برنامه عمرانی سوم کشور
ق. ب. ك.	قانون بیمه کارگران
ق. ب. م.	قانون بقایای مالیاتی
ق. ب. و. م.	قانون بدهی واردین به میهمانخانه‌ها
ق. پ.	قانون پستی
ق. ت.	قانون تجارت
ق. ت. آ. س. ا.	قانون تعیین آبهای ساحلی ایران
ق. ت. ا. س ۱۳۰۶.	قانون تفویض اختیارات به رئیس مالیه سال ۱۳۰۶
ق. ت. ا. ش.	قانون تقاعد ارتش شاهنشاهی
ق. ت. ا. ش.	قانون ترفیعات ارتش شاهنشاهی
ق. ت. ا. ش. ا.	قانون تقاعد ارتش شاهنشاهی ایران
ق. ت. ا. م.	قانون تعلیق اجرای مجازات
ق. ت. ا. م. ح.	قانون تصرفات در اصول محاکمات حقوقی
ق. ت. ا. و.	قانون تصفیه امور ورشکستگی
ق. ت. ر. ا. و.	قانون تشکیل ایالات و ولایات
ق. ت. ا. و. ق. ت. ا. و. ر.	قانون تصدیق انحصار وراثت
ق. ت. ب.	قانون تفریق بودجه
ق. ت. ب.	قانون تأسیس بورس
ق. ت. ب. آ.	قانون تأسیس بنگاه آبیاری
ق. ت. ب. ا.	قانون تنزیل و تثبیت بهای اجناس
ق. ت. ت. ا.	قانون تعدیل و تثبیت اجاره بها
ق. ت. ت. ك. م. ا. ع. م. م. ك. گ.	قانون تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محترکان و گران فروشان

ق. ت. ت. م. خ. و. ع.	قانون تعیین تکلیف مشمولین خدمت وظیفه عمومی
ق. ت. ح. د. ا. پ. س.	قانون تعیین حریم دریاچه احدثی پشت سدها
ق. ت. خ. ا.	قانون تشکیل خانه انصاف
ق. ت. د. ا. ق. ت. د. ا. ب.	قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار
ق. ت. د. س.	قانون تشکیل دادگاه سیار
ق. ت. د. ق. ا. م. ح. س.	قانون تصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی
سال...	
ق. تذکره.	قانون تذکره
ق. ترفیعات. ا. ش. ا.	قانون ترفیعات ارتش شاهنشاهی ایران
ق. ت. ز.	قانون تملک زمین برای اجرای برنامه شهرسازی
ق. ت. س. ا.	قانون تشکیل سازمان امنیت
ق. ت. س. ب. ا.	قانون تأسیس سازمان برق ایران
ق. تسریع. م.	قانون تسریع محاکمات
ق. ت. ش. ک.	قانون راجع به تشکیل شوراهای کشاورزی
ق. ت. ص. پ.	قانون توسعه صنایع پتروشیمی
ق. ت. ص. ت.	قانون تشویق صادرات و تولید
ق. ت. ط. ر. د. ج.	قانون تشکیل و طرز رسیدگی دیوان جزا
ق. ت. ق. ت. م. خ. ن. ع.	قانون تعیین تکلیف مشمولین خدمت نظام وظیفه عمومی
ق. ت. ک.	قانون تقسیمات کشوری
ق. ت. گ.	قانون تعرفه گمرکی
ق. ت. م.	قانون تعدیل مال الاجاره‌ها
ق. ت. م.	قانون تسریع محاکمات
ق. ت. م. ا. ب. ش.	قانون تشدید مجازات اشخاص بدسابقه و شرور
ق. ت. م. ج.	قانون تشکیل محاکم جنائی
ق. ت. م. د. ب. ا. د.	قانون تعیین مرجع دعاوی بین اشخاص و دولت
ق. ت. م. د. ش.	قانون تکمیل معلمین دانشگاههای شهرستانها
ق. ت. م. ر.	قانون تشدید مجازات رانندگان

علامات اختصاری	بیست و دو
ق. ت. م. ر. د. ا.	قانون تشکیلات مؤسسه راه آهن دولتی ایران
ق. ت. م. ر. م.	قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف
ق. ت. م. س. م.	قانون تشدید مجازات سارقین مسلح
ق. ت. م. س. م. ا.	قانون تشدید مجازات سرقت مسلحانه
ق. ت. معابر.	قانون توسعه معابر
ق. ث. ن. ب.	قانون تأسیس نیروی برق
ق. ث.	قانون ثبت
ق. ث. ا.	قانون ثبت احوال
ق. ث. ع. ا.	قانون ثبت علائم و اختراعات
ق. ج.	قانون جنگل
ق. ج. ا.	قانون جلوگیری از احتکار
ق. ج. ب. آ.	قانون جلوگیری از بیماریهای آمیزشی
ق. ج. ت. ع.	قانون جلوگیری از تصرف عدوانی
ق. ج. ع. ق. ث. و. ن. م. د.	قانون جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسائط نقلیه موتوری دریائی
ق. ج. ق. ا. م.	قانون جلوگیری از قاچاق اجناس ممنوع الورد
ق. ج. م. ک.	قانون جنگلها و مراتع کشور
ق. ج. و. ا. م. و.	قانون جلوگیری از ورود اجناس ممنوع الورد
ق. ج.	قانون چک
ق. چ. ت.	قانون چک تضمین شده
ق. ح.	قانون حکمیت
ق. ح. آ. م.	قانون حفظ آثار ملی
ق. ح. ا. ا.	قانون حفظ امنیت اجتماعی
ق. ح. ب. ت. ک.	قانون حقوق بارگیری و تخلیه در مورد کشتیها
ق. ح. ب. ج. م.	قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع
ق. ح. پ. ف. ا.	قانون حمایت پشوانه فلزی اسکناس
ق. ح. ث. ش. ب.	قانون حق الثبت شرکتهای بیمه

ق. ح. آ. ز.	قانون حفظ وحراست آبهای زیرزمینی
ق. ح. م. پ. ن. م. ش. م. س. ۱۳۵۳	قانون حقوق و مزایای پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی سال ۱۳۵۳
ق. ح. نباتات	قانون حفظ نباتات
ق. ح. ن.	قانون حکومت نظامی
ق. خ. ن. ع.	قانون خدمت نظام وظیفه عمومی
ق. د. ق. دیون	قانون دیون
ق. د. ق. دا	قانون دلالان
ق. د. ا. ر. ق. د. ر.	قانون دفاتر اسناد رسمی
ق. د. ا. ر. ا. و.	قانون دعاوی اشخاص راجع به املاک واگذاری
ق. د. ا. ن. ا. و.	قانون دعاوی اشخاص نسبت به املاک واگذاری
ق. د. ب. ا. د.	قانون دعاوی بین اشخاص و دولت
ق. دریائی	قانون دریائی
ق. د. ک.	قانون دیوان کیفر
ق. د. م.	قانون دیوان محاسبات
ق. ر. ا. ا. ا. خ.	قانون راجع به اجازه استخدام استادان خارجی
ق. ر. ا. ا. ا. ش.	قانون راجع به اعطای اختیار به افسران شهربانی برای وصول جرایم رانندگی
ق. ر. ا. ت. م. خ.	قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابانها
ق. ر. ا. خ.	قانون راجع به اطباء خارجی
ق. ر. ا. ز.	قانون راجع به انکار زوجیت
ق. ر. ا. ص. س.	قانون رفع اختلافات صنفی سال
ق. ر. ا. غ. ا. خ.	قانون راجع به اموال غیر منقول اتباع خارجی
ق. ر. ا. ق. ا. ل.	قانون راجع به امور قضائی و اداری لرستان
ق. ر. ا. ق. م. ک. خ. ا. ت.	قانون راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک
ق. ر. ت. ا. ا.	قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی

علامات اختصاری	بیست و چهار
ق. ر. ت. ا. د. ع. ا. ق.	قانون راجع به تجدید نظر در احکام دادگاه عالی
	انتظامی قضات
ق. ر. ت. م.	قانون راجع به تعدیل مال الاجاره ها
ق. ر. ج. ا.	قانون راجع به جلوگیری از احتکار
ق. ر. ج. ع. ا.	قانون رسیدگی به جرایم عمومی افسران
ق. ر. ح. پ. ف. ا.	قانون راجع به حفاظت پشوانه فزری اسکناس
ق. ر. د. ا. ع. د. ر. ا.	قانون رسیدگی به دعاوی اشخاص علیه دولت راجع به املاک
ق. ر. د. و. م.	قانون رسیدگی به دارائی وزراء و مأمورین
ق. ر. س. س. ل. ل.	قانون راجع به ساختمان سد لار و لیان
ق. ر. ط. ا. ج.	قانون راجع به طبع اسکناس جدید
ق. ر. ط. ت. و. ر.	قانون راجع به طرز تنظیم وصیتنامه رسمی
ق. ر. ع. ف. ت. ه.	قانون راجع به عوارض فرود و توقف هواپیما
ق. ر. ف. خ. ق. ف. ص.	قانون راجع به فروش خالصجات و قرضه فلاحی و صنعتی
ق. ر. ف. خ. ن. ت. ر. و. ن. م.	قانون رسیدگی فوری به خسارات ناشی از تصادفات رانندگی به وسیله نقلیه موتوری
ق. ر. ق. ع. ب.	قانون راجع به قاچاق عوارض بلدی
ق. ر. م. ا. خ.	قانون راجع به معاملات اسعار خارجی
ق. ر. م. ت. ص.	قانون راجع به معاملات تصدیق صدور
ق. ر. م. خ. ق. ر. م. خ. س.	قانون راجع به مسکوک خرد/سال
ق. ر. م. ق. ط.	قانون راجع به مجازات قطاع الطريق سال ۱۳۱۰
ق. ر. م. م.	قانون روابط مالک و مستأجر
ق. ر. م. م. م. خ. ع.	قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی سال ۱۳۱۵
ق. ر. و. ا. ا.	قانون راجع به وظایف و اختیارات استانداران
ق. ر. و. م. ا. ب. م. ا.	قانون راجع به واگذاری معاملات ارضی بیانک ملی ایران

علامات اختصاری	بیست و پنج
قانون راجع به واگذاری زمین به تحصیل کرده‌های کشاورزی	ق. ر. و. ز. ت. ک.
قانون راجع به نحوه مطالبه دیون	ق. ر. ن. م. د.
قانون سرشماری	ق. س.
قانون سجل احوال	ق. س. ا.
قانون سازمان استقلال دانشسرای عالی	ق. س. ا. د. ع.
قانون سازمان اداری وزارت دادگستری	ق. س. ا. و. د.
قانون سازمان دادگستری	ق. س. د.
قانون سازمان دفاع غیر نظامی	ق. س. د. غ. ن.
قانون سربازگیری	ق. سربازگیری
قانون سازمان عمرانی کشور	ق. س. ع. ک.
قانون سازمان عمرانی کشور و ازدیاد سهم کشاورزان	ق. س. ع. ک. ا. س. ک.
قانون شهرداری	ق. ش.
قانون شهادت و امارات	ق. ش. ا.
قانون شرکت‌های تعاونی	ق. ش. ت.
قانون شورای دولتی	ق. ش. د.
قانون شورای دآوری	ق. ش. د. ا. ق. ش. د.
قانون شرکت‌های سهامی	ق. ش. س.
قانون شکار و صید	ق. ش. ص.
قانون صلاحیت دادگاه‌های دائمی نظامی	ق. ص. د. د. ن.
قانون صندوق عمران مراتع	ق. ص. ع. م.
قانون طرز تقویم اراضی سد فرحناز	ق. ط. ت. ا. س. ف.
قانون طرز تقویم و تملك اراضی سد فرحناز	ق. ط. ت. ت. ا. س. ف.
قانون طرز تقویم و تملك اراضی مورد نیاز سد لتیان	ق. ط. ت. ت. ا. م. ن. ل.
قانون عمران	ق. ع.
قانون عبور و مرور و رسکنه سرحدی ایران و شوروی	ق. ع. م. س. س. ا. ش.
قانون قنات	ق. ق.

علامات اختصاری	بیست شش
ق. ق. ت. م. ب.	قانون قطع و تخریب مخابرات و برق
ق. ک.	قانون کار
ق. ک. ب. ر.	قانون کیفر بزه های راه آهن
ق. ک. ب. ر. آ.	« « « «
ق. ک. ب. ر. ا.	« « « «
ق. کدخدائی	قانون کدخدائی
ق. گ.	قانون گذاری
ق. ل. ا. گ. پ.	قانون ارائه گواهی نامه پزشک
ق. ل. ا. گ. پ. ق. ا.	قانون لزوم ارائه گواهی نامه پزشک قبل از ازدواج
ق. ل. م. ش.	قانون لغو مجازات شلاق
ق. م.	قانون مدنی
ق. م. ا.	قانون معاملات ارزی
ق. م. ا. آ. ا. ا.	قانون مواد الحاقی به آئین نامه اصلاحات ارضی
ق. م. ارتشاء	قانون مجازات ارتشاء
ق. م. ارث	قانون مالیات بر ارث
ق. م. ا. س.	قانون مربوط به اراضی ساحلی
ق. م. ا. ص. س.	قانون مجازات اخلا لگران در صنایع سال
ق. م. ا. ص. ن.	قانون مجازات اخلا لگران در صنعت نفت ۴۲
ق. م. ا. ع. د. ت. گ.	قانون مجازات اخلا ل کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت
ق. م. ا. ق. ا. ا.	قانون مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی
ق. م. ا. ق. ش.	قانون منع احتکار قند و شکر
ق. م. ا. م. ح.	قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی
ق. م. ا. م. غ.	قانون مجازات انتقال مال غیر
ق. م. ا. ن.	قانون مجازات اعمال نفوذ
ق. م. ا. ن. ا. ع.	قانون مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض
ق. م. ب.	قانون متمم بودجه
ق. م. ب. س.	قانون متمم بودجه سال

بیست وهفت	علامات اختصاری
ق. م. ت. ا. ا. ن.	قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره
ق. م. ت. ص.	قانون معاملات تصدیق صدور
ق. م. ت. ک. ب. م. غ.	قانون مجازات تبانی کنندگان برای بردن مال غیر
ق. م. ت. م. ث. ا. و.	قانون مربوط به تعیین معاونین ثابت اداری وزارتخانه‌ها
ق. محاسبات. ع.	قانون محاسبات عمومی
ق. م. ج.	قانون محاکمات جزائی
ق. م. ح. ب. ک. ص.	قانون مربوط به حق باربری کالای صادراتی
ق. م. ح. چ.	قانون مجازات حمل چاقو
ق. م. خ. ا.	قانون مالیات خالصجات انتقالی
ق. م. د.	قانون مالیات بر درآمد
ق. م. د. د. آ. ن.	قانون مربوط به دانشجویان و دانش آموزان دانشکده و آموزشگاههای نظامی
ق. مسئولیت مدنی/ق. مسئولیت. م/قانون مسئولیت مدنی	
ق. م. مدنی.	قانون مسئولیت مدنی
ق. م. ش.	قانون محاکم شرع
ق. مطبوعات	قانون مطبوعات
ق. م. ع.	قانون مجازات عمومی
ق. معادن.	قانون معادن
ق. م. ع. ا.	قانون مایه کوبی عمومی و اجباری
ق. م. ع. ح. ت.	قانون مالیات بر عایدات و حق تمر
ق. م. ق. ا. ت. خ.	قانون متمم قانون انحصار تجارت خارجی
ق. م. ق. ت. و. م. ب.	قانون مجازات قطع و تخریب وسایل مخابرات و برق
ق. م. ق. م. خ. ا.	قانون متمم قانون خالصجات انتقالی
ق. م. ک. ج.	قانون ملی کردن جنگلها
ق. م. ک. خ.	قانون منع کشت خشخاش
ق. م. م.	قانون مالیاتهای مستقیم

علامات اختصاری	بیست وهشت
ق. م. ا. پ. و. م. خ. آ.	قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی
ق. م. ا. ت.	قانون مجازات متخلفین از قانون انحصار تجارت
ق. م. ا. د.	قانون مجازات متخلفین اموال دولتی
ق. م. ا. ن. و.	قانون مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه
ق. م. ت. ا. ب.	قانون مربوط به مقررات تحصیلی و استخدامی بهداران
ق. م. ج. د.	قانون مشمولیت مستخدمین جزء دربار سلطنتی به مقررات قانون استخدام کشوری
ق. م. م. خ. ع.	قانون مجازات مأمورین به خدمات عمومی
ق. م. م. ع. ا. ا. م. / ق. م. م. ع. ا. ک.	قانون مجازات مقدمین علیه استقلال و امنیت کشور
ق. م. ق.	قانون مجازات مرتکبین قاچاق
ق. م. ق. ت.	قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک
ق. م. و. ن. م. ک.	قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی
ق. م. ن.	قانون محاکمات نظامی
ق. م. و.	قانون محاکمه وزراء
ق. م. و. ه. م.	قانون محاکمه وزراء و هیئت منصفه
ق. ن. ا. خ. س.	قانون نحوه استفاده از خانه های سازمانی
ق. ن. پ.	قانون نظام پزشکی
ق. ن. خ. م. ا. ط. م. ب. ع. ک.	قانون نحوه خرید ماشین آلات و سایر لوازم برای اجرای طرح های مصوب برنامه های عمرانی کشور
ق. ن. ص.	قانون نظام صنفی
ق. ن. ع. ش.	قانون نوسازی و عمران شهری
ق. ن. م. س. ف. د. ش.	قانون نظارت در مصرف سهمیه فرهنگ در درآمد شهرداری ها
ق. ن. و.	قانون نظام وظیفه
ق. و.	قانون وکالت

ق. و. ا. ا. خ. ا. / ق. و. ا. ا. خ.	قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران
ق. و. خ. ا. خ.	قانون ورود و خروج اتباع خارجه
ق. و. م.	قانون واردین به میهمانخانه‌ها
ق. و. م. ا. ب. م. ا.	قانون واگذاری معاملات ارزی ببانك ملی ایران
ق. ه. د. ث.	قانون هزینه‌های دادگستری وثبت وحق تبرپروانه
ق. ه. ك.	قانون هواپیمائی كشوری
ق. ه. م.	قانون هیئت منصفه

ل

ل.	لایحه
ل. ا. ع. د.	لایحه الغای عوارض دردهات
ل. ا. ك. و.	لایحه استقلال كانون و كلاء
ل. ح. فنی.	لایحه حفاظت فنی
ل. ق. ا. ب.	لایحه قانونی اطاقهای بازرگانی
ل. ق. ا. ع. د.	لایحه قانونی الغای عوارض دردهات
ل. ق. ا. م. د.	لایحه قانونی استقلال مالی دانشگاه
ل. ق. ت. ا. د.	لایحه قانونی تشکیل انجمن‌های ده و اصلاح امور
	اجتماعی و عمران دهات سال ۴۲
ل. ق. ت. ن. ب.	لایحه قانونی تأسیس نیروی برق
ل. ق. ر. ج. ب.	لایحه قانونی راجع به چك بی محل
ل. ق. س. س. س. ر.	لایحه قانونی ساختمان سد سفیدرود
ل. ق. م. ت. د. ك.	لایحه قانونی مربوط به تشکیل دیوان كیفر

م

م.	ماده
م. ا. آ.	موافقتنامه ایران و آمریکا
م. ا. ح. ب.	مقدمه اعلامیه حقوق بشر

م. ر. ق. م.	مجموعه رویه قضائی متین
م. ق. ا.	متمم قانون اساسی
م. ج. ن. ک. ر. آ.	مقاوله نامه بین المللی مربوط به حمل و نقل کالا با راه آهن
م. ق. و. آ. ب.	مجموعه قوانین وزارت آب و برق
م. واحده. ت. م. ا. ب. ش.	ماده واحده تشدید مجازات اشخاص بد سابقه و شرور
م. و. ق. ا. م. ت. ا. ق. ک. ج. ا.	ماده واحده قانون اجازه منع تعقیب اشخاصی که قبل از کشف جرم اقرار می نمایند.
م. و. ق. ر. آ. م. ز.	ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان
م. واحده. ر. ج. ع. ا.	ماده واحده رسیدگی به جرایم عمومی افسران
م. و. ق. م. ح. م. ج.	ماده واحده قانون تعیین تکلیف محکومین به حبس که مبتلا به جنون می شوند
م. و. ق. و. ا. ا. د. ب.	ماده واحده قانون واگذاری اراضی و ابنیه دولتی به بلدیها سال ۱۳۰۷
م. پ. موافقتنامه. ت. ا. ب. ن. ش. م.	موافقتنامه تفحص و اکتشاف و بهره برداری نفت بین شرکت ملی و شرکت پان آمریکن
م. ق. ت.	مجموعه قوانین تجاری
م. ق. ج. خ.	مجموعه قوانین جزای خصوصی
م. ق. ح. خ.	مجموعه قوانین حمایت خانواده
م. ق. س.	مجموعه قوانین سال
م. ق. ص. سنا.	مجموعه قوانین صلاحیت مجلس سنا
م. ق. و.	مجموعه قراردادهای وزارت امور خارجه
م. م. م.	منشور ملل متحد

ن

ن.	نظامنامه
ن. ا. ق. ث. ش.	نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها

علامات اختصاری	سی ویک
نظامنامه ثبت شرکتها	ن. ث. ش.
نظامنامه خلافی	ن. خ.
نظامنامه دفتر امور محجورین	ن. د. ا. م.
نظامنامه قانون اوقاف	ن. ق. ا. ن. ق. اوقاف
نظامنامه قانون ثبت احوال	ن. ق. ث. ا.
نظامنامه قانون رفع اختلافات صنفی	ن. ق. ر. ا. ص
نظامنامه مؤسسات غیر تجاری	ن. م. غ. ت.
ه	
هنه داد گستری	ه. دا.
/	
معادل - برابر	/

ب۔ علامات اختصاری بہ فرانسه

Liste des abréviations, ir coterms et sigles

A—Abréviations & Sigles.

A.E.E.N.	Agence européenne pour l'énergie nucléaire
A.E.L.E.	Association européenne de libre-échange
A.F.P.	Agence France—Presse
A.I.D.	Association internationale pour le développement
A.I.P.P.I.	Association internationale pour la protection de la propriété industrielle
A.I.S.S.	Association internationale de secu— rité sociale
A.M.E.	Accord monétaire européen
A.P.E.	Assemblée parlementaire européenne
B E I.	Banque européenne d'investissement
BENELUX	Union économique: Belgique, Neder- land, Luxembourg

سی و چهار	علامات اختصاری
B.I.E.	Bureau international des expositions
B.I.I.C.C.	Bureau international d'information des Chambres de Commerce
B.I.R.D.	Banque internationale pour la recons- truction et le développement
B.I.T.	Bureau international du travail
B.U.S.	Bureau universitaire de statistique
C.A.D.	Comité d'aide au développement
C.adm.	code administratif
C.A.P.	Certificat d'aptitude professionnelle
C.C.I.	Chambre de Commerce internationale
C. civ.	Code civil
C. com.	Code de commerce
C.E.	Conseil de l'Europe
C.E.A.	Centre d'étude et d'arbitrage du droit
C.G.I.	Code général des impôts
C.I.I.	Cour internationale de justice
C.I.S.C.	Confédération internationale des syn- dicats chrétiens
C. pén	Code pénal
C. P.J.I.	Cour permanente de justice interna- tionale
C. Pr. civ.	Code de procédure civile
C. pr. pén	Code de procédure Pénale
C. rur.	Code rural
C. séc. soc.	Code de la sécurité sociale

C. trav.	Code du travail
F.M.I.	Fonds monétaire international
F.S.I.	Fédération syndicale internationale
F.S.M.	Fédération syndicale mondiale
G.A.T.T.	Accord général sur les tarifs dou- aniers et le commerce (General Agreement on Tariff and Trade)
I.A.T.A.	Association de transport aérien inter- national
I.I.B.	Institut international des brevets
INTERPOL	International Criminal Police Or- ganization
L.I.D.H.	Ligue internationale des droits de l'Homme
O.C.D.E.	Organisation de coopération et de développement
O.C.E.D.	Organisation de coopération écono- mique et de développement
O.E.A.	Organisation des Etats américains
O.E.C.E.	Organisation européenne de coopéra- tion économique
O.I.C.	Organisation internationale du com- merce
O.I.T.	Organisation internationale du travail
O.M.S.	Organisation mondiale de la santé
O.N.U.	Organisation des Nations Unies
O.P.A.E.P.	Organisation des pays arabes expor- tateurs de pétrole

علامات اختصاری	سی و شش
O.P.E.C.	Organisation of petroleum exporting countries
O.P.E.P.	Organisation des pays exportateurs de pétrole
P.T.T.	Postes, Télégraphes et Téléphones
P.V.	Procès-verbal
S.A.	Société anonyme
S.A.R.L.	Société à responsabilité limitée
S.D.N.	Société des Nations
T.T.	Immatriculation des véhicules en transit temporaire
T.P.S.	Taxe des prestations de service
T.V.A.	Taxe sur la valeur ajoutée
T.O.M.	Territoire d'outre-mer
U.E.O.	Union de l'Europe occidentale
U.I.T.	Union internationale des télécommunications
U.N.E.S.C.O.	Organisation des Nations Unies pour l'Education, la Science et la Culture
U.P.U.	Union postale universelle
U.S.A.	Etats - Unis d'Amérique
U.R.S.S.	Union des Républiques socialistes soviétiques
B_Incoterms*	

* Expressions utilisées dans le commerce international et acceptions proposées par la Chambre de commerce international

علامات اختصاری	سی و هفت
Ex works	à l'usine
F.A.S.	F.A.S.
(free alongside ship)	(franco le long du navire)
F.O.B.	F.O.B.
(Free on board)	(Franco à bord)
F.O.R. (Free on rail)	Franco Wagon
F.P.A.	F.P.A.
(Free of particular average)	(franc d'avaries particulières)
C. & F.	C. & F.
(cost and freight)	(coût et fret)
C.I.F.	C.I.F.
(cost, insurance, freight)	(coût, assurance, fret)
freight or carriage to paid	fret ou port payé jusqu'à
ex ship	ex ship
(named port of destination)	(port de destination convenu)
ex quay	à quai
(duty paid)	(dédouané)

منابع و مأخذ^(۱)

الف - کتابنامه

- *آرون، ریمون - مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی - ترجمه باقرپرهام - شرکت سهامی کتابهای جیبی، ج ۲، ۱۳۵۴، ۳۲۷ ص.
ابوالحمد، عبدالحمید - علم سیاست - دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، تهران ۱۳۵۴، ۱۰ + ۲۰۰ ص.
ابوسعیدی، مهدی - حقوق بشرو سیر تکامل آن در غرب - بی‌م، انتشارات آسیا، ۱۳۴۳، ۲۹۶ ص.
افتخاری، جواد - ولگردی از نظر حقوق جزای تطبیقی - بی‌ن، تهران ۱۳۴۷، پ + ۵ + ۵۴۲ ص.
امینی، محمد - ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، بی‌ن، تهران ۱۳۴۶، ۱۸۲ ص.
ایروانی، محمدکاظم - حقوق کار در ایران - بی‌ن، تهران ۱۳۵۲، ۲۰۴ ص.
باهری، محمد - حقوق جزای عمومی - بی‌ن، ۱۳۳۹، ۲۷۸ ص.

۱- کتابهایی که با علامت * مشخص شده است، کتابهایی است که از واژه‌نامه‌ها در تألیف این فرهنگ استفاده شده است.

- بهرامی، ایرج - اصول شرکتهای تعاونی - انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران ۲۵۳۵.
- پاد، ابراهیم - حقوق کیفری اختصاصی - جلد اول - جرایم نسبت به اشخاص - بی ن، چاپ دوم ۱۳۴۸، ۲ + ۴۱۵ ص.
- * تاریخ مختصر عقاید اقتصادی - ترجمه هوشنگ نهاوندی انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ب + ۳۸۵ ص.
- تفضلی، ابوالقاسم - قانون کار و بیمه های اجتماعی - انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۴۹، ۱۹۱ ص.
- تقی خانی، بهروز - حقوق جزای عمومی - بی ن، تهران ۱۳۵۱، ۱۳۲ ص.
- * پولانزاس، ن آ - واقعت و حقوق، جلد اول فلسفه حقوق - ترجمه نجاد علی الماسی - انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران ۲۵۳۵، ۲۶۰ ص.
- پیرایش، هایده - همکاری عمران منطقه ای، آر. سی. دی. دانشگاه تهران ۲۵۳۵.
- * پی یترز، آندره - مارکس و مارکسیسم - ترجمه شجاع الدین ضیائیان انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ۵ + ۳۶۵ ص.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر - دوره حقوق مدنی، عقد حواله انتشارات دانشگاه ملی، تهران ۱۳۵۴، ۲۲۴ ص.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر - حقوق ثبت - بی م. بی ن، ۲۵۳۵.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر - حقوق خانواده - بی م. بی ن ۲۵۳۵، ۱۱ + ۲۴۸ ص.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر - عقد ضمان - کتابهای جیبی، فرانکلین، ۱۳۵۲، ۴۲۸ ص.
- حکمت، سعید - پزشکی قانونی - وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۰، ۴ + ۳۱۱ ص.
- حکمت، سعید - روانشناسی جنائی - انتشارات دانشگاه ملی، تهران ۱۳۴۷، ۲۷۷ ص.

- حقاني زنجاني، حسين - حقوق خانواده در اسلام، تهران ۱۳۵۱، ص. ۱۸۹.
- خاکیپور، محمد مهدي - جرم شناسی زنان ناسازگار - مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران ۱۳۵۴، ص ۷۸۲ + جدول و نمودار.
- خلعتبری، ارسلان - حقوق بین الملل خصوصی - تهران بی ن، ۱۳۱۶.
- * خوانساری، محمد - منطق صوری - انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۲، ج ۱، ۱۳۴۶، ۵ + ۱۸۳، ج ۲، ۱۳۵۲، ۲۴۸ ص.
- دانش، تاج زمان - کیفرشناسی و حقوق زندانیان - انتشارات شورای پژوهش‌های علمی کشور، ۲۵۳۵.
- دانش، تاج زمان - اصول علم زندانها - بی ن، تهران ۱۳۵۳، ص. ۲۶۶.
- دانش، تاج زمان - دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی - بی ن تهران ۱۳۵۲، ۲۳۰ ص.
- دانش، تاج زمان - کیفرشناسی و حقوق زندانیان - بی ن، تهران ۲۵۳۵، ۴۸ + ۴۵۵ ص، مصور.
- دانش، تاج زمان - کیفرشناسی (یا علم زندانها) - انتشارات دانشگاه پلیس، تهران ۱۳۵۱، ۲۸ + ۲۷۵ ص، مصور.
- دولت‌شاهی، فتح‌الله - اقرار در حقوق مدنی ایران - بی ن، بی ت، ۱۱ + ۲۴۸ ص.
- * دوورژده، موریس - اصول علم سیاست - ترجمه ابوالفضل قاضی انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران ۱۳۴۹، ۲۹۵ ص.
- رشید، احمد - اسلام و حقوق بین الملل عمومی - ترجمه حسین سیدی انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی، تهران ۱۳۵۳، ۲۲۹ ص.
- رودباری، سید مجتبی - حقوق تجارت اسلامی - بی ن، قم ۱۳۸۳، ه. ق، ۶ + ۳۶۳ ص.
- سازمان زنان ایران - حقوق خانواده بزبان ساده - انتشارات سازمان زنان ایران، تهران، بی ن، ۱۰۵ ص.

- سمیعی، ح - حقوق جزا - بی م، بی ن، چاپ دوم، ۱۳۲۳، ج ۱۰ - ۱۹۴ ص.
- * سووه، توماس - فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی - ترجمه و تألیف م. آزاده، انتشارات مازیار، تهران ۱۳۵۴، ۹ - ۳۹۳ ص.
- شریف، علی اصغر - کاپیتولاسیون - انتشارات کوروش، تهران، ۱۳۵۴.
- صانعی، پرویز - حقوق جزای عمومی - انتشارات دانشگاه ملی، دو جلد، تهران ۱۳۵۲، ۱۳۵۴، ۴۰۵ ص و ۳۳۷ ص.
- صدر، جواد - حقوق دیپلماتیک و کنسولی - انتشارات مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۲۵۳۵، ۲۵۹ ص.
- صدر، حسن - حقوق زن در اسلام و اروپا - بی ن، تهران، ۱۳۱۹، ۱۷۴ ص.
- صفائی، سید حسین - مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی - انتشارات مرکز تحقیقات، تهران، ۲۵۳۵.
- صفی‌نژاد، جواد - بیه - انتشارات توس - تهران ۱۳۵۴.
- صقری، منصور - حقوق تجارت - بی م، بی ن، بی ت، ۳۱۲ ص.
- صلاحی، جاوید - کیفرشناسی - انتشارات دانشگاه ملی، تهران ۱۳۵۲.
- عامری، باقر - حقوق خانواده - انتشارات مدرسه عالی دختران، تهران ۱۳۵۰، ج ۱۰ - ۲۲۳ ص.
- عبادی، محمد علی - حقوق تجارت - انتشارات شرکت سهامی سپهر، چاپ سوم تهران، ۱۳۵۰، ۳۱۷ ص.
- عجمی، اسماعیل - شش‌دانگی - پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی، تهران ۱۳۵۴.
- عدل (منصور السلطنه)، میرزا مصطفی - حقوق اساسی یا اصول مشروطیت و شرح قانون اساسی تهران، بی ن، ۱۳۲۸، ۳۹۸ ص.
- عراقی، عزت‌الله - دوره حقوق کار، جلد اول، کلیات، روابط فردی کار - انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۲۵۳۶، ۱۰ - ۲۸۸ ص.

- علی آبادی، عبدالحسین - حقوق جنائی - جلد دو و سه، بی ن، تهران ۱۳۵۰، ۱۳۵۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی - حقوق اقلیتها بر اساس قانون قرارداد و ذمه - انتشارات صدر، ۱۳۵۱، ج + ۳۱۶ ص.
- غزالی، محمد - حقوق بشر - مقایسه منشور ملل و مفاهیم اسلام - ترجمه باقر موسوی، انتشارات محمد علی علمی، ۱۳۴۶، ۳۲۰ ص.
- * فروغی، محمد علی - سیر حکمت در اروپا - بنگاه مطبوعاتی صفیعی شاه، چاپ سوم، تهران ۱۳۱۸، سه جلد، ج ۱، ۲۸۸ ص، ج ۲، ۳۰۵ ص و ج ۳، ۳۴۰ ص.
- فیوضی، رضا - مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی - انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی، تهران ۱۳۵۲، ۱۷۶ ص.
- قائم مقامی، عبدالمجید - حقوق تعهدات - جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۵.
- کاتلی، حسینعلی - حقوق مدنی، عقود و تعهدات و الزامات - انتشارات مدرسه عالی بازرگانی، تهران، ۱۳۵۲، ۱۱۷ ص.
- کاتوزیان، ناصر - تعارض قوانین در زمان، حقوق انتقالی - انتشارات مدرسه عالی بیمه تهران، ۲۵۳۵، د + ۲۵۳ ص.
- کاتوزیان، ناصر - حقوق مدنی، عقود معین، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۲، ۱۶ + ۵۵۴ ص.
- گورویچ، ژرژ - درآمدی به جامعه شناسی حقوقی - ترجمه حسین حبیبی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ۳۹ + ۳۶۹ ص.
- متین دفتری، احمد - حقوق بشر و حمایت بین المللی آن - بی ن، ۱۳۴۸، ۸۴ ص.
- مشیر الملک، مهدی - حقوق بین الملل - تهران دار لطفاء، ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹.
- محسنی، مرتضی - دوره حقوق جزای عمومی، جلد اول کلیات حقوق جزا - انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴، ۴۲۸ ص.

- مصدق، محمد - مختصری از حقوق پارلمانی در ایران و اروپا - تهران بی ن، ۱۳۰۲:
- مظلومان، رضا - جامعه شناسی کیفری - بی ن، تهران ۱۳۵۱، ۱۵+۳۹۳ ص.
- مظلومان، رضا - جرم شناسی - انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران ۲۵۳۵.
- * منتظر ظهور، محمود - مقدمه ای بر مبانی سیاست اقتصادی - انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، خ+ ۲۹۰ ص.
- ملک اسماعیلی، عزیز الله - حقوق جزای عمومی - انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۵، ۱۳۷ ص.
- ممتاز، جمشید - حقوق دریاها - انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی، ۱۳۵۴، ۱۰۵ ص.
- ناصر امینی، ضیاء الدین - حقوق اداری ایران زمان صفویه، بی ن مشهد ۱۳۴۶، ۲۳۳ ص.
- نیاکی، جعفر - حقوق سازمانهای بین المللی - دانشگاه ملی ایران تهران ۱۳۵۴، ۵۶۳ ص.
- نقیب زاده طباطبائی، میر عماد - حقوق اساسی - بی ن، تهران ۱۳۴۳، ۱۶۰ ص.
- واعظی، ابو الفضل - مرور زمان کیفری از نظر قوانین سابق و لاحق، تهران ۱۳۵۴.

ب - مقررات حقوقی

- مجموعه قوانین سال ۱۳۵۲ نشریه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران
- مجموعه قوانین سال ۱۳۵۳ « « « « « «
- « « « « « « ۱۳۵۴ « « « « « «
- مجموعه قوانین و مقررات گمرکی، بنادر و کشتی رانی - دریائی و ترانزیت - تدوین غلامرضا حجتی اشرفی، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۵۳.

- مجموعه قوانین بازرگانی و تجاری - تدوین غلامرضا حجتی اشرفی ،
انتشارات جاویدان تهران بی ت.
- مجموعه قوانین مالیاتهای مستقیم - گردآورنده روح الله وهمن - انتشارات
زرین ، تهران ۱۳۵۳.
- مجموعه کامل قوانین استخدامی - گردآورنده روح الله وهمن - انتشارات
زرین ، تهران ۱۳۵۴.
- مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوقی - زیر نظر غلامعلی امیری ، تدوین
غلامرضا اشرفی - انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۵۴.
- مجموعه کامل قوانین و آئین نامه های مربوط به ثبت اسناد و املاک، تدوین
مجتبی اشرفی - انتشارات گنج دانش، تهران ۲۵۳۵.
- مجموعه قوانین کار و بیمه های اجتماعی - گردآورنده امین تهرانی ،
انتشارات خورشید نو، تهران ۱۳۵۴.

LISTE DES TRANSLITTÉRATIONS*

SYSTÈME DE TRANSLITTÉRATION DES CARACTÈRES ARABES

Consonnes

Voyelles longues Diphtongues

ا (sauf à l'initiale)	ذ	z	ق	k	آ ا ي	و	aw
ب	b	س	ک	k	و	ا	ay
ت	t	ش	ل	l	ی	آ	
ث	th	ص	م	m		آ	iy (forme finale i)
ج	dj	ض	ن	n	Voyelles brèves		
ح	h	ط	ه	h	ا	و	uw (forme finale u)
خ	kh	ظ	و	w	ا	و	
د	d	ع	ی	y	آ	ی	
ذ	dh	غ	gh				
ر	r	ف	f				

ا a, at (état construit)

ال (article), al-et l- (même devant les antéro-palatales)

ADDITIONS PERSANES

پ	p	ژ	zh
گ	g	گ	g

* چون بعضی از اصطلاحات و واژه‌های فنی و حقوقی اسلامی که به همان صورت اصلی‌شان از زبان عربی وارد زبان فرانسه شده است و تعدادی از آن در این فرهنگ به چشم می‌خورد از «دایرة المعارف اسلامی» چاپ ۱۹۶۰ اقتباس شده است، لذا قاعده آوانویسی عرب - لاتین و فارسی - لاتین همین دایرة المعارف را هم این جا نقل کرده‌ایم.

ENCYCLOPÉDIE DE L'ISLAM- LEYDE-PARIS, 1960...

ج

lieu, endroit, place, emplacement	جا
blessures graves	جائفه / جراحت عمیق
despote, tyran, autocrate, dictateur	جابر
despotisme, tyrannie, autocratie, dictature	جابرانه
migration, mutation, changement de place	جا به جا شدن اشخاص
transport, transbordement	جا به جا کردن بار
م. ۴۵۸. ق. س. ۱۳۴۳	
magie	جادو
magicien	جادوگر
route, chemin, voie	جاده
م. ا. آ. ر. ر.	
voie carrossable, route, chaussée	جاده اتوموبیل رو
chemin vicinal	جاده ارتباطی بین بخش ها و روستاها
route principale	جاده اصلی
م. ا. آ. ر. ر.	
voie privée	جاده خصوصی
chemin rural, chemin de terre	جاده روستایی
	جاده ساحلی
accès à la plage, descente à la plage, chemin sablonneux, chemin de halage	

route secondaire	جاده فرعی
chemin carrossable	م. ا. آ. ر. ر
route internationale, voie internationale	جاده قابل عبور و مرور و سائط نقلیه
crieur public, garde champêtre	جاده‌های بین‌المللی
tapage nocturne	جارچی
courant, en cours, qui s'écoule	جار و جنجال شبانه
eau courante	جاری
affaire courante	آب جاری
compte—courant	امور جاری
mois courant	حساب جاری
règlement courant	ماه جاری
espion	مقررات جاری
	جاسوس
indicateur, mouchard (fam.), limier	م. ۶۶. ق. م. ع
espionnage	جاسوس پلیس
	جاسوسی
	م. ۶۸. قرارداد زنو راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ
espionnage en période de guerre	جاسوسی در زمان جنگ
faussaire, contrefacteur	جاعل (جعل کننده)
	م. ۱۰۰. ق. ث.
polliciteur, offrant	جاعل (ملتزم در جعاله)
	م. ۵۶۲. ق. م.
	جاعل اسناد رسمی
auteur d'un faux en écriture authentique et publique (art. 145 s C. pén.)	
	م. ۱۰۰. ق. ث.
conforme, régulier, exhaustif	جامع (یکی از ارکان چهارگانه تمثیل)
	جامع الشرايط
remplissant toutes les conditions requises, conforme aux exigences requises	
souche, lignée, ligne directe	جامع نسب
universalité et propre, inclusive et exclusive	جامع و مانع

communauté, société	جامعه
communauté primitive, société primitive	جامعه ابتدایی / جامعه عقبمانده
société fermée, société secrète	جامعه بسته
humanité, communauté humaine	جامعه بشری
communauté internationale	جامعه بین الملل
communauté rurale, société rurale	جامعه روستایی
société capitaliste	جامعه سرمایه داری
communauté politique, société politique	جامعه سیاسی
sociologue	جامعه شناس
sociologie	جامعه شناسی
sociologie économique	جامعه شناسی اقتصادی
sociologie éducative	جامعه شناسی پرورشی
sociologie historique	جامعه شناسی تاریخی
sociologie analytique	جامعه شناسی تحلیلی
sociologie criminelle	جامعه شناسی جنایی
sociologie juridique, science juridique	جامعه شناسی حقوقی
sociologie politique, science politique	جامعه شناسی سیاسی
sociologie urbaine	جامعه شناسی شهری
sociologie industrielle	جامعه شناسی صنعتی
sociologie générale	جامعه شناسی عمومی
sociologie quantitative	جامعه شناسی کمی
sociologie théorique	جامعه شناسی نظری
société urbaine	جامعه شهری
société civilisée, société avancée, société moderne	جامعه متمدن
société prospère, société d'abondance	جامعه مرفه
communauté économique	جامعه مشترك اقتصادی
	جامعه مشترك حقوقی
communauté politique, Société des Nations	جامعه ملل
	س ۱۸. م. ق. و
communauté nationale	جامعه ملی
sociographie	جامعه نگاری

۲	جامعه و کلاء
barreau, ordre des avocats	جامعه و کلاء
corps	جان/جسم
	م. ۲۰۲. ق. ۵
corps, vie, existence	جان اشخاص
	م. ۲۰۲. ق. ۵
côté, flanc, direction, sens	جانب
partialité, parti-pris	جانب‌داری
collatéral	جانبی
partialité du juge	جانب‌داری قاضی
remplaçant, suppléant, substitut, ayant-droit.	جانشین
	م. ۱۶۶. ق. ن. و
attestation de défaut de paiement du chèque	جانشین اصل چک
	م. ۵. ق. ج.
représentation de défunt	جانشین متوفی
	م. ۲۹۷. آ. د. م.
substitution de peine, commutation de peine	جانشین مجازات
	م. ۵. ق. ا. ت.
remplacement	جانشینی
substitution, représentation	جانشینی در اعمال حق
substitution d'états, succession d'états	جانشینی دولتها
loi applicable par substitution	جانشینی قانون داخلی
	جانشینی و وراثت در معاهدات
représentation et substitution dans les contrats	
être animé, animal	جانور
animal nuisible	جانور زیانکار
	م. ۵. آ. ا. ق. ش. ص.
criminel, délinquant	جانی
délinquant occasionnel, criminaloïde	جانی اتفاقی
délinquant d'habitude	جانی اعتیادی
forçats, condamnés aux travaux forcés	جانیان محکوم به اعمال شاقه
criminel-né	جانی بالذات

criminel-né	جانی بالفطره
criminel d'habitude, délinquant d'habitude	جانی به عادت
criminel de grande envergure	جانی حرفه‌ای
coupable d'attentat aux mœurs, criminel passionnel	جانی شهوانی
éternel, permanent, perpétuel	جاودانه
ambitieux	جاه طلب
ambition	جاه طلبی
ignorant, ignare, inculte, illettré	جاهل
ignorant d'une décision de justice	جاهل به حکم
ignorant de la menace d'un droit de préemption	جاهل به فوریت حق شفعه
profane, non-averti	جاهل به موضوع
	جاهلیت/ دوره جاهلیت
ignorance (époque antérieure à Mahomet), paganisme, djāhiliya	جای پا
empreinte, trace de pas	جای خالی
locaux vides, lieux inoccupés	جای خالی از سکنه
lieux inhabités	جای خالی بین دو سطر
interligne, blanc, intervalle	جای دور افتاده
terres lointaines, lieux inexplorés, terres vierges	جایز/ صلاح
autorisé, permis, licite	م ۸۴. ق. م
possession réelle, être en possession	جایز التصرف
	م ۸۳۵. ق. م
prime	جایزه
prime publicitaire	جایزه تبلیغاتی
prime à l'exportation	جایزه صدور/ جایزه برای صادرات
	م ۲. ق. ۱. ق. م. م
	جای سفید گذاشتن در دفاتر تجاری
blancs laissés dans les livres de commerce	م ۱۳. ق. ت
local, loge, place, logement	جایگاه
lieu d'exécution	جایگاه اعدام

place du ministère public au prétoire lieu public	جایگاه دادستان در دادگاه جایگاه عمومی
	م ۱۰۳. آ. د. م
siège des juges au tribunal	جایگاه قضات در دادگاه
box des accusés, banc des accusés	جایگاه متهمین در دادگاه
banc de la défense, barre	جایگاه وکلاء مدافع در دادگاه
remplacer, substituer	جایگزین
	م ۲۷. ق. معادن
remplacement du protêt de la lettre de change	جایگزینی اعتراضنامه برات
	م ۲۹۵. ق. ت
	جای نشستن
remplacer, tenir lieu de, venir aux lieu et place de, se substituer à eunuque, castré	جُب / مقطوع بودن آلت تناسل
force, violence	جبر / زور / خشونت
	م ۲۳۳. ق. م. ع
de force, par la force	جبراً
indemnisation, dédommagement	جبران
réparable	جبران پذیر
	جبران حوادث ناشی از کار
réparation d'un accident du travail, indemnisation	
dédommagement, réparation, dommages et intérêts	جبران خسارت
	م ۱. ق. م. ع
restitution, règlement de la contre-valeur	جبران خسارت به معادل
	جبران خسارت طبق قرار قبلی یا مقررات مصوبه
indemnisation, réparation forfaitaire, dédommagement selon des normes arrêtées	
indemniser, dédommager, réparer	جبران خسارت کردن
désintéressement de la victime, indemnisation	جبران خسارت مجنی علیه
	جبران خسارت مصادره
indemnité d'expropriation, indemnité de réquisition	

جبران خسارت وارده از ناحیه مولی علیه	
م ۷. ق. مسئولیت مدنی	
responsabilité civile du fait d'un incapable	
جبران خسارت وارده به مولی علیه	
م ۷. ق. مسئولیت مدنی	
réparation du dommage causé à l'incapable	
جبران ضرر و زیان	dedommagement, réparation, dommages et intérêts
س ۱۴۵. م. ق. ح. خ	
جبران کننده زیان	réparateur d'un dommage
م ۷. ق. مسئولیت مدنی	
جبران ناپذیر	irréparable
م ۵. ق. ا. ا	
جبر بین المللی	force majeure internationale
م ۴۵. م. م. م	
جبر تاریخی	déterminisme historique, historicité
جبر روانی	contrainte morale, instinct irrésistible
جبر علمی	déterminisme scientifique, lois de la nature
جبر قانونی	coercition, force légale
جبر مادی/ فشار جسمی	contrainte physique
جبر مادی/ فشار مالی	contrainte matérielle
جبر مطلق/ قضا و قدر	fatalisme, fatalité
جبر و عنف مادی	force, contrainte physique, violence
جبری/ فرس ماژور	force majeure
م ۲. قرارداد بین المللی برقراری بعضی از مقررات متحدالشکل در تصادم کشتیها	
جبهه	front
جبهه آزادی بخش	front pour la liberté, front pour la libération
جبهه مستحکم	premières lignes fortifiées
جد	ascendance
م ۸۶۰. ق. م	
جدّ ابی/ جدّ پدری	aïeux paternels, ancêtres paternels
م ۸۶۰. ق. م	

isolé, séparé, détaché, exclu, évincé	جدا
séparation	جدایی
séparation de copps	جدایی ابدان
division des biens, partage. séparation des patrimoines	جدایی دارایی
mur de communication, cloison, paroi	جدار یا دیوار بین دو اتاق
divisé, mis à part, partagé, scindé, Séparé	جدا شده
aïeux maternels, ancêtres maternels	جدّ امی
۸۶۲۰ ق م	
aïeules maternelles, grand-mères	جدّات
ascendants au deuxième degré, grands-parents	جدّات ادنی
ascendants au troisième degré, arrière-grands-parents	جدّات اعلی
ascendants dans la parenté de lait	جدّات رضائی
querelle, bagarre, rixe	جدال
conflit international	جدال بین المللی
dispute, discussion, polémique, scène	جدال لفظی
mortification	جدال نفسانی
ascendants au deuxième degré, grands-pères	جدّ اول
grand-père paternel, aïeul	جدّ پدری
۸۶۰۰ ق م	
dispute, querelle, discussion, polémique, dialectique	جدل
tableau, table, grille	جدول
barème d'augmentation	جدول اضافات
liste des maladies du travail	جدول بیماری‌های حرفه‌ای
tableau d'avancements	جدول ترفیعات
tableau d'avancement d'échelon	جدول ترفیع رتبه
۱۵۰۰ ق م، ۱۰۰۰ ق م، ۱۰۰ ق م	
échelle des salaires	جدول حقوق
۳۱۰ ق م، ۱۰۰ ق م	
taux des incapacités de travail	جدول درجه ازکارافتادگی
جدول راهنمای عملیات حساب یا تعرفه‌ها	
répertoire, indexe, nomenclature des tarifs	

tableau d'exemption d'impôts pour les entreprises industrielles	جدول معافیت‌های مالیاتی صنعتی
tableau unique	جدول واحد
aïeule	جدّه
aïeule paternelle, grande-mère paternel	جدّه ابی
arrière-grand-mère	جدّه اعلی
grand-mère maternelle	جدّه امی
ancestral	جدّی/مربوط به اجداد
récent, nouveau, de fraîche date	جدید/تازه
construction neuve, édifice nouveau, édifice récemment bâti	جدیدالاحداث
attirant, tentant, charmant	جذاب
lèpre	جذام
lépreux	جذامی
audace, hardiesse, témérité	جرات
délinquance, infractions, délits	جرائم
délinquance occasionnelle	جرائم اتفاقی
délits du droit des gens, infractions sociales	جرائم اجتماعی
délits spéciaux	جرائم اختصاصی
fautes disciplinaires	جرائم اداری
infractions commises à l'étranger	جرائم ارتكابی در خارج کشور
infraction à la réglementation sur les devises	جرائم اسعاری

délinquance juvénile	جرائم اطفال
infractions économiques	جرائم اقتصادی
crimes et délits contre les propriétés	جرائم اموال
délits électoraux	جرائم انتخاباتی
fautes disciplinaires	جرائم انضباطی
attentats à la liberté	جرائم برضد آزادی
art. 114 à 122 C. pén.	
	جرائم برضد آزادی تن
arrestations illégales et séquestrations de personnes	
art. 341 à 344 C. pén.	
atteintes à la liberté de pensée	جرائم برضد آزادی معنوی
attentats aux mœurs	جرائم برضد اخلاق حسنه
art. 330 à 340 C. pén.	
atteintes à la moralité publique	جرائم برضد اخلاق عمومی
crimes et délits contre les personnes	جرائم برضد اشخاص
art. 295 à 378 C. pén.	
crimes et délits contre la sûreté de l'Etat	جرائم برضد امنیت کشور
art. 70 à 103 C. pén.	
crimes et délits contre les propriétés	جرائم برضد اموال
art. 379 à 463 C. pén.	
délits du droit des gens	جرائم برضد بشریت
infractions au code de la santé publique	جرائم برضد بهداشت
	جرائم برضد تکالیف خانوادگی
infractions aux devoirs familiaux, abandon de famille	
	جرائم برضد تمامیت جسمانی اشخاص
crimes et délits contre les personnes, atteintes à l'intégrité corporelle	
infractions sociales	جرائم برضد جامعه
	جرائم برضد حیثیت و شرافت اشخاص
diffamation, injures, révélation de secrets, infractions contre l'honneur des personnes	

infractions contre la famille	جرائم برضد خانواده
atteintes à la défense nationale	جرائم برضد دفاع ملی
art. 74 à 85 C. pén	
atteintes à la santé des personnes	جرائم برضد سلامت اشخاص
diffamation	جرائم برضد شخصیت معنوی افراد
crimes et délits contre la paix publique	جرائم برضد صلح
art. 132 à 294 C. pén.	
attentat à la pudeur	جرائم برضد عفت عمومی
attentat à la pudeur	جرائم برضد عصمت عمومی
crimes et délits contre la chose publique	جرائم برضد مصالح عمومی
art. 70 à 294 C. pén.	
	جرائم برضد مصالح عمومی کشور
attentats, complots et autres infractions contre l'autorité de l'Etat et l'intégrité du territoire national (art. 86 à 92 C. pén.)	
infractions internationales	جرائم بین المللی
délit d'abandon de famille	جرائم ترك خانواده
délits d'omission, infractions d'omission	جرائم ترك فعل
délits de faux	جرائم تزویر
	م ۱۰۴. ق. م. ع
infractions pénales	جرائم جزائی
délits de faux	جرائم جعل
	م ۱۰۱. ق. م. ع
crimes	جرائم جنائی
	جرائم جنسی
attentats aux mœurs (attentat à la pudeur, débauche, homosexualité, outrage public à la pudeur, racolage, viol)	
crimes de guerre	جرائم جنگی
délinquance juvénile	جرائم جوانان
crimes et délits contre la chose publique	جرائم حقوق عمومی
art 70-294 c. pén.	
fautes disciplinaires	جرائم خدمتی
	م ۹۲. ق. ا. ک

infractions assorties de violences	جرائم خشونت آمیز
contraventions	جرائم خلافی
contraventions au code de la route	جرائم خلافی مربوط بدامور رانندگی
	م. ا. ق. د. اختیار افسران شهر بانی در وصول جرائم رانندگی
infractions collectives	جرائم دسته جمعی
infractions concernant la pollution de l'eau	جرائم راجع به آلودگی آب
infractions au code de la route	جرائم رانندگی
	ق. د. اختیار افسران شهر بانی در وصول جرائم رانندگی
	جرائم رشوه خواری
forfeiture, crimes et délits des fonctionnaires publics dans l'exercice de leurs fonctions, concussion	
infractions artificielles	جرائم ساختگی
délits politiques, infractions politiques	جرائم سیاسی
	م. د. د. ق. م. خ
infractions commises par des mineurs	جرائم صغار
délits du droit des gens	جرائم ضد انسانیت
crimes contre la paix	جرائم ضد صلح
infractions de droit commun	جرائم عادی
attentats aux mœurs	جرائم علیه اخلاق
crimes et délits contre les personnes	جرائم علیه اشخاص
crimes et délits contre les propriétés	جرائم علیه اموال
	جرائم علیه شرافت
diffamation, injures, dénonciation calomnieuse, révélation	
	جرائم علیه صلح و امنیت بشریت
crimes et délits contre la paix et l'humanité	
attentats aux mœurs, attentats à la pudeur	جرائم علیه تفت
	جرائم علیه مالکیت
crimes et délits contre les propriétés, atteinte aux biens	
infractions contre la religion	جرائم علیه مذهب
atteintes à l'ordre public	جرائم علیه نظم عمومی
infraction intentionnelle	جرائم عمدی

infractions de droit commun	جرائم عمومی
	م. ق. م. ع. ۲۴
infractions non intentionnelles	جرائم غیر عمدی
infractions d'omission	جرائم فعل ناشی از ترك فعل
infractions instantanées	جرائم فوری
infractions correctionnelles, délits	جرائم قابل رسیدگی در دادگاه جنحه
infractions avec complicité	جرائم قراردادی
délits des fonctionnaires publics	جرائم کارمندان دولت
infractions douanières	جرائم گمرکی
	جرائم مأمورین دولت به سبب انجام وظیفه
délits des fonctionnaires publics à l'occasion de leurs fonctions	جرائم مأمورین دولت در حین انجام وظیفه
délits des fonctionnaires publics pendant la durée de leurs fonctions	جرائم مأمورین دولت در حین انجام وظیفه
infractions financières	جرائم مالی
	ص ۱۸۷، م. ق. س ۱۳۴۳
infractions fiscales	جرائم مالیاتی
infractions complexes, cumul d'infractions	جرائم متعدد
infractions complémentaires, cumul idéal d'infractions	جرائم متمم
infractions continues	جرائم متوالی
infractions complexes	جرائم مختلط
fautes civiles	جرائم مدنی
	جرائم مربوط به اموال اشخاص
crimes et délits contre les propriétés, infractions contre les propriétés	جرائم مربوط به تقلبات انتخاباتی
fraudes électorales, infractions électorales	جرائم مربوط به جرم و جان اشخاص
atteintes à l'intégrité corporelle et à la vie des gens	جرائم مربوط به دارائی اشخاص
atteintes aux biens	جرائم مربوط به قوانین مطبوعاتی
délits de presse	جرائم مرتبط
infractions connexes	جرائم مرکب
infractions complexes	جرائم مرکب

flagrants délits	جرائم مشهوده
	م. ۸۴. ق. م. ن
infractions artificielles	جرائم مصنوعی
délits de presse	جرائم مطبوعاتی
infractions par imprudence	جرائم ناشی از بی احتیاطی
infractions contre la personne du roi	جرائم نسبت به شاه
	جرائم نسبت به موازین اخلاقی واجتماعی
atteintes aux principes moraux, attentats aux moeurs et délits sociaux	
délits militaires	جرائم نظامی
banqueroute et escroquerie en matière de faillite	جرائم ورشکستگی
	جرائم وصولی / جرائم صاحبجمعان
soustractions commises par les dépositaires publics	
	م. ۱۹. ق. م. ق
délit d'attroupement	جرائمی که باعث تحریک کنجکاوی عمومی است
	جرائمی که بین کارکنان کشتی روی میدهد
délits commis sur un navire par les membres de l'équipage	
	جرائمی که در کشتی بوسیله یا برضد اشخاصی غیر از کارکنان کشتی صورت میگیرد
délits commis sur un navire et concernant les passagers	
blessure	جراح
chirurgical	جراح
	م. ۱۰۹. ق. م. ع
blessure	جراحت
	م. ۱۶۶. ق. م. ع
journaux, presse	جراید
	م. ۱۰۰. ق. آ. د. م
blessure	جرح (زخم بدن)
	م. ۱۷۱. ق. م. ع
	جرح (اسناد دادن امری به شاهد برای از اعتبار انداختن شهادت او)
récusation de témoin	
	م. ۱۳۱۳. ق. م. د. م. ۴۱۳. ق. آ. د. م

coups et blessures involontaires	جرح بر اثر سانحه
équilibre budgétaire, ajustement du budget	جرح بودجه (تعدیل بودجه)
	اصل ۱۸. ق. ۱
جرح به وسیله چاقو (تبصره ماده واحده قانون اصلاح بعضی از مواد قانون کیفر عمومی)	
blessure par couteau, blessure par arme blanche	
coups et blessures encourant une peine criminelle	جرح جنائی
délits de coups et blessures	جرح جنجه‌ای
récusation de témoins	جرح شهود/ جرح گواه
	م. ۴۱۳. آ. د. م
coups et blessures volontaires	جرح عمدی
blessures volontaires ayant entraîné la mort	جرح عمدی منتهی به فوت
coups et blessures involontaires	جرح غیر عمدی
	م. ۱۷۴. ق. م. ع
	جرح غیر عمدی منتهی به فوت
blessures involontaires ayant entraîné la mort	
légitime défense	جرح قانونی
modifier l'économie du contrat	جرح قرارداد (تعدیل قرارداد)
	بند ۵. توصیه‌های توافق شده درباره تصفیه دیون آلمان
modification juridique, amendement	جرح قضائی
récusation de témoin	جرح گواه/ جرح شاهد
	م. ۴۱۳. آ. د. م
récuser le témoignage	جرح گواهی گواه
blessures ayant entraîné la mort	جرح منتهی به موت
	م. ۱۷۱. ق. م. ع
	جرح ناشی از بی احتیاطی
blessures par imprudence, blessures involontaires	
	م. ۱۷۴. ق. م. ع
blessures par imprudence ou négligence	جرح ناشی از بی دقتی
blessures par négligence ou imprudence	جرح ناشی از بی مبالاتی
	جرح ناشی از عدم رعایت نظامات
blessures résultant du non-respect des règlements	

	جرم ناشی از عدم مهارت
blessures provenant de l'incapacité ou de la maladresse	
équilibre, ajustement	جرم و تعدیل
	م ۳. قانون اجازه استخدام متخلفین مالی
équilibre du budget, ajustement du budget	جرم و تعدیل بودجه
	اصل ۱۸. ق. ۱
aménagement du contrat, modification du contrat	جرم و تعدیل قرارداد
parmi, au milieu de, entre, au sein d'e	جرم
masse, matière, déchet, dépôt, lie	جرم
infraction	جرم
	م ۷. ق. م. ع
infractions continues successives	جرم آتی
infractions instantanées	جرم آتی
infractions sociales	جرم اجتماعی
infractions spéciales	جرم اختصاصی
	جرم ارتشی
infractions militaires (infractions purement militaires, infractions militaires mixtes)	
	م ۱۵. عهدنامه استرداد متصرفین ایران و ترکیه
usurpation de titres ou fonctions	جرم استعمال از امتیاز دولتی
	art. 258 à 261 C. pén.
port illégal de costume officiel	جرم استعمال لباس رسمی
port illégal de décorations	جرم استعمال نشان دولتی
infraction passible d'une peine de nature plus grave	جرم اشد
infractions nécessaires	جرم اضطراری
faits punissables sous certaines conditions	جرم اعتباری
infractions d'habitude	جرم اعتیادی
infraction parfaite	جرم انجام یافته
faute disciplinaire	جرم انضباطی
crimes et délits envers l'enfant	جرم بدرفتاری نسبت به طفل
	art. 345 à 353 C. pén

infraction d'habitude	جرم به عادت
délits par imprudence	جرم بی احتیاطی
infractions internationales	جرم بین المللی
infractions continues	جرم پایدار
infraction parfaite	جرم نام
infraction connexe	جرم تبعی
infraction praeter-intentionnelle	جرم تجاوز از حدود اراده
infraction par omission	جرم ترك فعل
diffamation, injure	جرم توهین یا ناسزاگوئی
infraction annexe	جرم ثانوی
	م ۷۲. آ. د. ك
espionnage	جرم جاسوسی
	م ۶۷ مكرر. ق. م. ع
infraction nouvelle	جرم جدید
	م ۲. قانون وادار نمودن مجوسین بدکار
infraction punissable	جرم جزائی/جرم قابل مجازات
faux dans les écritures	جرم جعل سند
	جرم جمعی متحد المقصد
infraction collective par unité de but, infraction continuée	
délit	جرم جنحه ای
faute civile	جرم حقوقی/جرم مدنی
infraction spéciale	جرم خاص
délit par imprudence, faute, infraction par imprudence	جرم خطائی
contravention de police	جرم خلاف
infraction continue	جرم دائمی
infraction fiscale, fraude fiscale	جرم در امور مالیات
délits forestiers	جرم در امور جنگل
délits de pêche	جرم در امور صید
infractions d'audience	جرم در جلسه دادگاه
infractions économiques	جرم در قوانین اقتصادی
infractions collectives	جرم دستجمعی

infractions collectives par unité de but	جرم دستجمعی برای هدف واحد
délits ruraux	جرم روستائی
adultère	جرم زنا
infraction précédente, premier terme de la récidive	جرم سابق
	م ۲. قانون وادار نمودن مجوسین به کار
infraction artificielle	جرم ساختگی
infraction simple	جرم ساده
délit assorti de circonstances aggravantes	جرم سنگین
infraction politique	جرم سیاسی
	م ۵۹. ق. م. ع
quasi-délit	جرم شبه عمد
criminologie	جرم‌شناسی
sociologie criminelle	جرم‌شناسی اجتماعی
criminologie spéciale	جرم‌شناسی اختصاصی
criminologie clinique	جرم‌شناسی بالینی
psychologie criminelle (psychiatrie)	جرم‌شناسی بر اثر روانکاوی
biologie criminelle	جرم‌شناسی بیولوژیک
criminalistique, police scientifique	جرم‌شناسی تحلیلی / جرم‌شناسی علمی
psychologie criminelle (psychologie, psychanalyse)	جرم‌شناسی روانی
médecine légale	جرم‌شناسی طبی
criminologie scientifique	جرم‌شناسی علمی
criminologie générale	جرم‌شناسی عمومی
émission de chèque sans provision	جرم صدور چک بلامحل
infraction artificielle	جرم صوری / جرم ساختگی
infraction naturelle	جرم طبیعی
infraction de droit commun	جرم عادی
infraction générale	جرم عام
délit d'opinion	جرم عقیده
infraction manquée	جرم عقیم
infraction intentionnelle	جرم عمد
infraction de droit commun	جرم عمومی

infraction non intentionnelle	جرم غیر عمد
infraction non flagrante	جرم غیر مشهود
délit de fuite	جرم فرار
infraction par commission	جرم فعل
infraction de commission par omission	جرم فعل ناشی از ترك فعل
contrebande	جرم قاچاق
	م ۲. ق. م. م. ق
contrebande d'armes et d'or	جرم قاچاق اسلحه و طلا
	م ۲۵. ق. م. ع
infractions prévues par la loi	جرم قانونی / جرم پیش بینی شده در قانون
infraction précédente	جرم قبلی
homicide, meurtre, assassinat	جرم قتل
	جرم قذف
diffamation, révélation de pratiques homosexuelles ou d'adultère	
délit pénal	جرم کیفری
	م ۵. قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی
hausse illicite des prix	جرم گران فروشی
infraction non intentionnelle, contravention	جرم مادی
infractions financières	جرم مالی
infractions fiscales	جرم مالیاتی
infractions causes d'indignité successorale	جرم مانع ارث
	م ۸۵۲. ق. م
infraction continuée	جرم متصل
infraction continuée politique	جرم متصل سیاسی
infraction continue successive	جرم متواتر
infraction impossible	جرم محال
infraction complexe	جرم مختلط
délit civil	جرم مدنی
infractions collectives par unité de but	جرم مرتبط
infraction complexe	جرم مرکب
infraction complexe politique	جرم مرکب سیاسی

۲۰	جرم مستقل
infraction isolée, infraction unique, infraction simple	جرم مستقل
infraction continue	جرم مستمر
infraction distincte	جرم مشخص
flagrant délit	جرم مشهود
	م ۲۳. آ. د. ك
délit artificiel	جرم مصنوعی / جرم ساختگی
délits de presse	جرم مطبوعاتی
	م ۲. ق. ه. م
infraction formelle, infraction	جرم مطلق
	جرم معلق
infraction interrompue, infraction tentée, infraction manquée	جرم مغایر حیثیت خانوادگی
infraction contraire à l'honneur de la famille	
infraction contraire à l'honneur de la famille	جرم مغایر شئون خانوادگی
infraction non réalisée	جرم مقید
infraction répétée, infraction continue successive	جرم مکرر
infraction impossible	جرم ممتنع
infraction possible	جرم ممکن
infraction provisoire	جرم موقتی
infractions purement militaires	جرم نظامی
	م ۳. عهدنامه استرداد مجرمین بین ایران و پاکستان
infractions militaires mixtes	جرم نظامی مختلط
infraction simple	جرم واحد
infraction consommée	جرم وقوع یافته
délit d'homosexualité	جرم همجنس بازی
infraction continue permanente	جرم همیشگی
poursuite de l'infraction, criminalistique	جرم یابی / کشف جرم
	جرمی که مجازات آن قانوناً قابل تخفیف است
infraction assortie de circonstances atténuantes	
discussion	جر و بحث
écoulement des eaux usées, vidange	جریان آبهای مضر

canalisation de l'eau	جریان آبهای مفید
procédure d'exécution	جریان اجرایی
	م ۶۱. ق. د. ا. ر
procédure d'instruction	جریان استنطاق
	م ۱۰۳. ق. م. ن
courant électrique	جریان الکتریک
procédure électorale, déroulement des élections, élections	جریان انتخابات
circulation de la monnaie	جریان پول
	م ۳۸. ق. ا. ب. ا
marche de la procédure sur requête	جریان دادخواست
	م ۸۹. آ. د. م
déroulement de la procédure	جریان دادرسی
	م ۶۴. آ. د. م
déroulement de la procédure d'arbitrage	جریان داوری
۴۱. موافقتنامه تفحص و اکتشاف و بهره برداری نفت بین شرکت ملی نفت و شرکت پان امریکن	
formalisme judiciaire, déroulement du procès	جریان دعوی
	م ۳۲۶. ق. ت
circulation de fonds, déplacement de capitaux	جریان سرمایه
procédure judiciaire	جریان قضائی
procédure de prescription	جریان مرور زمان
	م ۷۵۳. آ. د. م
surface agraire (généralement de 10.000 m2)	جریب
	م ۴۵. آ. ا. ا
impôt foncier proportionnel à la superficie	جریبانه
	م ۱. ل. ا. ع. د
attentat à la pudeur publique	جریه دار ساختن عفت عمومی
	م ۱۵. آ. ن. ب. ف
attentat aux sentiments publics	جریه دار کردن احساسات جامعه
	م ۹۷۵. ق. م
journalisme	جریده نگاری / روزنامه نگاری
۳. مقاله نامه مربوط به تعطیل هفتگی در مؤسسات اداری و بازرگانی	

crime	جریره / جنایت
amende, peine pécuniaire	جریره
	م. ۸۰۴. ق. ۴. م. ق
amende administrative	جریره اداری
	جریره امور خلافی که به حکم محکمه وصول میشود
amende fixée par le tribunal de Police	
amende disciplinaire	جریره انضباطی
	جریره انکار سند
amende imposée à celui qui a nié l'acte, amende pour dénégation abusive	
	م. ۴۰۵. آ. د. م
amende au bénéfice du Trésor	جریره به نفع خزانه
amende de retard pour l'impôt provisionnel	جریره تأخیر اقساط مالیاتی
	جریره تأخیر انجام کار یا تحویل جنس
amende pour livraison ou exécution tardives	
amende pour paiement tardif de l'impôt	جریره تأخیر پرداخت مالیات
amende pour paiement tardif	جریره تأخیر تأدیه
amende de police	جریره خلاف
	جریره خلاف راهنمایی و رانندگی
amende de police pour infraction au code de la route	
amende contraventionnelle fixe	جریره خلاف طبق تعرفه ثابت
	جریره خلاف که بدون مراجعه به دادگاه دریافت میشود
amende forfaitaire, amende fixée sans recours au tribunal	
amende civile	جریره در امور حقوقی/جریره در امور مدنی
amende fiscale	جریره در امور مالی
amende pénale	جریره در امور جزائی
	جریره دعوی جعل
amende imposée à celui qui nie les éléments de la demande,	
amende imposée à celui qui déclare à tort une procédure dénuée de fondement	
	م. ۴۰۵. آ. د. م

amende de retard, amende pour paiement tardif	جریمه دیرکرد
	م ۱۶. ق. م د
amende fixée par autorité judiciaire	جریمه قضائی
amende pénale	جریمه کیفری
amende fiscale	جریمه مالیاتی
amende civile	جریمه مدنی/جریمه حقوقی
amende proportionnelle	جریمه نسبی
composition pécuniaire, peine pécuniaire	جریمه نقدی
	م ۲۴. ق. مطبوعات
commerçant de détail, détaillant	جزء/کسبه جزء
	م ۶. ق. ت
détail et gros	جزء و کلا / جزئی و کلی
	م ۱. ق. ت م
immeuble	جزء بنا محسوب شدن
	art. 517 et S. C. civ.
	م ۱۳. ق. م
dépendance d'atelier, apprentis	جزء کارگاه
partie intégrante d'un tout	جزء لایتجزا
	ص ۱۱۳. م. ق و
partie intégrante d'un tout	جزء لاینفک
	ش ۲ مقررات مقدماتی ق. ت. گ
partie amortie d'un bien	جزء مستهلك شده اموال
partie d'indivision	جزء مشاع
	م ۵۴۸. ق. م
partie indivise d'un tout	جزء مشاع از کل
	م ۵۴۸. ق. م
portion indivise d'héritage	جزء مشاع ترکه
	م ۸۴۸. ق. م
partie de route, partie de passage public	جزء معبر عمومی
partie de propriété	جزء ملك
	م ۱۷. ق. م
fragmentaire, partiel	جزئی

۲۲	جزا
pénalité, sanction, peine	جزاء
	م. ۳۱ ق. ۴ ع
	جزاء اداری / مجازات انضباطی
sanction administrative, sanction disciplinaire	
pénal	جزائی
	ص ۲ م. ۴ ق. ۴
pénologie	جزا شناسی
droit pénal spécial	جزای اختصاصی / حقوق جزای اختصاصی
peine la plus forte	جزای اشد
peine principale	جزای اصلی
peine de mort, peine capitale	جزای اعدام / مجازات اعدام
châtiment corporel	جزای بدنی / تنبیه بدنی
peine correctionnelle	جزای تأدیبی
	م. ۱۸۳ آ. د. ک
peine accessoire	جزای تبعی
	م. ۱۹ ق. ۴ ع
peine déshonorante, peine infamante	جزای تزدیلی
	م. ۱۸۲ آ. د. ک
peine d'intimidation	جزای ترهیبی
	م. ۱۱۵ آ. د. ک
peine avec sursis	جزای تعلیقی / محکومیت جزایی با تعلیق
peine de police	جزای تکدی / مجازات اخلاقی
	م. ۱۸۴ آ. د. ک
peine complémentaire, peine accessoire	جزای تکمیلی / مجازات تکمیلی
	م. ۱۹ ق. ۴ ع
mesure d'intimidation	جزای تهدیدی
peine fixe	جزای ثابت
peine criminelle	جزای جنائی
	م. ۲۴ ق. ۴ ع
peine privative de liberté, peine de prison	جزای حبس / مجازات زندان
peine infamante	جزای رسوا کننده / مجازات رسوا کننده

peine privative de liberté, peine de prison	جزای زندان/ مجازات زندان
peine privative de liberté	جزای سالب آزادی
peine politique	جزای سیاسی
sanction coutumière	جزای عرفی
peine disciplinaire des fonctionnaires	جزای اعمال دولتی
droit pénal général	جزای عمومی/ حقوق جزای عمومی
peine pécuniaire, amende	جزای غرامت
sanctions pénales, peines	جزای کیفری
sanction civile, peine civile	جزای مدنی
peine capitale, peine de mort	جزای مرگ
	م ۲۸۸. ق. د. ا
individualisation des peines	جزای مشخص/ شخصی بودن مجازات
peine prévue par la loi	جزای مخصوص در قانون
peine pécuniaire	جزای نقدی
	م ۲۱۳ مکرر. ق. م. ع
peine ordinaire, peine légale	جزای واحد/ مجازات قانونی
charge testamentaire	جزای وصیتی/ وظیفه ناشی از وصیت
peine complémentaire obligatoire	جزاهای تکمیلی اجباری
peine complémentaire facultative	جزاهای تکمیلی اختیاری
marée basse, marée descendante, reflux, jusant	جزر دریا
marée	جزر و مد
résolution, décision	جزم/ عزم جزم
dogmatique	جزمی
livre de comptes, journal	جزو جمع/ دفتر جزو جمع
cahier	جزوه
cahier des charges	جزوه امر
	م ۱۰. ق. ت. ا. ش
classeur	جزوه دان
île	جزیره
tribut, rançon, (diiziya)	جزیه
témérité, audace, hardiesse	جسارت

recherche, expioration, prospection	جستجو
	جستجو به منظور اکتشاف رگه‌های فلزات قیمتی و نفت
prospection de métaux précieux et de pétrole	
cadavre, dépouille mortelle	جسد
restes de l'exécuté, cadavre de l'exécuté	جسد اعدام شده
cadavre, dépouille mortelle	جسد مرده
cadavre de la victime d'un homicide	جسد مقتول
	م. ۱۷۸. ق. م. ع
cadavre du suicidé	جسد منتحر / جسد خودکشی کرده
corps	جسم
corps humain	جسم اشخاص
corporel	جسمانی
corps, matière, substance, consistance	جسم ثقیل / ماده ثقیل
corps dur	جسم سخت / ماده سخت
audacieux, téméraire, hardi	جسور
fête	جشن
pollicitation	جُعّاله
	م. ۵۶۱. ق. م
pollicitation nulle	جُعّاله باطل
	م. ۵۷۰. ق. م
pollicitation spéciale	جُعّاله خاص
pollicitation générale	جُعّاله عام
colis à valeur déclarée	جعبه‌هائی که قیمت آن اظهار شده است
	مقاوله نامه بین‌المللی راجع به مراسلات و جعبه‌هائی که قیمت آن اظهار شده است
mise à prix	جعل
	م. ۵۶۲. ق. م
faux	جعل
	جعل احکام رئیس دولت
contrefaire un décret du chef de gouvernement	
	م. ۹۸. ق. م. ع
contrefaire un décret ministériel	جعل احکام وزراء
	م. ۹۸. ق. م. ع

جعل اخبار در مطبوعات

publication par la presse de nouvelles mensongères

م ۱۱۱. ق. مطبوعات

contrefaçon de billets

جعل اسکناس

م ۹۸۲. ق. م. ع

contrefaçon de billets de banque

جعل اسکناس بانک

م ۹۸۲. ق. م. ع

جعل اسناد

faux commis dans certains documents (contrefaçon, falsification, altération)

جعل اسناد تعهدآور بانکی

faux dans les documents bancaires emportant obligation

م ۹۸۲. ق. م. ع

جعل اسناد خزانه دولتی

contrefaçon d'effets ou billets émis par le Trésor

art. 139 C. pén.

م ۹۸۲. ق. م. ع

mensonge, faux-bruit, contrevérité, calomnie

جعل اکاذیب

contrefaçon de signature

جعل امضاء

art. 147 C. pén.

جعل امضای اشخاص رسمی

contrefaçon de signature de personnalités officielles

م ۹۸۲. ق. م. ع

contrefaçon de signature de particulier

جعل امضای اشخاص غیررسمی

م ۹۸۲. ق. م. ع

contrefaçon des ordres du Président du Sénat

م ۹۸۲. ق. م. ع

جعل اوامر رئیس مجلس شورای ملی

contrefaçon des ordres du Président de la Chambre des Députés

جعل اوراق با سرلوحه رسمی

contrefaçon de papiers à en-tête ou imprimés officiels

art. 142 C. pén

contrefaçon de valeurs fiduciaires	جعل اوراق بهادار عمومی
art. 144 C. pén.	
contrefaçon de papiers ou imprimés officiels	جعل اوراق رسمی
art. 142 C. pén.	
	م ۱۰۲. ق. م. ع
	جعل پروانه/ جعل تصدیق و اجازه نامه‌های رسمی
contrefaçon de documents délivrés par les administrations publiques en vue de constater un droit, une identité ou une qualité ou d'accorder une autorisation	
art. 153 C. pén.	
altération de la date de l'acte	جعل تاریخ سند
	م ۹۷. ق. م. ع
contrefaçon de passeport	جعل تذکره/ جعل گذرنامه
art. 153 C. pén.	
	م ۱۵. ق. د. خ. ا. خ
contrefaçon de carte de séjour	جعل تذکره اقامت/ جعل اجازه اقامت
art. 153 C. pén.	
	م ۱۰۷. ق. م. ع
contrefaçon de laissez-passer	جعل تذکره عبور/ جعل پروانه عبور
art 153 C. pén.	
	م ۱۰۷. ق. م. ع
	جعل تصدیق صدور/ جعل پروانه صدور
contrefaçon des autorisations de sortie, contrefaçon des permis d'exportation	
	م ۱۱. ق. ا. ت
	جعل تصدیقنامه به اسم جراح
fabrication d'un certificat de maladie ou d'infirmité sous le nom d'un chirurgien	
art. 159 C. pén.	
	م ۱۰۹. ق. م. ع

fabrication d'un certificat de maladie ou d'infirmité sous le nom d'un médecin art. 159 C. pén.	جعل تصدیقنامه به اسم طبیب
contrefaçon de certificat d'entrée	م ۱۰۹. ق. م. ع جعل تصدیق ورود / جعل جواز ورود
contrefaçon de timbre art. 140 C. pén contrefaçon de timbres nationaux art. 140 C. pén.	م ۱۱. ق. ا. ت جعل تمبر جعل تمبر ادارات دولتی
contrefaçon de timbres—poste art. 142-4° C. pén.	م ۹۸. ق. م. ع جعل تمبر پست
contrefaçon de permis de séjour art. 153 C. pén.	م ۴۶. ق. پ جعل جواز اقامت
contrefaçon de permis de transit, contrefaçon de feuille de route art. 156 C. pén.	م ۱۵. ق. و. خ. ا. خ جعل جواز عبور
contrefaçon de permis d'entrée	م ۱۵. ق. و. خ. ا. خ جعل جواز ورود
contrefaçon de chèque	م ۸. ق. ج ۱۳۳۸ جعل چک
contrefaçon de marteaux de l'Etat servant aux marques forestières art. 140 C. pén.	جعل چکش علامت جنگلی
faux, contrefaçon	م ۱۱. ق. ج جعل حقوقی/ جعل در امور مدنی

contrefaçon des mandats du Trésor	جعل حوالجات خزانه دولتی م ۹۸۰. ق. م. ع
inclure une option de résiliation ou de révocation	جعل خيار/وضع حق خيار م ۵۰۰. ق. م
faux en écriture publique ou authentique	جعل در اسناد رسمی
contrefaçon de signature	جعل در امضات
faux en écriture	جعل در تحرير نوشتجات م ۱۰۴. ق. م. ع
faux contrat	جعل در تحرير قراردادها
faux acte	جعل در سند
	جعل در علامت تشخيص مبدا محصولات وارداتی يا صادراتی
contrefaçon de marque d'origine	
faux en écriture	جعل در نوشتجات
faux en écriture de banque	جعل در نوشتجات بانکی
art. 150 C. pén.	
	جعل در نوشتجات دولتی
faux en écriture publique, faux en écriture publique	
faux en écriture de commerce	جعل در نوشته تجارتي
art. 150 C. pén.	
faux en écriture privée	جعل در نوشته خصوصي
art. 150 C. pén.	
faux dans un écrit du chef de l'Etat	جعل دستخط رئيس مملکت م ۹۸۰. ق. م. ع
contrefaçon du sceau des offices publics	جعل علامت ادارات دولتی
art. 142-2° C. pén.	
	م ۹۸۰. ق. م. ع
contrefaçon des marques de commerce d'autrui	جعل علامت تجارتي غير
	م ۲۴۹. ق. م. ع
contrefaçon de firman du chef de l'Etat	جعل فرمان رئيس مملکت
	م ۹۸۰. ق. م. ع
faux intellectuel	جعل فکري/جعل معنوی
faux prévu par le Code pénal	جعل کيفري

contrefaçon de certificat	جعل گواهی / جعل تصدیق
art. 153-161 C. pén.	
contrefaçon de casier vierge	جعل گواهی عدم سوء سابقه
faux matériel	جعل مادی
faux civil	جعل مدنی
fraude dans les correspondances	جعل مراسلات
contrefaçon de monnaies	جعل مسكوك
altération des actes	جعل مطلب
faux intellectuel	جعل معنوی
contrefaçon des poinçons d'Etat	جعل منگنه ادارات دولتی
art. 140 C. pén.	
	م. ۹۹. ق. م. ع
	جعل منگنه طلا یا نقره
contrefaçon des poinçons servant à marquer les matières d'or ou d'argent	
art. 140 C. pén.	
	م. ۹۸. ق. م. ع
contrefaçon de sceau	جعل مهر
contrefaçon de sceau de personnalités officielles	جعل مهر اشخاص رسمی
	م. ۹۷. ق. م. ع
contrefaçon de sceau privé	جعل مهر اشخاص غیر رسمی
	م. ۹۷. ق. م. ع
contrefaçon de sceau d'Etat, contrefaçon de sceau public	جعل مهر دولت
	م. ۹۸. ق. م. ع
contrefaçon du sceau du chef de l'Etat	جعل مهر رئیس مملکت
	م. ۹۸. ق. م. ع
contrefaçon du sceau du Président du Parlement	جعل مهر رئیس مجلس مقننه
	م. ۹۸. ق. م. ع
faux en écriture, faux écrit	جعل نوشته
	م. ۹۷. ق. م. ع
contrefaçon, tromperie	جعل و تزوير
	م. ۹۷. ق. م. ع

faux en écriture de commerce (livres) جعل و تزوير در دفاتر تجاری
falsification de carte d'identité جعل ورقه هویت

art. 144--6° C. pén.

م ۴۶. ق. پ

usurpation de la qualité de tuteur pour un acte de disposition جعل ولایت در فروش
falsifié جعلی / جعلی / جعل شده

م ۴۶. قرارداد و مقاوله نامه‌های پستی جهانی

fausseté جعلیت

fausseté de l'acte جعلیت سند

géographie humaine جغرافیای انسانی

carte de la criminologie جغرافیای جنائی

paire de boeufs, attelage de boeufs جفت سگاو

م ۴۵. آ. ا. ا.

souffrance morale, peine, chagrin, affliction جگر خراش

bourreau جلاد

émigration جلای وطن

mandat d'amener جلب

م ۱۱۴. آ. د. ک

mandat d'amener les individus جلب اشخاص

م ۲۴. آ. د. ک

mandat d'amener du juge d'instruction جلب به حکم مستنطق

م ۱۱۴. آ. د. ک

mandat de comparution جلب به دادگاه

م ۳۲۴. ق. و

mandat de comparution جلب به دعوی

mandat de comparution جلب به محاکمه

جلب توجه کردن

attirer l'attention, mettre en lumière, mettre en évidence, mettre en exergue

م ۹۹. م. م

attirance des capitaux étrangers جلب سرمایه های خارجی

م ۶۴. ق. س. ۱۳۴۳

encouragement au tourisme	جلب سیاحان
mandat d'amener contre un témoin	جلب شاهد
mandat d'amener contre un tiers	م ۱۵۱. آ. د. ك جلب شخص ثالث
mandat d'amener contre l'expert	م ۲۷۴. آ. د. م جلب کارشناس
mandat d'amener contre un témoin	م ۴۵۷. آ. د. م جلب گواه
mandat d'amener contre un commerçant en état de cessation de paiement	م ۴۰۹. آ. د. م جلب متوقف
mandat d'amener contre l'inculpé	م ۲۱. ق. ث. ا. و جلب متهم
ordonnance de renvoi devant le Tribunal	م ۱۱۶. آ. د. ك جلب متهم به دادرسى
mandat d'amener le prévenu	م ۱۷۷. ق. د. ا جلب متهم به موجب ورقه جلب
mandat d'amener contre le débiteur	م ۱۱۶. آ. د. ك جلب مدیون
attirer la clientèle	م ۷۴۰. ا. م. ح جلب مشتری
mandat d'amener l'inculpé devant le tribunal	م ۱۴. آ. ن. ب. ف جلب مقصر به محاکمه
mandat d'amener devant le tribunal compétent	م ۱۶۵. آ. د. ك جلب مقصرین به محکمه صالحه
demande de dépôt de rapport adressée à l'expert	م ۹۶. ق. ا. ت. ع جلب نظر خبره
demande de dépôt de rapport adressée à l'expert	جلب نظر کارشناس
chercher un profit	م ۹۰. ق. ب. ك جلب نفع

châtiment corporel, flagellation, knout (cent coups)	جلد (مجازات زنا در فقه)
audiences supplémentaires	جلسات اضافی رسیدگی
audience ordinaire	جلسات بین جلسه اول و جلسه آخر محاکمه
audience de plaidoirie	جلسات دادرسی
	م ۱۳۶. آ. د. م
audience de vacation	جلسات دادگاهها در موقع تعطیل تابستانی قضات
séance d'arbitrage	جلسات داوری
séance de bourse	جلسات رسمی بورس
session ordinaire du tribunal	جلسات عادی دادگاه
audience publique	جلسات علنی
	م ۲. قرارداد بین المللی ارتباطات دور
audience publique des tribunaux	جلسات عمومی محاکم
	م ۶۳. ا. ت. ع
session extraordinaire du tribunal	جلسات فوق العاده دادگاه
assemblée générale d'une société	جلسات مجمع عمومی شرکت
	م ۶۸. ق. ت
audience ordinaire des tribunaux	جلسات معمولی محاکم
	م ۶۳. ا. ت. ع
audience, séance, assemblée	جلسه
	م. واحده الحاق دولت شاهنشاهی ایران به موافقتنامه لندن در باب دیون خارجی آلمان
dernière audience, audience de clôture	جلسه آخر
	ص ۱۲۰. ش ۸. س اول. ه. د
audience d'enquête	جلسه اخذ توضیح
	م ۱۲۸. آ. د. م
séance d'ouverture, audience de rentrée	جلسه افتتاحیه
	م ۴. آ. ا. ب
audience administrative	جلسه اداری
	م ۱۶. ق. ت
première audience	جلسه اول
	م ۲۰۹. آ. د. م

audience solennelle	جلسه‌ای که دادرسان با لباس رسمی حاضر می‌شوند
comparution devant le juge d'instruction	جلسه بازپرسی
audience de renvoi	جلسه بعدی رسیدگی
audience hors du tour de rôle	جلسه خارج از نوبت
	م ۲۴۸. آ. د. م
audience spéciale	جلسه خاص
audience à huis clos	جلسه خصوصی / جلسه سری / جلسه غیر علنی
audience publique	جلسه دادرسی علنی
audience criminelle	جلسه دادگاه جنائی
audience correctionnelle	جلسه دادگاه جناحه
lever la séance	جلسه را ختم کردن
la séance est ouverte	جلسه رسمی / جلسه رسمی است
l'audience est ouverte	جلسه رسمی دادگاه
audience de la juridiction	جلسه رسیدگی
	م ۱۳۲. آ. د. م
audience de procédure, audience sur incident	جلسه رسیدگی به ایرادات
	م ۲۰۴. آ. د. م
audience sur le fond	جلسه رسیدگی به دلایل
	م ۳۵۸. آ. د. م
audience de vérification des documents	جلسه رسیدگی به محاسبه و دفاتر
	م ۳۷۰. آ. د. م
audience à huis clos	جلسه سری / جلسه غیر علنی
	م ۱۵۶. آ. د. م
audience publique	جلسه عادی دادگاه
	م ۳۵۱. آ. د. م
assemblée générale	جلسه عادی مجمع عمومی سهامداران
audience publique du tribunal	جلسه علنی دادگاه
	م ۱۵۶. آ. د. م
audience publique du tribunal	جلسه عمومی دادگاه

audience des Chambres réunies de la Cour de cassation, séance plénière	جلسه عمومی دیوان تمیز
audience à huis clos	م ۸۰. ق. م. و جلسه غیر علنی/جلسه سری
audience extraordinaire du tribunal	م ۷۴. قرارداد زنو راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ جلسه فوق العاده دادگاه
audience extraordinaire des tribunaux	م ۵۰. ق. ر. م. م. جلسه فوق العاده محاکم
audience légale	جلسه قانونی
audience précédente	جلسه قبلی رسیدگی
audience du tribunal	جلسه محاکمه
séance à huis clos de l'Assemblée nationale	م ۵۹. ق. ا. م. ح. ت جلسه محرمانه مجلس شورایی
délibéré	اصل ۳۴. ق. د جلسه مشاوره
réunion commune	جلسه مشترك م ۳۶. آ. س. ا. ا. ا. ك
session simultanée de deux chambres	جلسه مشترك مجلسین
réunion consultative	جلسه مشورتی م ۳۴. ق. د
conférence de presse	جلسه مطبوعاتی / مصاحبه مطبوعاتی جلسه مقدماتی دادگاه برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی
audience préliminaire pour délits de presse	م ۴۰. ق. مطبوعات جلسه مقدماتی محاکم جنائی
audience préparatoire	م ۱۴. ق. م. ج جلسه هیئت مدیره شرکت سهامی
réunion du conseil d'administration	جلسه هیئت وزیران تحت ریاست شاه یا رئیس جمهور
réunion du conseil des Ministres sous la présidence du chef de l'Etat	

réunion du Conseil des Ministres sous la présidence du premier ministre	جلسه هیئت وزیران تحت ریاست نخست‌وزیر
avènement au trône, couronnement du roi	جلوس به تخت سلطنت
empêchement, entrave, prévention	جلوگیری
entrave à l'exécution d'un jugement du tribunal	جلوگیری از اجرای حکم دادگستری
prévenir une contestation à naître	م. و. آ. د. م. جلوگیری از تنازع احتمالی
lutter contre l'inflation	م. ۷۵۲. ق. م. جلوگیری از تورم
prévention d'un crime	جلوگیری از جنایت
lutte contre la piraterie	جلوگیری از دزدی و راهزنی دریائی
entrave à la concurrence déloyale	جلوگیری از رقابت نامشروع
copulation, accouplement, coït	م. ۱. قرارداد اتحادیه پاریس جماع
population, assemblée, groupe, réunion, gens	جماعت
phrénologie	جمع‌شناسی
accumulation, récapitulation, ramassage, rassemblement	جمع
s'informer, recueillir des renseignements, recueillir des informations, recueillir des preuves	جمع‌آوری اطلاعات جمع‌آوری دلایل
recueillir des preuves pour la défense à un procès	جمع‌آوری دلایل اثبات یا دفاع از دعوی
recueillir des preuves à l'appui de l'accusation	جمع‌آوری دلایل ارتکاب بزه
réunion de nouvelles peuves	م. ۱. قانون تشکیل و صلاحیت دادگاه نظامی؛ موقت در زمان حکومت نظامی جمع‌آوری دلایل جدید
levée des impôts	جمع‌آوری مالیات
réunion des preuves de l'infraction	جمع‌آوری مدارک ارتکاب بزه
	م. ۱. قانون تشکیل و صلاحیت دادگاه نظامی؛ موقت در زمان حکومت نظامی

instruire contre quelqu'un, établir un dossier	جمع آوری مدارك علیه کسی
recueillir les avis et les voix	جمع آوری نظریات و آراء
ensemble des pouvoirs d'un individu	جمع اختیارات يك فرد
communauté de biens	جمع المال
la somme et le reste, en somme	جمعاً و خرجاً
	م ۲. لایحه قانونی اصلاح ماده ۴۹ قانون ثبت احوال
	جمع بین دو خواهر / ازدواج با دو خواهر در يك زمان ممنوع است
interdiction du mariage simultané avec deux soeurs	م ۴۸. ا. ق. م
jonction des délais	جمع بین اوقات
	م ۱۱. ق. ك
cumul de droits sur une tête	جمع حقوق مختلف در يك ذبحق
droit de propriété sur la part divise	جمع حقوق منفاك شده در مالك اصلی
cumul de fonctions	جمع مشاغل
non cumul des peines	جمع نشدن مجازاتها باهم و اجرای مجازات اشد
population	جمعیت / گروه / ساکنان يك کشور
	م ۱. ق. م. م. ع. ا. ك
	جمعیت بومی
population indigène, population aborigène, population locale,	جمعیت ثابت
population fixe, population stable, population sédentaire,	جمعیت حاضر هنگام سرشماری
population présente pendant le recensement	جمعیت حمایت آسیب دیدگان از سوختگی
société pour la protection des victimes de brûlures	م. واحده مصوب سال ۱۳۴۵
société protectrice des animaux	جمعیت حمایت حیوانات
société de bienfaisance internationale	جمعیت خیریه بین المللی
population rurale	جمعیت روستا نشین
société secrète, association secrète	جمعیت سری
association politique	جمعیت سیاسی
	م ۷. ق. م. ت. م. ث. ا. و

population urbaine	جمعیت شهر نشین
association illégale	جمعیت غیر قانونی
	م. ۲. ق. ت. س. ۱
population active	جمعیت فعال
population rurale, agriculteurs	جمعیت کشاورز
population des états fédérés ou confédérés	جمعیت مشترک دولت متحده
	جمعیت مستقیم یک سرزمین
population d'un territoire, ressortissants, habitants	جمعیت‌های صنفی
association corporative, association des corps de métier	جمعیت‌های محلی
collectivités locales, associations locales	جمعیت‌های ملی
associations nationales	جمعیت‌های ملی طرفدار ملل متحد
association pour les Nations Unies	جمله
phrase	جمله شرطیه
clause conditionnelle	جمود حقوقی
rigidité juridique	جمود فکری
rigidité intellectuelle, entêtement	جمهوری
république	جمهوری اثنائی / رژیم جمهوری اثنائی
régime républicain dualiste	جمهوری بلاواسطه / رژیم جمهوری بلاواسطه
régime républicain direct	جمهوری پارلمانی / رژیم جمهوری پارلمانی
régime républicain parlementaire	جمهوریخواه
républicain	جمهوری دمکراتیک / رژیم جمهوری دمکراتیک
régime républicain démocratique	جمهوری سوسیالیستی
république socialiste	جمهوری متحده / رژیم جمهوری متحده
régime républicain fédératif	جمهوری مع الواسطه / رژیم جمهوری مع الواسطه
régime républicain indirect	جمهوری ملی
république nationale	جناب
Excellence	جنابی
criminel	جنازه
cadavre, dépouille mortelle	

۴۰	جنايات
crimes	جنايات
	اصل ۱۰. م. ق ۱
crimes contre l'humanité	جنايات بر ضد بشریت
crimes internationaux	جنايات بين المللی
crimes sexuels	جنايات جنسی
crimes de guerre	جنايات جنگ
	جنايات دهشتناک
crimes atroces, félonie, massacre, génocide, actes de barbarie, crime de lèse-majesté	
crimes politiques	جنايات سياسی
crimes contre la famille	جنايات عليه خانواده
	جنايات عليه کشور
crimes contre l'Etat, crimes contre la Constitution, crimes contre le pays	
crime	جنايت
	اصل ۱۲. ق. ۱
crime atroce, crime de lèse-majesté	جنايت با شقاوت
crime public	جنايت بر ضد آسایش عمومی
	فصل سوم. از باب دوم. ق. م. ع
	جنايت بر ضد امنيت خارجي مملکت
crime contre la sûreté extérieure du pays	
	فصل اول. از باب دوم. ق. م. ع
	جنايت بر ضد امنيت داخلی مملکت
crime ^{۱۹} contre la sûreté intérieure du pays	
	مبحث دوم از فصل اول از باب دوم. ق. م. ع
	جنايت بر ضد امنيت مملکت
crime contre la sûreté de l'Etat, crime contre la sûreté du pays	
	فصل اول از باب دوم. ق. م. ع
homicide, meurtre, assassinat, avortement	جنايت بر نفس
crime consommé	جنايت تام
white collar crime	جنايت حرفه‌ای اشرافی‌نما / جنايت يقه سفيدان
crime scientifique	جنايت حرفه‌ای علمی

crime passionnel	جنایت شهوانی
infanticide	جنایت صبی / فرزند کشی
crime formel	جنایت صوری
crime simple, crime sans qualification spéciale	جنایت عادی
crime public	جنایت عمومی
	۹۸۱۲ ق. م.
homicide, assassinat, meurtre	جنایت قتل
criminel	جنایتکار
criminels d'habitude	جنایتکاران اعتیادی
	جنایتکاران بین‌المللی
criminels de grande envergure, criminels internationaux	
criminels passionnels	جنایتکاران جنسی
criminels de guerre	جنایتکاران جنگی
	جنایتکاران حرفه‌ای
criminels de grande envergure, criminels professionnels	
criminels de grande envergure	جنایتکاران حرفه‌ای گریزان از کار
aliénés criminels	جنایتکاران دیوانه
criminels passionnels	جنایتکاران زودآهنگی
criminalité	جنایتکاری
criminalité des vieillards, délinquance des vieillards	جنایتکاری در پیران
criminalité féminine, délinquance féminine	جنایتکاری در زنان
criminalité dans les pays développés	جنایتکاری در کشورهای پیشرفته
	جنایتکاری در کشورهای در حال توسعه
criminalité dans les pays en voie de développement	
criminalité apparente	جنایتکاری ظاهری / جنایتکاری کشف شده
infraction légale	جنایتکاری قانونی
crime matériel, élément matériel du crime	جنایت مادی
crime de fous	جنایت مجنون
crimes flagrants	جنایت مشهود
mouvement, secousse, ébranlement	جنبش
caractère impératif de la loi	جنبه آمرانه قانون

aspect social du mariage	جنبه اجتماعی نکاح
aspect essentiel	جنبه اساسی
aspect économique	جنبه اقتصادی
	م ۴۸. ق. ش
caractère obligatoire	جنبه الزامی
caractère obligatoire du contrat	جنبه الزامی عهدنامه‌ها
caractère humanitaire, côté humain, aspect humain	جنبه انسانی
caractère international	جنبه بین‌المللی
	م ۴۰. م ۴۱. م ۴۲
aspect historique, caractère historique, historicité	جنبه تاریخی
	م ۲. ق. ح. پ. ف. ا
formalisme de la procédure	جنبه تشریفاتی دادرسی
agressivité, violence	جنبه تعرضی
expansionnisme	جنبه توسعه طلبی
productivité	جنبه تولیدی
universalité	جنبه جهانی
situation juridique des navires	جنبه حقوقی سفاین
territorialité des lois	جنبه درون مرزی قوانین
caractère offensif, agressivité	جنبه دفاعی
caractère officiel	جنبه رسمی
authenticité des actes	جنبه رسمیت اسناد
territorialité des lois	جنبه زمینی قوانین / درون مرزی
caractère politique, politisation	جنبه سیاسی
	م ۴۸. ق. ش
caractère personnel, personnalisation	جنبه شخصی
caractère indicatif	جنبه طریقت
caractère sacré du mariage	جنبه عبادی نکاح
caractère scientifique, aspect scientifique	جنبه علمی
caractère public	جنبه عمومی
	م ۴۷. ق. ش
caractère public de l'infraction	جنبه عمومی جرم

caractère amiable de la sentence arbitrale	جنبه غیر اجرائی حکم داور
caractère accessoire du mariage	جنبه فرعی نکاح
aspect technique, caractère technique	جنبه فنی
côté financier du mariage, régime matrimonial	جنبه مالی نکاح
côté positif, aspect positif	جنبه مثبت
réalité de la souveraineté, souveraineté positive	جنبه مثبت حاکمیت
caractère limitatif, aspect restrictif	جنبه محدود
aspect représentatif	جنبه معرفی
comestible	جنبه مصرفی
caractère négatif, aspect négatif	جنبه منفی
souveraineté négative	جنبه منفی حاکمیت
personnalité du criminel, individualité du criminel	جنبه‌های شخصی جانی
hérédité, gène	جنبه‌های موروثی
adjacent, annexe, dérivé, secondaire	جنبی
bruit, tapage, vacarme	جنجال
scandale politique	جنجال سیاسی
bruyant, tapageur	جنجالی
tribunal correctionnel	جذعه / دادگاه جذعه
délit	م ۱۸۳. آ. د. ك جذعه‌ای / جرم جذعه‌ای جذعه‌ای كه به‌علل مشدده جنایت محسوب می‌شود
délit qualifié puni de peine criminelle	
délits de grand criminel	جذعه بزرگ
délit politique	م ۱۸۵. آ. د. ك جذعه سیاسی
délit ordinaire	م ۵۴. ق. م. ع جذعه تادی
délit de petit criminel	م ۵۴. ق. م. ع جذعه کوچک
délit flagrant	م ۱۸۵. آ. د. ك جذعه مشهود
	م ۵۹. آ. د. ك

délit de presse

جنگه مطبوعاتی

م ۱۸۷. آ. د ک

délit de grand criminel

جنگه مهم

م ۹. ق. م. ع

infractions purement militaires

جنگه و جنایت برخلاف تکالیف نظامی

فصل سوم از باب اول کتاب چهارم. ق. د. ا

attentat aux mœurs

جنگه و جنایت بر ضد اخلاق عمومی

فصل پنجم از باب سوم. ق. م. ع

جنگه و جنایت بر ضد اساس حکومت ملی و آزادی

crimes contre la Constitution

م ۱۶۸. ق. م. ع

جنگه و جنایت بر ضد استقلال مملکتی

infractions contre l'autorité de l'Etat et l'intégrité du territoire national

art. 86-92 C. pén.

infractions à la sûreté de l'Etat

جنگه و جنایت بر ضد امنیت مملکت

فصل اول از باب دوم. ق. م. ع

atteintes à la défense nationale

جنگه و جنایت بر ضد امنیت ملی

جنگه و جنایت بر ضد تمامیت سرزمین ملی

infractions contre l'intégrité du territoire national

attentats aux mœurs

جنگه و جنایت بر ضد عفت عمومی

فصل پنجم از باب سوم. ق. م. ع

infractions politiques

جنگه و جنایت سیاسی

م ۵۴. ق. م. ع

جنگه و جنایت نسبت به مأمورین دولت

crimes et délits contre les agents de l'Etat

فصل پنجم از باب دوم. ق. م. ع

جنگه یا جنایت بر ضد امنیت خارجی مملکت

atteintes à la sûreté extérieure de l'Etat

م ۱۶۸. ق. م. ع

atteintes à la sûreté intérieure de l'Etat	جنگه یا جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت
délits d'audience	جنگه یا جنایت در جلسه دادگاه
sexe	جنس (از لحاظ مرد و زن بودن)
catégorie de biens, sorte de biens, espèce de biens	جنس مال
catégorie d'impôts	جنس مالیاتی / نوع مالیات
nature de la chose faisant l'objet de la transaction	جنس مبیع
sexe opposé	جنس مخالف
nature de la chose	جنس وصف
sexe, nature	جنسیت
guerre, conflit armé, belligérance	جنگ
guerre anticolonialiste, guerre pour l'indépendance	جنگ استقلال طلبی
guerre de nerfs, guerre d'usure, guerre psychologique	جنگ اعصاب
guerre maritime	جنگ مجری
guerre éclair	جنگ برق آسا
guerre terrestre	جنگ بری
guerre mondiale, guerre internationale, conflit international	جنگ بین‌المللی
guerre totale	جنگ نام
guerre d'agression, guerre préventive, guerre de conquête, guerre d'expansion, guerre offensive	جنگ تجاوزکارانه
guerre défensive	جنگ تدافعی
guerre d'agression, guerre préventive, guerre de conquête, guerre d'expansion, guerre offensive	جنگ تعرضی
combat corps à corps	جنگ تن به تن

جنگ تهاجمی

guerre d'agression, guerre préventive, guerre de conquête, guerre d'expansion, guerre offensive

جنگ جهانی

guerre mondiale, guerre internationale, conflit international

guerre de tranchée

جنگ خندق

guerre civile

جنگ داخلی

guerre maritime

جنگ دریایی

guerre défensive

جنگ دفاعی

guerre terrestre

جنگ زمینی

guerre sous-marine

جنگ زیردریایی

guerre froide

جنگ سرد

conflit politique

جنگ سیاسی

guerre biologique

جنگ شیمیایی

guerre de religion, croisade

جنگ صلیبی

lutte de classes

جنگ طبقاتی

guerre juste

جنگ عادلانه

guerre d'expansion, guerre de conquête

جنگ کشورگشایی

guerre locale, conflit local

جنگ محلی

guerre religieuse, croisade

جنگ مذهبی

conflit de générations

جنگ نسل‌ها

guerre aérienne, combat aérien

جنگ هوایی

guerrier, combattant, belligérant

جنگی

forêt, bois

جنگل

۱۲۲. ق. ج. م. ک

garde-forestier

جنگلبان

۱۱۱. ق. ج. م. ک

conservation des forêts

جنگل‌بانی

۲۲۲. ق. ج. م. ک

conservation des forêts, administration des eaux et forêts جنگلداری

۴۴. ق. ج. م. ک

forêt vierge, jungle	جنگل دست نخورده
bois de fusain, boqueteau	جنگل شمشاد
	م ۱. ق. ح. ب. ج. م
forêt naturelle	جنگل طبیعی
	م ۱. ق. ح. ب. ج. م
forêt du Domaine, forêt appartenant à l'Etat, forêt d'Etat	جنگل عمومی
	م ۱. ق. ا. ب. م. ق. ث. ا. ا
forêt artificielle	جنگل مصنوعی
	م ۳۱. ق. ح. ب. ج. م
bûcheron, forestier, habitant de la forêt	جنگل نشین
	م ۳۳. ق. ح. ب. ج. م
forêt protégée	جنگل های حمایت شده
forêt interdite, forêt gardée	جنگل های قرق شده
	م ۹. ق. ج. م. ك
forêt détruite, forêt abattue	جنگل های مخروبه
	م ۵. ق. ج. م. ك
folie, vésanie, démence, aliénation mentale	جنون
	م ۱۱۲۱. ق. م.
pyromanie, folie incendiaire	جنون آتش سوزی
folie morale	جنون آزار کردن
folie instantanée, démence au temps de l'action	جنون آنی
	جنون اخلاقی
folie morale (délinquant par tendance instinctive ou pervers)	
folie circulaire, folie intermittente	جنون ادواری
	م ۱۱۲۱. ق. م.
démence complète, folie permanente	جنون اطلاق / دائمی
mythomanie	جنون افسانه بافی
démence sénile, gâtisme	جنون پیری
psychose, folie partielle	جنون جزئی
folie criminelle, folie morale	جنون جنایی
érotomanie, nymphomanie	جنون جنسی
schizophrénie, démence précoce	جنون جوانی

۴۸	جنون ...
delirium tremens	جنون خمري
mythomanie	جنون دروغگويي
cleptomanie	جنون دزدی
folie à deux	جنون زوجين
	م ۱۱۲۱. ق. م
érotomanie, nymphomanie	جنون شهواني
démence totale	جنون كلي
folie de l'inculpé	جنون متهم
	م ۸. آ. د. ك
folie permanente, démence complète	جنون مستمر
	م ۱۱۲۱. ق. م
folie du coupable	جنون مقصر
	م ۸. آ. د. ك
démence au temps de l'action	جنون مقارن جرم
foetus	جنين
	م ۱۰۳. ق. م. ح
	جنين تلف شده
enfant mort-né, enfant prématuré et insuffisamment développé	جنين زنده
foetus vivant, avorton	جنين سقط شده
enfant mort-né	جوائز صندوق پس انداز بانكها
prime de la caisse d'épargne des banques	م ۱۱۴. ق. م. م
	جوائز علمي
prix scientifique	م ۱۱۴. ق. م. م
réplique, conclusions en réponse	جواب
réponse contradictoire, réplique	جواب حضوري
discours en réponse	جواب خطابه
	اصل ۱۰. ق. م
réponse à une interrogation	جواب سئوالات
	م ۱۲۷. آ. د. ك

réponse satisfaisante, réponse complète	جواب کافی و شافی
réponse équivoque, réponse ambiguë, réponse évasive	جواب مبهم
réponse positive, réponse catégorique, réponse péremptoire	جواب مثبت
réplique, contredit, riposte, réponse du défendeur	جواب مدعی علیه
réponse complète	جواب مکفی
	اصل ۳۲. ق. ۱
réponse négative, réfutation	جواب منفی
réponse incomplète	جواب ناقص
	جواز/ اصطلاحی که در مقابل لزوم استعمال میشود
possibilité de non-acceptation, faculté de refus	
licence, permis	جواز/ پروانه
	م ۱۱. ق. ۱. ا. ت. خ.
permis de travail	جواز اشتغال به کسب و تجارت/ جواز اشتغال به کار
	م ۱۳. ق. ۲. ع. ح. ت
permis de séjour	جواز اقامت
	م ۱۲. ق. ۱. ا. ا. خ. ا.
permis de séjour permanent	جواز اقامت دائمی
	م ۶. ق. ۱. ا. ا. خ. ا.
licence obligatoire	جواز الزامی
	م ۵. قرارداد اتحادیه پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی
licence commerciale	جواز تجارت
	م ۴. ق. ۱. ا. ق. ا. ت
permis de transit	جواز ترانزیت
	بند ۴ پروتکل شماره ۳ مربوط به مراسم گمرکی موافقتنامه ترانزیت ایران و افغانستان
permis de séjour permanent	جواز توقف دائمی/ اجازه توقف دائمی
	م ۶. ق. ۱. ا. ا. خ. ا.
licence de commissionnaire, licence d'agence	جواز حق عملکاری
	م ۴. ق. ۱. ا. ق. ا. ت
	جواز حقی
fait qui rend obligatoire un contrat unilatéral jusqu'alors résiliable par son auteur	

جواز حکمی	۵۰
جواز حکمی	contrat unilatéral sans possibilité de résiliation
جواز دفن	permis d'inhumer
جواز دلالی	licence de commissionnaire
	م ۴. ق. ا. ق. ا. ت
جواز رسمی	licence officielle
	ص ۳۷. م. ق. و
جواز زراعت	licence agricole
	م ۱۵. ق. م. ب. س ۱۳۱۴
جواز صنفی	licence d'artisan
	م ۴. ق. ا. ق. ا. ت
جواز طبابت	licence de médecine
	م ۵. ق. ر. ا. خ
جواز طیاره رانی	licence de pilotage, permis de pilotage
جواز عبور	visa de transit, permis de transit, laissez-passer
	م ۱۳. قرارداد ارتباطات دور
جواز کار	permis de travail
جواز کسب	licence d'exercer une profession
	م ۱۳. ق. م. ع. ح. ت
جواز ورود	visa d'entrée
	م ۲. ق. م. ق. ا. ت
جواز ورودی	visa d'entrée
	م ۳. ق. ا. ق. م. ق. ا. ت. خ
جواز وکالت	
	certificat d'aptitude à la profession d'avocat (C.A.P.A.), permis d'avocat, carte d'avocat
جواز وسالت انفاقی	carte temporaire d'avocat
	م ۲. ق. و
جواز هوا نوردی	brevet de pilote
جوان	jeune
جوانمردی	honnête homme, gentleman
جوانی	jeunesse

bijou	جواهر
bijoux	جواهر آلات
	تبصره ۳ از فصل چهاردهم. ق. ا. ت. گ
bijoux d'Etat, trésor, joyaux de la couronne	جواهرات دولتی
	م ۲. ق. ا. ت. ب. م. ا
bijoux impériaux	جواهرات سلطنتی
	م ۱. ق. ا. ف. ق. ج. س
bijoux en métal précieux	جواهرات متشکل از فلزات گرانبها
	تبصره ۳ از فصل چهاردهم. ق. ا. ت. گ
bijouterie	جواهر فروشی
pierres précieuses provenant de la mer	جواهری که از دریا استخراج میشود
	م ۱۷۷. ق. م
tyrannie, dictature	جور/ظلم
boulimie, faim excessive	جوع
atmosphère, espace	جو
atmosphère terrestre	جو ارضی
résidu de l'opium fumé	جوهر نگاری
	م ۵. فهرست مواد مخدره
causes de révision du procès	جهات اعاده دادرسی
	م ۵۹۱. آ. د. م
	جهات تخفیف مجازات
causes de mitigation des peines, causes de réduction des peines	
causes d'aggravation des peines	جهات تشدید مجازات
causes de disjonction de procédures	جهات تفکیک دعوی
causes spéciales d'aggravation des peines	جهات خاص تشدید مجازات
objet du litige	جهات دعوی
cause de révocation de donation	جهات رجوع از هبه
cause de récusation du juge, motif de récusation du juge	جهات رد حاکم
	م ۱۳. ق. ک
	جهات رد کارشناس
cause de récusation de l'expert, motif de récusation de l'expert	
	م ۱۳. ق. ک

causes politiques, motifs politiques	جهات سیاسی
circonstances aggravantes personnelles	جهات شخصی تشدید مجازات
	جهات شروع تعقیب مستخدمین
motifs d'ouverture de poursuites contre des fonctionnaires	م ۸. آ. د. ا
motifs de demande additionnelle, motifs de jonction	جهات ضم چند اتهام
circonstances aggravantes générales	جهات عام تشدید مجازات
causes d'incapacité	جهات عدم اهلیت
motifs de non-paiement du chèque	جهات عدم پرداخت چک
	م ۳. ل. ق. ر. ج. ب
	جهات عدم جمع چند شغل
motifs d'incompatibilité de postes, causes d'interdiction de cumul de fonctions	
circonstances aggravantes réelles	جهات عینی تشدید مجازات
motifs légitimes, motifs légaux	جهات قانونی
	م ۲. ق. ت. د. ا. ب
	جهات قانونی رجحان
motifs légitimes de préférence, motifs légaux de préférence	
motifs légaux d'ouverture de recherches	جهات قانونی شروع تحقیقات
	جهات قانونی موثر در نقض حکم یا قرار
motifs d'annulation de jugement avant-dire-droit	م ۵۵۸. آ. د. م
motifs légitimes	جهات مشروع
causes d'exemption de la peine	جهات معافیت از مجازات
faits justificatifs	جهات موجه
casus belli	جهات موجه جنگ
motifs illégitimes	جهات نامشروع
	جهات نقض حکم یا قرار
motif d'annulation de sentence, motif d'annulation de jugement avant-dire-droit	م ۵۵۸. آ. د. م

motifs du jugement, motivation du jugement	جهات و دلایل حکم
	م ۱۵۹. آ. د. م
motivation du jugement	جهات و دلایل رأی و مواد استنادیه
	م ۱۵۳. آ. د. م
motivation du jugement	جهات و دلایل صدور حکم
guerre sainte, guerre religieuse, guerre de religion	جهاد
guerre religieuse, guerre sainte, croisade	جهاد در راه دین
guerre contre l'infidèle	جهاد علیه دشمن
arsenal de la marine, bateaux	جهازات
	م. واحده قانون معافیت جهازات از عوارض بندری
marine de guerre	جهازات بحریه جنگی
	م ۲. ق. ا. ا. ع. ب
équipement postal, bateaux—poste	جهازات پستی
navire de guerre	جهازات جنگی
	م ۸۲. ق. پ
ignorance	جهالت
monde, univers	جهان
idéologie	جهان بینی/مرام و مسلک
tourisme	جهانگردی
expansionnisme, colonialisme, impérialisme	جهانگشایی
expansionnisme, colonialisme, impérialisme	جهانگیری
cosmopolitisme	جهان وطنی
mondial, universel	جهانی
universalité du droit international	جهانی بودن حقوق بین الملل
motif, objet, cause, but, raison, sens, direction	جهت
motifs de convocation	جهت احضار
	م ۲۱۹. آ. د. ک
cause immorale	جهت برخلاف اخلاق
cause de nullité	جهت بطلان
cause de l'obligation	جهت تعهد

جهت حضور در دادگاه / جهت احضار در دادگاه	
motif de présence au tribunal, motif de convocation	م ۴۶۳. آ. د. م
cause de récusation	جهت رد م ۱۳. ق. ک
cause de récusation du juge	جهت رد دادرس م ۲۰۹. آ. د. م
cause licite de contrat	جهت مشروع معامله م ۲۱۷. ق. م
cause de contrat	جهت معامله م ۲۱۷. ق. م
cause illicite de contrat	جهت نامشروع معامله
cause valable	جهتی از جهات موجه تبصره ماده واحده قانون تمدید مهلت تقویم دادخواست به هیئت سه نفری
mutation	جهش
ignorance	جهل
ignorance de l'ordre, ignorance du jugement	جهل به حکم
ignorance des commandements religieux	جهل به حکم شرعی م ۱۴۵. ق. م. ا. م. ح
ignorance de l'ordre	جهل به دستور
ignorance de l'usurpation	جهل به غاصبیت م ۳۱۶. ق. م
ignorance de la loi, ignorer la loi	جهل به قانون
ignorer les questions religieuses	جهل به موضوعات شرعیه م ۱۴۵. ق. م. ا. م. ح
ignorance par l'acheteur du vice de la chose en transaction	جهل مشتری به فساد بیع
dot	جهیز / جهاز / جهیزیه م ۸. قرارداد اقامت بین ایران و سوئیس
dot	جهیزیه م ۱۷. ق. ا. ق. م. ا

جیره روزانه	۵۵
voleur à la tire, pickpocket, vide-gousset	جیب‌بر
ماده واحده قانون تشدید مجازات اشخاص بدسابقه و شرور	
endos, endossement	جیرو
ration, portion	جیره
rationnement	جیره‌بندی
	م ۱۳۲. آ. ک. خ. ک. د
ration journalière	جیره روزانه
ration journalière	جیره روزانه

چ

impression	چاپ
imprimerie	چاپخانه
	۱. آ. ت. ج. گ
imprimerie d'Etat	چاپخانه دولتی
imprimeur	چاپ‌کننده
flatteur, flagorneur, louangeur, courtisan	چاپلوس
nomade, migrateur, errant, vagabond	چادر نشین
résoudre, solutionner (mot critiqué)	چاره جویی
couteau	چاقو
	۱. ق. م. ح. ج
celui qui se sert d'un couteau pour blesser	چاقو کش
	ماده واحده قانون تشدید مجازات اشخاص بد سابقه و شرور
blesser à l'aide d'un couteau	چاقو کشی
couteau à cran d'arrêt	چاقوی ضامن دار
trou, nid de poule	چاله
	۲. ۵۵. ق. ش
marchander	چانه زدن
puits	چاه
	۲. ۵۵. ق. ش
puits d'eau	چاه آب

چپ	۵۷
puits de khanats fournissant l'eau	چاه آبدۀ قنات
puits artésien	چاه آرتزین
	۶۲ م. ق. ح. ح. آ. ز
	چاه تجاری نفت
puits de pétrole en activité, puits de pétrole (gisement) rentable commercialement	
	قرارداد نفت بلا اراپ. ص ۴۳۱. م ق س ۱۳۴۵
puits profond	چاه عمیق
	۲۲ م. ق. ح. ح. آ. ز
puits de khanat	چاه قنات
	۱۳۹ م. ق. م
puits de gaz	چاه گاز
	۱ م. موافقتنامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری نفت بین شرکت ملی نفت و شرکت پان آمریکن
puits abandonné	چاه متروکه
	۱۱ م. ق. ح. ح. آ. ز
puits de pétrole	چاه نفت
	۱ م. موافقتنامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری نفت بین شرکت ملی نفت و شرکت پان آمریکن
puits de pétrole rentable commercialement	چاه نفت تجاری
	ص ۴۹۹. م. ق. س ۱۳۴۵
puits semi-artésien	چاه نیمه‌آرتزین
	۷ م. ق. ح. ح. آ. ز
puits de moyenne profondeur	چاه نیمه عمیق
	۲ م. ق. ح. ح. آ. ز
	چاه‌های ارزیابی تجاری نفت
perspectives de rendement des puits de pétrole	
	ص ۴۶۱. م. ق. س ۱۳۴۵
puits au-dessus du niveau de l'eau	چاه‌های خشکه‌کار
gauche	چپ

۵۸	چپاول
pillage	چپاول
pillage de denrées	چپاول ارزاق
gaucher	چپ دست
parachutiste	چترناز
	م ۱۵۴. ق. س ۱۳۴۳
lampe, lumière, éclairage	چراغ
feu clignotant	چراغ چشمک زن
	م ۸۹. آ. ر. ر
feu rouge, feu signalant un danger	چراغ خطر
	م ۸. آ. ر. ر
feu tournant signalant un danger	چراغ خطرگردان
	م ۵۲. آ. ر. ر
phare, feu de signalisation de véhicule	چراغ دریایی
phares, feux de croisement	چراغ رانندگی اضافی
	م ۵۳. آ. ر. ر
la mpe témoin électrique ou mécanique	چراغ راهنمای الکتریکی یا مکانیکی
	م ۴۷. آ. ر. ر
phare côtier	چراغ ساحلی
phare supplémentaire	چراغ کمکی
	م ۵۳. آ. ر. ر
phare de brume	چراغ ویژه مه
	م ۵۳. آ. ر. ر
	چرانیدن دام در مراتع
pacager le bétail dans les herbages, faire paître, faire pâturer	
	م ۳. تصویبنامه چرانیدن دام در مراتع
pacage, faire pâturer, faire paître	چرای دام
	م ۱۹۴. ق. ج. م. ك
roue métallique	چرخ فلزی
	م ۱. آ. ر. ر

mélange de tabac et de chanvre indien, kief (ou kif)	چرس
۲۷۵ م. ق. م. ع	
guérillero, partisan, franc-tireur	چريك
۹ م. قرارداد اقامت ایران و آلمان	
milice, milices urbaines, milices communales	چريك رسمي
milices populaires	چريك ملي
۹ م. قرارداد اقامت ایران و چكسلواکی	
milice privée	چريك منفرد / چريك غير رسمي
oeil	چشم
voyeurisme	چشم چرانی
expectative, attente, espérances, perspectives	چشم داشت
source, fontaine, point d'eau	چشمه
۱۳۹ م. ق. م.	
source d'énergie atomique	چشمه تشعشع اتمي
۱ م. اصلاحیه موافقتنامه همکاری ایران و آمریکا راجع به استفاده غیر نظامی از انرژی اتمي	
source, fontaine, point d'eau	چشمه سار
۴ م. واحده قانون تمین مرجع دعاوی بین افراد و دولت	
chèque	چك
۳۱۰ م. ق. ت	
chèque bancaire	چك بانکی
chèque de virement	چك برای منظور کردن به حساب بانکی دیگری
chèque bloqué	چك بسته
chèque à personne dénommée	چك به حواله کرد
۳۱۲ م. ق. ت	
chèque à vue	چك به رؤیت
émettre un chèque à personne dénommée	چك به نام کسی صادر کردن
chèque sans provision	چك بی محل
۱۳ م. ق. ج	
chèque postal	چك پستی
chèques postaux de voyage	چك پستی مسافرتی
۲ م. ق. ب	

chèque certifié	چك تضمین شده
	م ۱۰۱. ق. ج. ت
chèque falsifié	چك تقلبی
chèque au porteur	چك در وجه حامل
	م ۳۱۲. ق. ت
	چك در وجه خود صاحب حساب
chèque au bénéfice du tireur, chèque de retrait	چك در وجه شخص معین
chèque à personne dénommée, chèque d'assignation	
	م ۳۱۲. ق. ت
reçu officiel	چك رسمی / رسید رسمی
	م ۱۰۱. آئیننامه رودخانه کن
chèque émis à l'étranger	چك صادره از خارجه
	م ۳۱۷. ق. ت
chèque à terme	چك وعده دار
	م ۳۱۱. ق. ت
« چك محاسباتی/چكي كه عبارت «فقط برای منظور كردن به حساب روی آن درج میشود.»	
chèque de compte à compte, chèque de virement, chèque barré	چك نقد
chèque immédiatement exigible	چكش
marteau	
	م ۱۱۱. ق. ج. م. ك
	چكش آخری / چكش آخر حراج
dernier coup de marteau des enchères, adjudication	
	م ۷۰۷. ا. م. ح
marteau forestier	چكش جنگلانی
	م ۱۱۱. ق. ج. م. ك
	چكش زدن در حراج
frapper le dernier coup de marteau des enchères, adjudger	
	م ۷۰۷. ا. م. ح
croix	چلیپا / صلیب
	م ۶-۱. موافقتنامه مربوط به انتقال راه آهن مسیر جاوه زاهدان

sorte de droit découlant du fermage	چم/ نوعی حق زارعانه
massue	چماق
multilatéral	چند جانبه
pourcentage, royalties	چند درصد
polygamie	چند همسری
échafaudage	چوب بست
marque, coche, ardoise	چوب خط
	چوب زدن حراج
commissaire—priseur, personne qui manie le marteau d'adjudication	م ۹۵. آ. ا. م. ا. ر
coupe non autorisée, abattage illégal	چوب غیر مجاز/ چوب بریدن غیر مجاز
bois de construction, bois d'oeuvre	م ۵۴. ق. ح. ب. ج. م
	چوبهائی که برای بنا تهیه شده
bois de chauffage	م ۲۵۲. ق. م. ع
	چوبهائی که برای سوزاندن تهیه شده
bois saisis	م ۲۵۲. ق. م. ح
	چوبهای بازداشتی/ چوبهائی که قاچاق بوده و توقیف شده
	م ۹. ق. ح. ب. ج. م
cadre social, contexte social, environnement	چهارچوب اجتماعی
	چهارچوب برنامه های کلی
programme, plans généraux, cadres, programmation	بند ج. ت. ه. و. راجع به وظایف و سازمان مرکز آمار ایران
plan, programme, stratégie politique	چهارچوب سیاست کلی
	بند الف. ت. ه. و. راجع به وظایف و سازمان مرکز آمار ایران
cadre, contexte, environnement	چهارچوبی / چهارچوب
	بند ج از وظایف مدیریت امور اجرایی. ت. ه. و راجع به وظایف و سازمان مرکز آمار ایران
quadrilatère, cadre	چهار دیواری
tétragamie	م. واحده راجع به دودجه مجلس سنا
	چهار زن داشتن

چهار میخ کشیدن/ دربند نگاهداشتن

embarrasser, mettre dans l'embarras, gêner, ligoter

chose

چیز

substance mortelle, agent mortel

چیزی که غالباً کشنده باشد

agent mortel fortuitement

چیزی که نادراً کشنده باشد

ح

avoir, possession, plénitude	حائز
avoir de l'importance, importer, compter, peser	حائز اهمیت
م ۲۶. اساسنامه شرکت نفت ایران و ایتالیا	
satisfaire aux conditions	حائز شرائط پیش‌بینی شده
م ۲۰۵. ق. و	
avoir force de loi	حائز قوه قانونی
constituant de fondation pieuse, fondateur	حابس
empêchement	حاجب
م ۹۰۸. ق. م	
	حاجب از ارث
héritier au premier degré excluant les successibles du deuxième degré	
م ۸۹۱. ق. م	
besoin, nécessité	حاجت
aigu, difficile, ardu	حاد
arrivée, survenance	حادث
incident, accident, événement	حادثة
م ۲۲۹. ق. م	
force majeure, cas fortuit	حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار است
م ۲۲۹. ق. م	

aventurier	حادثه جوئی
abordage, accident maritime	حادثه دریائی
م ۵. قرارداد بین المللی تحدید مسؤلیت صاحبان کشتی دریایما	
incident fortuit, malchance	حادثه غیر مترقبه
incident naturel, sinistre, catastrophe naturelle	حادثه قهری
م ۶۹ مکرر. آ. د. م	
accident du travail	حادثه کار
incident générateur du litige	حادثه موجه دعوی
م ۱. قرارداد بین المللی تحدید مسؤلیت صاحبان کشتی های دریایما	
fait générateur de créance	حادثه موجه طلب
م ۵. قرارداد بین المللی تحدید مسؤلیت صاحبان کشتی های دریایما	
accident du travail	حادثه ناشی از کار
م ۴۹. ق. ب. ا. ک	
désaveu, dénégation	حاشا
marge, bordure	حاشیه
م ۵۶. ق. ث	
حاشیه مغروق ساحل/قسمتی از ساحل که زیر آب می رود و بیرون می آید	
littoral, lais et relais de la mer	
production, produit, résultat	حاصل / محصول
م ۵۱۸. ق. م	
productivité naturelle, fertilité, fécondité, prolificité	حاصلخیزی طبیعی
productivité réelle, rendement	حاصلخیزی واقعی
produit appartenant à autrui	حاصل دیگری
م ۲۶۲. ق. م. ع	
être présent, exister, assister	حاضر بودن
ص ۸۹. م. ق. د	
disponible pour le service	حاضر به خدمت
م. ا. ق. ا. ق. م. ش	
gardien	حافظ
م ۶۵۰. ا. م. ح	
gardien de la chose saisie	حافظ اشیاء توقیف شده
م ۶۵۱. ا. م. ح	

حافظ اموال متنازع فيه	
dépositaire du bien litigieux, sequestre du bien litigieux	
حافظ اموال توقیف شده	
sequestre du bien, dépositaire du bien saisi	م ۶۵۲. ا. م. ح
حافظ صلح/پاسبان	
gardien de la paix, agent de police	م ۹. ق. ا. ب. م. ق. ث. د. ا. ر. ر
حافظه	
mémoire	
حاکم/حاکم محکمه	
juge	اصل ۸۱. م. ق. ا
حاکم بین طرفین/ قاضی بین طرفین	
juge, arbitre	
حاکم دادگاه/قاضی دادگاه	
juge au Tribunal	
حاکم دادگاه شهرستان/قاضی دادگاه... juge du Tribunal de Grande Instance	
حاکم شرع/ قاضی دادگاه شرع	
magistrat religieux	اصل ۸۳. م. ق. ا
حاکم شرع جامع الشرایط	
magistrat religieux de compétence générale	م. ا. ق. ا. م. ش. م
حاکم شهر/فرماندار	
gouverneur	قانون بلدیہ ۱۳۲۵ قمری
حاکم صلح	
juge de Police, juge de Paix	م ۲۴۹. آ. د. ک
حاکم محضر / حاکم محضر شرع	
magistrat religieux, juge d'un tribunal religieux	
حاکم محکمه/قاضی دادگاه	
juge au Tribunal	م ۴. ق. ا. م. ح. ت
حاکم محکمه عدلیه/قاضی دادگاه دادگستری	
magistrat de droit commun	اصل ۸۱. م. ق. ا
حاکم محل اعتراض/قاضی محل دعوی	
juge du lieu de la contestation, juge du lieu du litige	م ۲۹۳. ق. ت
حاکمه / حاکم	
primat, souverain, chef, juge, gouverneur	
حاکمیت	
souveraineté, hégémonie	ص ۱۷۷. م. ق. و

volonté souveraine, libre arbitre	حاکمیت اراده
	حاکمیت اراضی / حاکمیت برخاک
autorité territoriale, souveraineté sur le territoire	
	۲ م. قرارداد هواپیمائی کشوری بین المللی
autorité de la chose jugée	حاکمیت امر مختوم
	حاکمیت انحصاری دولت صاحب پرچم
autorité absolue de l'Etat du pavillon	
souveraineté sur l'espace aérien	حاکمیت بر هوا
	حاکمیت تام و مطلق نسبت به فضای مافوق قلمرو
souveraineté totale et absolue au-dessus du territoire national	
	۱ م. قرارداد هواپیمائی کشوری بین المللی
	حاکمیت خارجی / استقلال
indépendance vis à vis de l'étranger, indépendance extérieure,	
autonomie, self-government	
Souveraineté nationale, Self-government	حاکمیت داخلی
souveraineté séculière, autorité temporelle	حاکمیت دنیوی
souveraineté nationale, autorité de l'Etat	حاکمیت دولت / حاکمیت کشور
souveraineté sur les eaux territoriales	حاکمیت دولت بردریای ساحلی
	حاکمیت دول در دریای آزاد / حاکمیت کشورها در دریاهای آزاد
souveraineté des Etats sur la haute mer	
	حاکمیت زمامدار / رئیس کشور / رئیس دولت
autorité du chef d'Etat, pouvoir exécutif	
souveraineté politique, indépendance politique	حاکمیت سیاسی
autorité légale, autorité légitime	حاکمیت قانون
autorité des lois dans le temps	حاکمیت قانون در زمان
autorité des lois dans l'espace	حاکمیت قانون در مکان
autorité nationale, autorité étatique	حاکمیت کشوری
souveraineté absolue	حاکمیت مثبت
autorité religieuse	حاکمیت مذهبی
	حاکمیت مطلق اراده
pouvoir discrétionnaire, volonté souveraine, libre arbitre	

pouvoir absolu du gouvernement, souveraineté absolue, autorité plénière	حاکمیت مطلق دولت
autorité morale, influence, ascendant, emprise	حاکمیت معنوی
souveraineté nationale	حاکمیت ملی
souveraineté limitée, autorité partielle	حاکمیت منفی/حاکمیت محدود
	حاکمیت ناقص
souveraineté à laquelle il est porté atteinte, souveraineté limitée	حاکمیت نسبی
souveraineté fractionnée, souveraineté limitée	حال/فوری
immédiatement, tout de suite, sans délai	۷۰۳ م. ق. ا. ک
position, situation, état, comportement	حال/وضعیت
	حال آمادگی به خدمت/مستخدم آماده به خدمت
état de la mise en disponibilité d'office	۱۲۴ م. ق. ا. ک
	حالات روحی بزهکار
psychologie du délinquant, approche différentielle du criminel	حالات عاطفی
émotion, sentimentalité	حال ازکار افتادگی
invalidité, incapacité de travail	۱۲۴ م. ق. ا. ک
démission, cession de travail à la suite d'une démission	حال استعفاء
	۱۲۴ م. ق. ا. ک
position d'activité	حال اشتغال/مستخدم در حال اشتغال
	۱۲۴ م. ق. ا. ک
moments de lucidité, convalescence	حال ایفا
solitude, isolement	حال انزوا
licenciement pur et simple, révocation définitive	حال انفصال دائم
	۱۲۴ م. ق. ا. ک
révocation provisoire	حال انفصال موقت / مستخدم منفصل موقت
	۱۲۴ م. ق. ا. ک
mise à la retraite, retraite	حال بازنشتگی/مستخدم در حال بازنشتگی
	۱۲۴ م. ق. ا. ک

stage, période de stage, apprentissage, période probatoire, période d'observation	حال خدمت آزمایشی / وضع مستخدم آزمایشی
position sous les drapeaux	حال خدمت زیر پرچم
exigibilité immédiate du prix stipulé payable à tempérament, déchéance du terme	حال شدن ثمن / از میان رفتن مهلت تأدیه ثمن
déchéance du terme	حال شدن دیون مؤجل
art. 1188 C. civ.	
déchéance du terme en matière commerciale	حال شدن سند
exigibilité immédiate de caution	حال شدن ضمان
absence, cessation d'activité	حال غیبت / مستخدمی که غایب است
absence irrégulière	حال غیبت غیر موجه / مستخدمی که غیبت غیر موجه دارد
absence autorisée, autorisation d'absence, congé particulier	حال غیبت موجه / مستخدمی که غیبت موجه دارد
position de détachement	حال مأموریت / مستخدمی که در حال مأموریت است
congé annuel, vacances	حال مرخصی مستخدم / مرخصی سالانه مستخدم
congé de maladie, congé de convenance personnelle, congé spécial, congé de maternité	حال معذوریت مستخدم / مستخدمی که بیمار است

encerclement	حال محاصره
	م. ۳۴ ق. م. ن
lochies	حال نفاس
	م. ۱۱۴ ق. م
mise à exécution, exécuter	حالت اجرائی / اجراء کردن
sujétion, assujettissement, contrainte, joug	حالت اضطرار
agressivité, état offensif, violence	حالت تعرض
suspension	حالت تعلیق / مستخدم در حال تعلیق
	م. ۱۲۴ ق. ا. ک
état de belligérance	حالت جنگ
situation juridique, état légal	حالت حقوقی
état dangereux, état critique	حالت خطرناک
	م. ۴ ق. ا. ت
état dangereux du criminel	حالت خطرناک مجرم
état dangereux chronique	حالت خطرناک مزمن یا دائمی
état dangereux provisoire	حالت خطرناک موقتی و آنی
état défensif	حالت دفاعی
état de nécessité	حالت ضرورت
état naturel, état brut	حالت عادی و طبیعی
non-soumis à réglementation, état de fait	حالت غیر حقوقی
cas fortuit	حالت غیر مترقبه / حالت غیر قابل پیش بینی
situation exceptionnelle, cas de force majeure	حالت فوق العاده
situation pré-exécutoire	حالت قبل از اجرا
	م. ۷ ق. ا. ب. م. ق. ث. د. ا. ر
	حالت کشوری که منابعش کفاف احتیاجات جمعیت را نمی دهد
pays en état d'insuffisance de ressources, Etat en état de pénurie de ressource	
enfance, infantilisme	حالت کودکی
état de délinquance, criminalité	حالت مجرمانه
inadaptation sociale du délinquant	حالت ناسازگاری اجتماعی مجرم
gestation	حامل / آبتن

femme enceinte	حامل بودن زن / آستان بودن زن م ۱۱۵۲. ق. م
porteur du chèque, détenteur du chèque	حامل چک / دارنده چک م. ا. ق. چ
porteur d'arme, détenteur d'arme	حامل سلاح / دارنده سلاح م ۲۲۶. ق. م. ع
porteur d'arme apparente	حامل سلاح ظاهر م ۲۲۶. ق. م. ع
porteur d'arme cachée	حامل سلاح مخفی م ۲۲۶. ق. م. ع
porteur de poison	حامل سم
gestation, grossesse	حاملگی / آستانی م ۵۱. ق. ب. ا. ک
femme enceinte	حامله / زن آستان
protecteur, soutien	حامی / پشتیبان
ambition	حب جاه / جاه طلبی
fondation pieuse	حبس / حبس مال / وقف م ۵۵. ق. م
emprisonnement, peine de prison, détention	حبس / زندانی م ۱۳۲. ق. م
réclusion criminelle à perpétuité, peine privative de liberté à perpétuité	حبس ابد م ۶. ق. ر. ج. ا
peine de travaux forcés à perpétuité	حبس ابد با کار اجباری
peine de prison ferme	حبس اجباری
détention disciplinaire	حبس انضباطی م ۲۴. ق. ک. ب. ر. آ
peine des travaux forcés	حبس با اعمال شاقه م ۴۶. ق. م. ع

contrainte par corps	حبس بابت جریمه
art. 749 C. pén	
emprisonnement sanctionnant le non-paiement de l'amende	
peine assortie de travaux	حبس با خدمت
peine assortie de travaux	حبس با کار
ماده واحده قانون مجازات مستخدمین قشونی که برخلاف حقیقت راپرت میدهند	
	حبس با کار اجباری
peine privative de liberté avec astreinte au travail	
art. 720 C. pén.	
peine s'accompagnant de travaux obligatoires	
peine ferme	حبس بدون تعلیق
م ۲. عهدنامه استرداد مجرمین ایران و پاکستان	
détention illégale, détention arbitraire	حبس برخلاف قانون
م ۸۷ ق. م. ع	
emprisonnement correctionnel	حبس تأدیبی
art. 717 C. pén.	
peine correctionnelle, détention	
م ۹ ق. م. غ	
emprisonnement de police	حبس تکدیری / حبس خلاف
art. 717 C. pén.	
peine de détention contraventionnelle	
م ۱۱ ق. م. ع	
réclusion criminelle	حبس جنائی
art. 717 C. pén.	
peine criminelle, détention criminelle,	
emprisonnement correctionnel	حبس جنبه‌ای
art 717 C. pén.	
peine correctionnelle, détention correctionnelle,	
peine arbitraire, détention arbitraire	حبس خودسرانه
détention à perpétuité	حبس دائم
م ۴۵ مکرر. ق. م. ع	

peine des travaux forcés à vie	حبس دائم با اعمال شاقه م ۴۴. ق. م. ع
détention dans un établissement d'éducation surveillée, détention dans une prison-école art. 718 C. pén.	حبس در دارالتأديب م ۲۰۷. ق. م. ع
déportation, détention dans un lieu éloigné	حبس در محل دور افتاده
détention de longue durée	حبس طویل‌المدت
détention simple	حبس عادی
fondation pieuse	حبس عام‌المنفعه م ۹۹. آ. ق. ت
inaliénabilité d'un bien affecté à une fondation	حبس عین مال ماده ۵۵. ق. م
emprisonnement, condamnation à temps	حبس غیردائم / محکومیت به حبس غیردائم م ۱۹۱. ق. م. ع
condamnation aux travaux forcés à temps	حبس غیردائم با مشقت م ۲۰. ق. م. ع
détention arbitraire, détention illégale	حبس غیرقانونی م ۸۷. ق. م. ع
brève détention	حبس کوتاه مدت
détention à vie, réclusion à perpétuité	حبس مؤبد م ۸. ق. م. ع
travaux forcés à perpétuité	حبس مؤبد با اعمال شاقه م ۸. ق. م. ع
travaux forcés à perpétuité en maison centrale,	حبس مؤبد در قلاع

inaliénabilité perpétuelle d'un bien (affecté à une fondation)	حبس مؤبد مال / وقف
emprisonnement cellulaire, détention cellulaire	حبس مجرد
emprisonnement à vie	م ۸۰. ق. م. ع
inaliénabilité totale d'un bien	حبس مخلد / حبس ابد
	حبس مطلق مال
emprisonnement à temps	م ۴۴. ق. م
	حبس موقت
emprisonnement à temps avec astreinte au travail	م ۵۳. ق. م. ع
art. 720 C. pén.	حبس موقت با اعمال شاقه
	م ۸۰. ق. م. ع
emprisonnement à temps avec astreinte au travail	حبس موقت با کار اجباری
art. 720 C. pén.	
	حبس موقت در قلاع
emprisonnement à temps en forteresse, emprisonnement à temps en maison centrale	
	م ۱۸۳. ق. م. ن
droit de primogéniture, droit d'aînesse	حبوه / تخصیص اشیاء معین از ترکیه برای پسر بزرگ
graine, semence	حبّه / دانه قابل کشت
graines appartenant à autrui	م ۳۳. ق. م
	حبّه غیر
	م ۳۳. ق. م
	حتمی الوقوع
certain, sûr, inéluctable, immanquable, inévitable, irrésistible	
pèlerinage, lieu du pèlerinage à la Mecque, hadjdj	حج
rideau, voile	حجاب
premier degré successoral excluant les autres	حجب
	م ۸۸۶. ق. م

حجب از اصل ارث/کلاً از ارث محروم شدن

premier degré successoral excluant les autres de toutes les successions

م. ۸۸۷. ق. م

حجب از بعض کرکه/ جزئاً از ارث محروم شدن

premier degré successoral excluant les autres de certaines successions

م. ۸۸۷. ق. م

حجب حرمانی

premier degré successoral excluant les autres de certaines successions

حجب نقصانی

degré successoral excluant les autres de certaines successions

preuve

حجت/ دلیل

incapacité, interdiction

حجر

م. ۱۲۴۵. ق. م

incapacité spéciale, interdiction particulière

حجر خاص

interdiction définitive

حجر دائمی

incapacité d'un associé

حجر شریک

incapacité générale, incapacité totale

حجر عام

interdiction légale

حجر قانونی

incapacité juridique, interdiction

حجر قضائی

incapacité provisoire, interdiction temporaire

حجر موقت

incapacité du mandataire

حجر وکیل

م. ۲۹۷. آ. د. م

incapacité d'une partie au procès

حجریکی از اصحاب دعوی

م. ۲۹۷. آ. د. م

volume, capacité, cubage

حجم

volume du travail

حجم کار

م. ۵۴. ق. ش

autorité

حجیت

peine fixée par la loi	حد/مجازاتانی که شرع تعیین نموده است
	م ۱. ق. م. ع
frontières, limites, démarcation	حد/مرز
	م ۲۶۴. ق. م. ع
limite des eaux territoriales	حد آبهای ساحلی
	م ۲. ق. ت. آ. س. ا
	حداد/ترک آرایش و لباسهای زیبا، عزادار بودن در مرگ شوهر
porter ostensiblement le deuil d'un conjoint	
part minimum, part réservataire, réserve	حدادنی/کمترین اندازه
	م ۸۸۷. ق. م
part maximum, part la plus grande	حد اعلی
	م ۸۸۷. ق. م
	حداعلای اسکناسی که بانک مرکزی قانوناً میتواند منتشر کند
plafond d'émission des billets de banque	
	حد اعلاى اسناد و بروات تجارتي که بانکها میتوانند نزد بانک مرکزی تنزیل مجدد کنند
plafond des effets de commerce pouvant être réescomptés par une banque	
limite d'engagement	حد اعلاى يك حق يا تعهد
minimum	حداقل
franchise minimum d'impôt	حداقل بخشودگی مالیات
	م ۲. ق. م. د
minimum vital	حداقل زندگی/زندگی بخور و نمیر
vitesse minimum	حداقل سرعت
	م ۱۱۴. آ. د. ر
capital social minimum	حداقل سرمایه شرکت
	م ۵. ق. ا. ق. ت
âge minimum requis pour le mariage	حداقل سن برای ازدواج
	م ۱۰۴۱. ق. م
seuil de rentabilité	حداقل عملکرد ضروری يك مؤسسه برای تأمین مخارج
minimum légal de la peine	حداقل قانونی مجازات
	م ۱۳. ق. ا. ق. م. ك. خ



حد اقل ...	کتابخانه ملی ایران	۷۶
حد اقل کیفر	minimum de la peine	۱۱ م. ق. ا. ق. ب. م. ق. ک. ع
حد اقل مجازات	minimum de la peine	۴۵ مکرر. ق. م. ع
حد اقل مجازات فاعل جرم	minimum de la peine pour le délinquant	۲۷ م. ق. م. ع
حد اقل مزد	salaire minimum	حد اقل مزد کارگر عادی
حد اقل مزد کارگر عادی	salaire minimum du manoeuvre, salaire minimum interprofessionnel	۲۲ م. ق. ک
حد اقل مساحت زمین برای هر خانواده	superficie minimum de chaque famille	۲۱ م. ق. ا. ا
حد اقل مقرر	minimum prévu, minimum fixé, minimum établi	۵ م. ق. ا. ق. ت
حد اکثر	maximum	حد اکثر اسکناس منتشره بدون رعایت ارزش و پشتوانه
حد اکثر اسکناس منتشره بدون رعایت ارزش و پشتوانه	maximum de billets de banque mis en circulation sans couverture métallique	حد اکثر رفاه
حد اکثر رفاه	maximum de confort	حد اکثر قیمت فروش کالا و خواربار در مواقع بحرانی و قحطی
حد اکثر قیمت فروش کالا و خواربار در مواقع بحرانی و قحطی	prix maximum des denrées en période de crise	حد اکثر کیفر شلاق
حد اکثر کیفر شلاق	nomore maximum de coups de fouet	ماده واحده قانون مجازات پیشه‌وران و فروشندگان که کالای خود را مخفی و با گران می‌فروشند
حد اکثر مالکیت کشاورزی	superficie maximum des exploitations agricoles	۲ م. ق. ا. ا
حد اکثر منبع خواسته که دادگاه صلاحیت رسیدگی به آن را دارد	montant maximum de la demande dans le cadre de la compétence du tribunal	

superficie maximum de terrains pour l'autorisation de transaction	حداکثر مجاز برای معامله اراضی
maximum de la peine	حداکثر مجازات
maximum de la peine la plus forte	حداکثر مجازات اشد
limites extrêmes prévues	حداکثر نصاب مقرر
plein épanouissement, maturité	حداکمل رشد
poids maximum des pièces de monnaie	حد ترخص وزن مسکوکات
âge de la retraite	حد تقاعد
limites nouvelles	حد جدید
limite extrême des eaux territoriales	حد خارجی دریای ساحلی
limites extrêmes des eaux territoriales, limites extrêmes des eaux internes	حد خارجی دریای سرزمینی
enceinte de la maison	حد خانه
limite d'un terrain, limité par la rive	حد خشکی
frontières internes	حد داخلی
rives d'un lac frontalier, limites d'un lac frontalier	حدود دریاچه مرزی
portée d'application	حد شمول
limites de l'exécution d'une sentence	حد شمول اجرا يك حكم
limites naturelles, frontières naturelles	حد طبیعی
	حد فاصل
ligne mitoyenne, frontière, ligne de démarcation, limite, lisière	حد فاصل املاك
limites des propriétés	حد فاصل دریای ساحلی
limite des eaux territoriales	

frontière entre deux Etats	حد فاصل دودولت
limite des propriétés	حد فاصل مابین املاک
	م ۲۶۴۲. ق. م. ع
limite du plateau continental	حد فلات قاره
	حد قذف
peine du fouet pour dénonciation calomnieuse de relations contre nature ou illégitimes	
données généralement admises	حد متعارف
limites permises	حد مجاز
	م ۴. ق. ا. ا
limites, frontières, ligne de démarcation	حد مرزی
	م ۲. ق. ت. آ. س. ا
	حد مصنوعی / مرز مصنوعی
frontières conventionnelles, frontières artificielles	
	حد معمولی / اندازه متعارف
limite raisonnable, point qu' on ne doit pas dépasser, limite acceptable	
	حد موجود قبلی / مرز موجود قبلی
limites anciennes, limites, limites préexistantes	
	حد میان دریای سرزمینی
limites des eaux territoriales, limites des mers intérieures	
quorum	حد نصاب آراء
	م ۲۱۲. ق. س ۱۳۴۳
	حد نصاب برای تشکیل جلسات
quorum nécessaire pour que l'assemblée délibère valablement	
	حد نصاب برای تشکیل مجمع عمومی
quorum requis pour une assemblée générale	
	حد نصاب سهام شرکت برای تشکیل مجامع عمومی
réunion d'une certaine portion du capital social pour délibérer valablement en assemblée générale	
présumer, supposer; supputer, conjecturer	حدس

création de besoins, apparition de besoins	حدوث احتیاج
ouverture du litige	حدوث اختلاف
apparition du conflit de compétence	حدوث اختلاف در باب صلاحیت
annonce de la dissolution de la société	حدوث بطلان شرکت
survenance du dommage	حدوث ضرر
limites, frontières, lignes de démarcation	حدود
champ d'action, rayon d'action, étendue de la compétence	حدود اختیار
étendue des pouvoirs du juge d'instruction	حدود اختیارات بازپرس
étendue des pouvoirs de l'arbitre	حدود اختیارات داور
contenu de la sentence	حدود حکم
limites du plateau iranien	حدود خارجی فلات قاره
limites urbaines	حدود شهرها
étendue des pouvoirs de l'arbitre	حدود صلاحیت داور
ressort de la compétence	حدود صلاحیت ذاتی
ressort de la compétence des tribunaux, ressort de la juridiction	حدود صلاحیت قضائی
frontières naturelles	حدود طبیعی/مرزهای طبیعی
frontières de l'Etat	حدود قلمرو دولت / حدود قلمرو کشور
limites de l'espace aérien	حدود قلمرو هوایی
limites de la propriété	حدود مالکیت
étendue de la responsabilité	حدود مسئولیت

فصل دوم ق. ا. ۱

ص ۴۶۳. م. ق. س ۱۳۴۳

حدود مسئولیت شرکاء غیرضامن در شرکت	
étendue de la responsabilité des associés non solidaires	
حدود مسئولیت مفتشین در شرکت	
étendue de la responsabilité du commissaire aux comptes	
م ۶۴. ق. ت	
حدود مسئولیت وکلاء در مقابل موکلین	
étendue de la responsabilité des avocats en tant que mandataires de leurs clients	
م ۶۴. ق. ت	
limites d' une propriété, borne, clôture, lisière	حدود ملک
م ۱۵. ق. ث	
limites des zones frontières	حدود منطقه سرحدی
م ۳. ق. تعقیب جزائی مجرمین فراری در مناطق سرحدی	
limites et frontières	حدود و ثغور
اصل ۲۲. ق. ا	
	حدود وکالت
limites du mandat, étendue du mandat, teneur de la procuration	
م ۶۷۴. ق. م	
hadith, tradition, conduite et comportement du Prophète	حدیث
suppression de crédits, suppression de poste	حذف اعتبار بودجه
suppression du poste d'un titulaire	حذف پست سازمانی
م ۱۱۵. ق. ا. ک	
suppression de l'emploi	حذف خدمت یا شغل
suppression de tribunal	حذف دادگاه
م ۱. س. ق	
suppression d'emplois	حذف مشاغل
enchère, surenchère	حراج
م ۷۰۷. ق. ا. م. ح	
adjudication mobilière, vente publique de meubles	حراج اثاثه
(ss 952 C. pr. civ.)	
adjudication de marchandises	حراج اجناس

حراج به طریق مزایده	
vendre aux enchères, mettre à l'encan, vendre à l'encan	
adjudicateur	حراجچی / حراج کننده
	م ۹. ن. د. ا. م
commissaire priseur	حراجچی رسمی
vente aux enchères, encan	حراج عمومی
	م ۱۵. ق. ت. گ.
folle enchère	حراجی که برنده آن نتواند از عهده پرداخت مبلغ پیشنهادی برآید
maintenir, conserver, garder	حراست/ حفظ کردن
	ص ۱۴۴. م. ق. د
acte interdit, acte défendu par la religion, acte impie	حرام/ ممنوع
	م ۱۰۵۰. ق. م
	حرامزاده/ فرزند متولد خارج از ازدواج
enfant né hors mariage, enfant naturel, enfant illégitime, bâtard	
acte interdit de façon irréductible	حرام مؤبد
	م ۱۰۵۰. ق. م
arme	حربه/ اسلحه
ennemi, infidèle armé	حربی/ کافر حربی
étroitesse, péché, faute, protestation	حرج/ فشار/ گناه/ اعتراض
mur d'enceinte, clôture	حرز/ پرچین
	م ۲۲۶. ق. م. ع
	حرف/ با تمام حرف/ با تمام حروف
signes graphiques, lettres, caractères, lettres de l'alphabet	
en toutes lettres	م ۲۲۵. ق. ت
revenir sur la parole donnée, se parjurer	حرف خود را پس گرفتن
métiers, professions, carrières	حرف و مشاغل
métier, profession	حرفه/ کار و شغل
incendier, brûler	حرق/ سوزاندن/ سوختن
	فصل دوازدهم. ق. م. ع
gestes lascifs ou obscènes	حرکات شهوی یا قبیح

gestes involontaires et soudains, tressaillement, tressautement, sur-saut, soubresaut, frisson, haut-le-corps	حرکات غیر ارادی و ناگهانی
mouvement des vagues, ressac, marée	حرکت امواج دریا
répétition, écho, reflet, réflexion	حرکت انعکاسی
mouvement perpétuel	حرکت دائمی
	حرکت در خواب / راه رفتن در خواب
gestes pendant le sommeil, somnambulisme	
périphérie des lieux saints, alentour, voisinage, environnement	حُرْم
périmètre interdit	حُرْم/حریمها
réputation, considération, interdit	حُرْم/احترام/ممنوع
illégalité, illégitimité, interdit	حرمت/حرمت رابطه
	م. ۸۸۴. ق. ۲
interdiction permanente, empêchement permanent	حرمت ابدی
	م. ۱۰۵۳. ق. ۲
empêchement absolu au mariage	حرمت ابدی ازدواج
(art. 147 et 148 C. civ.)	
	ص ۱۲۸. م. ۲. ق. ج
respect de la propriété, protection de la propriété	حرمت املاک
respect de la propriété privée	حرمت املاک خصوصی
	حرمت اموال عمومی
respect du domaine de l'Etat, respect du domaine public, respect du domaine	
	حرمت رابطه‌ای که طفل نمره آن است / فرزند متولد خارج از ازدواج
enfant issu de relations illégitimes, enfant illégitime, enfant naturel, enfant adultérin, bâtard	
(art. 342 C. civ.)	
	حرمت عینی/ممنوعیت نکاح همیشگی بین اقارب
empêchement permanent au mariage tiré de la parenté ou de l'alliance	
(art. 161 et 162 C. civ.)	

interdiction de l'homicide	حرمت قتل / ممنوعیت قتل
non-violation de domicile	حرمت منزل / احترام منزل
interdiction du mariage	حرمت نکاح / ممنوعیت ازدواج م ۱۰۴۶. ق. م
harem	حرمسرا
signes graphiques, lettres de l'alphabet, caractères d'imprimerie	حروف [مثلاً تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته میشود] م ۲۲۵. ق. ت
lettres de l'alphabet	حروف تهجی
caractères d'imprimerie, signes typographiques	حروف چاپی م ۹. ق. مطبوعات
fabriquer des caractères d'imprimerie	حروف ریزی / ساختن حروف چاپخانه م ۲۵. آ. ت. ج. گ
liberté	حریت / آزادی م ۹۶۰. ق. م
rapace, avide, accapareur	حریص / آزمند
belligérant, adversaire, rival, concurrent	حریف / همآورد
adversaire victorieux, vainqueur, gagnant	حریف فاتح
incendie	حریق / آتش سوزی م ۲۵۳. ق. م. ع
incendie involontaire	حریق در اثر بی‌مبالانی (C. pén. art. R. 38-40)
incendie volontaire	حریق عمدی (C. pén. art. 434) م ۲۵۱. ق. م. ع
périmètre de protection, espace réservé, surface d'interdiction	حریم / مقداری از زمین‌های اطراف ملک و فئات و انهارو... م ۱۳۶. ق. م
périmètre de protection des monuments	حریم ابنیه م ۵. لایحه قانونی معادن
tenants et aboutissants des propriétés	حریم املاک

حریم انهار

tenants et aboutissants des canaux, périmètre de protection des canaux

تصویرنامه ۳۳۴۸-۴۴۴۹۴۹. ه. و

حریم ایستگاههای وسائل نقلیه عمومی

espace réservé au stationnement des véhicules de transport en commun

م. ۱۴۴. آ. ر. ر

حریم چاهها

distance de séparation entre les puits, périmètre de protection des puits

م. ۱۳۷. ق. م

périmètre de protection des sources

حریم چشمهها

م. ۱۳۸. ق. م

zone littorale de golfe

حریم خلیج

م. ۳. ق. م. ا. س

حریم درجه يك راههای کشور

bord de route de 1ère classe, bord de route principale, périmètre de protection de route de 1ère classe

م. ۱. تصویرنامه ۱۶۷۲-۱۳۴۶۲۲۲

حریم درجه دو راههای کشور / حریم راههای درجه دو کشور

bord de route de 2ème classe, périmètre de protection de route de 2ème classe

م. ۱. تصویرنامه ۱۶۷۲-۱۳۴۶۲۲۲

حریم درجه سه راههای کشور / حریم راههای درجه سه کشور

bord de route de 3ème classe, périmètre de protection de route de 3ème classe

م. ۱. تصویرنامه ۱۶۷۲-۱۳۴۶۲۲۲

حریم درجه چهار راههای کشور / حریم راههای درجه چهار کشور

bord de route de 4ème classe, périmètre de protection de route de 4ème classe

espacement entre des arbres littoral	حریم درخت حریم دریا
périmètre de protection des lacs artificiels	م ۳. ق. م. ا. س حریم دریاچه سدها
superficie communale, limite territoriale d'un village	م ۲. ق. ت. ح. د. ا. پ. س حریم ده/ محدودده
aire périphérique des routes, fossés, levées, talus et ouvrages d'art dépendant des routes	حریم راهها
zone de protection des chemins de fer (art. 1 à 11 L. 15 juillet 1845—D.P. 45. 4. 163)	م ۲. تصویبنامه ۱۶۷۲-۱۳۴۶ر۲ر۲ حریم راه آهن
surface agraire	م ۱۳. ق. ک. ب. ر حریم زراعت / محدودده زمین زیرکشت
aire périphérique des grandes routes	حریم شاهراهها
surface urbaine, limite territoriale d'une ville	م ۱. تصویبنامه ۱۶۷۲-۱۳۴۶ر۲ر۲ حریم شهر/ محدودده شهر
champ d'application de la loi	م ۹۹. ق. ش حریم قانون/قلمرو قانون
espacement entre les ghanâts, périmètre de protection entre les ghanats (canaux souterrains)	حریم قنات
domaine de la souveraineté nationale	م ۱۳۸. ق. م حریم ملی/ قلمرو حاکمیت ملی
parti	حزب
parti libéral	حزب آزادیخواه
parti minoritaire	حزب اقلیت
parti des minorités	حزب اقلیتها
parti révolutionnaire	حزب انقلابی
parti républicain	حزب جمهوریخواه

parti démocrate	حزب دمکرات
parti politique	حزب سیاسی
	م ۷. ق. م. ت. م. ث. ا. و
parti des travailleurs, parti ouvrier	حزب کارگر
parti communiste	حزب کمونیست
parti conservateur	حزب محافظه کار
parti d'opposition	حزب مخالف دولت
compte	حساب
compte des devises	حساب ارزی
	م ۶. ق. ر. و. م. ا. ب. م. ا
compte de crédit	حساب اعتباری
	م ۱۱. موافقتنامه اقتصادی و همکاری فنی ایران و چکسلواکی
compte de règlements pécuniaires	حساب انتظامی
	م ۲. پروتکل الحاقی به موافقتنامه مربوط به همکاری اقتصادی و فنی بین ایران و رومانی
procès-verbal de non paiement	حساب بازگشت
	م ۳۰. ق. ت.
compte bancaire	حساب بانکی
	م ۷۴. ق. ش
compte débiteur	حساب بدهکار
compte de crédit	حساب بستانکار
comptes du Trésor	حساب بودجه کل
	م ۲. ق. ت. ب ۱۳۰۲
compte à terme	حساب به مدت
	م ۵۵۹. ق. م
bilan	حساب پایان دوره عملکرد
bilan, quitus	حساب پس دادن
compte de transit	حساب ترانزیت
	م ۱. موافقتنامه پرداخت ایران و افغانستان
reddition des comptes de gérance	حساب تصدی/ حساب زمان تصدی
	م ۱۲۴۴. ق. م

compte de troc	حساب تهاتری
م ۱۱. موافقتنامه اقتصادی و همکاری فنی ایران و چکسلواکی	
compte—courant	حساب جاری
م ۵۵۹. ق. م	
compte—courant postal (C.C.P.)	حساب جاری پستی
compte courant spécial	حساب جاری مخصوص
régler les comptes, rendre les comptes	حساب خود را پس دادن
م ۵۱۱. ق. ت	
comptable	حسابدار
م ۹. ن. د. ا. م	
dépositaire, responsable d'un dépôt	حسابدار جنسی
expert—comptable	حسابدار خبره
	حسابدار رسمی
comptable public, comptable officiel, comptable du Trésor	
م ۶۱. ق. م د	
receveur, caissier	حسابدار نقدی
comptabilité	حسابداری
comptabilité bancaire	حسابداری بانک
م ۳۶. ق. ب. ا	
	حسابداری دویل
comptabilité en partie double, comptabilité à parties doubles (à partie double)	
comptabilité publique	حسابداری دولتی
comptabilité en partie simple, comptabilité financière	حسابداری ساده
comptabilité de capitaux, compte-caisse	حسابداری سرمایه
	حسابداری صنعتی
comptabilité industrielle, comptabilité analytique d'exploitation	
comptabilité publique	حسابداری عمومی
	حسابداری مترادف
comptabilité en partie double, comptabilité à parties doubles (à partie double)	

۸۸	حسابداری مواد
comptabilité matières	حسابداری مواد
comptabilité économique ou comptabilité nationale	حساب دولت
	م. ۱۵۵ ق. م. ع
compte des réserves en billets de banque	حساب ذخیره اسکناس
	ماده واحده قانون راجع به نرخ طلا
comptable, commissaire aux comptes	حسابرس
	م. ۱۲. قرارداد ادراپ
contrôle comptable	حسابرسی
	م. ۱۲. قرارداد ادراپ
comptes de gérance	حساب زمان تصدی
	م. ۱۲۴۵ ق. م.
compte des profits et pertes	حساب سود و زیان
	م. ۶۱ ق. م. و
comptes politiques	حساب سیاسی
	حساب شرکت در شرف تأسیس
comptabilité de la constitution d'une société	
	م. ۶ ق. ش. س
comptes du Trésor	حساب عمل بودجه کل
	م. ۱ ق. ت. ب. ۱۳۰۲
sous.compte	حساب فرعی
	م. ۳۶ ق. ب. ا
sous.compte de troc	حساب فرعی تهاتر
	م. ۴. موافقتنامه همکاری ایران و رومانی
porter en compte	حساب گذاشتن
comptabilité financière	حساب مالیاتی
compte spécial	حساب مخصوص
	م. ۴۶۵ ق. س. ۱۳۴۳
comptes du mandat	حساب مدت وکالت وکیل که باید به موکل داده شود
	م. ۶۶۸ ق. م.
compte bloqué	حساب مسدود
	م. ۶ ق. چ

computer les délais	حساب مواعد/ تعیین مواعد
compte de liquidation	حساب نهائی م ۶۱۱. آ. د. م
compte d'emprunt	حساب وام م ۴۶. ق. ت. ا. و
compte principal bloqué	حسابهای اصلی مسدود م ۱۰. موافقتنامه ایران و دانمارک
comptes de clearing, comptes de compensation	حسابهای پایایی م ۵. دیون آلمان
comptes de liquidation	حسابهای تصفیه شده
comptes non arrêtés	حسابهای تصفیه نشده
compte spécial de trésorerie	حسابهای مخصوص خزانه حسابهای واریز شده / حسابهای پرداخت شده
comptes liquidés, comptes apurés	حسابی را به خرج بردن بدون اینکه خرج صورت گرفته باشد
compte falsifié	حسادت
jalousie	حسب عرف بلد
conformément à la coutume locale, selon les us et coutumes	م ۵۲۴. ق. م
conformément aux usages commerciaux	حسب عرف و عادت تجارت در معاملات تجاری م ۳۴۴. ق. م
conformément à la coutume locale	حسب عرف و عادت محل
conformément à l'ordre	حسب وظیفه
affaires dont le tribunal peut se saisir d'office	حسبی/ امور حسبی م ۱۰. ق. ا. ح
jalousie	حسد
sens social, sociabilité	حسن اجتماعی
sens moral, moralité	حسن اخلاقی
sensibilité d'un membre, d'une partie du corps, sensibilité locale	حساس بودن موضع

sensibilité	حساسیت
altruisme, sens de la coopération	حسن تعاون
complexe d'infériorité	حسن حقارت
curiosité	حسن کنجکاوی
sens commun, bon sens	حسن مشترك
bonne moralité	حسن اخلاق
bon ordre	حسن انتظام
bon ordre de la circulation	حسن انتظام امور رانندگی
م ۴. قانون راجع به اعطای اختیار به افسران شهربانی برای وصول جرائم رانندگی	
savoir-faire, habileté, adresse	حسن تدبیر
bonne fortune, chance	حسن تصادف
entente, compréhension mutuelle	حسن تفاهم
ص ۸۹. م. ق. و	
entente politique, alliance	حسن تفاهم سیاسی
s'entendre	حسن تفاهم مشترك
bon voisinage	حسن جوار
مقدمه. م. م. م	
bonne humeur	حسن خلق
bons rapports, entente	حسن سلوك
bonne réputation	حسن شهرت
م ۲۹. ا. ش. م. ن. ا	
bonne apparence	حسن ظاهر
estime	حسن ظن
bon voisinage	حسن مجاورت
ص ۱. م. ق. و	
sociabilité	حسن معاشرت
bonne foi	حسن نیت
ص ۹۱. م. ق. و	
bonne foi du créancier	حسن نیت طلبکار
ص ۴۶۷. م. ق. س ۱۳۴۳	

gland du pénis	حشفه / نوک آلت مرد
hachisch (haschisch)	حشیش
	م ۱. ق. ا. ق. م. ک. ح
fauchage du pavot	حصاد خشخاش / درو خشخاش
limite de la compétence	حصر صلاحیت
certificat d'hérédité délivré par le tribunal	حصر وراثت / گواهی حصر وراثت
réalisation de la condition	حصول شرط
	م ۳۶۴. ق. م
prise de possession de la chose achetée	حصول قبض در بیع
	م ۳۷۴. ق. م
accomplissement du terme de la prescription	حصول مرور زمان
(art. 2261 C. civ.)	
	م ۳۱۹. ق. ت
	حصول مرور زمان اموال منقوله / مدت های مرور زمان مربوط به اموال منقول
accomplissement de la prescription mobilière	
	م ۳۱۹. ق. ت
	حصول مرور زمان پنجساله
accomplissement de la prescription quinquennale	
(art. 2277 C. civ.)	
	م ۳۱۹. ق. ت
part, portion	حصه
	م ۱۵۷۲. ق. م
part spéciale	حصه اختصاصی
	م ۱۲۵. ق. م
part au marc le franc	حصه به نسبت طلب
	م ۵۲۴. ق. ت
part vendue	حصه مبیعه / سهم فروخته شده
	م ۸۰۸. ق. م
part indivise	حصه مشاع
	م ۵۲۱. ق. م
éducation, garde d'enfant	حضانت
	م ۱۱۶۹. ق. م

droit de garde du père	حضانة پدر
	م. ۱۱۶۹ ق. ۴
droit de garde du mineur	حضانة طفل صغير
	م. ۱۵ ق. ۱ از
droit de garde de la mère	حضانة مادر
	م. ۱۱۶۹ ق. ۴
comparution, convocation	حضور
	حضور در دادگاه
comparution devant le tribunal, convocation, assignation, citation, exploit d'ajournement	حضور در دادگاه به عنوان خواهان یا خوانده
comparution à titre de demandeur ou de défendeur	
comparution des deux parties	حضور متداعبین در دادگاه
comparution d'office	حضور یافتن بر حسب حکم یا دستور
(art. 324 C. proc. civ.)	
comparaître, convoquer au Palais de Justice	حضور یافتن در دادگستری
en présence de, corps présent	حضور
fouille, fouilles	حفاری
	م. ۸. ارباب
fouilles archéologiques	حفاری باستانشناسی
fouille scientifique, prospection, forage	حفاری علمی
maintenir, sauvegarder, protéger	حفاظت
	م. ۴۸ ق. ۴
protection des biens	حفاظت اموال
garde de la chasse et de la pêche	حفاظت صید و شکار
(D. 16. 4. 1955 et D. L. 1. 9. 1. 1852)	
surveillance technique dans les ateliers	حفاظت فنی در کارگاه‌ها
	م. ۱. ل. ح. ف
protection contre les accidents du travail	حفاظت کار
	م. ۲. ق. ب. ا. ک

sauvegarde du bien en jouissance	حفاظت مال موضوع حق انتفاع م ۴۸. ق. م
creuser un canal, percer un canal	حفر ترعه
forer un puits	حفر چاه
forer un puits dans un jardin	حفر چاه در باغچه
	م ۳. ق. ح. ح. م. آ. ز. ك
forer un puits dans un lieu d'habitation	حفر چاه در محل مسكونی
	م ۳. ق. ح. ح. م. آ. ز. ك
forer un puits profond	حفر چاه عمیق
	م ۲. ق. ح. ح. م. آ. ز. ك
forer un puits de moyenne profondeur	حفر چاه نیمه عمیق
	م ۳. ق. ح. ح. م. آ. ز. ك
creuser une canalisation souterraine (ghanat)	حفر قنات
	م ۳. ق. ح. ح. م. آ. ز. ك
canal souterrain	حفری که در زیر زمین است
	م ۳۹. ق. م
sauvegarde, maintien, garde	حفظ
sauvegarde de l'honneur, respect de l'honneur	حفظ آبرو
respect des libertés individuelles	حفظ آزادی های افراد
	حفظ احترام خدمات و اماکن معینی از طرف متخاصمین
immunité de certains lieux ou services par temps de guerre	
mesures d'hygiène	حفظ الصحة
	ص ۳۵۱. د. ۹. ق. گ
conservation des pièces à conviction	حفظ امارات
	م ۲۰. آ. د. م
maintien de la sécurité publique	حفظ امنیت/ حفظ امنیت عمومی
	م ۲۴۱. آ. د. ك
garde des biens saisis	حفظ اموال توقیف شده
	فصل دوم ق. ا. م. ح
maintien de l'ordre public	حفظ انتظام مملکتی
	م ۲۴۱. آ. د. ك

۹۲	حفظ تركه
sauvegarde d'un bien successoral	حفظ تركه
	م ۱۶۲. ق. ا. ح
respect de la vie, maintien de la vie, sauvegarde de la vie	حفظ جان
	حفظ حق امضاء و تصویب معاهدات
réserve apportée à la lettre et à la signature des conventions, droit de repentir	
protection des droits des fonctionnaires	حفظ حقوق استخدامی مستخدمان
	فصل ۷. ق. ا. ك
protection des droits des tiers	حفظ حقوق اشخاص ثالث
	حفظ حقوق ناشیه از برات
sauvegarde des droits résultant de la lettre de change	
	م ۳۰۶. ق. ت
	حفظ حیات مادر درمورد اجازه سقط جنین
maintien de la vie de la mère (choix mère/enfant en cas de diffi- culté lors d'un accouchement)	
	م ۱۸۳. ق. ع
sauvegarde des biens	حفظ دارائی/حفظ اموال
maintien des preuves	حفظ دلائل
	م ۱۳. آ. د. م
	حفظ دلائل و امارات مدعی به
sauvegarde des preuves et des indices concernant l'objet du litige	
	م ۸. قانون تصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی
sauvegarde de la vie	حفظ زندگی
maintien de la santé	حفظ سلامت
sauvegarde de la paix, maintien de la paix	حفظ صلح
	م ۲۶. م. م
	حفظ صلح و امنیت بین المللی
sauvegarde de la paix et de la sécurité internationale	
non—abrogation de la loi, sauvegarde de la loi	حفظ قانون
sauvegarde du bien	حفظ مال

conservation du gage	حفظ مال وديعه
	م ۶۱۲. ق. م
garde d'un prisonnier	حفظ محبوس
	م ۱۱۸. ق. م. ع
respect des règles fondamentales et des principes moraux, respect porté au sexe faible	حفظ ناموس
	م ۴۱. ق. م. ع
maintien de l'ordre	حفظ نظم
maintien de l'ordre public	حفظ نظم عمومي
légitime défense, autodéfense	حفظ نفس
	م ۴۱. ق. م. ع
fossé	حفرة
	م ۱۳۵. ق. م.
droit	حق
de jure, conformément au droit	حقاً
servitude de puisage, droit de puisage	حق آب بردن
droit à l'eau sous certaines conditions	حقوقه
	م ۱۰. ق. ا. ت. ب. آ
bénéficiaire d'un droit à l'eau (art. 641 et 642 C. civ.)	حقوقه بر
	م ۱۱. ق. ا. ت. ب. آ
droit d'usage sur l'eau au printemps	حقوقه بهاره
	م ۸. آ. ت. ف. آ. ر. ج
droit d'usage sur l'eau en automne	حقوقه پائيزه
	م ۸. آ. ت. ف. آ. ر. ج
droit d'usage sur un cours d'eau domanial	حقوقه خاصجات
	آ. ت. ف. آ. ر. ج
droit d'usage absolu	حقوقه دائم / حقوقه مطلق و هميشگی
	م ۱۶. ت. ر. م. ر. ك

éléments incorporels du fonds de commerce	حق آب و سطل/سرقفای
droit d'exploitant agricole	حق آب و سطل/ حق زارعانه
	م ۱۵۲. آ. س. آ. ب. خ
droit d'abonnement	حق آبونمان
	حق آزادی عبور و مرور و انتخاب محل اقامت
droit de libre circulation et de libre choix de domicile	
	م ۱۳۱. ح. ب
droit à la liberté d'opinion et d'expression	حق آزادی عقیده و بیان
	م ۱۹۲. ا. ح. ب
droit à la liberté de pensée et de culte	حق آزادی فکر و وجدان و مذهب
	م ۱۸۱. ا. ح. ب
	حق آزادی مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز
droit à la liberté de réunion et d'association pacifiques	
	م ۲۰۱. ح. ب
puissance paternelle	حق ابوت/ حق پدری
autorité parentale	حق ابوین
	م ۱۱۶۸. ق. م
droit de porter plainte, droit de porter une accusation	حق اتهام
droit de contrainte	حق اجبار
	حق اجتماع و آزادی فعالیت‌های قانونی
droit de s'associer dans le but d'exercer une activité	
	م ۴۱۲. سفارشنامه مربوط به حمایت کارگران مهاجر در کشورهای توسعه نیافته
droit d'exécution	حق اجرا
	م ۱۳۳. ق. ث
capacité civile, jouissance des droits civils	حق اجرای حقوق مدنی
	م ۹۵۹. ق. م
libre exercice du culte	حق اجرای مراسم مذهبی
	حق اجرت مساوی در مقابل کار مساوی
droit au salaire égal pour un travail égal (Déclaration Universelle des Droits de l'Homme, art. 28)	
	م ۲۳۲. ا. ح. ب

droit de rétention	حق احتباس/ حق نگهداشتن ثمن یا مبیع
droit aux honneurs	حق احترام
droit éventuel	حق احتمالی
droit d'invention, droit de l'inventeur	حق اختراع/ حق مخترع م ۲۶۰ ق. ث. ع
droit spécial	حق اختصاصی
droit d'opter pour une nationalité	حق اختیار تابعیت
capacité de recevoir	حق اخذ کردن/ حق گرفتن
pleins pouvoirs	حق اخذ تصمیم بلا شرط
droit d'accession sur les fruits (V. art. 548 et 549 C. civ.)	حق اخذ ثمره مال
droit de jouissance de l'usufruitier sur les fruits (V. art. 582 à 586 C. civ.)	حق اخذ ثمره مال
droit d'expulsion	حق اخراج
pouvoir d'administration	حق اداره کردن ص ۸۱ م. ق. و
droit de suite	حق ادامه
infériorité	حقارت
servitude	حق ارتفاق م ۱۰۴ ق. م
servitude internationale	حق ارتفاق بین المللی
servitude active	حق ارتفاق مثبت
servitude passive	حق ارتفاق منفی
servitude d'un fonds en faveur d'un autre, servitude urbaine, servitude rurale (V. art. 686 C. civ.)	حق ارتفاق نسبت به ملک غیر
capacité pour estimer, capacité pour évaluer	حق ارزیابی/ حق ارزیابی داشتن
droit à réduction du prix	حق ارش/ تفاوت قیمت بین جنس سالم و معیوب م ۴۳۲ ق. م
(V. art. 1622 C. civ.)	

droit à réduction du prix en cas de défaut de la chose vendue (V. art. 1622 C. civ.)	حق‌ارش در صورت ظهور عیب در مبیع
droit aux services d'un ordonnance	حق‌ارش گماشته امراء م ۴۳۲. ق. م
droit d'aînesse, droit de primogéniture	حق ارشدیت م ۹۵. ق. م د
droit de se marier (Déclaration Universelle des Droits de l'Homme, art. 16), capacité de contracter mariage	حق ازدواج کردن
droit au repos	حق استراحت
droit de reprise	حق استرداد ص ۱۲۲. م. ق. ح. خ
droit à la restitution de la chose vendue	حق استرداد عین مبیع م ۳۳. ق. ت
droit d'usage	حق استعمال م ۳۸۰. ق. م
droit d'usage privatif	حق استعمال انحصاری م ۲. ق. ت. ع. ا
droit d'usage sur une marque de commerce	حق استعمال انحصاری علامت تجارتي م ۲. ق. ت. ع. ا
droit d'usage	حق استفاده م ۳. ق. ا. ب. ا
droit d'affouage	حق استفاده از چوب جنگلی برای ساکنان دهستانهای اطراف جنگل
droit d'usage sur l'eau courante, droit de pêche, permis de pêche (V. art. 644. C. civ.)	حق استفاده از رودخانه
droit d'usage sur un terrain	حق استفاده از زمین
droit de jouissance sur un bien, droit d'usage sur une chose, usus	حق استفاده ازمال

droit de jouissance	حق استیفاء
exterritorialité des navires	حق استقلال سفاین
droit d'abonnement	حق اشتراك / حق آبونمان
droit d'occupation	حق اشتغال محل
	م ۲۸. ق. م. د
	حق اصلاح
droit de révision, droit d'amendement, droit de rectification	
	م ۲۱۰. ق. ت
droit à répétition de l'indu	حق اضافه ارش / حق مطالبه اضافه ارش
(V. art. 1235. C. civ.)	
	م ۳۰. ق. ب. س. ك
droit du failli à la réhabilitation	حق اعاده اعتبار تاجر ورشكسته
(V. art. 607 et 608 C. com.)	
	م ۵۶۳. ق. ت
droit patrimonial personnel	حق اعتباری
droit de protestation	حق اعتراض
droit de grève	حق اعتصاب
droit de grâce	حق اعتناء بخشودگی
compétence pour déclarer la guerre	حق اعلان جنگ
droit de libre résidence	حق اقامت بلا مانع
	م ۵. موافقتنامه همکاری بین ایران و شوروی
droit d'ester en justice	حق اقامه دعوی کردن در دادگستری
	حق اقدام به عملیات انتظامی
droit de recourir à la force pour le maintien de l'ordre	
droit acquis	حق اكتسابی
droit de prospection, droit de recherche minière	حق اكتشاف
	م ۱۲. ق. معادن
droits d'auteur	حق التألیف
frais de rédaction des actes notariés	حق التحریر سردفتر
	م ۲۳. ق. د. ا
droits d'auteur	حق التصنیف / حق التألیف
	م ۱۶. آ. د. م

indemnité de recherche	حق التحقیق/ پاداش تحقیق/ اجرت تحقیق
۵ م. الحاقی به آئین نامه اجرائی تبصره ۲۹ قانون بودجه ۱۳۴۴	
salaire d'administrateur	حق التولیه/ اجرت عمل متولی
	۸۴ م. ق. م
droits d'enregistrement	حق الثبت/ هزینه ثبتی
	۲ م. ق. ه. د. ث
	حق الثبت اسم تجارتي/ هزینه ثبتی اسم تجارتي
droit d'enregistrement des marques	
	۱۲۱ م. ق. ث
droit de transcription des immeubles	حق الثبت املاک/ هزینه ثبتی املاک
	۱۲۰ م. ق. ث
droits et taxes des actes notariés	حق الثبت دفاتر اسناد رسمی
	۹۰ م. ق. ث
	حق الثبت شرکتهای/ هزینه ثبت رسانیدن شرکتهای
droit d'enregistrement des sociétés	
	۱۲۲ م. ق. ث
	حق الثبت شرکتهای بیمه/ هزینه به ثبت رسانیدن شرکتهای بیمه
droit d'enregistrement des sociétés d'assurances	
	۱۲۲ م. ق. ث
	حق الثبت شرکتهای حمل و نقل بحری/ هزینه به ثبت رسانیدن شرکتهای حمل و نقل دریایی
droit d'enregistrement des compagnies de transport maritime	
	۱۲۲ م. ق. ث
	حق الثبت شرکتهای حمل و نقل بری/ هزینه به ثبت رسانیدن شرکتهای حمل و نقل زمینی
droit d'enregistrement des sociétés de transports routiers	
	۱۲۲ م. ق. ت
droit d'enregistrement des marques	حق الثبت علامات/ هزینه ثبت علامات
	۱۵ م. ق. ت. ع. ا
frais de l'exécution forcée	حق الاجراء/ هزینه اجراء
	۱۳۳ م. ق. ث
	حق الاجراء اسناد لازم الاجراء/ هزینه اجرای اسناد لازم الاجراء
droits et taxes perçus à l'occasion de l'exécution forcée des actes notariés	
	۱۳۱ م. ق. ث

frais de l'exécution poursuivie par le tribunal	حق الاجراء ثبت ومحاكم
م ۱۵. ق. متمم بودجه ۱۳۱۷	
rémunération pour un travail, récompense pour une trouvaille	حق الجعالة / اجرت عمل
pension pour la garde de l'enfant	حق الحضانه / اجرت نگاهداري طفل
م ۸. ق. تصرفات در قانون اصول محاكمات حقوقی	
rémunération pour la garde	حق الحفظه / اجرت حفاظت چیزی
م ۸. ق. ث	
rémunération du gardien d'une chose	حق الحفظ / اجرت حفظ چیزی
م ۶۵۰. آ. د. م	
frais d'annonce dans un journal	حق الدرجه آگهی / هزینه انتشار آگهی
م ۱۳. آ. ر. ن. آ	
	حق الارض / اجاره زمین / قیمت زمین
prix du terrain, valeur vénale du terrain	
م ۶. ق. قنوات	
ancienne valeur du terrain	حق الارض گذشته / قیمت سابق زمین
ص ۱۹۶۴. م. ق. د. ۱۸. ق	
valeur vénale des terres minières	حق الارض معدن / قیمت زمین معدنی
حق الزحمه	
traitement, rémunération, salaire, indemnité, appointement, émolument	
م ۲۲۹. آ. د. ك	
honoraires du médecin	حق الزحمه اطباء
م ۲۲۹. آ. د. ك	
honoraires de l'expert, vacations de l'expert	حق الزحمه اهل خبره
(art. 319 C. Proc. civ.)	
honoraires de l'expert-comptable	حق الزحمه حسابرسی
م ۲۷۷. ق. م. د	
jetons de présence	حق الزحمه حضور
م ۱۶. اساسنامه بانک توسعه صادرات	
ducroire, prime du commissionnaire—ducroire	حق الزحمه حق العمل کار
honoraires de l'arbitre	حق الزحمه داورها
م ۶۷. آ. د. م	

- commission de l'intermédiaire, courtage, agio, ducroire حق الزحمة دلال
م ۳۵۴. ق. ت
- défraiement des témoins, taxe allouée au témoin حق الزحمة شهود
(art. 279 C. Proc. civ.),
indemnité accordée au témoin
(C. Proc. pén. R. 123)
م ۲۲۹. آ. د. ك
- honoraires de l'expert, vacations de l'expert حق الزحمة كارشناس
(art. 319 C. Proc. civ.)
م ۴۸۵. آ. د. م
- rémunération de l'interprète حق الزحمة مترجمين
م ۳. ق. ر. ت. ا. ا
- indemnité allouée au syndic de faillite, indemnité allouée à l'ad-
ministrateur au règlement judiciaire حق الزحمة مدير تصفيه
(art. 461 C. com.)
م ۴۴۲. ق. ت
- honoraires حق الزحمة مشاغل آزاد
prime de sauvetage, frais de renflouage حق الزحمة معاضدت در دريا
م ۹. قرارداد و حق دريائي
- honoraires d'estimation, frais d'estimation حق الزحمة مقوم
م ۹. ق. ر. ا. ع. ا. خ
- prime allouée au collecteur d'impôts حق الزحمة وصول مائيات
م ۱۶۵. ق. م. د
- frais relatifs aux fonctions d'exécuteur testamentaire حق الزحمة وصي
(art. 1034 C. civ.)
حق السبق / حق مسابقة / شرط بندی در اسبدواني و ...
م ۸. ق. ا. م. ح
- pari, enjeu, mise حق السعي / حق الزحمة
rémunération, rétribution, salaire, droit de commission (courtage,
agio, ducroire)
م ۵. ق. ط. ت. ت. ا. م. ن. ل

droit d'usage et d'habitation, usufruit assorti de la condition d'habitat (art. 625 C. civ.)	حق السكنى م ۸. ق. ا. م. ح
chantage	حق السكوت / اخاذی م ۲۳۴ و ۲۳۵ ق. م. ع
valeur réelle de l'action, action (titre représentatif d'une fraction du capital social)	حق السهم م ۵. ق. م. م. ق
prime proposée pour l'aide à l'arrestation de contrebandiers	حق السهم کاشفین قاچاق م ۵. ق. م. م. ق
redevance pour les services publics	حق الاشتراك مؤسسات عمومى
redevance téléphonique	حق الاشتراك تلفن
droit de puisage	حق الشرب / حق استفاده از چشمه یا آب انبار یا حوض غیر م ۱۰۴ ق. م
abonnement, cotisation	حق الشراكة / حق اشتراك تصميم شماره ۱۸ قرارداد بين المللى ارتباطات دور
droit de préemption	حق الشفعه م ۸. ق. ا. م. ح
indemnité de garde	حق العيانه / اجرت حفاظت
droit de passage (sorte de servitude)	حق العبور / نوعى حق ارتفاقي م ۱۳. آ. د. م
droit perçu à l'occasion du transport des colis postaux	حق العبور امانات پستی / عوارض دریافتی برای عبور امانات پستی
honoraires médicaux	حق العلاج م ۸. ق. م. د
honoraires du praticien	حق العلاج طبيب
droit de commission, courtage, agio, ducroire	حق العمل م ۵۸. ق. ب

۱۰۴	حق العمل دلال
courtage	حق العمل دلال م ۳۰۰. ق. ت
commission de change	حق العمل صراف م ۳۰۰. ق. ت
commissionnaire	حق العملکار م ۳۰۰. ق. ت
transitaire, commissionnaire de transport maritime	حق العملکار حمل و نقل دریایی
commission	حق العمل کاری (بارچالان) م ۵۰. موافقتنامه پرداخت ایران و افغانستان
commission	حق العمل کاری (کمسیون) م ۲. ق. ت
intérêt de l'argent déposé par l'Etat dans les banques	حق العمل وجوه دولتی / بهره پولی که دولت به بانکها می سپارد
faculté de résiliation d'un engagement	حق الغاء معاونه نامه
droit à la fourniture du costume	حق الكسوه م ۸. ق. ا. م ح
prime de découverte, prime de trouvaille, droit d'épave	حق الكشف م ۷. آ. ق. ح. ب. ج. م
indemnité de représentation, frais de remplacement	حق الكفاله / جانشینی م. واحده قانون اصلاح بودجه اداره فلاحت
allocation familiale	حق الكفاله / حق تكفل
droits publics	حق الله / اموری که جنبه عمومی دارد / حقوق عمومی
droit de concession	حق الامتياز / حق تحصيل يك امتياز
royalties, redevance	حق الامتياز حق الماء / عوارض استفاده از آب
prix de l'eau, montant de la consommation d'eau	ص ۱. م. ق. و. آ. ب
droit de captation des eaux	حق المسجری / حق ایجاد مجری / حق گرفتن آب

حق المجرای رودخانه یا دریاچه / حق گرفتن آب از رودخانه یا دریاچه	
droit de captation, des eaux, autorisation de prise d'eau, droit de puisage, droit d'usage	
honoraires de consultation	حق المشاوره / هزینه مشورت کردن م ۳۲. ق. و
honoraires de consultation	حق المشوره / هزینه مشورت کردن م ۳۲. ق. و
part de bénéfices dans une société en commandite	حق المضاربه / منافع تجارت
intérêt des fonds publics	م ۴۵۹. ق. م
intérêt des fonds publics	حق المضاربه وجوه دولتی / حق العمل وجود دولتی / منافع م. واحده راجع به حق العمل و حق المضاربه وجوه دولتی
droits privés	حق الناس / حقوق مردم / حقوق خصوصی
droit de regard	حق النظاره
	م ۹. ق. اوقاف
droit à pension alimentaire	حق النفقه
	م ۸. ق. ا. م. ح
frais de dépôt, frais de consignment	حق الودیعه / مخارج و دیعه م ۱۲۸. ق. ث.
	حق الودیعه اسناد و اوراق / مخارج و دیعه اسناد و اوراق
frais de dépôt des actes et documents	م ۱۲۸. ق. ث
	حق الوصایه / حق الوصایه وصی
rétribution de l'exécuteur testamentaire, frais relatifs aux fonctions de l'exécuteur testamentaire	
(art. 1034 C. civ.)	
	م ۸. ق. ا. م. ح
honoraires de l'avocat	حق الوکاله / حق الوکاله وکیل
	م ۸. ق. ا. م. ح
rétribution du tuteur	حق الولايه / حق الولایه ولی
	م ۸. ق. ا. م. ح
حق امتناع از نزدیکی با شوهر / معاف بودن از نزدیکی با شوهر	
dispense des devoirs conjugaux	م ۱۱۲۷. ق. م

droit de conservation, faculté de non—aliénation	حق امتناع یا حبس
concession	حق امتیاز
action privilégiée	حق امتیاز سهام
droit à la signature	حق امضاء
	م ۱۰۲. آ. د. م
délégation de signature	حق امضای خود را به دیگری دادن
droit à la signature sociale	حق امضاء در شرکتها
	م ۱۰۲. آ. د. م
droit à la sécurité sociale	حق امنیت اجتماعی/حق بیمه اجتماعی
droit à la sécurité individuelle	حق امنیت شخصی
droit de magasinage	حق انبار داری
	م ۵. ق. ب
droit d'opter, droit d'élire, droit de choisir	حق انتخاب کردن
	حق انتخاب بین یکی از دو تابعیت
droit d'opter pour ou contre une nationalité	
droit au choix de la monnaie	حق انتخاب پول
droit d'opter pour une nationalité	حق انتخاب تابعیت
droit de choisir un remplaçant, droit de présentation	حق انتخاب جانشین
droit à l'éligibilité	حق انتخاب شدن
	م ۱۳. ق. ا. م. ش. م
droit à l'électorat	حق انتخاب کردن
	م ۱۳. ق. ا. م. ش. م
droit d'option pour une nationalité	حق انتخاب ملیت
droit sur un bien, droit de jouissance	حق انتفاع
	م ۱۸. ق. م
droit d'usage de l'eau	حق انتفاع از آب
(art. 640 à 644 C. civ.)	
	م ۱۰۱. ق. م
droit de jouissance sur les immeubles	حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله
	م ۱۸. ق. م
quasi—usufruit	حق انتفاع از اشیاء مصرف شدنی
(art. 587 C. civ.)	

- حق انتفاع از اموال منقول
 droit de jouissance sur les biens meubles, possession mobilière
 حق انتفاع از دو یا چند ملك بمفروز که قبل از افراز مالك واحد داشته‌اند
 droit de jouissance sur un bien sorti de l'indivision
 حق انتفاع از مباحثات
 droit de jouissance sur les biens non-appropriés
 مبحث سوم از فصل دوم باب دوم ق. م
 usufruit حق انتفاع به معنی خاص/ عمری، رقبی، سکنی
 droit de jouissance légale حق انتفاع پدر و مادر از اموال اولاد صغیر
 (art. 384 C. civ.)
 usufruit assorti d'un terme حق انتفاع رقبی
 م. ۴۲ ق. م
 usufruit assorti de la condition d'habitat, droit d'usage et d'habitation (art. 625 C. civ.) حق انتفاع سکنی
 م. ۴۳ ق. م
 usufruit pur et simple حق انتفاع عمری
 م. ۴۱ ق. م
 usufruit légal حق انتفاع قانونی
 (art 579 C. civ.)
 حق انتفاع هریک از زوجین در اموال دیگری پس از فوت
 droit d'usufruit du conjoint survivant
 (V. art. 767 C. civ.)
 droit de transfert, droit de cession حق انتقال
 droit de cession à un tiers حق انتقال به غیر
 م. ۸ ق. ر. م. م
 droit de cession d'un droit de pacage حق انتقال پروانه چرا
 م. ۳ ت. ج. د. م
 droit de cession d'un immeuble حق انتقال ملك
 م. ۱۵ ق. د. ا. ر. ا. و
 droit privatif, droit exclusif حق انحصاری
 م. ۲۶ ق. ت. ع. ا
 droit exclusif d'exportation des produits حق انحصاری صدور محصولات
 م. ۹ ق. م. ق. ا. ت. خ

droit exclusif de pêche	حق انحصاری صید ماهی
droit de propriété littéraire et artistique, copyright	حق انحصاری مالکیت ادبی و هنری و علمی
droit de légiférer	حق انشاء قانون/ حق قانونگذاری
droit d'établir des succursales	حق انشعاب/ حق شعبه داشتن
capacité de contracter	حق انعقاد و عهود
légitimité	حقانیت/ مشروعیت/ برحق بودن
	م. ۱۰. ق. ۱. م. ح
droit de priorité, avantage attaché à l'antériorité	حق اولویت
	م. ۱۴۲. ق. م
antériorité de mise en valeur d'un terrain	حق اولویت در احیاء
	م. ۱۴۲. ق. م
antériorité d'appropriation	حق اولویت در تملك
droit de préemption de l'exploitant agricole	حق اولویت زارع
préemption légale	حق اولویت قانونی
droit de préemption	حق اولویت قانونی در تصاحب مالی نسبت به دیگران
vérités	حقایق
réalité des choses, matérialité	حقایق اشیاء
coût du transport, fret	حق باربری/ هزینه باربری
	ق. م. ح. ب. ك. ص
licence de transport	حق باربری/ اجازه باربری
droit de chargement	حق بارگیری
	ماده واحده. ق. ح. ب. ت. ك
faculté de rachat, réméré	حق بازخرید
droit d'inspection, droit de visite	حق بازدید / حق بازرسی
	حق بازرسی اسنادکشتی
droit de contrôle des documents maritimes, droit de visite	
	ص ۴۴۱. م. ق. س ۱۳۴۳
droit réel, droit actif	حق بالفعل
droit éventuel	حق بالقوه
droit de grâce	حق بخشودگی

droit de convoyage (convoiement)	حق بدرقه احتمالي کالاها م ۷. ق. ت. گ
droit au lever des couleurs	حق برافراشتن پرچم ملي م ۴۳۳. ق. س ۱۳۴۳
droits sur les biens du de cujus, droits successoraux	حق بر ترکه م ۳۵۲. ق. ا. ح
droit d'établir une base militaire	حق برقراري پادگان نظامي
droit de lever des taxes municipales	حق برقراري عوارض شهرداري
droit de retour légal (V. art. 747 C. civ.)	حق برگشت عين موهوبه (V. art. 747 C. civ.)
droit à l'application de la loi nationale du justiciable	حق برون ذاتي قانون براي متهم
droit d'exploitation forestière	حق بيشه/ حق بهره برداري از بيشه م ۵. ق. ط. ت. ا. س. ف
droit à l'éducation	حق بهره مندي از آموزش و پرورش
indemnité d'assurance, prime d'assurance	حق بيمه/ مبلغ بيمه م اول. ق. ح. ث. ش. ب
prime d'assurance fixe, indemnité forfaitaire	حق بيمه مقطوع / مبلغ بيمه مقطوع م ۲۶. ق. ب. ا. ك
frais postaux	حق پست/ مخارج پستي ت. س. ا. ا. ا. ك
droit d'asile	حق پناه
droit d'asile des navires	حق پناه سفاين
droit d'asile	حق پناهندي
droit d'asile politique	حق پناهندي سياسي
droit de vue	حق پنجره
mesures de prévention, droit à garantie	حق پيش بيني و ممانعت
droit d'exercer une profession	حق پيشه م ۹. ق. ر. م

حق پيشه و تجارت

droit d'exercer une profession et d'exploiter un commerce

۹۴. ق. ر. م. م

droit de correction

حق تأديب

droits d'auteur, copyright

حق تأليف

droit au bien-être

حق تأمين سلامت و رفاه

droit de se marier, capacité de contracter mariage

حق تأهل / ازدواج کردن

allocation familiale

۱۳۵۴. ق. ا. ك

citoyenneté

حق تابعيت / حق ناشی از تابعيت

droit découlant d'un droit principal

حق تبعی

droit d'exercer un commerce

حق تجارت

۹۴. ق. ر. م. م

appropriation

حق تحجير

droit d'exploitation forestière

حق تحصيل چوب از جنگل

droit positif

حق تحققى / حق موضوعه

droit de commander, droit de donner des ordres

حق تحكم

droit d'enseigner, licence d'enseignement

حق تدريس

۸۴. ق. ر. ا. ا. خ

droit d'ester

حق ترافع / حق شکایت کردن

droit de transit

حق ترانزيت

ص ۹۱. م. ق. و

droit de douane

حق ترخيص از گمرک

۶۲۴. ق. پ

droit d'accès aux autoroutes, péage

حق ترده در شاهراه

۱. آ. و. ع. و. ن. م

حق ترك هر کشور منجمله کشور خود / حق ترك تابعيت

droit de répudier une nationalité

حق ترك هر کشور منجمله کشور خود / حق خارج شدن از کشور

droit de quitter un pays même le sien

taxe sur la plus-value	حق تصرف / اضافه ارزش م. ۸۲. ق. ت. معاین
droit d'épave, droit d'appropriation des biens perdus ou sans maîtres	حق تصاحب اشیاء گمشده و بلاصاحب
droit d'administrer, droit de gérer	حق تصدی / حق اداره کردن
droit d'administration sur les biens de l'absent	حق تصدی امور غائب مفقودالاثر
(V. art 120 C. civ)	
droit de possession	م. ۱۰۱۲. ق. م حق تصرف / اختیار تصرف داشتن
droit de disposer d'un bien	م. ۵۲۲. ق. م حق تصرف در مال
droit d'aliéner un terrain	حق تصرف زمین م. ۵۲۲. ق. م
avoir le pouvoir de dissoudre, avoir le droit de dissoudre	حق تصمیم به انحلال م. ۱۲۸. ق. ت
droits d'auteur, copyright	حق تصنیف / حق تألیف / حق مؤلف
droit d'exercer des poursuites	حق تعاقب و مداومت / حق تعقیب دعوی
droit de fermer un établissement	حق تعطیل کردن يك موسسه / حق بستن يك موسسه
droit d'exercer des poursuites	حق تعقیب
droit de poursuite du créancier à l'encontre de la caution	حق تعقیب برای بستانکار مرتهن به منظور خلع ید از متصرف مرهونه
(art. 2021 à 2028)	
droit des créanciers à poursuite	حق تعقیب طلبکاران
droit de pâture, droit de fourrage	حق تعلیف / حق علفچر
droit de nommer un exécuteur testamentaire	حق تعیین وصی ص ۱۴۴. م. ق. خ
droit de perquisitionner	حق تفتیش
droit de perquisitionner un navire, droit de visite	حق تفتیش بحری

droit à la retraite	حق نقاعد/ حق بازنشسته شدن
	تصمیم شماره ۲۰ قرارداد بین‌المللی ارتباطات دور
pension de retraite	حق نقاعد/ حقوق بازنشستگی
droit de priorité	حق تقدم
	م ۱. ۱. آ. ر. ر
créanciers privilégiés du failli	حق تقدم بستانکاران تاجر ورشکسته
créance privilégiée de l'assureur	حق تقدم بیمه‌گذار نسبت به سایر طلبکاران
	م ۳۲. ق. ب
	حق تقدم چرا در منابع طبیعی
priorité de pacage dans les pâturages naturels	
	باب سوم تصویب‌نامه ۴۱۳۵۴-۴۱۷۱۰
priorité du locataire, priorité pour la location	حق تقدم در اجاره
	م ۹. ق. م. م
	حق تقدم در استیفاء دین از ترکه
priorité de désintéressement sur les biens successoraux	
	م ۲۲۶. ق. ا. ح
antériorité d'endos	حق تقدم در پذیره نویسی
	م ۱۷۲. ا. ق. ت
priorité d'extradition	حق تقدم در تقاضای رد مجرم
	م ۱۰. ق. ا. م
	حق تقدم در تقاضای ورقه اختراع
antériorité du dépôt de brevet d'invention	
	م ۴. قرارداد پاریس
	حق تقدم در مأموریت سیاسی
étiquette, protocole, préséances diplomatiques	
	م ۱۶. قرارداد وین
priorité sur les biens publics	حق تقدم در مشترکات عمومی
antériorité de poursuites	حق تقدم دعاوی / حق تقدم در تعقیب
priorité de nom patronymique (patronyme)	حق تقدم در نام خانوادگی
	م ۳۹. ق. ت. ا

- حق تقدم در نهر يا رودخانه/حق تقدم در استفاده از نهر يا رودخانه
 priorité sur un cours d'eau, priorité d'usage sur un cours d'eau
 حق تقدم رؤسای مأموریت étiquette, protocole, préséances diplomatiques
 م ۱۳. قرارداد وین
- حق تقدم عبور
 priorité de passage
 م ۱۲۱. آ. ر. ر.
- حق تقدم مستأجر در تجديد اجاره عين مستأجره
 priorité du locataire à la reconduction du bail
 م ۹. ق. ر. م.
- حق تقدم مطالبات
 priorité des créances, créances privilégiées
 م ۴۴۵. ق. س ۱۳۴۳
- حق تقدم نسبت به علامت
 priorité sur les marques, antériorité du dépôt de marque
 م ۲. ق. ت. ع. ا
- حق تمير/هزینه تمير
 frais de timbre
 م ۱۲۹۴. ق. م
- حق تمتع
 droit de jouissance
 م ۹۵۹. ق. م
- حق تمتع از حقوق مدنی
 capacité civile
- حق تمتع از نمائات غير
 usufruit sur le croît et les arbres etc...
- حق تمتع پدر و مادر از اموال فرزند صغير خود
 droit de jouissance légale (art. 384 C. civ.)
- حق تنبيه طفل/حق تنبيه فرزند
 droit de correction
 م ۱۱۷۹. ق. م
- حق توارث/حق ارث بردن
 capacité pour succéder (art. 725 s. C. civ.)
- حق توقف/حق اقامت
 droit de résidence
 م ۳. ق. ع. م. س. س. ا. ش
- حق ثابت/حق زایل نشدنی
 droit acquis à titre définitif
 حق ثابت سفارشی/هزینه ثابت مرسوله سفارشی
- حق ثابت سفارشی/هزینه ثابت مرسوله سفارشی
 droit fixe de recommandation postale
 م ۶۷. ق. پ
- حق ثابت ولايتغير/حق زایل نشدنی
 droit acquis à titre définitif

droit de peu d'intérêt	حق جزئی / حق کم اهمیت
droit de chercher asile devant la persécution	حق جستجوی پناهندگی در مقابل شکنجه و آزار
jeton de présence	حق جلسه / مبلغ دریافتی برای شرکت در جلسه
droit de réponse dans la presse	حق جوابگوئی در روزنامه
(art. 13 L. 29. 7. 1881)	
droit de réplique	حق جوابگوئی مجدد در روزنامه
(art. 13 L. 29. 7. 1881)	
souveraineté	حق حاکمیت
souveraineté hors du territoire national	حق حاکمیت در خارج قلمرو خشکی و آبهای داخلی
	۱۴. ق. ۱. ق. ۲. ت. ح. آ. س. م. ن. ۱
souveraineté des Etats	حق حاکمیت دولتها
	۳۴. ق. انرژی
souveraineté nationale	حق حاکمیت ملی
	مقدمه موافقتنامه همکاری اقتصادی دینی ایران و شوروی
droit exigible, droit actuel	حق حال
droit de rétention	حق حبس
	۳۷۱۲. ق. ت
droit de rétention de la chose	حق حبس العین
droit de vendre aux enchères, droit de mettre à l'encan	حق حراج
	۹۴. آ. ۱. ث
droit de garde	حق حراست
	حق حریم
servitude de voirie, droit des riverains sur les voies publiques	
droit de garde, puissance paternelle	حق حضانت
	۱۶. ق. ۱. ر
jetons de présence	حق حضور در جلسه / حق جلسه / مبلغ دریافتی برای شرکت در جلسه
	۳۷. ق. ش
droit de garde, droit de surveillance	حق حفظ و حراست

- حق حکمرانی دول مجاور رود
souveraineté en deçà ou au-delà d'un cours d'eau
- حق حکمرانی مشاع/حق حکمرانی مشترک
souveraineté partagée
- حق حکمرانی ملی
souveraineté nationale, souveraineté sur le territoire national
- حق حمایت از منافع معنوی و مادی آثار علمی و فرهنگی و هنری
droit de propriété littéraire et artistique
- حق حمایت قانونی بدون تبعیض و باسویه
égalité devant la loi, égalité de droit à la protection légale
- حق حمل امانات پستی/ خرج حمل امانات پستی
taxe de transport des colis postaux
- ص ۲۰۶. م. ق. و
droit à la vie
- حق حیات/حق زندگی کردن
droit d'exterritorialité
- حق خارج المملکتی/حق برون مرزی
ص ۲۶۹. م. ق. و
- حق خاص
droit spécial
- حق خرید سهم
droit à l'achat d'action
- م ۱۷۱. ق. ا. ق. ت
droit à l'indemnité de chômage
- حق خسارت بیکاری
droit particulier
- حق خصوصی
حق خواستن اطلاعات و مدارک
- droit de demander des informations et des documents
- حق خودداری از امضای قانونی که از تصویب گذشته است برای رؤسای کشورها
liberté de ratifier ou non, droit de refuser de signer une loi déjà votée, refus de promulguer
- حق خیار/حق فسخ داشتن
faculté de résiliation, dissolution d'un contrat par exercice d'une option, faculté de résolution
- م ۳۹۶. ق. م
faculté de résiliation dans une vente à réméré
- حق خیار در بیع شرط
م ۵۰۰. ق. م

droit permanent	حق دایم
droit d'ester, droit de poursuivre en justice	حق دادخواهی
	حق دادن پیشنهاد از طرف نمایندگان مجلسین
droit d'initiative des parlementaires	
libre recours à l'arbitrage	حق داوری
	م. ۶۳۴. آ. د. م
droit d'ester en justice	حق دادرسی در دادگاه
	م. ۶۷. آ. د. م
	حق درخواست تعیین امین
droit de demander la désignation judiciaire d'un subrogé-tuteur	
	م. ۱۳۰. ق. ا. ح
droit de demander le partage	حق درخواست تقسیم
(art. 815 C. civ.)	
	م. ۳۰۲. ق. ا. ح
	حق درخواست مهر و موم ترکه
droit de demander la mise sous scellés de l'héritage	
	م. ۱۹۴. ق. ا. ح
	حق دسترسی به محاکم
droit de recourir aux tribunaux, droit d'ester en justice	
	م. ۱۰. عهدنامه مودت و اوقاف ایران و اطریش
droit collectif, droit corporatif	حق دسته‌جمعی
droit de recourir à la justice, droit d'ester	حق دعوی/حق طرح دعوی
	حق دعوی خصوصی/حق طرح دعوی خصوصی
droit d'intenter un procès civil, droit d'ester au civil	
légitime défense	حق دفاع مشروع
courtage, commission allouée au courtier	حق دلالی
	م. ۳۴۸. ق. ت
droit de créance, droit patrimonial personnel	حق دینی/حق ذمی
droit au libre exercice du culte	حق دینی/حق مذهبی
droit naturel	حق ذاتی/حق طبیعی
droit de créance, droit patrimonial personnel	حق ذمی/حق دینی

droit de vote	حق رأی / حق رأی دادن
droit de vote	حق رأی دادن
	۷۲. ق. ا. م. ش. م
	حق رأی در مجامع عمومی شرکتهای سهامی
droit de vote à l'assemblée générale d'une société anonyme	حق راهداری
taxe de voirie, taxes routières, péage, droit de circulation	حق رجحان / حق ممتاز
droit privilégié	۳۳. ق. ت. ا. و
privilège spécial	حق رجحان خاص
	۳۴ مکرر. ق. ث
faculté de se retourner contre quelqu'un	حق رجوع / حق مراجعه
	۲۶۷۲. ق. م
	حق رجوع به بايع در صورت ظهور عيب
droit de se retourner contre le vendeur en cas de vice	۴۳۶. ق. م
	حق رجوع به محاکم صالحه ملی
droit d'ester en justice, droit de recourir au tribunal compétent	حق رجوع به فروشنده کشتی
droit de se retourner contre l'armateur	۴۴۷. م. ق. س. ۱۳۴۳
	حق رجوع به مضمون عنه
droit d'agir contre le débiteur principal	۷۰۹. ق. م
	حق رجوع طلبکاران شرکت به هریک از شرکاء مدیون شرکت
droit de poursuite contre les actionnaires	۱۷۴. ق. ت
	حق رجوع طلبکاران به شریک غیرمأذون
droit du créancier de se retourner contre un associé ayant agi sans droit	۵۸۵. ق. م
	حق رجوع غایب مفقودالاثر به طلاق
droit de l'absent à faire valoir les droits qu'il tire de son mariage (le mariage de l'absent n'est pas dissous)	۱۰۳. ق. م

droit de retour du donateur sur le bien donné حق رجوع و اهب از عبه
(art. 951 et 952 C. civ.)

۸۰۳۴. ق. م

droit de renoncer à une succession حق رد ترکه
(V. art. 784 C. civ.)

۲۵۲۴. ق. ا. ح

droit de contrôle sur la déclaration d'impôt, pouvoir de contrôle
sur la déclaration d'impôt حق رسیدگی به اظهارنامه مالیاتی مؤدی توسط دارائی

droit d'être jugé par un tribunal indépendant et libre حق رسیدگی به دعوی توسط دادگاه مستقل و بیطرف با مساوات کامل

droit de contrôle judiciaire حق رسیدگی قضائی

droit de percer une fenêtre ou un jour حق روزنه
(V. art. 676 C. civ.)

créance hypothécaire حق رخانه

droit du créancier hypothécaire حق رهن/حقى که مرتهنى نسبت به رهن دارد
ص ۴۴۸. م. ق. س ۱۳۴۳

droit de l'exploitant agricole حق ریشه/حق زارخانه
۵۴. ق. ط. ت. ا. س. ل

droit à la vie حق زندگى / حق حیات

droit découlant du mariage حق زوجیت / حق ناشى از ازدواج

fonds de commerce حق سرقفلى

droit d'ouvrir une ambassade, droit de légation حق سفارت / حق گشودن دفتر سفارتى

droit d'établir des relations diplomatiques حق سفارت لازم و متعددى/حق فرستادن و پذیرفتن سفیر

chantage حق سکوت / اخاذى

maître-chanteur حق سکوت بگير / اخاذ

droit à la couronne حق سلطنت

droit de vue حق شبکه

۹۷۴. آ. د. م

droit personnel حق شخصى

droit de puisage	حق شرب
	م. ۹۷۲. ق.
introduire une réserve, insérer une réserve	حق شرط/حق شرط گذاشتن
introduire une réserve dans un traité	حق شرط در زمان الحاق به معاهده بین‌المللی
	حق شرط در زمان امضاء معاهده بین‌المللی
introduire une réserve à la signature d'un traité	حق شرط در زمان تصویب معاهده بین‌المللی
réserve dans la ratification d'un traité	حق شرط در معاهدات بین‌المللی
droit d'insérer une réserve dans les conventions internationales	حق شرکاء در شرکتهای تجاری
droit des associés, droit des actionnaires	حق شرکاء در شرکتهای مدنی
droit des associés d'une société civile	حق شرکت در مسابقه
droit de participer à un concours, droit de concourir	حق شرکت در منافع
droit à une quote-part des intérêts	حق شفعه
droit de préemption	م. ۸۰۸. ق.
	حق شفعه در بیع فاسد
droit de préemption dans une vente viciée	م. ۸۱۳. ق.
	حق شفعه در معبر یا مجرای مشترک
droit de préemption sur un passage commun	م. ۸۱۰. ق.
droit de porter plainte	حق شکایت
	حق شناسائی شخصیت حقوقی
droit à la reconnaissance de la personnalité morale	حق شناسی
reconnaissance	حق شهادت دادن
droit de témoigner	م. ۱۳۱۳. ق.
	حق صادرات
droit d'exporter, licence d'exportation	ص. ۱۱۷. م. ق. س. ۱۳۴۳
	حق صدور اوامر
droit de donner des ordres, droit de commander, droit de diriger	

droit exprès	حق صریح
droit accessoire	حق ضمنی
	حق ضمنی فسخ عهود
droit implicite de résilier un acte, droit implicite de demander la résolution	
droit d'imprimer, imprimatur	حق طبع
droit naturel	حق طبیعی
	حق طرح دعوی در یکی از حوزه‌های قضایی
droit d'engager une procédure dans un ressort de juridiction donné, droit d'ester devant une juridiction compétente	
faculté de divorce, droit de divorcer	حق طلاق
	حق طلبکار نسبت به اموال مدیون در مورد ورشکستگی
droit de suite du créancier sur les biens du failli	
droit de passage	حق عبور / حق گذشتن
péage, taxe de passage, droits de circulation	حق عبور / عوارض عبور
(V. 438 C. J. I)	
servitude de passage sur le fonds d'autrui	حق عبور از اراضی غیر
	م ۹۰. ا. س. آ. ب. ک
droit de libre-circulation sur les voies publiques	حق عبور در معابر عمومی
	حق عبور در ملک غیر
droit de passage sur le fonds d'autrui, servitude de passage sur le fonds d'autrui	
	م ۹۸. ق. م
	حق عبور سپاه دولت خارجی از اراضی دولت دیگر
droit de passage des troupes armées sur le territoire d'un autre Etat, droit de passage des troupes d'occupation	
droit de survol pacifique	حق عبور مسالمت آمیز از جو
	حق عدم بالابردن بنا / محدودیت ارتفاع ساختمان
servitude «non altius tollendi» (obligation de ne pas bâtir au-delà d'une certaine hauteur)	
	حق عدم ساختمان / ممنوعیت ساختمان کردن
servitude «non aedificandi» (obligation de ne pas bâtir)	
cotisation, part, droit à régler par l'associé ou le participant	حق عضویت

droit d'un membre	حق عضو/ حق ناشی از عضویت
droit de contracter, capacité de contracter	حق عقد/حق قرارداد بستن م ۱۰۶۳. ق. م
droit d'achat et de vente	حق عقد بیع م ۳۶۴. ق. م
droit de pacage	حق علفچر ۱۲. ت. ش
droit de pacage printanier	حق علفچر بهاره ص ۹۱. م. ق. س ۱۳۴۳
droit public	حق عمومی حق عیادت پزشک/اجرت عیادت پزشک
honoraire de visite du médecin, frais de consultation médicale à domicile	م ۷۱. ق. م ر
droit réel	حق عینی م ۱۰۴. آ. ق. ث
droit réel principal	حق عینی اصلی
servitude positive sur un fonds servant	حق عینی برمال غیر
droit réel accessoire	حق عینی فرعی
droit d'autrui	حق غیر م ۳۰۸. ق. م
droit d'épave	حق غنیمت بحری
droit extra-patrimonial	حق غیرمالی حق فاضل آب/ حق خارج کردن آبهای مصرف شده
servitude d'écoulement des eaux usées	
droit personnel	حق فردی
droit d'atterrissage	حق فرودآمدن ۱۲. ق. ر. ع. ف. ت. ه
droit de résolution d'un contrat, droit à la dissolution d'un contrat par exercice d'une option	حق فسخ/ حق فسخ يك عقد م ۱۸۵. ق. م

droit de résiliation du bail, faculté de résiliation du bail حق فسخ اجاره
م. ق. ۴۹۲ م

droit de résolution de la vente, faculté d'annulation de la vente حق فسخ بیع

droit d'annulation pour non-exécution de la garantie convenue, droit de résolution pour non-exécution de la garantie convenue حق فسخ بیع در شرط ضمان برای ثمن
م. ق. ۳۷۹ م

possibilité d'annulation en cas de dol du vendeur حق فسخ بیع در صورت تدلیس بایع
(V. art. 1116 C. civ.)
م. ق. ۴۳۹ م

faculté d'annulation d'un contrat, faculté de résiliation d'un contrat, faculté de résolution حق فسخ عقد
م. ق. ۱۸۵ م

droit d'annulation d'un bail sur un objet non déterminé حق فسخ مستأجر اگر مورد اجاره عین کلی باشد
م. ق. ۴۸۲ م

droit de résiliation pour vice de la chose louée حق فسخ مستأجر در صورت معیوب بودن عین مستأجره
م. ق. ۴۷۸ م

droit d'annulation de la vente pour vice rédhibitoire de la chose, droit de rédhibition (V. art. 1644 C. civ.) حق فسخ معامله در صورت نقص مبیع
م. ق. ۳۸۸ م

faculté d'annulation de la vente en cas de dol de l'acheteur حق فسخ نسبت به ثمن مشخص در صورت تدلیس مشتری
(V. art. 1116 C. civ.)
م. ق. ۴۳۹ م

droit de faire résilier le mariage حق فسخ نکاح
م. ق. ۱۱۲۱ م

droit exclusif	حق قائم به شخص
droit de se substituer une autre personne	حق قائم مقامی
droit de saisir	حق قبض/ حق وصول کردن/ حق گرفتن م. ۲۷۱. ق. ۲
	حق قذف
droit de porter plainte contre un dénonciateur de fait d'homosexualité ou d'inceste inexistant	
droit de juridiction, droit de juger	حق قضا
droit de juridiction, droit de juger	حق قضاوت
droit de juridiction consulaire, capitulation	حق قضاوت کنسولی
pouvoir de juridiction du chef d'Etat	حق قضائی رئیس کشور
droit de tutelle	حق قیمومت
	حق کابوتاژ/ حق کشتیرانی در آبهای ساحلی/ حق لنگر انداختن در بنادر
droit de cabotage	
	حق کار/ دستمزد/ مزد
rémunération du travail, salaire, traitement, émolument	
droit au travail	حق کار/ حق کار کردن
	حق کارشناسی/ حق الزحمه کارشناسی
coût de l'expertise, frais d'expertise, honoraires de l'expert	
	حق کسب و کار/ حق انتخاب کسب و کار
droit d'exercer une profession, d'exploiter un commerce	
fonds de commerce	حق کسب/ سرقفلی ۱۱۲. ق. ۲. م
fonds de commerce	حق کسب و پیشه/ سرقفلی ۱۱۲. ق. ۲. م
fonds de commerce	حق کسب و پیشه یا تجارت/ سرقفلی ۱۱۲. ق. ۲. م
droit de navigation	حق کشتیرانی
liberté de navigation	حق کشتیرانی آزاد ص ۸۸. ق. ۲ و
prime de découverte, récompense de découverte	حق کشف/ پاداش کشف

prime de découverte de contrebande	حق کشف قاچاق
droit	م ۴۳. ق. ا. ک
droit d'émigration	حق کلی حق کوچ
	م ۱۱. ق. ا. ق. ت. ب. آ
droit de libre circulation pour les nomades	حق کوچ ایلات و عشایر
droit aux services d'une ordonnance	حق گماشته/حق داشتن گماشته
	م ۴. لایحه قانونی صندوق اختصاصی بازنشستگی و تعاون شهربانی کل کشور
	حق لیسانس/ حقوق مالی مربوط به مدرک لیسانس
droit attaché à la possession de diplôme	م ۱۱۰. م. ق. س ۱۳۴۳
droit à échéances multiples	حق مؤجل
droit d'auteur	حق مؤلف
droit de propriété	حق مالکیت
	م ۱۷. آ. د. ک
droit de propriété littéraire et artistique	حق مالکیت آثار علمی و ادبی
droit réel	حق مالکیت اموال مادی
	حق مالکیت تنگه
droit de propriété sur un canal maritime, souveraineté sur un détroit	حق مالکیت جمعی
droit de propriété collectif, droit corporatif	حق مالکیت فردی
droit de propriété individuelle	حق مالکیت کامل
droit de propriété pur et simple	حق مالی
droit patrimonial	م ۴. ق. ب
droit extra-patrimonial, droits de la personnalité	حق مالی غیرعینی
droit pur et simple	حق مانع للغير/حق انحصاری/حق مطلق
	م. اول قانون اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت ایران و انگلیس محدود
droit précaire	حق متزلزل
droits égaux	حق متساوی/حق برابر
	م ۴. موافقتنامه همکاری بین ایران و شوروی
droit litigieux	حق متنازع فيه

servitude d'écoulement	حق مجری ۸۴. ق. ا. م. ح. د. م. ۹۵ و ۹۷. ق. م
droit de l'inventeur	حق مخترع
droit spécial	حق مخصوص
droit de se retourner contre quelqu'un	حق مراجعه بدیگری ۲۶۷. ق. م
	حق مراجعه هرمدیون برای دینی که با اذن او پرداخت شده
droit de se retourner contre le débiteur principal	۲۶۷. ق. م
droit de consulter le dossier	حق مراجعه متهم به پرونده و اصول مدارك اتهام
	۱۹. آ. د. ا
droit de pacage	حق مرتع/حق استفاده از مرتع ۸۴. ق. ا. م. ح
droit du créancier hypothécaire	حق مرتهن
droit au congé	حق مرخصی ۶۴. ق. اجازه استخدام چهارنفر بلژیکی برای وزارت مالیه
	حق مرخصی با استفاده از حقوق کامل
droit aux congés payés, droit au congé légal annuel	۶۴. ق. اجازه استخدام چهارنفر بلژیکی برای وزارت مالیه
taxe de plus-value	حق مرغوبیت ۴. واحده قانون سیل برگردان تهران
droit de passage	حق مرور/حق عبورکردن / حق رفتن ۹۷. ق. م
	حق مزد منصفانه موافق شئون انسانی
droit à une rémunération équitable conforme à la dignité humaine	
droit à l'égalité	حق مساوات/حق برابری
droit acquis	حق مستقر/حق مکتسب
droit pur et simple	حق مستقل
droit indivis	حق مشاع
montant de la consultation, honoraires de consultation	حق مشاوره ۷۴. ق. م. ر

droit conditionnel	حق مشروط
droit incertain, droit douteux	حق مشکوک
droit exigible	حق مصادره / مطالبه کردن / حق قابل مطالبه
droit à la perception de l'amende, droit à l'attribution de dommages et intérêts	حق مصادره / جریمه گرفتن / تاوان گرفتن
confiscation, expropriation sans indemnisation	حق مصادره / اخذ مال بوسیله دولت بطور غیر عادی
créance en nature	حق مصادره جنسی
droit de coupe et d'usage de bois de charpente	حق مصرف چوبهای ساختمانی
droits d'auteur	حق مصنف / حق مؤلف
droit à l'immunité	حق مصونیت
droit à l'immunité diplomatique, droit aux privilèges résultant de l'exterritorialité	حق مصونیت دیپلماتیک خارج از مملکت
	ص ۹۱. م. ق. و
droit à l'immunité des chefs d'Etat	حق مصونیت رؤسای دول
droit de réclamation	حق مطالبه
droit de réclamer l'objet même de la vente	حق مطالبه عین معین در عقد بیع
	م ۳۶۳. ق. م
droit de réclamer la dot, droit d'exiger la dot	حق مطالبه مهر
	م ۱۰۸۶. ق. م
droit pur et simple, droit absolu	حق مطلق
droit d'examen, droit d'expertise	حق معاینه / حق آزمایش داشتن
	حق معلق
droit conditionnel (condition suspensive), droit sous condition suspensive	
droit intellectuel	حق معنوی
droit attaché à un poste, droit attaché à une fonction	حق متتام
	ص ۳۴۴. م. ق. س ۱۳۴۳
	حق مقاومت در مقابل ظلم و فشار
droit de s'opposer à la contrainte, droit de résister à la coercition	
droit acquis	حق مكتسب
droit acquis par prescription	حق مكتسبه بر اثر مرور زمان

droit de visite	حق ملاقات
	م ۱۱۷۴. ق. م
droit de visite des parents au premier degré de l'absent vis à vis de l'enfant	حق ملاقات اقربای طبقه اول غایب با اطفال
	م ۱۶. ق. ح. خ
droit de visite des parents au premier degré du de cujus vis à vis de l'enfant	حق ملاقات اقربای طبقه اول متوفی با اطفال
	م ۱۶. ق. ح. خ
droit de visite vis à vis d'un enfant	حق ملاقات با طفل
	م ۱۱۷۴. ق. م
droit de visite du père à l'enfant	حق ملاقات پدر با طفل
	م ۱۶. ق. ح. خ
droit de visite de la mère vis à vis de l'enfant	حق ملاقات مادر با طفل
	م ۱۶. ق. ح. ح
droit privilégié	حق ممتاز
	م ۹. قرارداد رهن دریائی
droit cédé	حق منتقل الیه
droit immédiatement exigible	حق منجز
droit de vue	حق منظر / حق منظره
droit mobilier	حق منقول
droit actuel	حق موجود
droit litigieux	حق مورد اختلاف
droit objectif	حق موضوعی
droit temporaire	حق موقت / حق غیر دائم
droit d'émigrer	حق مهاجرت
	ص ۱۳۸. م. ق. س ۱۳۴۳
droit à la dot	حق مهر / حق مطالبه مهر
	م ۱۱۰۱. ق. م
droit à la dot dans un mariage nul	حق مهر در نکاح باطل
	م ۱۰۹۸. ق. م

droit à l'eau moyennant règlement en espèces	حق میرآبی جنسی
م ۱۶۴. تصویبنامه راجع به مقررات رودخانه‌های کشور	
droit au branchement de canalisations d'eau, droit à l'adduction d'eau	حق میراب
droit découlant de la saisie d'immeubles	حق ناشی از بازداشت اموال غیرمنقول
droit au nom	حق نام
droit d'écoulement, servitude d'égout	حق ناودان/ حق داشتن ناودان در ملک غیر
droit proportionnel	حق نسبی
droit de regard, droit de contrôle	حق نظارت
م ۱۴۷. ق. ت	
droit à pension alimentaire	حق نفقه
م ۱۱۱۰. ق. م	
droit à pension alimentaire jusqu'à l'accouchement	حق نفقه تا زمان وضع حمل
م ۱۱۰۹. ق. م	
droit à pension alimentaire dans le cas de mariage temporaire	حق نفقه در عقد انقطاع
م ۱۱۱۳. ق. م	
droit de ne pas payer, droit de renvoyer un chèque	حق نکول
م ۲۳۱. ق. ت	
droit de garde des enfants	حق نگهداری اطفال
م ۱۵. ق. از	
droit à l'ornementation de la façade	حق نما/ حق تزئین برای نمای خارجی ساختمان
situation de droit objectif, droit objectif	حق نوعی
vocation successorale, qualité de successible	حق وارث
droit d'importation de marchandises	حق واردکردن محصولات
م ۳. ق. م. ق. ا. ت. خ	
droit de cession d'un local	حق واگذاری محل
م ۲۸. ق. م. د	

droit de veto, veto	حق وتو
droit à garantie	حق وثیقه
gage	حق وثیقه بر اموال منقول
gage conventionnel	حق وثیقه قراردادی
gage judiciaire	حق وثیقه قضائی
droit d'hypothèque	حق وثیقه نسبت به مال غیر منقول
concussion	حق و حساب / رشوه
vocation successorale, qualité de successible	حق وراثت
successibilité	حق وراثت بدون وصیتنامه
	۸۴. قرارداد اقامت ایران و سوئیس
capacité de recueillir un legs	حق وراثت به موجب وصیتنامه
	۸۴. قرارداد اقامت ایران و سوئیس
droit d'entrée	حق ورود
entrée libre	حق ورود بلا مانع
	۵۴. موافقتنامه همکاری ایران و شوروی
droit de s'introduire dans la propriété d'autrui	حق ورود به ملک دیگری
	حق ورود به خانه یا زمین دیگری برای تعمیر مجرای آب
droit de s'introduire dans la propriété d'autrui pour y effectuer des travaux	
	۴. ۱۰. ق. م
droit de pénétrer sur le fonds d'autrui	حق ورود به مسکن دیگری
droit de participer à une assemblée, droit de siéger	حق ورود در مجمع
	۴. ۶۶. ق. ت
droit de participer à une assemblée générale	حق ورود در مجمع عمومی
capacité de tester	حق وصیت
droit positif	حق وضعی / حق تحقیقی
droit et pouvoir de juger	حق و قدرت قضاوت
faculté de substitution, faculté de subdélégation	حق وکالت در توکیل
	۴. ۲۸. ق. و
puissance paternelle	حق ولایت
	حقوق / مجموعه قوانین و نظامات و رسوم حاکم بر اعمال و روابط مردم
droit, droit objectif	

droits, privilèges, avantages	حقوق/جمع حق
droit, science juridique	حقوق/به معنی علم حقوق
	حقوق/اجرت کار کارمند دولت
salaire, traitement, émolument, rémunération, rétribution, paye	۳۹۲. ق. ت. آ. ش. ا
procédure civile	حقوق آئین دادرسی مدنی
	حقوق اجتماعی / حقوق اجتماعی در مورد محرومیت از حقوق اجتماعی
droits civils	
	۱۹۲. ق. م. ع
voies d'exécution, garanties d'exécution	حقوق اجرائیه/حقوق تضمینیه
droits intellectuels	حقوق اخلاقی/حقوق معنوی
	حقوق اداری / قواعد راجع به سازمانهای وزارتخانه‌ها و ادارات و استخدام کارمندان
droit administratif	و روابط بین آنها و افراد کشور
	حقوق اداری/اجرت انجام کار اداری
salaire mensuel, traitement des fonctionnaires	
	حقوق ادعائیه/حقوق مورد ادعا
objet de la demande en justice, objet de la requête, prétention du demandeur	
	تبصره ۴۲۲. ق. ت
situation de droit subjectif, droit subjectif	حقوق ارادی
	حقوق ارتباطات بین‌المللی/مقررات ارتباطات بین‌المللی
réglementation des communications internationales	
droit des servitudes	حقوق ارتفاقی
(V. art. 637 s. C. civ.)	
	۲۰۲. ق. ت
droit des servitudes apparentes	حقوق ارتفاقیه واقعی
(V. art. 689 C. civ.)	
vocation successorale	حقوق ارثی
	۹۶۲. ق. م
droit européen	حقوق اروپائی
droit constitutionnel	حقوق اساسی

régie des Tabacs	حقوق انحصار دخانیات/انحصار دخانیات ص ۲۱۴. ۸۵. ق. گ
droits monopolistiques	حقوق انحصاری
droits de l'homme	حقوق انسان
droits de l'homme	حقوق انسانی
règlements disciplinaires	حقوق انضباطی/مقررات انضباطی
droit anglo-saxon	حقوق انگلوساکسن
	حقوق ایام تعلیق/دستمزد ایام تعلیق
droit du fonctionnaire à son traitement pendant une période de suspension	حقوق ایام مرخصی/دستمزد ایام مرخصی
droit du fonctionnaire à son traitement pendant la période de congé	حقوق بازار مکاره/مقررات مربوط به بازار مکاره
réglementation des foires et marchés	
droit commercial	حقوق بازرگانی/حقوق تجارت
pension de retraite	حقوق بازنشستگی
	۷۸۴. ق. ا. ک
	حقوق بازنشستگی کارمندی که از نظر سابقه خدمت یا سن به حد نصاب بازنشستگی برسد
pension de retraite, pension d'ancienneté	
	حقوق بازنشستگی کارمندی که خارج از حد نصاب بازنشسته می شود
pension de retraite proportionnelle	
réglementation bancaire	حقوق بانکی/مقررات بانکی
droit maritime	حقوق بحری
salaire de début de travail	حقوق بدو استخدام/حقوق ماهانه بدو استخدام
passif successoral, dette successorale	حقوق بر عهده متوفی
	۲۶۰۲. ق. ا. ح
	حقوق برون ذاتی/حقوق مربوط به شخص و اشخاص معین، مثل حق مالکیت
droits patrimoniaux	
droits de l'homme	حقوق بشر
	۷۷۲. ۱۸۰. ق. گ
salarié	حقوق بگیر/مزد بگیر
	ص ۹۱. ۱۳۰. ق. گ

taxes portuaires, droits de port	حقوق بندری
droit des étrangers	حقوق بیگانهان
loi étrangère	حقوق بیگانه/مقررات کشور بیگانه
droit international	حقوق بین الدول
droit international	حقوق بین الملل
droit international européen	حقوق بین الملل اروپائی
droit international mondial	حقوق بین الملل جهانی
droit international réel	حقوق بین الملل حقیقی
droit international privé	حقوق بین الملل خصوصی
droit maritime international	حقوق بین الملل دریائی
	حقوق بین الملل طبیعی/ اصول ملی حقوق بین الملل
principes généraux du droit international	
droit international	حقوق بین الملل عادی
droit international public	حقوق بین الملل عام
droit international public	حقوق بین الملل عمومی
	۳۴. عهد نامه مودت ایران و لبنان
droit spatial international	حقوق بین الملل فضائی
droit international continental	حقوق بین الملل قاره‌ای
conventions internationales	حقوق بین الملل قراردادی
droit international écrit	حقوق بین الملل کتبی
droit international écrit	حقوق بین الملل مدون
droit international positif	حقوق بین الملل موضوعه/ حقوق بین الملل اعتباری
droit suprarégional	حقوق بین الملل ناحیه‌ای
droit international, droit étranger	حقوق بین المللی/ حقوق خارجی
	حقوق بین المللی اشخاص/ حقوق بین المللی افراد
droit international des personnes privées, droit international privé	
droit international positif	حقوق بین المللی اعتباری / حقوق بین الملل موضوعه
	حقوق بین المللی راه آهن/مقررات بین المللی راه آهن
réglementation internationale des chemins de fer	
	حقوق بین المللی عرفی
droit international coutumier, coutumes internationales	

pouvoir législatif	حقوق پارلمانی/ حقوق قوه مقننه/ قوه مقننه
indemnité de fin de service	حقوق پایان خدمت
	۹۳۲. ق. م. ر
statut de l'emploi	حقوق پرسنلی
	م. واحده اعتبار مربوط به منارج راه آهن. س ۱۳۱۱
droit de la sécurité sociale	حقوق تأمین اجتماعی
statut des commerçants	حقوق تجار / اساسنامه بازرگانان
droit commercial	حقوق تجارت
réglementation du commerce maritime	حقوق تجارت دریائی
usages commerciaux locaux	حقوق تجارت محلی
droit positif	حقوق تحقیقی/ حقوق موضوعه
taxe postale perçue à l'arrivée	حقوق ترهینال/ حقوق پستی در مقصد
	۵۵۵. م. ق. و
voies d'exécution	حقوق تضمینیه/ حقوق اجرائیه
droit comparé	حقوق تطبیقی
pension de retraite	حقوق تقاعد/ حقوق بازنشستگی
	م. واحده اصلاح قانون استخدام کشوری. س ۱۳۱۰
	حقوق تنباکو/ مقررات مربوط به توتون/ عوارض بر تنباکو
réglementation des tabacs, taxe sur le tabac	
	۳۲. ق. ا. ق. ا. و
salaire de base, traitement de base, salaire fixe	حقوق ثابت/ دستمزدها ثابت
	۹۲. ق. م. ع. ح. ت
droit acquis	حقوق ثابته/ حقوق مکتبیه
	۲۲۹۲. ق. م
droit social, droit des sociétés	حقوق جامعه
droit pénal, droit criminel	حقوق جزا
droit pénal islamique	حقوق جزای اسلامی
droit pénal spécial	حقوق جزای اختصاصی
	حقوق جزای بین الدول
droit pénal international, accords internationaux en matière de droit pénal	
droit pénal international	حقوق جزای بین الملل
	حقوق جزای خصوصی/ حقوق جزای اختصاصی/ حقوق کیفری اختصاصی
droit pénal spécial	

droit pénal public	حقوق جزای عمومی
droit collectif	حقوق جمعی
droit criminel	حقوق جنائی
	حقوق جنائی عمومی / مقررات مربوط به جنایات و جرایم عمومی
législation concernant les crimes et délits contre la chose publique	حقوق جنگ / قوانین مربوط به جنگ
lois de la guerre	۳۳م. قرارداد ژنو راجع به بهبود زخم‌داران و بیماران در هنگام اردو کشی
	حقوق جنگ و صلح / معاهدات جنگ و صلح
traités d'alliance et traités de paix	
réglementation des forêts	حقوق جنگل / مقررات حفاظت جنگل
loi de la jungle	حقوق جنگل / قانون جنگل / قانون زور
droit professionnel	حقوق حرفه‌ای
prérogatives de l'Etat, attributs de l'Etat	حقوق حقه دولت
	بند ۱ لایحه راجع به تسویه حساب مالیات‌های معوقه
droit étranger	حقوق خارجی / حقوق کشور خارجی
jus soli	حقوق خاک / قاعده خاک / اصل خاک
droits de la famille	حقوق خانوادگی
	۹۶۹م. ق. م
droits de la famille	حقوق خانواده
	حقوق خدمت / دستمزد انجام خدمت
traitement, salaire, paye, émolument, appointements, honoraires, rémunération du travail	
droit privé	حقوق خصوصی
	۷۵۶م. ق. م
jus sanguinis	حقوق خون / اصل خون / قاعده خون
loi nationale, loi personnelle	حقوق داخلی یا ملی
droit privé, droit privé interne	حقوق داخلی خصوصی
droit public interne	حقوق داخلی عمومی
procédure civile	حقوق دادرسی مدنی
juriste, jurisconsulte	حقوق دان / حقوق‌دان
rémunérer, désintéresser, appointer, verser un salaire	حقوق دادن / مزد دادن
droit subjectif	حقوق درون ذاتی / حق کلی که ناظر به حق شخص معین نیست
droit maritime	حقوق دریا / حقوق دریایی

droit maritime	حقوق دریائی
	م. ۹۰. قرار داد بین المللی تحدید مسئولیت صاحبان کشتی های دریایما
droits de la défense	حقوق دفاع/حق دفاع
frais de secrétariat	حقوق دفتری/مخارج دفتری
	م. ۹۰. ق. ا. ق. ا. د
	حقوق دنیائی/ حقوق بین الملل عمومی/ حقوق جهانی
droit international public, droit des gens	
droit des Etats, droit international public	حقوق دول/حقوق کشورها
droit de souveraineté sur l'espace aérien	حقوق دول در جو
taxe au bénéfice de l'Etat	حقوق دولت/عوارض دولتی
	م. ۴۰. ق. ا. ا. ا. ز. س
droit de l'Etat	حقوق دولت/حقوق کشور
taxe perçue par l'Etat	حقوق دولتی/ عوارض دولتی
	م. ۱۳۴. ق. ت
	حقوق دولتی/ حقوق ماحانه
salaire mensuel, rémunération mensuelle, appointements mensuels	
droit des obligations, droit de créance	حقوق دینی/ حقوق ذمی
impôt, taxe, droit	حقوق دیوانی/ مالیات/عوارض
	م. ۳۴. ق. ت
	حقوق دیوانی/ حقوق دولتی کارمندان
salaire mensuel, rémunération mensuelle, appointements mensuels	
	م. ۶۶۱. ا. م
droit naturel	حقوق ذاتی/ حقوق طبیعی
droits objectifs	حقوق ذاتی/حقوق موجود و مقرر با ضمانت اجراء
droit de la personnalité	حقوق راجع به شخصیت
droit fluvial, droit de la navigation intérieure	حقوق رودخانه ای
droit rural	حقوق روستایی/ حقوق کشاورزی
droit romain	حقوق رومی
droits de l'agriculteur, droit à la propriété rurale	حقوق زارعانه
	م. ۵۰. ق. ط. ت. ت. ا. م. ن. س. ل
droit rural	حقوق زراعتی/ حقوق کشاورزی
	م. ۳۳. ق. س. ع. گ

droit découlant du mariage	حقوق زوجیت
	۱۴۳۲. آ. د. م
droits des époux	حقوق زوجین
	۱۳۰۲. ق. م
prérogatives royales	حقوق سلطانی
droits politiques	حقوق سیاسی
droits politiques d'un étranger	حقوق سیاسی خارجی/حقوق سیاسی تبعه خارجی
droits politiques de la femme	حقوق سیاسی زن
droits politiques	حقوق سیاسیه/حقوق سیاسی
	اصل هفتاد و دوم. م. ق. ۱
frais de chancellerie, dépenses de secrétariat	حقوق شانسری/مخارج دفتری
	۹۹۱۲. ق. م
droits s'apparentant aux droits réels	حقوق شبیه به حق عینی
droit de la personnalité	حقوق شخصی/حق فردی/حق جزئی/حق غیر قابل انتقال
	۸۲. قرارداد اقامت ایران و آلمان
droits de la personnalité	حقوق شخصیت
droit religieux, droit canon	حقوق شرعی
droits sociaux	حقوق شرکاء شرکت
avantages financiers et sociaux	حقوق شغلی/حقوق و مزایای شغلی
traitements attachés à un emploi	حقوق شغلی/دستمزد شغلی
droit formel	حقوق شکلی
droit industriel	حقوق صنعتی
droit professionnel	حقوق صنفی
droit naturel	حقوق طبیعی
droit naturel de l'homme	حقوق طبیعی انسان
droit de créance, droit des obligations	حقوق طلبکاران
	۱۶۲. ق. دیون
droit coutumier	حقوق عادی/حقوق عرفی
droit international public	حقوق عام خارجی/حقوق بین الملل عمومی
droit international public	حقوق عام ملل/حقوق بین الملل عمومی
droits ouverts à tous	حقوق عامه/حقوقی که همه مردم حق استفاده دارند
	۴۹۲. ق. ا. ت. ع

droit coutumier	حقوق عرفی
cotisations, droits à payer	حقوق عضویت / حق عضویت‌ها
droit public	حقوق عمومی
	۱۳۹۲. آ. د. م
libertés publiques	حقوق عمومی افراد / آزادیهای عمومی
droits de l'homme	حقوق عمومی بشر / حقوق بشر
droit international public	حقوق عمومی بین‌المللی / حقوق بین‌الملل عمومی
	۲۴. عهدنامه مودت ایران و دانمارک
droit international public	حقوق عمومی خارجی / حقوق بین‌الملل عمومی
droit public interne	حقوق عمومی داخلی
droits patrimoniaux	حقوق عینی
propriété du navire	حقوق عینی کشتی
	۲۰۲. ق. دریائی
	حقوق غیر پستی / هزینه و عوارض غیر پستی
droits extérieurs s'ajoutant aux taxes et frais postaux	۶۳۲. ق. پ
	حقوق غیر ثابت / دستمزد غیر ثابت
prestations et avantages sociaux s'ajoutant au salaire de base	۹۲. ق. م. ع. ح. ت
droit coutumier, us et coutumes	حقوق غیر کتبی / حقوق غیر مدون
droits extra-patrimoniaux	حقوق غیر مالی
	۱۶۲. آ. د. م
	حقوق غیر مدون / حقوق غیر کتبی / حقوق غیر نوشته
droit coutumier, coutumé, usages, us et coutumes	حقوق فردی
droits individuels	حقوق فضائی
droit aérien, droit spatial	حقوق فضای خارج جو
droit spatial	حقوق فطری / حقوق طبیعی
droit naturel	حقوق قاره‌ای
droit continental	حقوق قراردادی
droits subjectifs, droit des obligations	حقوق قضائی
ordonnancement juridique, droit	رأی شماره ۶۱-۱۹/۷/۱۳۴۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

droit du travail	حقوق کار
	حقوق کارمند / دس مزد کارمند
traitement, salaire, paye, avantages de l'employé	
avantages financiers et sociaux des fonctionnaires	حقوق کارمندان دولت
droit écrit	حقوق کتبی / حقوق نوشته
droit rural	حقوق کشاورزی
droit canon, loi ecclésiastique	حقوق کلیسا
droit pénal, droit criminel	حقوق کیفری / حقوق جزا
droit pénal spécial	حقوق کیفری اختصاصی
droit pénal privé	حقوق کیفری خصوصی
droit pénal public	حقوق کیفری عمومی
droit spatial	حقوق کیهانی / حقوق فضایی
réglementation douanière	حقوق گمرکی
	۶۳۲. ق. ب
droit d'auteur	حقوق مؤلف
droit réel	حقوق مادی
droit du propriétaire, droit patrimonial	حقوق مالک
droit de propriété	حقوق مالکیت
droit de propriété littéraire	حقوق مالکیت ادبی
droit de la propriété industrielle, brevet	حقوق مالکیت صنعتی
droit de propriété artistique	حقوق مالکیت هنری
droit patrimonial	حقوق مالی
	۱۲۰۷۲. ق. م
	حقوق مالی / مجموعه قوانین و قواعد مربوط به امور مالی و مالیاتها
droit fiscal, ensemble des lois et règlements concernant la fiscalité	
droit patrimonial du pupille	حقوق مالی مولی علیه
droit patrimonial découlant du mariage	حقوق مالی ناشی از ازدواج
	۲۲. ق. ا. ر
salaire mensuel, appointements mensuels	حقوق ماهانه
traitement, émoluments mensuels	حقوق ماهانه خدمت
	حقوق ماهانه کارمندان
salaire mensuel, appointements mensuels, paye mensuelle	

- حقوق متجانس / حقوق هایی که در حقوق تطبیقی دارای يك ریشه اند
droit d'une même famille juridique
- حقوق مترادف / نظام های حقوقی نزدیک به هم
droit proche d'un système juridique donné
- حقوق متشابه
droit dépendant d'une même famille juridique
- حقوق مثبت ملک / حقوق ارتفاقی مثبت
servitude active
- حقوق مثبتة / حقوق تحققی
droit positif
- حقوق محتمله
droit éventuel
- حقوق محکومیت / محکومیت حقوقی / محکومیت مدنی
droit à réparation civile
- حقوق مختلط
droit mixte
- حقوق مخصوصه / حقوقی که خاص يك کشور است
droit interne
- ۹۶۱م. ق. م
حقوق مخففه پستی / معافیت پستی
exemption totale ou partielle de taxes postales
- حقوق مدعیان خصوصی
droit de la partie civile
- ۴م. ق. م. ع
حقوق مدنی
droit civil
- ۹۶۳م. ق. م
حقوق مدنی نظری
doctrine, avis de jurisconsulte en matière civile
- حقوق مدنی عملی
pratique juridique en matière civile, jurisprudence
- حقوق مدون / حقوق نوشته
droit écrit
- حقوق مذهبی
droit canon, droit théologique
- حقوق مربوط به اسم
droit au nom
- حقوق مرجعه
droit préférentiel
- ۴م. موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایران و فرانسه
droit aux congés payés
- حقوق مرخصی استحقاقی
۲۰م. ق. ا. ک
- حقوق رسومه / حقوق عرفی
droit coutumier
- حقوق مساوی طرفین
droit à l'égalité des parties entre elles
- ۵۸م. ق. م. و
حقوق مستخدمین خارجی
traitement, salaire des fonctionnaires étrangers
- م. واحده قانون مربوط به مستخدمین خارجی

traitement des fonctionnaires, salaire des employés titulaires	حقوق مستخدمین رسمی
droit indivis, droit commun à plusieurs	ف. سوم. ق. ا. ک حقوق مشترک
droit naturel, droit commun aux peuples civilisés	حقوق مشترک بشر متمدن
base législative commune	حقوق مشترک تقنینی
droit naturel, droit commun aux nations civilisées	حقوق مشترک ملل متمدن
droit légitime	حقوق مشروع / حقوق حقه
droit pur et simple, droit incontesté	۱۳۳۰. ق. م. ع حقوق مطاقه / حقوق بدون قید و شرط
droit absolu des Etats, souveraineté	حقوق مطلقه دول
droit équitable	حقوق معقول
droit intellectuel	۳۲۰. موافقتنامه تفحص واکتشاف و بهره‌برداری نفت حقوق معنوی
droit acquis	۵۳۰. قرارداد ژنو راجع به بیماران درهنگام اردو کشی حقوق مكتسبه
droit de la nation iranienne	حقوق ملت ایران
droit des nations, droit des peuples	حقوق ملتها
droit annexe du droit de propriété	حقوق ملکی / حقوق ناشی از مالکیت
droit de propriété	حقوق ملکی / حقوق مالکیت
droit national	حقوق ملی
droit national	حقوق ملی کشورها
droit privilégié	حقوق ممتاز
servitude à la charge du fonds servant	۲۰. قرارداد بین‌المللی مربوط به حقوق ممتاز و رهن دریائی حقوق منفی ملک
droit positif	حقوق موضوعه
droit objectif	حقوق موضوعی / حقوق ذاتی
usages locaux, réglementation locale	حقوق ناحیه‌ای / حقوق محلی
situation de droit subjectif	حقوق ناشی از عمل شخصی
situation de droit objectif, législation	حقوق ناشی از منابع رسمی

salaire brut	حقوق ناویژه/دستمزد ناویژه/ دستمزد بدون کسر مالیات ۳۷۴. قرارداد اروپ
indemnité parlementaire	حقوق نمایندگان مجلسین
droit écrit	حقوق نوشته
droits de l'Homme, droit naturel	حقوق نوع بشر حقوق نهری / حقوق رودخانه‌ای
Code du domaine public fluvial et de la navigation intérieure (V. D. 13 oct. 1956)	
droit attaché à l'action sociale	حقوق وابسته به سهم شرکتها
droits de la femme mariée	حقوق واجبه زن ۱۱۳۰۴. ق. م
frais d'inhumation à la charge de l'actif successoral	حقوق واجبه میت ۸۶۹۴. ق. م
souveraineté réelle	حقوق واقعی حاکمیت
droit de propriété	حقوق واقعی مالکیت حقوق و امتیازات ناشی از عضویت
droit et privilège découlant de la qualité de membre	۴۴. ق. انرژی
droits et obligations	حقوق و تعهدات حقوق و دیونی که به ترکه تعلق میگیرد
droits et charges de la succession, actif et passif successoral	۸۶۹۴. ق. م
taxe douanière	حقوق ورودی/ عوارض گمرکی
droit positif international	حقوق وضعی بین‌المللی
droit à la pension de réversion	حقوق وظیفه ۷۹۴. ق. ا. ک
droit à la pension d'invalidité	حقوق وظیفه از کارافتادگی و معلولی
droit de pension de réversion à vie	حقوق وظیفه دائم ۹۵۴. ق. ا. ک
pension réversible au bénéfice des ayants--cause du fonctionnaire	حقوق وظیفه وراث قانونی کارمند متوفی

pension de réversion versée à titre temporaire	حقوق وظیفه موقت
	۹۵م. ق. ا. ک
droits et taxes	حقوق و عوارض
	۴م. ق. م. م. ق. ا. ت
	حقوق و عوارض حمایتی/ حقوق و عوارض برای حمایت مصنوعات داخلی
taxe à l'importation (visant la protection des produits nationaux)	
droits et taxes de navigation	حقوق و عوارض کشتیرانی
taxes douanières, droits de douane	حقوق و عوارض گمرگی
droits fiscaux, imposition	حقوق و عوارض مالی/ حقوق و عوارض پولی
	حقوق و فوق‌العاده مستخدمان
traitement et avantages financiers des fonctionnaires	
	حقوق و مالیاتی که دولت در موقع انتقال ملک یا حق ارتفاق و انتفاع دریافت میکند
taxe de mutation de propriété à titre onéreux	
droit aérien	حقوق هوایی
droit aérien international	حقوق هوایی بین‌المللی
juridique, ex jure	حقوقی
	حقوق یکی از طرفین قرارداد بعد از فوت دیگری
droit de la partie au contrat survivante	
malhonnête, escroc, filou, aigrefin	محقه
malhonnêteté, filouterie, escroquerie, indélicatesse	حقه بازی
	حق یا الزامی که از حکم قابل اجرا حاصل میشود
droit ou obligation découlant d'une décision exécutoire	
vérité, authenticité, réalité	حقیقت
	۴۶۳م. ق. م
réalité de fait, existence	حقیقت امر
recherche de la vérité, poursuite de la vérité	حقیقت جویی
vérité admise légalement	حقیقت شرعی/ ماهیت قانونی
authenticité, vérité admise couramment	حقیقت عرفیه/ ماهیت عرفی
authenticité juridiquement prouvée	حقیقت قضایی
vérité absolue, stricte vérité	حقیقت محض
véridique, vrai, authentique, réel	حقیقی
droit imprescriptible	حقی که با مرور زمان از بین نمی‌رود
droit imprescriptible	حقی که مشمول مرور زمان نمی‌شود

hauts fonctionnaires, préfets, sous-préfets	حکام / استانداران ، فرمانداران ، ولات
	۹۸۳م. ق. م
juge (magistrat statuant dans un tribunal civil ou de commerce)	حکام دادگاههای شهرستان / دادرسان دادگاههای شهرستان
	۴۴م. ق. ا. ت. ع
juge religieux, (cadi)	حکام شرع
	۲م. ق. م. ش
juge de paix, juge d'instance	حکام صلح / دادرس دادگاه بخش / امین صلح
	۲۰م. ق. م. ش
juges ordinaires	حکام عدلیه / دادرسان دادگاههای دادگستری
	۵۰م. آ. د. ک
juge statuant dans un tribunal religieux	حکام محاضر شرع / مجتهد جامع الشرایط
	۱م. ق. ا. ق
juge statuant dans un tribunal connaissant des affaires religieuses	حکام محاکم شرع / حکام محاضر شرع، مجتهد جامع الشرایط
	۱م. ق. ا. ق
juge ordinaire	حکام محاکم عدلیه / دادرسان دادگاهها
	۴۶م. ق. ت
décision de justice, sentence, jugement, arrêt	محکم / تصمیمات قاطع دعوی
	۱۵۴م. آ. د. م
arbitre	حکم / داور
mise en liberté surveillée, libération conditionnelle	حکم آزادی مشروط
	تبصره ۵. م، واحده. ق. آ. م. ز
mise en liberté provisoire	حکم آزادی متهم
	۱۷۴م. آ. د. ک
décision de renvoi	حکم احاله / دستور احاله
	۴م. ق. م. م. ا. د
mandat d'amener	حکم احضار / دستور احضار
	۱۲۲م. آ. د. ک

- حکم اخباری/ رای اخباری
jugement déclaratif
- حکم اختصاصی/ داور اختصاصی
jugement rendu dans une procédure d'urgence, ordonnance, ordonnance de référé
- م. ۳۱. ق. ح
حکم اخراج/ رای به اخراج دادن
jugement prononçant l'expulsion, ordonnance d'expulsion
- حکم اخراج شریک از شرکت
jugement prononçant la mise à l'écart d'un associé
- م. ۱۳۶. ق. ت
حکم اخلاقی/ دستور اخلاقی
norme, principe moral, éthique
- حکم استینافی/ رای دادگاه استیناف
arrêt de la Cour d'Appel
- م. ۸. ق. م. م. ق
حکم اسیر جنگی/ در حکم اسیر جنگی/ در ردیف اسیر جنگی
assimilé à un prisonnier de guerre, captif
- حکم اشتراکی/ داور مشترک
tiers—arbitre
- م. ۱. ن. ق. ر. ا. م
حکم اصراری/ رای اصراری دیوان کشور
arrêt de cassation dans un second pourvoi
- (V. L. 23. 7. 1947 art. 58 à 60)
م. ۵۷۶. آ. د. م
حکم اعاده اعتبار تاجر ورشکسته/ رای...
jugement de réhabilitation du failli
- (V. C. com. art. 614)
م. ۵۷۱. ق. ت
حکم اعاده حیثیت/ رای اعاده حیثیت
jugement de réhabilitation
- حکم اعاده حیثیت قانونی/ اعاده حیثیت به حکم قانون
réhabilitation de plein droit
- (V. C. com. art. 607)
حکم اعاده حیثیت قضایی/ اعاده حیثیت به حکم دادگاه
réhabilitation judiciaire
- حکم اعدام/ رای به اعدام
condamnation à la peine capitale, arrêt de mort, peine de mort
- م. ۴۶. ق. م. ع
حکم اعسار/ رای به اعسار
jugement déclarant coupable de banqueroute
- (V. C. com. art. 614—6 à 614—12)
م. ۳۰. ق. ا

jugement déclaratif	حکم اعلامی / رای اعلامی
jugement déclaratif de faillite (V. C. com. art. 440 s.)	حکم اعلان ورشکستگی / رای اعلام ورشکستگی
jugement déclarant coupable de banqueroute (V. C. com. art. 614-6 à 614-16)	حکم افلاس / رای به افلاس ۵۳۶م. ق. ت
mesure conservatoire ordonnée par le juge	حکم اقدام تأمینی / اقدامات تأمینی قاضی ۳۲م. ق. ا
condamnation au paiement des dettes	حکم الزام به تأدیه دین ۱م. ق. ا. ت
obligation de faire, obligation imposée par Dieu, loi donnée	حکم الزامی / دستور تکلیفی
entériner, faire sien, adopter, embrasser, suivre	حکم امضایی / تأیید کردن / پذیرفتن
ordonnance de remplacement	حکم انتخاب جانشین / دستور انتخاب جانشین
procédure d'investiture, ordre de nomination, titularisation	حکم انتصاب / دستور انتصاب
procédure de nomination du maire	حکم انتصاب شهردار ۲م. ق. ا. ت. ع
titularisation	حکم انتصاب کارمندان / دستور انتصاب کارمندان / رسمی شدن ۵۲م. ق. ن
décision de mise en disponibilité	حکم انتظار خدمت / دستور انتظار خدمت ۷م. آ. ق. م. د
décision de mutation de poste	حکم انتقالی / دستور انتقال ۲م. ق. ا. ت. ع
prononcé judiciaire de la dissolution d'une société	حکم انحلال شرکت ۲۱۴م. ق. ت
dissolution des associations	حکم انحلال مجامع ۱۲م. ن. م. غ. ت
jugement constitutif	حکم انشایی / رای انشایی
loi constitutive, règle créative	حکم انشایی / حکم تاسیس
licenciement, révocation, renvoi	حکم انفصال / دستور انفصال ۴۱م. ق. د. ا. ر

- حکم اولی قانون/هدف اصلی قانون fondement de la loi, esprit de la loi
 حکم با اجرای موقت/حکم متضمن دستور اجرای موقت
 jugement exécutoire par provision et nonobstant toute voie de recours
 ۱۹۱م. آ. د. م
 حکم بازکردن اشیاء بسته/اجازه... autorisation judiciaire d'ouvrir un pli fermé
 ۹۶م. آ. د. ک
 حکم بازکردن محل/ حکم دخول در محل
 autorisation judiciaire de pénétrer au domicile d'autrui
 ۹۶م. آ. د. ک
 حکم بازگشت به منزل شوهر/ رای به بازگشت به منزل شوهر
 jugement ordonnant la réintégration du domicile conjugal
 ۱۱۱۵م. ق. م
 حکم بدوی قابل پژوهش jugement en premier ressort
 حکم برائت/ رای برائت jugement de renvoi des fins de la poursuite
 (V. C. Pr. pén. art. 470), arrêt d'acquittement
 (C. Pr. pén. art. 366 s.)
 حکم برائت متهم arrêt d'acquittement de l'accusé
 ۱۳م. آ. د. ک
 حکم بر پرداخت هزینه محکوم له توسط محکوم علیه
 condamnation aux dépens et à la distraction au profit du demandeur
 حکم بر تأیید مصالحه اصحاب دعوی/ رای بر تأیید سازش طرفین دعوی
 jugement constatant l'accord des parties et faisant droit à leurs conclusions
 حکم بر تصدیق حق موجود jugement déclaratif de droits existants
 حکم بر رفع نقص پرونده و تکمیل تحقیقات/ دستور قرار رفع نقص پرونده و تکمیل تحقیقات
 jugement avant-faire-droit, jugement interlocutoire
 حکم بر کناری از خدمت/ دستور بر کناری از خدمت
 décision de licenciement
 ۲۰م. ق. ا. ک
 حکم بطلان دستور اجرای اسناد/ رای به بطلان دستور اجرای اسناد
 jugement d'annulation d'une décision exécutoire
 ۴م. ق. ا. ب. م. ق. ت. د. ا. ب

jugement annulant une sentence arbitrale	حکم بطلان رأی داور/ رأی به بطلان ۶۶۶م. آ. د. م
jugement confirmant une incapacité	حکم بقاء حجر/ رأی به بقاء حجر ۶۶م. ق. ا. ح
jugement déclarant coupable de banqueroute	حکم به افلاس مجلس ۱۴۵م. ق. م. ا. م. ح
jugement de débouté	حکم به بطلان دعوی/ رأی به ابطال دعوی ش. ۲۵. ه. د
jugement de débouté	حکم به بیحقی/ رأی به بیحقی ش. ۲۵. ه. ر
jugement d'expulsion des lieux loués	حکم به تخلیه عین مستأجره حکم به تسلیم عین خواسته به متصرف اول
jugement de restitution au possesseur antérieur	۱۹۱م. آ. د. م
jugement sur les intérêts civils	حکم به تقاص/ رأی به تقاص ۱۴۵م. ق. م. ا. م. ح
reconnaissance de la faute	حکم به تقصیر/ قبول تحقق خطا
jugement de saisie	حکم به توقیف مال ممتنع از ادای دین ۱۴۵م. ق. ح. م. ا. م
jugement déclaratif d'incapacité	حکم به حجر/ رأی به حجر ۱۴۵م. ق. م. ا. م. ح
	حکم به حجر مفلس
jugement prononçant l'interdiction des droits à l'encontre du banqueroutier (V. C. pén. art 402)	۱۴۵م. ق. م. ا. م. ح
	حکم به رفع تصرف عدوانی / رأی به رفع تصرف عدوانی
jugement prononçant l'expulsion d'un occupant sans droit ni titre	۲م. ق. ج. ت. ع
jugement de débouté	حکم بیحقی شاکی/ رأی به بیحقی شاکی ۱۴م. ق. د. ا. ر. ا. و
loi constitutive, règle créative	حکم تأسیسی/ حکم انشایی/ قانون ایجادکننده

arrêt confirmatif	حکم تایید حکم دادگاه نخستین / رای ... ۵۱۵م. آ. د. م
arrêt d'acquittement de l'accusé	حکم تبرئه متهم / رای به تبرئه متهم ۱۳م. آ. د. ک
jugement prononçant l'expulsion du locataire	حکم تخلیه محل اجاره علیه مستأجر
jugement contradictoire	حکم توافقی
décision d'avancement des magistrats	حکم ترفیع کارمندان قضائی / تصمیم ... ۱۴م. ق. س. د
décision de créer un tribunal militaire	حکم تشکیل دیوان حرب / تصمیم ... ۲۴م. ق. ر. ا
jugement rectificatif	حکم تصحیحی / رای ۱۹۰م. آ. د. م
jugement d'homologation du concordat	حکم تصدیق قرارداد ارفاقی ۴۹۱م. ق. ت
jugement faisant droit au demandeur dans une action possessoire	حکم تصرف / رای به تصرف م. واحده قانون فروش خالصجات
jugement faisant droit au demandeur en réintégration	حکم تصرف و تملك اراضی ۱۰م. ق. ا. ش. م. ن. ا
jugement rendu sur un cumul d'infractions	حکم تعدد بزه / رای به مجازات تعدد بزه ۲۰۹م. ق. ر. ا
jugement rendu sur un cumul d'infractions	حکم تعدد جرم / رای به مجازات تعدد جرم
jugement de révision de loyer	حکم تعدد جرم / رای به مجازات تعدد جرم ۱۰م. ق. م. ر
jugement autorisant à poursuivre	حکم تعقیب قضیه / رای به تعقیب قضیه ۳۷م. ق. ر. ا
jugement de sursis à exécution de la peine	حکم تعلیق اجراء مجازات ۴۱م. ق. ر. ا. ر

jugement sursuant au paiement de l'amende	حکم تعلیق جرمه / رای ...
mesure de suspension temporaire d'un avocat	حکم تعلیق موقت وکیل
	۸۷۲. آ. ق. و
	حکم تغییر و تبدیل مأمورین / دستور تغییر و تبدیل مأمورین دولت
décision de mutation d'agents publics	۲۲. ق. ا. ت. ع
décision de mise à la retraite	حکم تقاعد
	حکم تقسیط دین / رای به تقسیط بدهی
jugement condamnant au règlement de la dette assorti de délais	۳۶۲. ق. ا
obligation imposée par Dieu, loi donnée	حکم تکلیفی
obligation de faire	حکم تکلیفی مثبت
	۱۱۷۸۲. ق. م
obligation de ne pas faire	حکم تکلیفی منفی
	۲۷۶۲. ق. م
jugement confirmatif de possession	حکم تملک / رای تایید مالکیت فعلی
	۱۰۲. ق. ا. ش. م. ن. ا
jugement confirmatif de possession	حکم تملیک / رای تایید مالکیت فعلی
jugement confirmatif	حکم تنفیذ / رای تنفیذی
	حکم توقیف اتباع دشمن / دستور ..
ordre d'arrestation de ressortissants de la nation ennemie	حکم توقیف موقتی متهم / دستور ...
décision de mise en détention provisoire du prévenu ou de l'accusé	۱۳۷۲. آ. د. ک
tiers—arbitre	حکم ثالث / سر حکم / سرداور
	۱۶۲. عهدنامه مودت ایران و دانمارک
	حکم ثانوی / رای که بر اثر واخواهی از همان دادگاه صادر شود
deuxième jugement, jugement de révision	۱۸۲. آ. ق. ا. ق. ت. م
pseudo—criminel	حکم جانی / به منزله جانی
infraction manquée	حکم جرم عقیم / به منزله جرم عقیم
décision pénale, jugement pénal	حکم جزائی / رای جزائی
	۱۴۲. آ. د. ک

jugement par contumace	حکم جزائی در مورد متهم غایب / محاکمه غیابی
mandat d'arrêt	حکم جلب / دستور جلب ۶۶۲. آ. د. ک
	حکم جلب مشتکی عنه / دستور جلب...
mandat d'arrêt contre la personne visée par la plainte	حکم جنون / در حکم جنون / به منزلت جنون ۶۶۲. آ. د. ک
état d'imbécillité, folie, état de fureur	
(V. C. civ. art 489)	
jugement d'interdiction	حکم جنون / رای به جنون دادن از طرف دادگاه
arrestation ordonnée par le juge	حکم حبس / حکم به حبس دادن از طرف قاضی
	۱۳۷۲. آ. د. م
	حکم حبس اشخاصی که موجب اختلال نظم جلسه میشوند
arrestation au cours de l'audience pour trouble	۱۳۷۲. آ. د. م
jugement prononçant l'arrestation du débiteur	حکم حبس مدیون
	۷۴۳۲. ق. ا. م. ح
jugement d'incapacité	حکم حجر / رای به حجر دادن
	۶۶۲. ق. ا. ح
jugement contradictoire	حکم حضوری / رای حضوری
	۱۶۲۲. آ. د. م
jugement civil	حکم حقوق / رای دعوی مدنی
sentence arbitrale	حکم حکم / رای داور
	۹۲. ق. ح
sentence rendue par le collège arbitral	حکم حکم غیر منفرد / رای جمعی داوران
	۹۲. ق. ح
jugement étranger	حکم خارجی / حکم دادگاه خارجی
jugement rendu en matière spéciale	حکم خاص / رای اختصاصی
jugement de déchéance de nationalité	حکم خروج از تابعیت
ennemi désarmé	حکم خصم خلع سلاح شده / دشمن خلع سلاح شده
ordre contraire à la loi	حکم خلاف قانون / دستور خلاف قانون
jugement contraire à la loi	حکم خلاف قانون / رای خلاف قانون

	حکم خلاقی / رای دادگاه خلاف
jugement de simple police, jugement de police	۳۳۷م. آ. د. ک
jugement en premier ressort	حکم دادگاه بدوی / رای دادگاه نخستین ۱۷۲م. آ. د. ک
arrêt de la Cour d'appel	حکم دادگاه استان / رای دادگاه استان ۵۲۱م. آ. د. م
jugement du tribunal disciplinaire	حکم دادگاه انضباطی / رای دادگاه انضباطی ۲۵۸م. ق. ر. ا
jugement d'instance	حکم دادگاه بخش / رای دادگاه بخش ۱۲م. ق. ر. م
jugement de simple police, jugement de police	حکم دادگاه خلاف / رای دادگاه خلاف
jugement correctionnel	حکم دادگاه جنحه / رای دادگاه جنحه ۳۴۱م. آ. د. ک
arrêt de la Cour d'Assises	حکم دادگاه جنائی / رای دادگاه جنائی ۸م. ق. ت. م. ج
jugement des tribunaux de droit commun	حکم دادگاه دادگستری / رای دادگاه دادگستری ۹م. آ. د. م
décision judiciaire sur le congédiement d'un salarié	حکم دادگاه در باب مرخصی اجیر / رای دادگاه در باب مرخصی اجیر ۱۹۱م. آ. د. م
jugement de première instance, jugement de grande instance	حکم دادگاه شهرستان / رای دادگاه شهرستان ۱۹م. آ. د. ک
jugement du tribunal militaire	حکم دادگاه نظامی / رای دادگاه نظامی ۲۹۶م. ق. ر. ا
sentence arbitrale	حکم داوری / رای داوری
jugement à propos d'une mutation de propriété	حکم دایر به واگذاری مال متنازع فیه به یکی از طرفین / رای دایر به واگذاری مال متنازع فیه به یکی از طرفین

- arrêt de la Cour d'Assises حکم در امور جنائی/ رای در امور جنائی
 حکم در باب ضرر و زیان صادر کردن/ رای در باب ضرر و زیان دادن
 jugement allouant des dommages et intérêts
 حکم در ماهیت دعوی صادر کردن / رای در ماهیت دعوی دادن
 jugement sur le fond
 حکم دعوی / رای مربوط به هر دعوی
 jugement répondant à tous les chefs de demande
 ۵۴. آ. د. م
 حکم دعوی خصوصی/ رای دادگاه جزایی نسبت به مدعی خصوصی
 décision du tribunal correctionnel sur les intérêts civils
 ۱۴۴. ق. م. ح جزائی
 arrêt de la Cour d'Appel حکم دیوان تجدیدنظر/ رای دیوان تجدیدنظر
 ۲۳۷۴. ق. ر. ا
 arrêt de la Cour Martiale حکم دیوان حرب
 ۲۳۳۴. ق. ر. ا
 décision judiciaire sur le fond حکم راجع به اصل دعوی / رسیدگی ...
 ۶۴. ق. ا. ق. ت. ر. ا. ر
 حکم راجع به حل اختلاف دادگاهها و مراجع غیردادگستری/ رسیدگی به اختلاف راجع به...
 décision sur la compétence (tribunal de droit commun ou tribunal spécial)
 ۵۴۴. آ. د. م
 حکم راجع به ماهیت دعوی بدون قوه اجرائی/ رسیدگی راجع به ...
 décision sur le fond non exécutoire de plein droit
 حکمرانی / حاکمیت
 souveraineté حکمرانی خارجی/ حاکمیت خارجی
 souveraineté extérieure حکمرانی داخلی/ حاکمیت داخلی
 souveraineté intérieure, empire حکمرانی دول مجاور رود/ حاکمیت دول مجاور رود
 souveraineté des états riverains
 حکمرانی دنیوی/ حکومت دنیوی
 gouvernement laïque, Etat laïque, séparation de l' Eglise et de l'Etat
 théocratie حکمرانی روحانی/ حکومت روحانی
 souveraineté de fait حکمرانی مادی/ حکومت مادی/ حکومت در عمل

gouvernement des assemblées, gouvernement parlementaire	حکمرانی مجالس
souveraineté fractionnée	حکمرانی مشاع / حاکمیت مشاع
souveraineté nationale	حکمرانی ملی / حاکمیت ملی
décision refusant l'avancement au tableau des magistrats	حکم رد ترفیع قضات / تصمیم رد ترفیع قضات
ordre officiel, ordre écrit	۴. واحده راجع به ترفیع کارمندان قضائی حکم رسمی / دستور رسمی / دستور کتبی
ordre officiel écrit	۱۴. ق. ا. ک حکم رسمی دولت / حکم رسمی مقامات دولتی
demande de complément d'information	حکم رفع نقص و تکمیل پرونده / قرار و دستور رفع نقص و تکمیل پرونده
convocation en vue de la réconciliation	حکم سازش در دادگاه
firman royal	حکم سلطنتی / فرمان شاهی
précepte religieux, dogme	حکم شرعی / دستور شرعی
commencement d'exécution	۸۲. ق. ۴. ش حکم شروع بجرم / در حکم شروع بجرم
associé de l'avaliseur, associé de la caution	حکم شریک ضامن / در حکم شریک ضامن
ordre verbal, commandement	۹۵۲. ق. ت حکم شفاهی / دستور شفاهی
décision frappée de cassation, décision cassée	حکم شکسته / رای منقوض
juger, prononcer un jugement, rendre une sentence	حکم صادر کردن
rendre un jugement clairement motivé	حکم صریح / حکم صریح دادن
ordre clair	۲۶۴. ق. ا. ت. ع. س ۱۲۹۰ حکم صریح / دستور صریح / امر صریح
jugement sur une demande de dommages et intérêts	حکم ضرر و زیان / رای مربوط به تقاضای ضرر و زیان
jugement sur les intérêts civils	حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی / رسیدگی راجع به...
régle préjudiciable	۱۳۴. آ. د. ک حکم ضرری / قانون ضرری / قاعده زیان آور

jugement de divorce	حکم طلاق / رای به طلاق حکم طلبی / حکم تکلیفی
obligation de faire ou de ne pas faire, obligation imposée par Dieu loi donnée, loi présomptive	حکم ظنی / قانون فرضی
avis général	حکم عام / دستور عام
jugement d'incapacité	حکم عدم رشد / حکم حجر
jugement d'incompétence	حکم عدم صلاحیت / رای عدم صلاحیت
coutume, règle coutumière	حکم عرفی / قاعده عرفی
jugement de destitution d'un directeur de société	حکم عزل مدیر شرکت
jugement séparé sur les dommages et intérêts	حکم علیحده راجع به خسارت
	۷۱۲م. آ. د. م
jugement de débouté du demandeur	حکم علیه خواهان / رای علیه خواهان
	حکم عمومی آرشی / فرمان عمومی آرشی
ordre du haut commandement des armées, ordre intéressant l'ensemble des troupes	۳۵م. ق. ت. ا. ش. ا
faux jugement, fausse sentence	حکم غلط / رای غلط
jugement par contumace	حکم غیابی / رای غیابی
	(V. C. Pr. pén. art. 627 s.) ۱۶۴م. آ. د. م
	حکم غیابی در دادرسی اختصاری / محاکمه غیابی در...
jugement par contumace en procédure sommaire	حکم غیابی در دادرسی عادی
jugement par contumace en procédure ordinaire	
incapable, interdit	حکم غیر ممیز را داشتن / محجور ۳۴م. ق. م. ع
jugement contraire à l'équité عادلانه	حکم غیر منصفانه / رای غیر عادلانه / قضاوت غیر عادلانه
jugement frappé d'appel	حکم فرجامخواسته شده ۲۷۳م. ق. د. ا
jugement ordonnant la vente	حکم فروش / رای دادگاه به فروش ۴۵۰م. ق. س. ۱۳۴۳

حکم فوت فرضی / رای فوت فرضی غایب مفقودالاثر

jugement déclarant la mort présumée de l'absent

۱۰۲۷۲. ق. م

حکم فوت فرضی غایب

jugement déclarant la mort présumée de l'absent

۹۹۳۲. ق. م

حکم قابل اعتراض / رای قابل اعتراض

jugement susceptible de voie de recours, jugement en premier ressort

۵۳۶۲. ق. ت

jugement sur plusieurs chefs de demande

حکم قابل تجزیه

۵۷۰۲. آ. د. م

jugement sur plusieurs chefs de demande

حکم قابل تفکیک

۵۷۰۲. آ. د. م

حکم قابل واخواهی / رای قابل واخواهی

jugement susceptible de voie de recours, jugement en premier ressort

prescription légale, ordre de la loi

حکم قانون / دستور قانون

ordre légal, ordre conforme à la légalité

حکم قانونی / دستور قانونی

۳۰۲. ق. و. م

حکم قانونی محکمه / تصمیم قانونی دادگاه

décision du tribunal légalement motivée

prescription d'une loi abrogée

حکم قانونی منسوخه / دستور قانون فسخ شده

jugement sur requête civile

حکم قبول یا رد اعاده دادرسی / رای رد...

(V. C. civ. art. 480 s.)

ordre par décision de justice

حکم قضایی / رای قضایی / تصمیم دادگاه

jugement définitif

حکم قطعی / رای قطعی...

۱۹۸۲. آ. د. م

jugement civil en dernier ressort

حکم قطعی دادگاه حقوقی / رای قطعی...

۲۸۵۲. ق. د. ا

حکم قطعی خلع بد ازال غیر منقول / رای قطعی...

jugement ordonnant la remise d'un bien mobilier rendu en dernier ressort

۲۶۵۲. مکرر. ق. م. ع

حکم قطعی قابل اجرا / رای قطعی قابل اجراء judgement définitif et exécutoire
۱۷۲. ق. م. ع

حکم قطعی محکمه صالحه judgement définitif émanant du tribunal compétent
حکم قیام دادن وزراء و ماموران دولتی / دستور قیام از طرف وزراء و صاحب منصبان دولتی
incitation à la révolte par un fonctionnaire public, un agent ou un
préposé du gouvernement

۸۲۲. ق. م. ع

protuteur حکم قیم / در حکم قیم
ordre écrit, ordre exprès حکم کتبی / دستور کتبی
اصل ۱۰. م. ق. ۱

ordre du procureur, instruction du procureur... حکم کتبی دادستان / دستور...
۲۲. ق. ۱. ق. ج. ت. ع

حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه / دستور کتبی ...

ordre écrit du Président du Tribunal

اصل ۱۰. م. ق. ۱

sentence comminatoire, disposition impérative... حکم لازم الاتباع / تصمیم...
م. واحده. س ۱۳۲۸

décision exécutoire حکم لازم الاجراء / تصمیم لازم الاجراء
۲۴۲. ق. م. ع

jugement faisant droit à la demande حکم له خواهان / رای به نفع خواهان
jugement prononçant la peine la plus forte حکم مجازات اشد / رای...
۱۶۲. ق. م. ا. س. ن

jugement sur requête civile حکم مجدد پس از فسخ حکم مورد اعاده دادرسی
(V. C. civ. art. 480 s.)

jugement ou arrêt de révision (V. C. pén. art. 626)

۶۰۶. آ. د. م

jugement ou arrêt de révision حکم مجدد پس از قبول اعاده دادرسی
۶۰۵. آ. د. م

حکم محرومیت از شهادت در محاکم

déchéance du droit de porter témoignage

۱۳۱۳. ق. م

décision judiciaire, décision du tribunal حکم محکمه / رای دادگاه
۳۲. م. ق. و

حکم محکمه اختصاصی / رای دادگاه اختصاصی

jugement rendu par un tribunal d'exception

jugement de condamnation	حکم محکومیت / رای به محکومیت ۲۷۹م. ق. ر. ا
jugement de condamnation pénale	حکم محکومیت جزائی / رای...
arrêt prononçant la culpabilité	حکم محکومیت جنائی / رای...
jugement attaquant, jugement non définitif	حکم مخدوش / حکم قابل اعتراض
autorisation de congé	حکم مرخصی / دستور استفاده از مرخصی ۶م. آ. م
jugement prononçant la prescription	حکم مرور زمان / حکم بر شمول مرور زمان ۲م. ق. س. د. د. ن
suspension de la prescription pendant la minorité et l'interdiction judiciaire	حکم مقررات مرور زمان در حق کسانی که تحت ولایت یا قیمومت هستند جاری نمی شود ۷۵۱م. آ. د. م
prescription d'un jugement par défaut	حکم مرور زمان نسبت به احکام غیابی / اجرای مرور زمان نسبت به احکام غیابی ۷۵۱م. آ. د. م
prescription d'une décision par défaut du tribunal militaire	حکم مقررات مرور زمان نسبت به احکام غیابی دادگاههای نظامی / اجرای مرور زمان... ۲م. ق. س. ر. د. ن
suspension de prescription pour les dettes à termes ou conditionnelles	حکم مقررات مرور زمان نسبت به دین مؤجل یا مشروط جاری نمی شود / دستور مرور زمان... ۷۵۶م. آ. د. م
jugement motivé	حکم مستدل / رای مستدل
ordonnance du juge d'instruction	حکم مستنطق / تصمیم بازپرس ۱۷۴م. آ. د. ک
tiers-arbitre	حکم مشترک / سرداور ۸م. ق. ح
avis	حکم مشورتی / نظر مشورتی
jugement ou arrêt absolu	حکم معافیت از مجازات / رای معافیت... م. ق. ن
jugement attaqué	حکم معترض علیه / رای مورد اعتراض ۵۵۸م. آ. د. م

- حکم معلق / رای غیر منجز
 jugement dans une procédure dilatoire
 ۱۰۲. ق. ت. ا. م
- حکم مقامات صلاحیتدار / دستور مقامات صلاحیتدار
 ordre des autorités compétentes
 ۱۹۳۲. ق. م. ع
- حکم مقدماتی / قرار
 jugement avant-faire-droit, jugement avant-dire-droit, jugement interlocutoire
- حکم ممیز عنہ / حکم تمیز خواسته شده
 jugement faisant l'objet d'un pourvoi en cassation
 ۴۳۰۲ مکرر. ق. ا. م. ج
- حکم منع ازارث / حکم محروم کردن از ارث
 jugement d'exhérédation
- حکم منقوض / رای شکسته شده
 jugement frappé de cassation, jugement cassé
 ۵۷۲۲. آ. د. م
- حکم موت فرضی غایب
 jugement déclaratif d'absence
 ۱۰۱۹۲. ق. م
- حکم مورد تعلیق اجرای مجازات
 jugement assorti de sursis
 ۱۱۱. ق. ت. ا. م
- حکم موقت استخدام / دستور استخدام موقت
 recrutement temporaire
 ۱۳۷۲. ا. ق. ا. ک
- حکم موقتی دادگاه / رای موقتی دادگاه
 jugement sur les mesures provisoires
- حکم نادرست / رای نادرست
 jugement entaché d'irrégularité
- حکمنامه / داورنامه
 compromis d'arbitrage
 ۴۲. ق. ح
- حکم نخستین / دادگاهی که حکم نخستین صادر می کند
 jugement rendu par le tribunal antérieurement saisi
 ۳۹۲. آ. د. م
- حکم نشوز / رای درباره نشوز
 jugement sur l'homme ou la femme se refusant à l'exécution des devoirs conjugaux
- حکم نهائی / حکم قطعی
 jugement définitif
 ۲۳۹۲. آ. د. م
- حکم نهائی انحلال شرکت / رای قطعی به انحلال شرکت
 jugement définitif prononçant la dissolution d'une société

arbitre unique	حکم واحد/ داور واحد ۳۱۴. ق. پ
jugement rendu sur opposition	حکم واخواهی/ رای که برائرواخواهی صادر شده است
jugement déclaratif de faillite	حکم ورشکستگی/ رای اعلام ورشکستگی ۴۱۲. ق. ت
commandement du ministère des Armées	حکم وزارت جنگ/ فرمان وزارت جنگ ۷۴. ق. ترفیعات. ا. ش. ا
ordre ministériel	حکم وزارتی/ دستور وزارتی
ordre du ministre	حکم وزیر/ دستور وزیر ۳۴. ق. و. ا. ر
loi constitutive, règle créative	حکم وضعی/ قانون وضع شده
règle facultative	حکم وضعی/ قانون غیر تکلیفی
loi certaine	حکم یقینی/ قانون مسلم
arrêt de la chambre d'accusation	حکم هیئت تشخیص اتهام
arrêt de mise en accusation devant la Cour d'Assises	حکم هیئت تشخیص اتهام بر احاله پرونده متهم به دیوان جنائی (V. C. pr. pén. art. 214)
arrêt de renvoi devant le tribunal correctionnel	حکم هیئت تشخیص اتهام بر ارجاع پرونده متهم به محاکمه جنحه یا خلاف (V. C. pr. pén. art. 213)
légal, de droit	حکمی/ مربوط به حکم / منسوب به قانون
employé temporaire	حکمی/ مستخدم حکمی/ مستخدم غیر رسمی
arbitrage	حکمیت / دآوری
arbitrage obligatoire	حکمیت اجباری/ دآوری ...
arbitrage conventionnel	حکمیت به تراضی/ دآوری ...
arbitrage international	حکمیت بین المللی/ دآوری
arbitrage du chef du gouvernement	حکمیت رئیس دولت/ دآوری ...
arbitrage du chef de l'Etat	حکمیت رئیس کشور/ دآوری
jugement du juge unique	حکمیت قاضی یگانه/ قضاوت قاضی یگانه
juger, rendre une sentence, prononcer un jugement	حکمیت منازعه/ حل اختلاف/ حکم صادر کردن اصل ۸۸. م. ق. ا

حکمی که تقاضای اصلاح آن در پژوهشخواهی میشود

jugement soumis à rectification

révision de la loi

حك و اصلاح قانون

réviser, corriger, amender

حك و اصلاح کردن

correction d'un mot

حك و اصلاح کلمه

jugement, sentence

حکومت/ دادرسی

gouverneur

حکومت/ حاکم/ فرماندار

۵۸۲. ق. د

gouverner

حکومت/ زمامداری

حکومت استبدادی/ نظام استبدادی / رژیم استبدادی/ دولت استبدادی

régime despotique, Etat despotique, dictature, tyrannie, autocratie

حکومت اشتراکی/ نظام اشتراکی/ رژیم اشتراکی/ دولت سوسیالیستی

régime collectiviste, Etat socialiste, régime socialiste

حکومت اشرافی / نظام اشرافی

régime aristocratique, gouvernement aristocratique

régime ploutocratique, ploutocratie

حکومت اغنیاء / رژیم ثروتمندان

gouvernement révolutionnaire

حکومت انقلابی/ دولت انقلابی

حکومت ایده‌آل/ نظام کمال مطلوب/ رژیم کمال مطلوب/ دولت ایده‌آل

régime idéal, gouvernement idéal, Etat idéal

حکومت بلاواسطه/ نظام بلاواسطه/ رژیم بلاواسطه

régime direct, gouvernement direct

régime parlementaire

حکومت پارلمانی/ نظام پارلمانی/ رژیم پارلمانی

régime d'assemblée

حکومت پارلمانی/ حکومت مجلسی/ نظام مجلسی

régime basé sur la terreur, terrorisme

حکومت ترور/ رژیم ترور

حکومت جمهوری/ نظام جمهوری/ دولت جمهوری

régime républicain, république, Etat républicain

حکومت دمکراسی/ نظام دمکراسی / رژیم دموکراسی

régime démocratique, démocratie

حکومت دوفاکتو/ دولت دوفاکتو/ قدرتی که براساس مقررات حقوقی به وجود نیامده است

pouvoir de facto

حکومت دیکتاتوری/ نظام دیکتاتوری / رژیم دیکتاتوری

régime dictatorial, dictature

régime théocratique, théocratie	حکومت روحانیون/ دولت مذهبی/ رژیم مذهبی
régime despotique, despotisme	حکومت زور/ نظام استبدادی
monarchie équitable, monarchie éclairée	حکومت سلطان عادل
	حکومت سلطان مستبد
despotisme, régime despotique, régime tyrannique, tyrannie	حکومت سلطنتی/ نظام سلطنتی
monarchie, régime monarchique	حکومت سیاسی/ نظام سیاسی/ رژیم سیاسی
régime politique	حکومت شخص واحد
régime monocratique, gouvernement monocratique, gouvernement d'un seul	حکومت شخصی قانون/ اعمال قانون ملی/ قلمرو قانون برای شخص
application de la loi personnelle	حکومت شورشی / دولت شورشی
gouvernement révolutionnaire	حکومت عامه/ رژیم دموکراسی
régime démocratique, démocratie	حکومت غیرقانونی/ دولت غیرقانونی/ نظام غیرقانونی
gouvernement illégal, régime illégal	حکومت غیر مستقیم
régime indirect, gouvernement indirect	حکومت فدرال/ دولت فدرال
fédéralisme, Etat fédéral	حکومت فلاسفه/ دولت فلاسفه
gouvernement des philosophes	حکومت قانون/ قلمرو قانون
champ d'application de la loi, domaine de la loi	حکومت قانون در زمان/ قلمرو قانون در زمان
domaine d'application de la loi dans le temps	حکومت قانون در مکان/ قلمرو قانون در مکان
champ d'application de la loi dans l'espace	حکومت قانونی/ نظام قانونی
régime légal	حکومت کنسولی / نظام کاپیتولاسیون
capitulation	حکومت محدود/ نظام سیاسی مشروطه
régime constitutionnel, Etat constitutionnel	حکومت محل
gouvernement local, administration locale	۲. ق. ر. ا. ت. م خ
	حکومت محلی قانون/ قلمرو قانون در مکان
champ d'application de la loi dans l'espace	

politie (politeia), régime mixte	حکومت مختلط / نظام سیاسی مختلط
gouvernement central	حکومت مرکزی / دولت مرکزی
régime constitutionnel	حکومت مسئول / دولت مسئول / دولت مشروطه
gouvernement commun	حکومت مستقیم / نظام سیاسی بی واسطه / دموکراسی مستقیم
partage de souveraineté, souveraineté en commun	حکومت مشترک / حاکمیت مشترک / اعمال قدرت مشترک
régime constitutionnel, gouvernement constitutionnel, Etat constitutionnel	حکومت مشروطه / نظام سیاسی مشروطه / دولت مشروطه
régime despotique, Etat despotique, despotisme	حکومت مطلقه / نظام سیاسی مطلقه / رژیم استبدادی
démocratie indirecte	حکومت مع الواسطه / نظام سیاسی با واسطه / دموکراسی با واسطه
gouvernement national	حکومت ملی / دولت ملی
régime despotique, despotisme	حکومت نامحدود / نظام سیاسی استبدادی / نظام سیاسی مطلقه
régime aristocratique	حکومت نجبا / نظام اشرافی
état de siècle	حکومت نظامی
régime militaire	حکومت نظامیان / دولت نظامیان / نظام سیاسی نظامیان
démocratie semi.directe	حکومت نیمه مستقیم / نظام سیاسی با واسطه / دموکراسی با واسطه
philosophe	حکیم / فیلسوف
régler un conflit, vider un différend	حل اختلاف
résoudre judiciairement des conflits	حل اختلافات از طریق قضائی
régler un conflit par la force	حل اختلافات به وسایل خصمانه
régler pacifiquement un conflit international	حل اختلافات بین‌المللی به طریق مسالمت‌آمیز
régler pacifiquement un conflit selon le droit international	حل اختلاف براساس حقوق بین‌الملل
régler un conflit d'une manière équitable	حل اختلاف براساس انصاف
régler un déni de justice, régler un conflit de compétence	حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای دادگستری و مراجع غیر دادگستری
	مبحث سوم از باب اول آئین دادرسی مدنی

حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای دادگستری

régler un conflit de compétence entre tribunaux de droit commun

مبحث دوم از باب اول آئین دادرسی مدنی

حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه بخش و دادگاه شهرستان

régler un conflit de compétence entre tribunaux d'instance (justice de Paix) et tribunaux de grande instance (1ère instance)

۵۲. آ. د. م

حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه دادگستری و اداره دولتی

régler un conflit de compétence entre les tribunaux de droit commun et l'administration

۵۳. آ. د. م

حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه دادگستری و دادگاه غیر دادگستری

régler un conflit de compétence entre un tribunal de droit commun et un tribunal d'exception

۵۴. آ. د. م

حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه شهرستان و استان

régler un conflit de compétence entre tribunal de grande instance et Cour d'appel

۵۵. آ. د. م

حل اختلاف در صلاحیت بین دو دادگاه استان

régler un conflit de compétence entre deux chambres du tribunal de grande instance, conflit d'attribution entre deux chambres du tribunal de grande instance

۵۶. آ. د. م

حل اختلاف در صلاحیت بین دو دادگاه بخش در حوزه يك دادگاه شهرستان

régler un conflit de compétence entre deux tribunaux de paix du même ressort

۴۹. آ. د. م

حل اختلاف در صلاحیت بین دو دادگاه شهرستان در حوزه يك دادگاه استان

régler un conflit de compétence entre deux tribunaux de grande instance du même ressort

۵۱. آ. د. م

حل اختلاف در صلاحیت بین شورای دولتی و محاکم دادگستری
régler un conflit de compétence entre le Conseil d'Etat et un
tribunal de droit commun

۲۷۴. ق. ش. و

حل اختلاف مؤدی و مالیه
régler un conflit opposant le fisc à un contribuable
حل اختلاف مکانی / رفع تعارض قوانین در مکان
résoudre un conflit de lois dans l'espace

حلال / مشروع
legitime, légal, juridiquement fondé
حلال زاده / طفل مشروع
enfant légitime
حلال گوشت / حیوان حلال گوشت
animal dont la consommation est autorisée par la religion musulmane
۲۵۶۴. ق. م. ع

حلال / حل کننده
dissolvant
حلال / کسی که مشکلات را حل می کند
personne qui résout une difficulté, personne qui a trouvé la solu-
tion, médiateur

حل تعارض / حل اختلاف
résoudre des conflits
حل تعارض قانون
résoudre des conflits de lois
حل عقد / انحلال عقد
dissolution d'un contrat
حلف / سوگند
serment
حلف / سوگند یاد کردن
prestation de serment
حلق آویز
pendaison
حل مسائل بین المللی
résoudre les conflits internationaux, régler les différends internationaux
حل مسالمت آمیز مناقشات
régler pacifiquement les conflits
حل مسئله
résoudre un problème, résoudre une difficulté
حل مشکلات
résoudre des difficultés, résoudre des problèmes
حل و تسویه کردن
régler, résoudre, solutionner (mot critiqué)

۱۷۸. م. ق. و

حل و عقد
régler, résoudre, solutionner (mot critiqué)
حل و عقد امور بین المللی
régler les conflits internationaux

réglér des différends, régler des conflits	حل و فصل اختلافات
	س ۲۳۶. م. ق. و
résoudre les litiges par la voie de l'arbitrage	حل و فصل اختلاف از طریق داوری
	۱۲۲. موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایران و فرانسه
arrivée du terme, échéance	حلول اجل / رسیدن موعد
bain	حمام
	حمام روی رودخانه و دریا
bains sur bateaux (V. art. 531 C. civ.), piscine flottante	
	۲۱۲. م. ق.
protection, sauvegarde, défense	حمایت
	حمایت از اسیران جنگی
mesure de protection prises à l'égard des prisonniers de guerre	
protectionnisme	حمایت از بازار داخلی در مقابل محصولات خارجی
protection des droits de l'absent	حمایت از حقوق غایب
proxénétisme	حمایت از فحشاء / حمایت از فاحشگی
secours aux blessés, aide aux blessés	حمایت از مجروحین
secours aux malades, soins aux malades	حمایت از مریض
protection des minorités	حمایت اقلیت‌ها
sauvegarde du patrimoine culturel	حمایت اموال فرهنگی
	مقدمه قرارداد حمایت فرهنگی هنگام جنگ
protection internationale	حمایت بین‌المللی
	مقدمه قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ
protection de la vie humaine en mer	حمایت جان اشخاص در دریا
	۹۴. قرارداد اقامت و دریانوردی ایران و فرانسه
protection de la famille	حمایت خانواده
	ق. حمایت خانواده
aide privée	حمایت خصوصی
	حمایت دائم
protection constante, protection perpétuelle, protection à vie	
	۱۰. قرارداد اقامت ایران و سوئیس

protection perpétuelle des lois	حمایت دائم قوانین
	۱م. قرارداد اقامت ایران و سوئیس
protection des autorités responsables	حمایت دائم مصادر امور مملکتی
	۱م. قرارداد اقامت ایران و سوئیس
protection diplomatique, immunité diplomatique	حمایت دیپلماسی
appui politique	حمایت سیاسی
protection des marques de commerce	حمایت علائم بازرگانی
	۲۸۳م. ق. و
protection du mineur	حمایت شخص صغیر
protection générale	حمایت عمومی
	حمایت فاحشه در شغل فاحشگی
protection de la prostituée dans l'exercice de son métier, proxénétisme	
	۱۳۲م. ق. ع
protection individuelle	حمایت فردی
protection légale	حمایت قانون
	۷م. اعلامیه حقوق بشر
protection légale	حمایت قانونی
	۵م. عهدنامه مودت و اقامت و تجارت ایران و دانمارک
protection légale de l'Etat	حمایت قانونی دولت
	۱۲۲م. ق. ا. ن. ش. آ
protection judiciaire, droit de recours devant les tribunaux	حمایت قضائی
	۵م. عهدنامه مودت و اقامت و تجارت ایران و دانمارک
protéger, soutenir, aider	حمایت کردن
	حمایت کردن در مقابل تعدیات
protéger contre la force, protéger contre la violence	
protection pénale	حمایت کیفری
protection des fonctionnaires	حمایت مأمورین دولتی / حمایت از مأموران دولتی
protection de la propriété privée	حمایت مالکیت خصوصی
protection de la propriété industrielle	حمایت مالکیت صنعتی
protection du patrimoine du mineur	حمایت مایملک صغیر
	حمایت مجروحین
secours aux blessés, aide aux blessés, soins aux blessés	

protection générale	حمایت مخصوص
۲۰۲. قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ	
protection permanente	حمایت مستمر
م. اول قرارداد بازرگانی و اقامت و دریانوردی ایران و ایتالیا	
protection temporaire	حمایت موقت
۱۱۲. قرارداد اتحادیه پاریس	
cordon, lacet	حمایل
cordon d'un ordre, cordon d'une décoration	حمایل نشان
foetus, enfant conçu	حمل / جنین
۸۷۵م. ق. م	
porter, transporter	حمل/بردن
۲۲. ق. ت	
attaque—éclair	حملات برق آسا
حمل اخبار به وسیله تلگراف و تلفن و رادیو	
transmission téléphonique, télégraphique ou par radio de dépêches	
port d'arme	حمل اسلحه
۴۱۱م. ق. د. ا	
port d'arme illicite, port d'arme prohibé	حمل اسلحه ممنوعه
transport de personnes, transport de voyageurs	حمل اشخاص
حمل اصوات به وسیله تلگراف و تلفن و رادیو	
radiotéléphonie, transmission des sons par ondes hertziennes	
transport de marchandises	حمل امتعه
transport de cadavre	حمل جنازه
۴۲. مقاوله نامه. ب. م. ح. ن. ك. ر. آ	
foetus animal (pendant la vente de la mère)	حمل در بوع حیوان
۳۵۸م. ق. م	
transport express	حمل سریع السیر
۹۲. مقاوله نامه. ب. م. ح. ن. ك. ر. آ	
port d'arme	حمل سلاح
۴۱۱م. ق. و. ا	
bélinogramme	حمل اصوات به وسیله تلگراف و تلفن و رادیو
حمل کالا از داخل کشتی که در دریا مانده به بارانداز بندر	
débarquement de marchandises	

transport de marchandises par la voie habituelle	حمل کالا با وسایل معمولی
۵م. مقاله نامه. ب. م. ح. ن. ك. ر. آ	
transport de passagers	حمل مسافران
۴۷۶م. ق. س ۱۳۴۳	
foetus humain légitimement conçu	حمل مشروع/جنین مشروع
transport légal	حمل مشروع/ حمل و نقل مشروع
transport de stupéfiants	حمل مواد افیونی
۹م. آ. م. ك. خ	
action de faire circuler les stupéfiants	حمل مواد مخدره
۷م. ق. م. ك. خ	
	حمل مواد مخدره از محلی به محل دیگر
action de faire circuler les stupéfiants d'un lieu à un autre	
۷م. ق. م. ك. خ	
transport, déplacement, circulation	حمل و نقل
۳۷۸م. ق. ت	
transports d'objets prohibés	حمل و نقل اشیاء ممنوع
۳م. مقاله نامه. ب. م. ح. ن. ك. ر. آ	
transports ferroviaires	حمل و نقل با راه آهن
transport des colis postaux	حمل و نقل بار و محمولات پستی
۹م. ق. ه. ك	
entreprise de transport de voyageurs	حمل و نقل بازرگانی مسافران
۹م. ق. ه. ك	
	حمل و نقل بازرگانی هوایی
messageries aériennes, entreprise de transports aériens	
۲۸م. ق. ه. ك	
transports d'esclaves	حمل و نقل بردگان
transports internationaux	حمل و نقل بین المللی
۱م. مقاله نامه. ب. م. ح. ن. ك. ر. آ	
	حمل و نقل بین کشورهای هم مرز
transport au-delà des frontières, transport entre des pays limitrophes	
۶م. مقاله نامه. ب. م. ح. ن. ك. ر. آ	
transport commercial international	حمل و نقل تجاری بین المللی
transports routiers	حمل و نقل در راهها

messageries maritimes, transports maritimes	حمل و نقل دریائی
transports terrestres	حمل و نقل زمینی
transports ferroviaires de marchandises	حمل و نقل کالا با راه آهن
مقاوله نامه. ب. م. ح. ن. ك. ر. آ	
	حمل و نقل مختلط / حمل بار و مسافر
transports de marchandises et de voyageurs	
۲م. مقاوله نامه. ب. م. ح. ن. ك. ر. آ	
transports de voyageurs	حمل و نقل مسافری
messageries de presse	حمل و نقل مطبوعاتی / حمل و نقل روزنامجات
	حمل و نقل هوایی
messageries aériennes, transports par avion, transports aériens	
transports aériens internationaux	حمل و نقل هوایی بین‌المللی
ص ۱۰۹. م. ق. و	
attaque, offensive, charge	حمله
۳۳۵م. ق. د. ا	
attaque dirigée contre des fonctionnaires	حمله به مأمورین دولت
۲۰م. آ. ق. ح. ن	
attaque de nuit, attaque nocturne	حمله شبانه
attaque à main nue	حمله غیر مسلحانه
۳۳۵م. ق. ر. ا	
attaque à main armée	حمله مسلحانه
حمله مسلحانه برای سرقت بانک یا مؤسسات دیگر	
attaque de banque ou d'autre établissement, hold-up	
attaque illégale, attaque injustifiée	حمله ناحق
attaque non—justifiée	حمله ناروا
attaque soudaine, attaque subite	حمله ناگهانی
attaque dirigée contre des fonctionnaires	حمله نسبت به مأمورین دولت
colère violente, emportement, fureur	حناق / خشم / شدت خشم
۱۹م. ق. ب. آ. و	
besoin, nécessité, exigence	حوائج
۲۳۹م. ق. م. ع	

nécessités dues à l'état de guerre	حوادث جنگ
besoins des incapables	حوادث شخص غیر رشید ۲۳۹۲. ق. م. ع
besoins d'un mineur (V. C. pén. art. 406)	حوادث شخص نابالغ ۲۳۹۲. ق. م. ع
besoins personnels	حوادث شخصی ۲۲. ق. ت
facilités de recours des paysans devant la justice	حوادث قضایی روستائیان ۱۲. آ. ا. خ. ا
besoin d'échange, échange indispensable	حوادث مبادلاتی م. واحدہ راجع بہ جریان گذاردن پیش از اضافی
accidents, incidents, événements, péripéties	حوادث
événements historiques, faits historiques	حوادث تاریخی
accidents graves	حوادث خطرناک ۴۵۵. م. ق. س ۱۳۴۳
accident de la circulation	حوادث رانندگی / تصادفات رانندگی
incident de frontière	حوادث سرحدی / اتفاقات سرحدی ۳۶. م. ق. و
accidents du travail	حوادث ذغالی / حوادث مر بوط بہ کار
force majeure, cas fortuit	حوادث قهری
accidents du travail	حوادث کار ۴۳. ق. ب. ا. ک
incidents de frontière	حوادث و اختلافات سرحدی ۱۲. قرارداد امنیت سرحدی ایران و ترکیه
distraction, étourderie, inattention, inadvertance	حواس پرتی
sens (les cinq sens: goût, odorat, ouïe, toucher, vue)	حواس خمسہ
collatéraux	حواشی / اطراف
parents collatéraux	حواشی / اقرباء در خط اطراف
incidents de procédure	حواشی محاکمہ / طواری / ایرادات
ordonnancement	حوالجات ۲۶۲. ق. م. ع. ح. ت

affectation des ordonnancements	حوالجات ابلاغی ۲۹۴. ق. محاسبات. ع
délégation de paiement, transport de dette, subrogation conventionnelle	حواله / عقد حواله / انتقال ذمه ۷۲۴۴. ق. م
bon d'attribution d'eau	حواله آب ۱۷۴. آ. ر. ك
ordonnancement	حواله اعتباری درجه اول ۲۹۴. ق. محاسبات. ع
mandat de virement, délégation de paiement	حواله انتقالی
bon de retrait du dépôt	حواله انبار
mandat nul	حواله باطل ۷۳۲۴. ق. م
délégation de paiement au non débiteur	حواله بربری / حواله بر غیر مدیون ۷۲۷۴. ق. م
demande de règlement adressée au débiteur	حواله بر مدیون ۷۲۷۴. ق. م
délégation de paiement pure et simple	حواله بی قید و شرط
mandat—poste, mandat—carte	حواله پستی
mandat, procuration	حواله تجارتي
mandat télégraphique	حواله تلگرافی
délégation de paiement du prix	حواله ثمن ۴۰۸۴. ق. م
délégation de paiement du prix d'achat	حواله ثمن در بيم ۷۳۲۴. ق. م
mandant	حواله دهنده / محتال ۷۲۴۴. ق. م
bon de caisse	حواله صندوق
ordre de paiement par le caution avec le consentement du débiteur principal	حواله ضامن با رضایت مضمون له ۷۱۰۴. ق. م

ordre de règlement d'une chose de genre	حواله عین معین
ordre écrit, mandat—lettre	حواله کتبی
à l'ordre de	حواله کرد/ به حواله کرد
	م. ۲۲۳. ق. ت
ordonnateurs secondaires	حواله کنندگان درجه دوم
	م. ۳۰۲. ق. محاسبات. ع
ordre direct	حواله مستقیم
	م. ۲۹۲. ق. محاسبات. ع
	حواله مضمون له به عهده ضامن
ordre de paiement du débiteur principal opposable à la caution	
	م. ۷۱۰. ق. م
ordre de paiement en espèces, bon de caisse	حواله نقدی
	م. ۲۰۹. ق. م. ر
ordre de paiement réel	حواله واقعی
ordonnancement	حواله وزراء
	م. ۲۹۲. ق. محاسبات. ع
mandat postal, chèque de voyage	حواله های پستی مسافرتی
	ق. مربوط به حواله های پستی مسافرتی
circonscription, région	حوزه
	بند ۱. موافقتنامه مربوط به انتقال راه آهن میرجاوه زاهدان
unité géographique de base	حوزه ابتدائی/حوزه اولیه
	م. ۸. ا. ت. ر. س. ۱۳۰۷
ressort du tribunal	حوزه اختیارات دادگاه
champ d'application (étendue) des pouvoirs légaux	حوزه اختیارات قانونی
	م. ۱۰۲. موافقتنامه همکاری ایران و آمریکا راجع به استفاده غیر نظامی از انرژی اتمی
	حوزه ارضی/ حوزه جغرافیایی
circonscription territoriale, circonscription géographique	
ressort de la Cour d'Appel	حوزه استینافی/ حوزه دادگاه استیناف
	م. ۹. ا. ت. ر. س. ۱۳۰۷
	حوزه اقامت/ صلاحیت رسیدگی از نظر حوزه اقامت
ressort de compétence d'après le lieu de domicile	
	م. ۱۲۱۹. ق. م

étendue territoriale de la concession	حوزه امتیاز / حوزه ارضی امتیاز
	۲م. ق. امتیاز انحصاری استخراج انتمون انارك نائین
circonscription électorale	حوزه انتخاباتی
circonscription électorale	حوزه انتخابیه
	۴م. ق. ا. ق. ا. ت
district de police	حوزه پلیس / حوزه اداری پلیس
circonscription administrative	حوزه خدمات / حوزه خدمات اداری
	۱م. ل. ق. ت. ن. ب
ressort du tribunal	حوزه دادگاه / قلمرو دادگاه
ressort de la justice de Paix	حوزه دادگاه بخش
ressort du tribunal d'instance	حوزه دادگاه شهرستان
	۱م. ق. ت. ا. و
circonscription d'incorporation	حوزه سربازگیری
	۴م. ق. ا. ق. خ. ن
circonscription fiscale	حوزه سرمیزی
	۶۶م. ق. م. ر
niveau de la plus haute crue d'une rivière	حوزه شرب / حوزه سیراب رودخانه
	۶م. ل. ق. س. س. س. ر
ressort du Conseil d'arbitrage	حوزه شورای داوری
	۲م. ق. ش. را
commune, territoire communal	حوزه شهرداری
	۱م. ق. ن. م. س. ف. ر. ش
	حوزه صلاحیت / قلمرو صلاحیت
ressort de compétence, étendue territoriale de la compétence	حوزه صلاحیت دفاتر اسناد رسمی
lieux à l'intérieur desquels le notaire a le droit d'instrumenter	۸۳م. ق. ت
ressort de compétence du tribunal correctionnel	حوزه صلاحیت دیوان جزا
	۳م. ق. ت. ط. ر. د. ج
	حوزه صلاحیت مدعی العموم و مستنطق دیوان جزا
limites géographiques des pouvoirs du juge d'instruction et du procureur	۳م. ق. ت. ط. ر. د. ج

ressort du tribunal d'instance, ressort de la justice de Paix	حوزه صلاحیه/حوزه محکمه صلاحیه
limites territoriales des fonctions	حوزه عملیات / قلمرو عملیات م. ۷. ا. ت. ر م. ۳۳۴. ق. و
champ de recherches du consortium, champ d'activité	حوزه عملیات کنسرسیوم م. ۱. ق. م. ت. ا. ا. ن
ressort juridictionnel	حوزه قضائی م. ۱۲۹. آ. د. ک
étendue géographique des pouvoirs consulaires	حوزه قنصلی
lieu de la mission	حوزه مأموریت/محل مأموریت م. ۱۲۲۸. ق. م
ressort fiscal	حوزه مالیاتی م. ۲۱۹. ق. م. ر
ressort de compétence du tribunal religieux	حوزه محاکم شرع
ressort des pouvoirs du juge d'instruction	حوزه مستنطق م. ۵۴. آ. د. ک
circonscription d'incorporation	حوزه نظام وظیفه/حوزه سربازگیری
ressort des services de l'état-civil	حوزه های سجلی سیار
patience, persévérance, constance, obstination	حوصله
bassin, pièce d'eau	حوض م. ۲۵۵. ق. م. ع
banlieue, faubourg, environs, environnement	حومه
pudeur, timidité, décence, retenue	حیا
vie	حیات/زندگی م. ۸۷۶. ق. م
vie sociale	حیات اجتماعی
vie économique	حیات اقتصادی ف. ۷. قانون اجازه مبادله پیمان بین ایران و شوروی و انگلستان
vie humaine	حیات انسانی
vie d'un Etat sur le plan international	حیات بین المللی کشور
vie privée	حیات خصوصی

existence du chef de l'Etat, vie du chef de l'Etat	حیات رئیس مملکت
	۸۰۲. ق. م. ع
vie psychique	حیات روانی
vie spirituelle, vie intellectuelle	حیات روحانی / حیات معنوی
vie conjugale	حیات زناشویی
	۴۲. ق. از
	حیات سیاسی کشور / وضع سیاسی کشور
vie politique d'un Etat, situation politique de pays	
biologie criminelle	حیات شناسی جنائی / بیولوژی جنائی
vie sentimentale	حیات عاطفی
vie en bon père de famille	حیات عقلانی
vie individuelle	حیات فردی
vie végétative	حیات گیاهی / حیات نباتی
vie de la mère	حیات مادر
	۱۸۳۲. ق. م. ع
vie intellectuelle, vie spirituelle	حیات معنوی
vie nationale	حیات ملی
existence physique	حیات نفسانی
vital	حیاتی
occupation, prise de possession	حیازت
	۱۳۶۲. ق. م
occupation des biens vacants	حیازت اشیاء مباحه
	۱۴۰۲. ق. م
prise de possession des choses sans maître	حیازت مال مباح
	۱۴۷۲. ق. م
occupation des biens vacants	حیازت مباحات
	۱۲۱۲۲. ق. م
occupation des mines	حیازت معادن
mainmise sur les eaux	حیازت میاه مباحه
	۱۴۹۲. ق. م
crédit d'un Etat, prestige d'un Etat	حیثیات دولت

standing de la femme	حیثیات زن
standing du mari	حیثیات شوهر
autorité judiciaire	حیثیات عدلیه
prestige de la justice	حیثیات قضائی
dignité, respectabilité, grandeur, prestige, noblesse, honneur	حیثیت
honneur familial	حیثیت خانوادگی
dommage civil causé par une infraction	حیثیت خصوصی جرم / جنبه خصوصی جرم
dignité attachée à aspect naturel, aspect brut	حیثیت ذاتی
aspect public	حیثیت ذاتی / جنبه ذاتی
aspect répressif, aspect pénal	حیثیت عمومی / جنبه عمومی
en cours d'utilisation	حیثیت عمومی جرم
hors d'usage, désaffecté	حیز انتفاع
menstrues, règles	حیز انتفاع افتادن
avoir la jouissance de, être en possession de, pouvoir disposer de	حیض / عادت زنانگی
sous puissance de, au pouvoir de	حیطه اختیار

à la disposition de	حیطه وصول
	۳۴. ق. ا. ت. م. ا. ت. ع
divertissement des fonds de la faillite par le syndic	حیف و میل مدیر تصفیه تاجر ورشکسته
	۵۵۵۴. ق. ت
coulage, détournement du fourniment	حیف و میل اشیاء نظامی
	فصل هشتم از کتاب چهارم. ق. د. ا
détournement de fonds publics	حیف و میل اموال دولت
détournement des biens de l'incapable	حیف و میل اموال مولی علیه
	۱۱۸۴۴. ق. م
	حیف و میل ماترک یا اموال مشترک توسط شریک السهم
détournement d'un bien commun	
détournement de gage	حیف و میل مال مرهونه
détournement de fonds en caisse	حیف و میل وجوه صندوق
ruse, subtilité, stratagème, malice, expédient	حیله
	۲۰۹۴. ق. م. ع
tactique, stratégie, ruse de guerre	حیله جنگی
ruse admise à la guerre	حیله جنگی مجاز
subterfuge juridique, finasserie	حیله حقوقی
subterfuge juridique licite	حیله شرعی
subterfuge juridique légal	حیله قانونی
ruser, finasser, user de subterfuge	حیله گری
ruse licite	حیله مشروع
obstacle, empêchement, écran	حیلوله
lors du paiement	حین اداء
	۳۱۲۴. ق. م
au moment de la commission du délit	حین ارتکاب جرم
lors du dépôt de la demande en justice	حین اقامه دعوی
à l'époque du décès, au moment du décès	حین الموت
	۸۷۵۴. ق. م
	حین انجام وظیفه
durant l'exercice des fonctions, en cours de fonctions, pendant le service	

au moment de la faute	حين تخلف/ هنگام ارتكاب خطا م. ۱. ق. ۱. ا. ش. و. ج. ر
au moment de la livraison	حين تسليم/ هنگام تحويل م. ۳۸۵. ق. م
temps de la livraison de la chose vendue	حين تسليم مبيع/ وقت تحويل مبيع م. ۳۸۵. ق. م
durant les poursuites	حين تعقيب م. ۳۰. ق. د. ا
en cours de partage	حين تقسيم م. ۶۰۰. ق. م
accomplissement de la condition (V. C. civ. art. 1177 s.)	حين حصول شرط م. ۳۶۴. ق. م
durant le service	حين خدمت م. واحد. ر. ج. ع. ا
pendant la conclusion du contrat	حين عقد م. ۳۶۴. ق. م
pendant la conclusion du contrat, au moment de la conclusion du contrat	حين عقد بيع م. ۳۹۸. ق. م
lors de l'exécution de la clause de réméré en cours de rachat	حين فسخ در بيع شرط م. ۴۵۹. ق. م
en cours de transaction, pendant les pourparlers	حين معامله/ هنگام معامله م. ۴۱۸. ق. م
au moment du décès du de cujus	حين موت مورث م. ۸۷۸. ق. م
pendant la conclusion d'un contrat d'achat et de vente	حين وقوع بيع م. ۳۶۴. ق. م

au moment de la naissance	حین ولادت/ هنگام تولد
bête, animal	حیوان
animaux domestiques	حیوانات اهلی
animaux dont la consommation est permise par la religion musulmane	حیوانات اهلی حلال گوشت
fauves, bêtes féroces	حیوانات درنده
animaux perdus, animaux égarés	حیوانات ضاله / حیوانات گم شده
animaux sauvages, bêtes sauvages	حیوانات وحشی
animaux utilisés dans la culture (bêtes de trait, etc.), bétail	حیواناتی که برای عمل زراعت اختصاص دارند
animaux bagués, animaux marqués	حیواناتی که علامت مالکیت در آنها باشد
faire souffrir les animaux	حیوان آزاری
animal domestique, animal sociable, animal apprivoisé	حیوان اجتماعی / حیوان اهلی
bête de trait	حیوان بارکشی
dresser les animaux	حیوان بازی / تربیت کردن حیوان به منظور بازی و نمایش
animal protégé	حیوان حمایت شده
aimer les animaux	حیوان دوستی / دوست داشتن حیوانات
zoophilie	حیوان دوستی / عشق و علاقه غیر عادی برای حیوانات
bête de monture	حیوان سواری
bête sauvage, fauve, animal non domestiqué	حیوان غیر اهلی
gibier, pêche	حیوان قابل شکار و صید

حيوان مودى	۱۸۱
animal perdu, animal égaré	حيوان گمشده/ حيوان ضاله
animal perdu, animal égaré	۱۷۰۴. ق. م
animal perdu, animal égaré	حيوان مملوك/حيوان بدون متصرف/حيوان ضاله
animal nuisible	۱۷۰۴. ق. م
animal nuisible	حيوان مودى
animal nuisible	۲۸۴. ن. خ

خ

timoré, peureux, craintif, hésitant	خائف
traître, perfide, félon	خائن
abus de pouvoir par le gérant	خائن بودن متولی
	۸۲. ق. اوقاف
	خاتمه اسلوب قیمومت/ پایان نظام قیمومت (در حقوق بین المللی)
fin de "protectorat, fin de tutelle	
expiration des mesures de sûreté	خاتمه اقدام تأمینی
	۳۴. ق. ا. ت
fin des travaux de construction	خاتمه بنا/ خاتمه کارهای ساختمانی
	۱۱۰۲. ق. م. ر
expiration des mesures de sûreté	خاتمه تأمین
clôture de l'inventaire des biens successoraux	خاتمه تحریر ترکه
	۲۲۲۴. ق. ا. ح
fin de la guerre, cessation des hostilités, armistice, paix	خاتمه جنگ
cessation des fonctions	خاتمه خدمت / از خدمت خارج شدن
	خاتمه خدمت کارمندان/ اخراج کارگران، کارمندان یا مستخدمان/ خاتمه دادن به کار
licenciement	مستخدامان یا کارمندان و کارگران
	خاتمه خدمت کارمندان/ خاتمه دادن به خدمت مستخدمان یا کارمندان
licenciement des fonctionnaires	
exécuter un contrat	خاتمه دادن به قرارداد/ انجام قرارداد

- خاتمه دادن به قرارداد / لغو قرارداد
mettre fin à un contrat, rompre un contrat
ص ۲۲۹. م. ق. و
- خاتمه دادن به قرارداد/ خاتمه دادن قرارداد بطور دو جانبه
mutuus dissensus, résiliation de contrat
خاتمه دادن به حیات بیمار/ نظریه پایان دادن به زندگی بیمار بمنظور تعدیل درد و عذاب وی
euthanasie
- خاتمه دادن به حیات بیمار/ کشتن بیمار
mort provoquée du malade
- خاتمه دعوی
solution du litige, fin du litige
- خاتمه عهدنامه
expiration d'un accord, terme d'une convention
- خاتمه قرارداد اجاره
expiration d'un bail, congé
- خاتمه مأموریت
achèvement de la mission, fin de la mission
- خاتمه مأموریت نماینده سیاسی
fin de mission diplomatique
۴۲م. قرارداد وین
- خاتمه محاصره بحری
levée de siège, levée de blocus, fin d'investissement
- خاتمه ورشکستگی/ اعاده حیثیت تاجر ورشکسته
réhabilitation du failli
۴۹م. ق. ت. ا. و
- خاتمه یافتن اختیارات
expiration du mandat, fin des pouvoirs
ص ۳۶۹. م. ق. م
- خادم/ خدمتگزار/ مستخدم
serviteur, employé, domestique
۹۱م. آ. د. م
- خارج از اراده
indépendant de la volonté, involontaire
- خارج از حدود اذن
passant outre à autorisation, outrepassant l'autorisation, excédant l'autorisation
۵۸۲م. ق. ا
- خارج از حدود و قاعده
exorbitant du droit commun, exagéré, démesuré, abusif, anormal, irrégulier
- خارج از رشد / دیوانه شدن
perdre l'usage de ses facultés
- خارج از رشد/ مجبور شدن
perdre la capacité, devenir incapable, être déclaré incapable
۱۰۰م. ق. ا. م. ش. م

خارج از رواج / مسكوك نيكل خارج از رواج	
hors cours, retiré de la circulation, à l'écart	
ق. ماده واحده اجازه فروش مسكوك نيكل خارج از رواج و ضرب پشيز مس	
خارج از سلسله مراتب	extra-hiérarchie, hors cadre
خارج از قاعده	
exorbitant du droit commun, exagéré, démesuré, abusif, anormal, irrégulier	
خارج از مركز	suburbain
۳. ق. ا. ق. ا. پ	
خارج از مركز / سازمان‌های اداری خارج از مركز / سازمانها و مقاماتی که مرکزی نیستند	
organisation externe	
خارج از مقر دادگاه	hors du ressort du tribunal
۲۹۳. ق. ا. ح	
خارج از نوبت	hors classification, sans respect de numéro d'ordre
۵. ق. ت. ا. و	
خارج از نوبت رسیدگی کردن	ne figurant pas au rôle du tribunal
خارج شدن	sortir
خارج صف	sortant du rang, hors ligne
خارج المملکتی / برون مرزی	exterritorialité
خارج نویس / رونوشت برداشتن / رونویسی قسمتی از اسناد و مدارك	
۷۴. آ. د. م	prendre des notes
خارج	étranger, pays étranger
خارجی	étranger, ressortissant étranger
خارق العاده	extraordinaire, étonnant, bizarre, curieux, étrange, surprenant
خاص	particulier, spécial, distinctif
خاص منفصل	particulier, spécial, distinct, séparé
خاصیت	propriété, vertu, qualité propre, caractéristique
خاطی	fautif
۵. آ. د. ا	
خاك / کشور / سرزمین	Etat, sol, territoire, pays
۸۵. م. ق. و	

خالص	۱۸۵
territoire iranien	خاك ايران/ سرزمين ايران م ۱۳. ق. ا. ق. ا. ت. خ
travaux de terrassement, ouvrages d'art, remblai, rempart	خاكبر م ۱. ق. ك. ب. ر. آ
argile, terre glaise	خاك رس م ۱. ق. معادن
ordure, détritux	خاكروبه م ۲. آ. ا. خ
décharge publique	خاكريز/ محلي كه در آن خاك ريزند م ۱. ق. ك. ب. ر. آ
rempart militaire, parapet de tranchée	خاكريز نظامي م ۲۶. ق. م
terre arable, espace cultivable	خاك زراعتي
terre ferrugineuse	خاك سرخ م ۱. ق. معادن
territoire de l'Etat contractant	خاك طرف متعاهد/ خاك كشور متعاهد م ۱۷. قرارداد امنيت سرحدی ايران و تركيه
territoire de l'Etat voisin	خاك كشور همسايه م ۱۶. قرارداد امنيت سرحدی ايران و تركيه
zone territoriale douanière	خاك گمركي يكي از طرفين متعاھدين م ۲۶۶. ق. و
terre réfractaire	خاك نسوز م ۱. ق. معادن
tantes maternelles	خالات/ خاله‌ها/ خواهر مادر م ۸۶۲. ق. م
tantes maternelles du même père et de la même mère	خالات ابويني
tantes maternelles du même père (mais pas de la même mère)	خالات ابي
tantes maternelles de la même mère (mais pas du même père)	خالات امي
soeurs de la nourrice (tantes de lait)	خالات رضائي
charlatan, imposteur	خال باز
net, pur,	خالص

biens publics, biens domaniaux	خالصجات
	م. ۲. ق. ر. ف. خ. ق. ف. ص
biens publics cédés	خالصجات انتقالی
	م. ۱. ق. م. ق. م. خ. ا
domaines de l'Etat	خالصجات دولتی
	م. ۱. ق. ا. ت. ب. ف. ص. ص
domaine de l'Etat, biens publics	خالصه
	م. ۱. ق. م. ق. م. خ. ا
domaine maritime	خالصه دریائی
	م. ۱. آ. بشادر
tatouage	خالکوبی
tante (soeur de mère)	خاله
inoccupé, libre, oisif	خالی / اشغال نشده
	خالی از تبعیض / بدون تبعیض / بطور یکسان
sans discrimination, indifféremment, indistinctement	م. ۱۰. ق. م. ت. ا. ا. ن
poste vacant, poste libre	خالی ماندن پست
	م. ۲۹. ق. دیون
cru	خام
chef féodal, seigneur	خان
famille royale	خاندان سلطنت
	م. ۱۶. ق. مطبوعات
famille	خانواده
	کتاب نهم. ق. م
	خانواده اصلی / اعضاء خانواده اصلی
ascendants et descendants au premier degré	خانواده بلافصل
famille en ligne directe, lignée	م. ۵. ق. ا. پ. م. ب
famille de droits, droits dérivant d'une base commune	خانواده حقوقی
professions appartenant à la même catégorie	خانواده‌های شغلی
maisonnée, ménage, maison	خانوار
	م. ۱. ق. ر. ا

maison, habitation, domicile, résidence	خانه
	۱م. ق. ر. م. م
maison en location, logement à bail, habitation en location	خانه اجاری
	خانه انصاف
maisons d'équité (tribunaux ruraux existant en Iran pour les petites affaires)	خانه بدوش
sans domicile fixe, déraciné, errant, nomade, vagabond	خانه پست و محقر
taudis, logement insalubre, bidonville	خانه داری/اشتغال به کارخانه
travail domestique	خانه روستائی
habitation rurale, maison de ferme	۲م. ق. م. ک. ج
	خانه سازمانی
logement de fonctions	۱م. ق. ن. ا. خ. س
construction destinée à l'habitat	خانه سازی بمنظور سکونت
	۱م. آ. ا. ق. م. ت. ز
	خانه شخصی
maison particulière, pavillon, maison occupée par son propriétaire	خانه شهری
habitation urbaine	خانه فرهنگی
foyer culturel, maison de culture	خانه مسکونی
maison d'habitation	۳۱م. ق. ا. ا
	خانه نشین
reclus	خانه‌های سازمانی ارتش
logement des militaires, caserne	س ۳۱۵. م. ق. س ۱۳۴۳
	خانه‌های سازمانی دولتی
logement administratif	س ۵۷۶. م. ق. س ۱۳۴۵
	خانه‌های فرهنگ روستائی
maison rurale de la culture, foyer rural de la culture	خانه ییلاقی
maison de campagne, résidence secondaire	خاوردور / شرق الاقصی
Extrême-Orient	

orientaliste	خاور شناس
Moyen—Orient, Levant	خاور میانه/ شرق الاوسط
Proche—Orient	خاور نزدیک/ شرق الادنی
méchanceté, malignité, malveillance	خبائت
méchanceté foncière, méchanceté innée	خبائت جبلی
malignité, malveillance	خبث طینت
principe fondée sur la parole du Prophète, hadith	خبر/ حدیث
nouvelle, information, renseignement	خبر/ عبارتی که حکایت از گذشته یا حال و آینده کند
médire de, dénigrer, diffamer, commérer, dénoncer	خبرچینی
nouvelle mensongère, information inexacte, fausse nouvelle	خبردروغ
hadith rare	خبر شاذ/ حدیث شاذ
information fondée	خبر صحیح / اطلاع صحیح
hadith parfait	خبر صحیح/ حدیث صحیح
information sujette à caution	خبر ضعیف / اطلاع ضعیف
hadith faible	خبر ضعیف/ حدیث ضعیف
hadith isolé	خبر فرد/ حدیث فرد
avis de destitution de mandataire unique	خبر عزل وکیل
hadith provenant de deux sources au minimum	خبر عزیز/ خبر واحدی که طریق آن کمتر از دو نباشد
hadith provenant d'une source unique	خبر غریب/ خبر واحدی که طریق آن محصور به یک است
hadith provenant de plusieurs sources	خبر متواتر/ حدیث متواتر
information reprise et répétée dans les mêmes termes, hadith réitéré	خبر متواتر لفظی
information reprise en substance, hadith repris et confirmé	خبر متواتر معنوی
information connue, hadith connu	خبر مستفیض
information connue	خبر مشهور

information connue, hadith connu	خبر مشهور/ حدیث مشهور
hadith rare	خبر منکر و مردود/ خبر شاذ
	خبر موثق/ خبر متصل به امام/ حدیث موثق
information exacte, hadith provenant d'un imam, hadith, irréfutable	
hadith parfait	
hadith rare	خبر نادر / خبر شاذ
correspondant de presse, envoyé de presse	خبر نگار
correspondant de presse, envoyé de presse	خبر نگار مطبوعات
	۱۲. آ. خ. ع
rédacteur de la rubrique sociale	خبر نگار امور اجتماعی
	۲۲. آ. خ. ع
rédacteur de la rubrique politique	خبر نگار سیاسی
	۲۲. آ. خ. ع
photographe de presse	خبر نگار عکاس
	۲۲. خ. ع
nouvelle provenant d'une source unique	خبر واحد
expert	خبر ویت
	۳۲. ق. د. ا. ت. م. خ
expert	خبیره
	۱۲۲۳۲. ق. م
expert spécialisé	خبیره متخصص
expert privé	خبیره مختص
	۳۲. ق. د. ا. ت. م. خ
expert commun	خبیره مشترك
défaut, vice, anomalie, tare	خبط
	خبط دماغ
folie, démence, perte des facultés mentales, aliénation mentale	
expert	خبیر
méchante, malveillant, mal intentionné, cruel	خبیث
circumcision	ختان/ ختنه کردن
fin, but	ختم

clôture des élections	ختم انتخابات
clôture de l'instruction	ختم تحقیقات مستنطق
	۱۶۱۲. آ. د. ک
levée de séance	ختم جلسه
fin de procédure, prononcé de jugement	ختم دادرسی
	۱۵۲۲. آ. د. م
prononcé du jugement, lecture du dispositif	ختم دادرسی اعلام میشود
fin d'arbitrage	ختم داوری
clôture de session parlementaire	ختم دوره اجلاسیه پارلمان
fin de procédure	ختم رسیدگی/ختم دادرسی
fin des opérations, clôture des opérations	ختم عملیات
fin des mesures d'exécution	ختم عملیات اجرایی
	۱۲۸۲. ق. ا. ب. م. ث. ا
expiration de contrat	ختم قرارداد
	م. واحده. ق. ا. ه
expiration du mandat de syndic de faillite	ختم مأموریت مدیر تصفیه ورشکستگی
	۴۹۱۲. ق. ت
fin de procédure, prononcé du jugement	ختم محاکمه/ختم دادرسی
	۱۳۳۲. آ. د. م
cessation des hostilités	ختم مخاصمه
	ختم مذاکرات در مجالس مقننه
fin des interventions aux assemblées législatives, issue des interventions aux assemblées législatives	ختم مذاکرات طرفین دعوی
fin de l'exposé des parties en litige, fin de plaidoyer, péroraison	
	۲۹۸۲. آ. د. م
clôture des opérations de faillite	ختم ورشکستگی
	۴۹۲. ق. ت. ا. و
circoncision	ختنه کردن/ختان
circoncis	ختنه کرده
non—circoncis	ختنه نکرده
Dieu, divinité	خدا

خدمات قضائی	۱۹۱
déisme, théisme	خدا پرستی
défaut, vice, tare, anomalie	خداشه
ruse	خداعه
ruse, machination, manoeuvre frauduleuse, fraude, fourberie	خداعه آمیز
fraude à la loi	خداعه نسبت به قانون
services éducatifs	خدمات آموزشی
	م. ۳۳۳. ق. س. ۱۳۴۵
services sociaux	خدمات اجتماعی
	م. ۲۶۴. ق. ا. ش. م. ن. ا
services administratifs	خدمات اداری
	م. واحد. قانون ارزش گواهینامه رانندگی ارتش
services commerciaux	خدمات بازرگانی
	م. ۳۴۴. ق. ا. م. ا. ق. پ. ا. ت. ن
services portuaires	خدمات بندری
	م. ۱۰۴. قرارداد اقامت ایران و فرانسه
services privés	خدمات خصوصی
	م. ۱۵۴. موافقتنامه. ت. ا. ن. آجیب مینرایا
services publics, services de l'Etat	خدمات دولتی
	م. ۲۶۴. ق. ا. ش. م. ن. ا
services individuels, services privés	خدمات شخصی
	م. ۳۶۴. قرارداد وین
services urbains, services municipaux	خدمات شهری
	م. ۹۹۴. ق. ش
services publics	خدمات عمومی
	م. ۱۴۴. ق. ر. د. و. ک. ر
services à bord d'un navire	خدمات عمومی کشتی
services d'aéroport	خدمات فرودگاهی
services techniques	خدمات فنی
	م. ۳۴۴. ق. ا. م. ا. ق. پ. ا. ت. ن. ا
services techniques forestiers	خدمات فنی جنگل
	م. ۱۴۴. ق. ج. م. ک
services juridiques	خدمات قضائی

۱۹۲	خدمات مالی
services financiers	خدمات مالی
	۳م. ق. ا. م. ق. پ. ا. ت. ن. ا
services divers	خدمات متفرقه
	۱۵م. ق. م. ب. س. ۱۳۱۰
service	خدمت
stage, apprentissage, temps d'essai	خدمت آزمایشی/حال خدمت آزمایشی
	۱۲۴م. ق. ا. ك
service obligatoire, réquisition des personnes	خدمت اجباری
service sous les drapeaux	خدمت اجباری/ خدمت زیر پرچم
	۱م. ق. سربازگیری
service social	خدمت اجتماعی
service ininterrompu, service continu	خدمت بلا انقطاع
	۸۵م. ق. ا. ك
	خدمت تحت السلاح/خدمت زیر پرچم/خدمت سربازی
service armé, service militaire, service sous les drapeaux	
	۹۸۸م. ق. م
emploi à plein temps	خدمت تمام وقت
	۲م. ق. ت. م. ر. ش
fonctionnariat	خدمت دولت/در خدمت دولت بودن
	۱م. ق. ا. ك
fonction publique	خدمت دولتی
	۲م. ق. م. م. و. ن. م. ك
titularisation	خدمت رسمی
	خدمت زیر پرچم/خدمت سربازی
service militaire, service armé, service sous les drapeaux	
	۵م. ق. ن. و
	خدمت سربازی/ خدمت زیر پرچم
service militaire, service armé, service sous les drapeaux	
	۲م. ق. م. ا. ن. و
fonction diplomatique	خدمت سیاسی
	م. واحده. ا. ا. ك. ج. و. خ
service public	خدمت عمومی
	۳م. ق. م. م. خ. ع

fonction non titularisée, emploi contractuel	خدمت غیر رسمی
	۸۵م. ق. ا. ک
fonction judiciaire	خدمت قضائی
	۳۴م. ا. ت. و
service d'écritures, greffe	خدمت قلمی
service consulaire	خدمت قنصلی
	خدمتکار
serviteur, domestique, employé de maison, bonne, ordonnance	خدمتکار شخصی
domestique attaché à la personne, valet de chambre	۱م. قرارداد وین
fonction publique	خدمت کشوری / استخدام کشوری
	۳م. ق. ا. ق. ق. ا. م. ج. ت. ن
serviteur, domestique, employé, subalterne	خدمتگذار
employés de bureau	خدمتگذاران اداری
	۲م. ق. ت. ا. و
employés de l'Etat (fonctionnaires, contractuels)	خدمتگذاران دولت
	۲م. ق. ت. ا. و
salarié appartenant au corps judiciaire	خدمتگذاران قضائی
	۲م. ق. ت. ا. و
service discontinu	خدمت متناوب
	۱۲م. ق. م. ب. س ۱۳۱۵
service continu, service ininterrompu	خدمت متوالی
	۱۲م. ق. م. ب. س ۱۳۱۵
service militaire obligatoire pour tous	خدمت نظام وظیفه عمومی
	۱۵م. اصلاحی. ق. ا. ق. خ. ن
service militaire	خدمت نظامی
	۱۵م. اصلاحی. ق. ا. ق. خ. ن
	خدمت نظامی اجباری
service militaire obligatoire, service sous les drapeaux	
	۵م. عهدنامه مودت ایران و دانمارک
	خدمت وظیفه / خدمت زیر پرچم
service militaire, service sous les drapeaux	
	۲م. ق. ن. و

serviteurs, domestiques, employés, domesticités, personnels	خدمه
	۷۳۴. ق. م
employés de l'Etat, fonctionnaires et agents contractuels de l'Etat	خدمه دولت / مستخدمان دولت
	۱۵۶۴. ق. م. ع
personnels de service de la mission	خدمه مأموریت
	۱۴. قرارداد وین
sabotage, destructions, dégradations, dommages	خرابکاری / سابوتاژ
(art. 434 à 462 C. pén.)	۳۴. ق. م. ا. ص. ن
dégradation de monuments publics	خرابکاری در ابنیه و آثار دولتی
(art. 257 C. pén.)	
dégradation de routes	خرابکاری در جاده‌ها
dégradation de monuments historiques	خراب کردن آثار تاریخی
	۱۲۷۴. ق. م. ع
dégradation d'édifices du culte, dégradation d'édifices religieux	خراب کردن آثار مذهبی
	۱۲۷۴. ق. م. ع
dégradation de monuments	خراب کردن آثار ملی
(art. 257 C. pén.)	۱۲۷۴. ق. م. ع
dégradation de traverses et ballast	خراب کردن ابنیه با لاست تراورس
	۱۴. ق. ک. ب. ر
dégradation de monuments historiques	خراب کردن ابنیه تاریخی
	۱۲۷۴. ق. م. ع
dégradation de monuments publics	خراب کردن ابنیه دولتی
(art. 257 C. pén.)	
dégradation d'édifices religieux, dégradation d'édifices de culte	خراب کردن ابنیه مذهبی
	۱۲۷۴. ق. م. ع

dégradation de monuments nationaux, dégradation de lieux classés	خراب کردن ابنیه ملی
	۱۲۷۴. ق. م. ع
dégradation des raccords de rails	خراب کردن اتصالی ریل
	۱۴. ق. ک. ب. ر
destruction d'instruments d'agriculture (art. 451 C. pén.)	خراب کردن اسباب و ادوات زراعت
	۲۵۴۴. ق. م. ع
dégradation de lieux saints	خراب کردن اماکن مقدسه
	۱۲۷۴. ق. م. ع
dégradation de lieux nationaux, dégradation de lieux classés	خراب کردن اماکن ملی
	۱۲۷۴. ق. م. ع
démolir pour reconstruire	خراب کردن برای تجدید بنا
	۱۱۴. آ. ت. م
destruction d'un pont (art. 437 C. pén.)	خراب کردن پل
	۱۴. ق. ک. ب. ر
destruction des écrous de fixation des rails	خراب کردن پیچ و مهره ریل
	۱۴. ق. ک. ب. ر
dégradation de tunnel, destruction de tunnel	خراب کردن تونل
	۱۴. ق. ک. ب. ر
dégradation de poteaux téléphoniques, dégradation de pylône (art. 257 C. pén.)	خراب کردن تیر تلفن
	۱۴. ق. ک. ب. ر
dégradation de poteaux télégraphiques, dégradation de pylône (art. 257 C. pén.)	خراب کردن تیر تلگراف
	۱۴. ق. ک. ب. ر
dégradation de remblai de chemin de fer	خراب کردن خاک بر راه آهن
	۱۴. ق. ک. ب. ر
dégradation de remblai	خراب کردن خاکریز
	۱۴. ق. ک. ب. ر

destruction de la porte de la prison	خراب کردن درب زندان
	۲۰۲. آ. ق. ح. ن
destruction de mur	خراب کردن دیوار
	۱۲. ق. ک. ب. ر
destruction de mur mitoyen	خراب کردن دیوار مشترک
	۱۱۷۲. ق. م
destruction de ponts, voies publiques ou privées (art. 435 al. 1 C. pén.)	خراب کردن راهها
destruction de voie ferrée, dégradation de rail	خراب کردن ریل
	۱۲. ق. ک. ب. ر
	خراب کردن زاغه دواب
destruction de terriers, destruction d'abris de bestiaux	
	۲۵۴۲. ق. م. ع
destruction de barrage (art. 435 C. pén.)	خراب کردن سد
	۱۲. ق. ک. ب. ر
destruction de ligne téléphonique (art. 257 C. pén.)	خراب کردن سیم تلفن
	۱۲. ق. ک. ب. ر
destruction de ligne télégraphique (art. 257 C. pén.)	خراب کردن سیم تلگراف
	۱۲. ق. ک. ب. ر
destruction de panneaux de signalisation (art. 257 C. pén.)	خراب کردن علائم خطر
	۱۲. ق. ک. ب. ر
destruction de bornes ou pieds corniers (art. 456 C. pén.)	خراب کردن علائم سرحدی
	۲۲. قرارداد سرحدی ایران و ترکیه
destruction de cabanes de gardiens (art. 451 C. pén.)	خراب کردن کلبه دهقانی
	۲۵۴۲. ق. م. ع
dégradation de prison, destruction de prison	خراب کردن محبس
	۱۱۷۲. ق. م. ع
destruction de voitures ou wagons (art. 434 et 435 C. pén.)	خراب کردن وسایل نقلیه راه آهن
	۱۲. ق. ک. ب. ر

خراب و ضایع کردن اسباب و ادوات زراعت	
destruction d'instruments d'agriculture (art. 451 C. pén.)	
	۲۵۴۴ ق. م. ع
ruine, vestige, restes	خرابه
	۱۶۵۴ ق. م
ruine abandonnée	خرابه خالی از سکنه
	۱۶۵۴ ق. م
détérioration, dégradation	خرابی
	۳۴ ق. ر. ا. ت. م. خ
vétusté	خرابی بر اثر کهنگی
usure	خرابی بر اثر مرور زمان
ruine d'un édifice	خرابی بنا
	خرابی بنا / خراب کردن بنا
démolition d'une construction, démolition d'un bâtiment	
dévastation d'une propriété	خرابی ملک / خراب کردن ملک
	۳۴ ق. ر. ا. ت. م. خ
destruction de la chose louée (V. art. 1722 C. civ.)	خرابی مورد اجاره
	۸۴ ق. ر. م. م
dégradation de monuments historiques (V. loi 31. 12. 1913)	خرابی وارد آوردن به آثار ملی
	۶۴ ق. ح. آ. م
	خراج / باج و مالیات
impôt prélevé sur un territoire conquis (droit islamique)	
impôt foncier, taxe foncière	خراج زمین / مالیات یا عوارض زمین
	۵۴۲۴ ق. م
impôt perçu par le sultan	خراج سلطان / مالیاتی که به سلطان پرداخت می شد
égratignure	خراش
altération d'écriture (art. 145 à 164 C. pén.)	خراشیدگی نوشته
superstitions	خرافات
être superstitieux	خرافات پرستی
dépense, frais, débours, coût	خرج

coût de certificat de conformité d'une traduction	خرج تصدیق ترجمه
	ق. ر. ت. ا. ا
frais de servitude active	خرج تمتع از حق ارتفاق
	م. ق. ۱۰۵۴
fausse note de frais	خرج ساختگی / مبلغی را به قلب در خرج منظور داشتن
frais de déplacement	خرج سفر
frais de renvoi, frais de retour, frais de réexpédition	خرج سفر معاودت
	شق ۴. ماده واحده اجازه تمدید قرارداد استخدای اتباع خارجی. س ۱۳۱۵
frais de représentation	خرج سفره / هزینه مهمانی و دعوت
dépenses courantes, dépenses ménagères, frais de maison	خرجی
intelligence, vivacité d'esprit, raison	خرد / هوش / عقل
petit	مخرد
jeune, en bas âge	مخردسال
intelligent, doué	خردمند / با هوش / باخرد
détaillant	خرده فروش
vente au détail	خرده فروشی
petit propriétaire	خرده مالک
	م. ق. کدخدائی
moisson, récolte	خرمن
	م. ق. ۲۵۲۲ ع
incendie de récolte	خرمن یا حاصل دیگری را آتش زدن
	(V. art. 434 al. 3 & 6 C. pén.)
	م. ق. ۲۵۲۲ ع
	خروار / ۳۰۰ کیلوگرام بر طبق قانون در حمل ۲۹۷ کیلوگرام
mesure de poids (codifiée à 300 kgs, pratiquée à 297 kgs)	
	خروج اتباع خارجه از ایران / خارج شدن اتباع خارجه از ایران
sortie d'Iran des ressortissants étrangers	
	م. ق. و. ا. ا. خ. ا
sortie d'Iran	خروج از ایران / خارج شدن از ایران
	م. ق. و. ا. ا. خ. ا
perte de la nationalité	خروج از تابعیت / تابعیت را از دست دادن
	م. ق. تابعیت

- déchéance de la nationalité خروج از تابعیت / خارج کردن از تابعیت
 fin de la tutelle, émancipation de l'inadaptable خروج از تحت قیمومت
 ۱۲۵۴م. ق. م
- خروج از حدود اختیارات / تجاوز کردن از حدود خسارات
 outrepasser les pouvoirs
 خروج از حدود وکالت / تجاوز کردن از حدود اختیارات
 outrepasser les limites du mandat
 ۶۷۳م. ق. و
- خروج اسکناس از جریان / خارج کردن اسکناس از جریان
 retrait de billets de banque de la circulation
 ۱۷م. ق. ب. پ.
- خروج پول فلزی از جریان / خارج کردن پول فلزی از جریان
 démonétiser les pièces
 ۱۷م. ق. ب. پ.
- خروج سرمایه ها از کشور برای نگهداری در کشورهای خارج / بیرون بردن سرمایه ها
 از کشور برای نگهداری در کشورهای خارج
 sortie des capitaux, exode des capitaux
- خروج موضوعی / از موضوع بحثی خارج شدن
 parenthèse, digression
 خروج قطار از خط
 déraillement
 ۱۱م. ق. ک. ب. ر
- خروجی / روزنه / در خروجی
 issues, ouvertures d'une construction vers l'extérieur
 ۱۳۰م. ق. م
- خروجی به فضای خانه همسایه / روزنه یا در خروجی به فضای خانه همسایه
 vue sur la construction voisine, ouverture sur construction voisine
 ۱۳۰م. ق. م
- خروجی به معبر عام
 ouverture sur une voie publique, saillie sur une voie publique
 خروجی به معبر عام / ساختمانی که معبر عام تجاوز کرده است
 construction frappée d'alignement
- خرید
 achat
 ۳۴۷م. ق. م
- خرید آراء انتخاباتیه
 corruption électorale, achat de suffrage
 ۹۲م. ق. م. ع

acheteur, acquéreur, preneur	خریدار
recéleur, acheteur d'objets volés	خریدار اشیاء مسروقه
acquéreur de droits litigieux	خریدار شر
acheteur sous condition résolutoire, acheteur à réméré	خریدار شرطی
achat d'enfants	خرید اطفال
achat à tempérament	خرید به اقساط
	ق. ن. خ. م. ا. ط. م. ب. ع. ك
achat à l'essai	خرید به شرط امتحان
achat sur échantillon	خرید به شرط نمونه
achat de voix sociales, achat d'actions	خرید حق رأی در شرکت
achat du sang	خرید خون
	۸۴. ق. ا. ب.
achat de suffrages, corruption électorale	خرید رأی در انتخابات
traite des blanches	خرید زنان
achat sous la contrainte	خرید مال منقول به جبر و قهر
	۱۳۴۲. ق. م. ع
achat d'un bien usurpé	خرید ملك مغصوب
	۳۲۳۲. ق. م
achat de dérivés de l'opium, achat de stupéfiants	خرید مواد افیونی
	۹۲. آ. ق. م. ك. خ
achat de stupéfiants	خرید مواد مخدره
	۵۲. ق. م. ك. خ
acheter, acquérir à titre onéreux	خریدن
achat et vente, transaction	خرید و فروش
	۴۲. ق. ر. م. ت. ص
esclavage, commerce d'esclaves	خرید و فروش انسان
commerce d'esclaves, traite des noirs	خرید و فروش برده
achat et vente sous condition suspensive	خرید و فروش به وعده
transaction sous licence d'exportation	خرید و فروش تصدیق صدور
	۴۴. ق. ر. م. ت. ص

marché de devises	خرید و فروش خالص ارز
	بند الف بخش پنجم اساسنامه صندوق بین‌المللی پول
traite des blanches	خرید و فروش زنان
achat et vente de suffrages, corruption électorale	خرید و بفروش رای
achat et vente fictifs de valeurs	خرید و فروش مجازی
	خرید و فروش مجازی اوراق بهادار
spéculer à la hausse, spéculer à la baisse	
trafic de stupéfiants	خرید و فروش مواد مخدر
achat et vente au comptant	خرید و فروش نقدی
	خریدهای خارجی وزارتخانه‌ها
achat à l'étranger pour le compte d'un ministère	
	ص ۵۲۲. ق. س ۱۳۴۵
trésorerie	خزانه
	۱. ق. ا. ت. ب. ف. ص. س
trésorerie militaire, budget des armées	خزانه ارتش
	۵۴۲. ق. د. ا
trésorier	خزانه‌دار
trésorerie générale	خزانه‌داریکل
trésorerie de l'Etat	خزانه دولت
	۳۳۵۲. ق. ا. ح
trésorerie de l'Etat	خزانه دولتی
	۲۲. ق. م. ب. س ۱۳۱۰
trésorerie publique	خزانه عمومی
trésorerie publique	خزانه مالیه/ خزانه‌داری کل
	۶۶۲. آ. د. م
pépinière, plant forestier	خزانه‌های جنگل
	۱. ق. ت. ص. ت
dommages, avaries, dégâts, détériorations	خسارات
	۳۲۵۲. ق. م
avaries maritimes	خسارات بحری/ آواری
	۳۶۱۲. ق. ت

blessures, dommages corporels, préjudice corporel	خسارات بدنی
۹۳م. ق. م. ر	
dégâts dus au manque d'hygiène	خسارات بهداشتی / خسارات ناشی از کمبود وسایل بهداشتی
dommages résultant de l'inexécution du contrat	خسارات حاصله از عدم ایفای تعهدات
۲۲۶م. ق. م	
dommage causé intentionnellement, préjudice volontaire, déprédation	خسارات عمدی
dommages réciproques	خسارات عمومی / خسارات مشترك
préjudices indirects	خسارات غیرمستقیم / خسارات ناشی از محاکمه
۱۱۴م. ق. ت	
préjudices résultant de l'exécution de la loi	خسارات قانونی
۳۴مکرر. ق. ت	
dommages locatifs	خسارات کرایه
dégâts, dommages matériels	خسارات مادی
préjudice financier	خسارات مالی
۳۶۶م. ق. س. ۱۳۴۳	
préjudices réciproques	خسارات مشترك / مواردی که مشتركاً خسارت گرفته یا پرداخت می‌شود
avaries maritimes réciproques	خسارات مشترك دریائی
۱م. قرارداد بین‌المللی تجدید مسئولیت صاحبان کشتی‌های دریاییما	
préjudice national, perte ressentie à l'échelon national	خسارات ملی
préjudice résultant d'une concession	خسارات ناشی از امتیازات
۸م. ق. د. ر. ق. ا. م. ح. س. ۱۳۰۲	
préjudice résultant d'un accident de la circulation	خسارات ناشی از تصادفات رانندگی
ق. ر. ف. خ. ن. ت. ر. و. ن. م	
préjudice causé par une décision de justice	خسارات ناشی از محاکمه
۱۱۴م. ق. ت	
dommage résultant du retard apporté à l'exécution du contrat	خسارات ناشیه از تأخیر انجام تعهد
۷۲۸م. ق. م	

dommage survenu par la faute de l'assuré	خسارت ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار ۱۴م. ق. ب
dommages résultant d'incidents frontaliers	خسارت ناشیه از حوادث مرزی ۲۲م. قرارداد سرحدی ایران و ترکیه
préjudice résultant de l'inexécution du contrat	خسارت ناشیه از عدم انجام تعهد ۷۲۸م. ق. م
dommages causés aux tiers	خسارت وارد بر اشخاص ثالث خسارت وارده به ساختمان
dommages causés aux immeubles, déprédations, dégradations	۱۴م. ق. ش. را
dégâts subis par les véhicules	خسارت وارده به وسایل نقلیه در تصادفات رانندگی ۱۴م. ق. ش. را
dommage, préjudice, dégât	خسارت ۱۳۴م. آ. د. ک
préjudice futur	خسارت آتی
préjudice résultant de l'exécution	خسارت اجرا
préjudice éventuel	خسارت احتمالی ۲۲۵م. مک. ر. آ. د. م
préjudice dû au renvoi	خسارت اخراج از خدمت ۹۵م. ق. م و
indemnisation de renvoi, délai—congé	خسارت اخراج از خدمت
remboursement des frais et intérêts	خسارت از خسارات ۷۱۳م. آ. د. م
indemnisation de renvoi, délai—congé	خسارت بازخرید خدمت ۹۵م. ق. م. د
avarie maritime	خسارت بحری/آواری ۳۸۷م. ق. ت
préjudice corporel	خسارت بدنی قرارداد بین‌المللی تحدید مسئولیت صاحبان کشتی‌های دریای پیما. س ۱۳۴۴
dommages causés par une catastrophe naturelle	خسارت بر اثر سیل و آتش‌سوزی و طوفان و غیره

préjudice résultant de rupture de fiançailles	خسارت برهم زدن قرار ازدواج
dommage causé à un bien	خسارت به ملک
dommage dû au manque	خسارت بهداشتی/ضرر ناشی از فقدان بهداشت
subvention pour insalubrité	خسارت بهداشتی / جبران خسارت از فقدان بهداشت
indemnité de chômage	خسارت بیکاری
préjudice imprévisible	خسارت پیش بینی نشده
dommages et intérêts moratoires, dommages et intérêts pour non règlement de dette	خسارت تأخیر اداء/ خسارت تأخیر تأدیه دین
dommages et intérêts pour non règlement de dette, dommages et intérêts moratoires	خسارت تأخیر ادای دین
dommages et intérêts pour exécution tardive du contrat	خسارت تأخیر انجام تعهد
dommages et intérêts dus pour inexécution d'une obligation de payer, dommages et intérêts moratoires	خسارت تأخیر تأدیه
dommages et intérêts dus pour non règlement de la lettre de change	خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات
indemnité pour retard dans le règlement des frais de poursuite	خسارت تأخیر تأدیه مخارج و اخواست
dommages et intérêts pour exécution tardive	خسارت تأخیر تسلیم

préjudice corporel	خسارت جانی
dommages de guerre	خسارت جنگ
	خسارت حادثه / ضرر و زیان حادثه
réparation du préjudice causé par un accident	
réparation, dommages et intérêts	خسارت حادثه/ جبران حادثه
dommage actuel, dommage certain	خسارت حال
dommages dus à l'incendie	خسارت حرقی/ خسارت ناشی از آتش سوزی
	۲۵۲م. ق. م. ع
	خسارت حق الوکاله / جبران هزینه وکالت
remboursement des honoraires versés à l'avocat	
	۴۲م. آ. ر. م
frais de justice, dépens	خسارت دادرسی/ هزینه دادرسی
	۷۱۷م. آ. د. م
	خسارت دادرسی / جبران خسارت دادرسی
remboursement des frais de justice exposés	
frais de justice, dépens, frais de poursuite	خسارت دعوی
victime du préjudice, personne lésée	خسارت دیده/ شخص خسارت دیده
bien avarié, bien dégradé	خسارت دیده/ مال خسارت دیده
	خسارت دبر کرد دین / خسارت تأخیر تأدیه دین
dommages et intérêts moratoires	
	۱۱م. ق. م. ب. س. ۱۳۱۷
indemnité d'expropriation	خسارت سلب مالکیت
préjudice personnel	خسارت شخصی
indemnité pour inexécution du contrat	خسارت عدم انجام تعهد
	۷۲۷م. آ. د. م
dommage causé intentionnellement	خسارت عمدی
	۳۲۸م. ق. م
dommage très important, dévastation, ruine	خسارت غیر عادی
dommage causé par imprudence ou négligence	خسارت غیر عمدی
	۳۳۱م. ق. م
préjudice indirect	خسارت غیر مستقیم
	۱۱۴م. ق. ت

indemnisation légalement prévue	خسارت قانونی / جبران خسارت پیش بینی شده در قانون ۳۴مکرر. ق. ت
dommage dû à l'application d'une loi	خسارت قانونی / خسارت ناشی از اجرای قانون
dommage matériel, dégât matériel	خسارت مادی ۲۰م. ق. مطبوعات
dommage pécuniaire, perte pécuniaire	خسارت مالی ۹م. ق. م. جزائی. س ۱۲۹۱
remboursement des frais de justice	خسارت مخارج عدلیه / جبران خسارت مخارج عدلیه ۳۸م. ق. ا. م. ح. ت. س ۱۳۱۴
préjudice direct	خسارت مستقیم / خسارت بلاواسطه ۷۲۸م. آ. د. م
préjudice moral	خسارت معنوی ۲۱۲مکرر. ق. م. ع
préjudice servant de base à la plainte	خسارت مورد شکایت ۱۴م. ق. ش. دا
préjudice résultant de la livraison tardive de la marchandise	خسارت ناشی از تأخیر تسلیم مالالتجاره ۳۸۷م. ق. ت
préjudice résultant d'une omission ou d'une négligence	خسارت ناشی از ترك فعل
préjudice résultant d'une infraction	خسارت ناشی از جرائم ۳۶. ق. ا. ق. م. آ. ر. ك. س ۱۳۳۵
dommage causé par la ruine d'un bâtiment	خسارت ناشی از خرابی بنا ۳۳۳م. ق. م
préjudice résultant d'un acte positif	خسارت ناشی از فعل
préjudice dû à un procès	خسارت ناشی از محاکمه ۱۳۳۵م. ق. م
préjudice pécuniaire	خسارت نقدی
préjudice dû à l'essai de règlement amiable	خسارت واخواست ۵۴م. ق. ت. ا. و

atteinte du droit de propriété	خسارت وارد آوردن به حقوق مالک
dommage causé par un animal	خسارت وارده از ناحیه حیوان م. ۳۳۴ ق. ۲
dommage causé à une personne	خسارت وارده بر یک شخص
préjudice imprévisible	خسارت‌های غیر مترقبه م. ۱۹۶۶. ۱۸۰ ق. ۱ گ
préjudice dont il est dû réparation, préjudice justifiant une indemnisation	خسارتی که باید جبران شود
préjudice directement causé par l'infraction	خسارتی که مستقیماً از جرم می‌شود
avarice, cupidité, âpreté au gain, rapacité, laderie, pingrerie	خست خستگی روانی
fatigue intellectuelle, surmenage, ennui, abattement, dépression	خسران / خسارت
dommage, préjudice	خسران مالی / خسارت مالی
préjudice matériel	م. ۳۳۲ ق. ۲ و
avare, avaricieux, ladre, grigou, grippe-sou	خسب
pavot	خشخاش ق. ۲. م. ۱. ک. خ
sécheresse	خشکسالی م. ۱۰۶. ق. ۱۳۴۳
assèchement de puits	خشک شدن چاه و چشمه
assèchement de marais, drainage	خشک کردن باتلاقها
sécheresse	خشکی
terre ferme, lithosphère	خشکی / خاک
colère, ire (vieux), emportement, rage	خشم
irritant	خشم‌آور
coléreux	خشمگین
brutal, violent	خشن
brutalité, violence	خشونت
violences policières	خشونت پلیسی

eunuque, castré	خصاء / اخته بودن مرد به وسیله کشیدن بیضه‌های او
féminin, efféminé	خصال نوعی زنانه / غلبه صفات زنانه در مرد / زن صفتی
masculin, hommasse	خصال نوعی مردانه / غلبه صفات مردانه در زن / مرد صفتی
	خصایص افسری / صلاحیت افسری
caractère, compétence ou aptitude à être officier	۸۸۲. ق. ن و
compétence du tribunal	خصایص دادگاه / صلاحیت دادگاه
	۳۴۹۲. آ. د. ک
	خصایص شخصی جانی / خصوصیات شخصی جانی
caractéristiques d'un criminel, signes particuliers d'un criminel	
ennemi, adversaire	خشم / دشمن
hostilement, inamicalement	خهانه
	۸۶۲. م. ق و
particulier, spécial, spécifique	خصوص / خاص
personnel, personnalisé, individuel	خصوصی / شخصی
caractéristiques, spécifiques	خصوصیات
particularités morales	خصوصیات اخلاقی
	خصوصیات حقوق بین‌الملل / مشخصات حقوق بین‌الملل
particularités du droit international	
	خصوصیات شخصی جنایتکار
signes particuliers d'un criminel, caractéristiques d'un criminel	
caractéristiques nationales	خصوصیات ملی
attributs féminins, féminin	خصوصیات نوعی زنانه / غلبه صفات زنانه در مرد
	خصوصیات نوعی مردانه / غلبه خصوصیات مردانه / مرد صفتی
attributs masculins, masculin	
	خصوصیات وصیتنامه / مشخصات و وضع وصیتنامه
particularités du testament	
	۲۱۲. ق. ر. ط. ت. و
	۲۹۶۲. ق. ا. ح
	خصوصیت جرم / مشخصات جرم / چگونگی جرم
éléments spécifiques de l'infraction	
particularités du jugement	خصوصیت دادرسی / چگونگی و وضع دادرسی
hostilité, animosité	خصومت / دشمنی

eunuque, castré	خصی/اخته/بی‌خایه ۱۱۲۲م.ق.م
caractéristique, particularité, signe particulier	خصیصه
caractéristique naturelle	خصیصه ذاتی
lignée, ligne, lignage	خط/قرابت ۱۰۳۳م.ق.م
écriture	خط/نوشته ۳۹۳م.آ.د.م
ligne de feu, champ de bataille, premières lignes	خط آتش ۱۵۵م.ق.ن. و س.۱۳۱۷
faute, erreur, écart, faux pas	خطاء ۱م.آ.د.ا
discours	خطابه اصل دهم.ق.ا
faute de service, faute non détachable du service	خطاء به سبب انجام وظیفه
faute de service, faute non détachable du service	خطاء به مناسبت انجام وظیفه
faute de service, faute non détachable du service	۱۱م.ق.م.م
ligne collatérale, parenté collatérale	خط اطراف / خط قرابت اطراف
responsable, fautif	خطاكار
ligne de crêtes, ligne séparative des eaux	خط الرأس
thalgweg, ligne de thalgweg	خط القعر / خط تالوك
lignes à haute tension	خط انتقال نیروی برق ۹م.اساسنامه.س.آ.ب.ك
faute disciplinaire	خطای انتظامی/خطای انضباطی
faute disciplinaire	خطای انضباطی/خطای انتظامی
erreur d'optique	خطای باصره/اشتباه در دید
faute pénale, faits sanctionnés par la loi pénale	خطای جزایی
faute civile, délit civil, faute délictuelle, faute quasi délictuelle	خطای حقوقی / خطای مدنی
faute très légère, faute bénigne	خطای خیلی سبك

erreur de pilotage (maritime), erreur de lamanage	خطای راه‌نمای کشتی
۵۴. قرارداد تحدید مسئولیت صاحبان کشتی دریایما	
faute légère, faute vénielle	خطای سبک
faute lourde, faute grave	خطای سنگین
quasi-délit	خطای شبه عمد
faute contractuelle	خطای عقدی / خطای قراردادی / تخلف نسبت به قرارداد
faute intentionnelle	خطای عمدی
	خطای غیر عمد
faute par négligence ou imprudence, faute non intentionnelle	
	خطای غیر عمدی که موجب مسئولیت است
faute non-intentionnelle engendrant une responsabilité	
faute inexcusable	خطای غیر قابل بخشش
erreur judiciaire, erreur du juge	خطای قاضی
faute contractuelle	خطای قراردادی / تخلف نسبت به قرارداد
partage de responsabilités	خطای متقابل
faute par commission	خطای مثبت / خطای ناشی از انجام عمل
faute délictuelle, délit	خطای مجرمانه
faute pure et simple	خطای محض
faute civile, délit civil, faute délictuelle,	خطای مدنی / خطای حقوقی
faute quasi délictuelle (art. 1382 et ss C. Civ.)	
faute commune	خطای مشترک
	۴۴. قرارداد تحدید مسئولیت صاحبان کشتی دریایما
faute présumée	خطای مفروض
faute par omission	خطای منفی / خطای ناشی از عدم انجام عمل
faute entraînant la responsabilité de son auteur	خطای موجب مسئولیت
ligne continue	خط پر / خط ممتد در مورد نشانه‌گذاری خیابان‌ها و جاده‌ها
	۱۳۶۴. آ. ر. د.
	خط پست‌ترین جزر
ligne de la marée la plus basse, limite extrême de retrait des eaux	
ligne de thalweg, thalweg	خط تالوک / خط قعرالمیاه
ligne idéale, frontière imaginaire	خط تصویری / خط فرضی
ligne séparative des eaux, ligne de crêtes	خط تقسیم آب / خط رأس‌الجبال

ligne séparative des eaux, ligne de crêtes	خط تقسیم‌المنیاه یا رأس‌الجبال
zone d'élargissement des voies urbaines	خط توسعه معابر
	م. ۴. ق. ت. ا. م. خ
rature, biffure	خط خوردگی
péninsule, cap	خط دماغه
côte découpée	خط دندانه‌ای ساحل
rature, biffure	خط زدگی
rature dans un compte	خط زدن در لیست حساب
	خط زدن يك نوشته یا حساب مغلوط و نوشتن درست آن
rature et rectificatif d'un compte	
zone littorale, berge, rive	خط ساحلی
	م. ۸. ق. م. ت. ا. ا. ن
ligne frontalière	خط سرحدی
	م. ۸. ق. م. ت. ا. ا. ن
direction générale	خط سیر سپاهیان/خط سیر سپاهیان جنگی
parcours du combattant	خط سیر سپاهیان/خط سیر سپاهیان از نظر ورزش
ligne de flottaison	خط شاهین‌کشتی‌ها
	م. ۱. قرارداد دریائی. م. ۱۳۴۴
	خط شروع (مبدأ) دریای ساحلی
ligne de démarcation des eaux territoriales	
graphologie	خط‌شناسی
	خط طبیعی یا قراردادی فاصل دو کشور/خط مرزی
frontière naturelle ou artificielle entre les pays, ligne de démarcation	
ligne ascendante, ascendance, filiation	خط عمودی صعودی قرابت
	م. ۱۲۰۱. ق. م
ligne descendante, descendance, filiation	خط عمودی نزولی قرابت
	م. ۱۲۰۱. ق. م
ligne frontalière entre les pays	خط فاصل دو سرزمین
ligne en matière de parenté, lignée, lignage, côté, branche	خط قرابت
ligne paternelle, côté paternel, branche paternelle	خط قرابت پدری
parenté par alliance	خط قرابت سببی

- خط قرابت مادری مستقیم
 ligne maternelle, branche maternelle, côté maternel, filiation
 خط قرابت نسبی مستقیم
 filiation, lignée, lignage, descendance
 خط قعرالمیاه / خط تالوگ
 thalweg, ligne de thalweg
 خط قتل کوه
 ligne de crêtes
 خط کشیدن روی مندرجات سند
 raturer un document, biffer un document
 م. ۱۳۰۲. ق. م
 خط کوهپایه
 ligne de pente de la montagne, déclivité
 خط مبدا دریا ساحلی
 ligne de démarcation des eaux territoriales
 م. ۳. ق. ا. ق. ت. ح. آ. س
 خط مرزی
 ligne frontalière
 خط مستقیم
 ligne droite, droite
 خط مشی
 attitude, comportement, conduite, manière d'être
 ص. ۱۹۷. ر. ۱۵. ق. م
 خط مشی سیاسی
 attitudes politiques
 خط مشی سیاسی مشترک
 prise de position politique commune
 خط مشی عمومی
 comportement général
 م. ۲۷. اساسنامه ر. ش. ن. ا. ا
 خط مقسم آب / خط الارس
 ligne de partage des eaux, ligne de crêtes
 خط منصف
 ligne médiane
 م. ۴. ق. ا. ق. ت. ح. آ. س
 خط ممتاز/ صنعت ممتاز
 industrie de montage, fabrique de montage
 م. ۱. موافقتنامه همکاری ایران و رومانی برای ساخت تراکتور. س. ۱۳۴۶
 خط نزولی قرابت
 filiation descendante, ligne descendante, filiation
 خط نزولی قرابت مستقیم
 خط نسب
 filiation descendante directe, ligne descendante directe
 خط و امضای خود را در سند عادی تکذیب کردن
 lignée, filiation, lignage, descendance
 دénégation d'écriture ou de signature, inscription en faux
 م. ۳۷۶. آ. ر. م
 خطوط انتقال نیرو و تلگراف و تلفن و رادیو
 lignes électriques, lignes téléphoniques, câbles électriques, câbles téléphoniques
 م. ۸. قرارداد. ا. ر. ا. پ. س. ۱۳۴۵

voies commerciales	خطوط تجاری / راه‌های تجاری
	۱۲. آ. م. ا. ح. ر. ص. ت
	خطوط تلگرافی تحت البحری
fils télégraphiques sous-marins, câbles sous-marins	
traits du visage, physionomie	خطوط چهره
voies publiques	خطوط دولتی / راه‌های دولتی
	خطوط شرکت‌های خصوصی / راه‌های ساخته شده به وسیله شرکت‌های خصوصی
voies privées	
	خطوط صنعتی / راه‌های اختصاصی مؤسسات صنعتی
voies privées des établissements industriels	
	۱۲. ا. م. ا. خ. ر. ص. ت
voies secondaires	خطوط فرعی
	بند ۱. موافقتنامه مربوط به انتقال راه آهن مسیر جاوه - زاهدان. دوا. ق. گ
voies navigables	خطوط قابل کشتیرانی
lignes sismiques	خطوط لرزه نگاری
	۱۳. قرارداد اراپ. س. ۱۳۴۵
pipe—line, oléoduc, gazoduc	خطوط لوله نفت
	۸. قرارداد اراپ. س. ۱۳۴۵
lignes de télécommunication	خطوط مخابراتی
coordonnées d'un point à la surface du globe	خطوط معرفه الارضی
(latitude et longitude)	
	ضمیمه قرارداد اراپ. ۱۳۴۵
voies de communication	خطوط مواصلات / راه‌های ارتباطی
	۶. موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی بین ایران و شوروی
	خطوط هواپیمائی بین المللی
lignes aériennes internationales, réseau aérien international	
lignes aériennes	خطوط هوایی
danger, péril, menace	خطر / اتفاق یا امر خطرناک
	۱۶. ق. ب
risque (théorie des risques)	خطر / نظریه خطر
danger imminent, péril	خطر آنی
danger pour la société, fléau social	خطر اجتماعی / خطرناک برای جامعه

dangers pour la société	خطرات اجتماعی
périls économiques, menaces de crise	خطرات اقتصادی
périls pour la personne	خطرات انسانی / خطراتی که متوجه انسان است
dangers immanents	خطرات حتمی الوقوع
périls cachés	خطرات زندگی / خطراتی که زندگی را تهدید می کند
risques professionnels, risques de la profession	خطرات شغلی
risques inhérents au travail	خطرات ناشی از کار و بیماریهای حرفه ای
risque afférent	خطر برون ذاتی یا عینی / خطراتی که ناشی از عوامل بیرونی است
menace de chômage, risque de chômage	خطر بیکاری
	خطر بیماری
danger de maladie, risque de maladie, danger de contamination	
danger de mort	خطر جانی / خطر برای جان انسان
	۷۵۴م. آ. د. م
danger commun, menace collective	خطر جمعی / خطر برای جمع
risque de guerre, menace de guerre, danger de guerre	خطر جنگ
risque intrinsèque	خطر درون ذاتی / خطری که از عوامل درون ناشی می شود
periculum sortis	خطر سرمایه / خطرات اجتماعی و اتفاقی که سرمایه را تهدید می کند
danger public	خطر عمومی / خطر همگانی
danger de mort immédiate, péril de mort imminent	خطر مرگ فوری
	۲۸۳م. ق. ا. ح
danger commun	خطر مشترك
dangereux	خطر ناک
	خطر ناموسی / خطری که متوجه ناموس شخص یا نزدیکانش است
menace à l'honneur de la famille	
	۷۵۴م. آ. د. م
important, sérieux, grave	خطیر / مهم
dédain, mépris, condescendance	خفت / خواری
réduction, atténuation, mitigation, adoucissement	خفت / کم کردن
mitigation des peines	خفت مجازات / کمی مجازات
accouplement, copulation	خفت و خیز
étouffement, suffocation, asphyxie	خفقان

étouffant, suffocant	خفقان آور
étouffer, étrangler, asphyxier	خفه کردن
asphyxie	خفگی
caché, dissimulé, soustrait à la vue	خفی / پنهان
lacune, manque, omission, déficience, carence, vide, trou, élision	خلأ
lacune juridique, non-réglementation	خلأ حقوقی
lacune de la loi, absence de législation en la matière	خلأ قانونی
libérer, relâcher, élargir, délivrer, débarrasser	خلاص / خلاص کردن
abrégé, résumé, condensé, sommaire	خلاصه
	خلاصه انتقالات / خلاصه معامله
extrait des actes de transaction, compte-rendu des actes de transaction	
	۲۶۴. ق. ت
	خلاصه جمع و خرج
état des recettes et dépenses, solde, bilan, état, tableau, balance des comptes	
	خلاصه حسابی را معلوم کردن
dresser le bilan d'un compte, solder un compte	
résumé de jugement, extrait de jugement	خلاصه حکم
énoncé des motifs	خلاصه دلایل
résumé de l'expédition	خلاصه رونوشت / خلاصه رونوشت يك سند
résumé d'un acte	خلاصه سند
	۲۶۴. ق. ت
	خلاصه شرایط انتشار اوراق بهادار يك شرکت
résumé des conditions d'émission des titres et valeurs	
	خلاصه صورت عملیات
nomenclature des actes d'administration et de disposition, relevé des activités	
liste des actes de commerce	خلاصه صورت عملیات تجاری
	خلاصه صورت مجلس تعیین بستانکاران به ترتیبی که باید پول بگیرند
nomenclature par ordre des créanciers inscrits	

خلاصه صورت مذاکرات جلسه علنی مجلس مقننه	
compte-rendu sommaire d'une séance publique de l'Assemblée nationale	
خلاصه گزارش	compte-rendu, rapport sommaire
۱۵۴. م. م. م.	
خلاصه مذاکرات جلسه	compte-rendu sommaire de séance
خلاصه مرگ/گواهی فوت	
certificat de décès, mention de décès, avis de décès	
خلاصه معامله	résumé d'un acte
۵۴. آ. ت. ا. م. ک.	
خلاصه وصیت/ خلاصه مندرجات وصیت نامه	abrégé d'un testament
۲۹۶م. ق. ا. ح.	
خلاصه وضعیت ثبتی ملک	
extrait du registre des transcriptions hypothécaires, extrait de la publicité foncière	
خلاصه وضعیت مالی/ خلاصه وضعیت مالی شخص حقیقی یا حقوقی	
résumé de la situation des finances	
خلاصه/ جرم خلاف	contravention, infraction de police
۱۱۴. ق. م. ع.	
خلاصه/ مخالف	contraire, opposé, inverse, adverse, antipode
خلاصه اخلاق حسنه	
contraire aux bonnes moeurs, contraire à la moralité publique, immoral, amoral, licencieux	
۹۶۰م. ق. م.	
خلاصه اصل	contraire aux principes, inconvenant, illicite
خلاصه امارات	en contradiction avec des présomptions
خلاصه امارات قانونی	en contradiction avec les présomptions légales
خلاصه انتظامی/ تخلف از انتظامات عمومی	contraire à l'ordre public, interdit
۱۲۲م. قرارداد زنو راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ	
خلافت	califat
خلاصه حقیقت	faux, mensonger, fictif, inexact
خلاصه شرافت	malhonnête, déloyal, indélicat
خلاصه ظاهر	hypocrite, double, faux, fourbe, imposteur

impudique, indécent	خلع عفت
irrégulier, en contravention avec une règle	خلع قاعده
illégal, illicite	خلع قانون
	۴۳۴م. آ. د. ك
	خلع قانون و مقررات رفتار كردن
contrevenir à la loi et aux règlements, transgresser la loi	خلعكار
contrevenant, transgresseur	خلع عثماني
esprit de contradiction	خلع گويي / خلع واقع گفتن
contredire, réfuter, répondre	خلع مقررات
contraire au règlement, irrégulier	خلع نظم
contraire à l'ordre	خلع نظم / مخالف نظم رفتار كردن
non—respect de l'ordre	خلع واقع
mensonger, faux, inexact	۸۶م. ق. ب. ك
infraction complexe	خلع هاي مرتبط با جنحه و جنايت
créateur, fondateur, auteur, compositeur, inventeur	خلع / خلق كننده
pilote, aviateur	خلبان
hébétude, torpeur, somnolence, demi—torpeur, léthargie	خلسه
répudiation oeuvre de la femme (khula)	مخلع / طلاق خلع
(V. Milliot L. «Introduction à l'étude du Droit Musul— man» 356—2)	
scinder, partager, séparer	مخلع / جدا كردن
déchéance de la nationalité	خلع از تبعيت
	اصل ۲۴. م. ق. ا
détrôné, déposé, destitué	خلع از سلطنت
déchéance de la nationalité, perte de la nationalité	خلع تابعيت
dépossession, dépourrillement, frustration	خلع تصرف
خلع تصرف از مالك و متصرف بمنظور استفاده از ملك او در كارهاي عام المنفعه / سلب	
dépossession au profit des oeuvres sociales	مالكيت قانوني
tuer, assassiner, commettre un meurtre	خلع حيات / قتل
destituer un arbitre	خلع داور از حكومت

dégrader	خلع درجه
dégrader un militaire	خلع درجه نظامی / خلع درجه کردن يك نظامی ۲۱م. ق. ن. و ۱۷۹م. ق. م. ن
désarmement	خلع سلاح
désarmement éventuel, désarmement possible	خلع سلاح احتمالی ۷۴م. م. م.
désarmement général garanti	خلع سلاح جهانی تضمین شده ۳م. ق. انرژی
désarmement général	خلع سلاح عمومی ۱۳۴۲م. ق. س.
détrôner un roi, déposer un souverain	خلع سلطان
dégradation militaire	خلع کسوت نظامی ۴۲۴م. ق. ر. ا
expulser, chasser, congédier, renvoyer, écarter, évincer	خلع ید ۱۸م. ق. م
éviction d'un terrain litigieux	خلع ید از اراضی مورد اختلاف ۵م. ق. د. ب. ا. ر
expulsion d'un bien immeuble	خلع ید از مال غیرمنقول ۲۶۵م. مکرر. ق. م. ع
expulser d'un bien immeuble, exproprier	خلع ید از مالک کردن
expulser l'occupant sans droit ni titre	خلع ید از مال مستحق للغير
évincer un possesseur, déposséder	خلع ید از متصرف
déposséder, évincer, reprendre un bien	خلع ید از ملك ۲م. ق. ت. ر. م
restitution forcée	خلع ید جبری
reprise partielle, éviction partielle	خلع ید جزئی خلع ید کردن
déposséder, donner congé, expulser, exiger la restitution, reprendre éviction totale	خلع ید کلی
expulsion de locataire	خلع ید مستأجر ۱م. ق. ر. ت. م

inexécuter un engagement	خلف عهد
créer	۳۱۴. ق. ر. ا / خلق / ایجاد کردن
humanité, peuple, gens	خلق / مردم
caractère, nature	مخلق
création	خلقت
caractère, nature	خلق و خو
créer un obstacle, s'interposer	خلل وارد آوردن
avoir des relations intimes avec une femme	۲۴. قرارداد اقامت ایران و چکسلواکی / خلوت کردن با زن
communauté de lit, communauté de chambre, rapports conjugaux des époux	خلوت کردن زوجین / همخوابگی زوجین
bonne foi	خلوص نیت
golfe, baie	خلیج
golfe libre	خلیج آزاد
rade, large baie	خلیج بزرگ
anse, crique, petite baie	خلیج کوچک / خور
goulet	خلیج کوچک با دهانه تنگ
baie	خلیج کوچک با دهانه گشاد
baie territoriale	خلیج ملی
calife	خلیفه
boulet de canon, obus, shrapnel	خه‌پاره
boisson alcoolisée, boisson enivrante	خمر
un cinquième du patrimoine d'un musulman	خمس / يك پنجم مالی که به فقرا داده می‌شود
castré, eunuque	خنثی
féminisé, efféminé	۹۳۹۴. ق. م / خنثی انثی / خنثایی که به زن بیشتر نزدیک است تا مرد
castré	خنثی ذکر / خنثایی که به مرد نزدیک تر است
émasculé	خنثی ظاهر / خنثای مسلم
castré, châtré	خنثی مشکل / خنثای مشکوک

۲۲۰	خندق
fossé	خندق
sommeil	خواب
cauchemar, rêve pénible	خواب آشفته دیدن
ensommeillé	خواب آلود
somnifère, soporifique	خواب آور
dormir en cours de fonction, dormir pendant la garde	خواب درموقع نگهبانی
sommeil naturel	خواب طبیعی
dortoir	خوابگاه
sommeil artificiel	خواب مصنوعی
sommeil hypnotique	خواب مغناطیسی
manque de sommeil, insomnie	خواب ناقص
mou, faible, inconsistent, veule, lâche	خوار
ordre de la loi	خواست قانون / دستور قانون
sollicitant, prétendant au mariage	خواستگار
demander en mariage, solliciter la main	خواستگاری کردن
vouloir	خواستن
demander des renseignements, se renseigner, enquêter, s'enquérir	خواستن اطلاعات
demander des éclaircissements	خواستن توضیحات
exiger du porte-fort la représentation du prévenu	خواستن متهم از کفیل
objet de la demande, montant de la demande, chiffre de la demande	خواست / مدعا به
objet de la demande principale	خواست شاکی / درخواست شاکی

objet de la demande extra-patrimoniale	خواسته غیر مالی / مدعا به غیر مالی
objet de la demande patrimoniale	خواسته مالی / مدعا به مالی
lisible	خوانا
défendeur, intimé	خوانده / مدعی علیه
demandeur, appelant	خواهان / مدعی
parties civiles	خواهان خصوصی
soeur	خواهر
soeur germaine	خواهر ابوینی / خواهر پدر و مادری
soeur consanguine	خواهر ابی / خواهر پدری
soeur utérine	خواهر امی / خواهر مادری
frères et soeurs germains	خواهران و برادران تنی / خواهران و برادران ابوینی
soeur de lait	خواهر رضاعی
neveu, nièce (enfant de la soeur)	خواهرزاده
neveu, nièce (enfant de la soeur germaine)	خواهرزاده ابوینی
neveu, nièce (enfant de la soeur consanguine)	خواهرزاده ابی
neveu, nièce (enfant de la soeur utérine)	خواهرزاده امی
belle-soeur (soeur du mari)	خواهر شوهر
demande en justice de garantie	خواهش تأمین / درخواست تأمین
demande en justice d'entérinement des preuves acquises	خواهش تأمین دلایل / درخواست تأمین دلیل

خواهش توقیف مزایده/ درخواست توقیف مزایده

demande de réquisition de mise aux enchères

(V. C. Proc. civ. art. 832)

۷۲۷م. ق. ا. م. ج

volonté, gré, souhait, désir

خواهش دل

masochisme

خودآزاری / جنون خودآزاری

ipso facto, de plein droit, automatiquement

خود به خود

مطبوعات ۳۴م. ق.

levée de plein droit de la saisie

خود به خود رفع توقیف شدن

۳۴م. ق. مطبوعات

prétention, vanité, orgueil, suffisance, arrogance, égocentrisme

خود پرستی

égoïsme, égotisme, individualisme

خود پسندی

égoïsme

خود خواهی

égoïsme

réservé, retenu, modéré, discret

خود دار / تودار

réticence, rétenion mentale, sous-entendu

خودداری از اظهار مطلب

۱۲م. ق ب

désobéissance, insubordination, indiscipline

خودداری از انجام اوامر

refus d'honorer un chèque

خودداری از پرداخت وجه چک

۷م. ق. ج

خودداری از جلوگیری وقوع جرم / ترك فعل

défaut de s'opposer à la commission d'une infraction

خود داری از دادن رأی که موضوع رأی گرفتن را معلق میسازد / و تو

veto, opposition, interdit, exclusive

refus de donner un certificat médical

خودداری از دادن گواهینامه تندرستی

۵م. ق. ل. ا. گ. پ. ق. ا.

refus de témoigner

خودداری از شهادت دادن

refuser, s'abstenir de, s'opposer à

خودداری از عمل

خودداری از عملی که قانوناً شخص ملزم به انجام آن است

refuser de se soumettre à une obligation légale

خودداری از کمک به شخص در معرض خطر

refus de porter secours à personne en danger

(V. C. Pén. art. 63)

refus de porter secours à personne en danger خودداری از کمک در موقع خطر
(V. C. Pén. art. 63)

خودداری از انجام ادا امر
désobéissance, inexécution de l'ordre, refus d'obtempérer
refus de payer un chèque خودداری از پرداخت وجه چک
۷۲. ق. ج

refus de donner certificat médical خودداری از دادن گواهینامه تندرستی
۵۴. ق. ل. ا. گ. پ. ق. ا

refus de témoigner pour un innocent خودداری از شهادت به نفع بیگناه
refus de témoigner خود داری از شهادت دادن
refus d'exécution خود داری از عمل

خودداری از عملی که شخص ملزم به انجام آن است
refus d'exécution d'une obligation

خود داری از کمک در موقع خطر
refus de porter secours à personne en danger
(V. C. Pén. art. 63)

خودداری زن از ایفای وظایف زناشویی
refus par la femme du devoir conjugal
ص ۱۳۰. م. ق. خ

خود داری شوهر از ایفای وظایف زناشویی
refus par le mari du devoir conjugal, refus du tuteur d'autoriser
le mariage
ص ۱۳۰. م. ق. خ

خودداری ولی از موافقت با ازدواج
s'exempter du service au moyen d'un faux certificat médical.
ص ۱۲۲. م. ق. خ

خود را با جعل تصدیق طبیب از خدمت معاف کردن
۱۰۹۴. ق. م. ع

خود ستایی کردن
se vanter, prétendre
خود سرانه
arbitrairement, illégalement
۲۱۸۴. ق. م. ن

خود سری
arbitraire
خودفروشی / فاحشگی
prostitution

automatique	خودکار
despote, tyran	خودکام/ مستبد
despotisme des autorités légales	خودکامگی حکام
se suicider, se donner la mort, mettre fin à ses jours	خودکشی
se faire donner la mort par un tiers	خودکشی به توسط غیر
autarcie	خود کفایی/ کشور یا سازمانی که با اقتصاد بسته زندگی می‌کند
modestie, effacement	خودکم بینی
autonome, indépendant, distinct, singulier, spécifique	خود مختار
autonome, indépendant, distinct, singulier, spécifique	خود مختاری
indépendance, autonomie, singularité, spécificité	خود مختاری اراده
se faire valoir, provoquer l'attention, faire étalage de, faire montre de, se monter en épingle	خود نمایی
exhibitionniste	خود نمایشی جنسی
manuscrit	خودنوشت/ دست نوشت ۲۷۸۲. ق. ا. ح
indigène, aborigène	خودی/ غیر بیگانه
échancrure d'une côte, petit golfe	خور/ خلیج کوچک
empoisonner	خوراندن سم
administrer une substance nocive	خوراندن مواد مضره
pratiquer une manoeuvre abortive par absorption de substance nuisible	خوردن ادویه معقط حمل ۱۸۲۲. ق. م. ع
comestible	خوردنی/ قابل خوردن
lèpre	خوره / جذام
optimisme	خوش بینی
optimiste, bon vivant, épicurien	خوش گذران
de commerce agréable, aimable, sympathique	خوش محضر
sans domicile fixe	خوش نشین
ruraux non agriculteurs	خوش نشینان دهات ۲۹۲. ق. ب. ع. س ۱۱۲. ق. ا. ق. ت. ب. آ

peur, crainte, épouvante, inquiétude	خوف
craindre quelqu'un	خوف از کسی
	م. ۲۰۸. ق. م
	خوف خرابی وقف/ مال وقفی که در معرض خطر خراب شدن است
bien waqf menaçant ruine	
	م. ۸۸. ق. م
	خوف زوجه از ضرر بدنی
crainte de la femme mariée d'être en butte à des violences maritales	
	س. ۱۳۰. م. ق. ح. خ.
	خوف زوجه از ضرر شرافتی
crainte de la femme mariée d'une atteinte morale de la part de son mari	
	س. ۱۳۰. م. ق. ح. خ.
	خوف زوجه از ضرر مالی
crainte de la femme mariée d'un danger matériel du fait de son mari	
être sous le coup de violences	خوف ضرر بدنی / در معرض ضرر بدنی
	خوف ضرر شرافتی / در معرض ضرر شرافتی
être sous l'emprise d'une contrainte morale	
craindre pour sa personne	خوف ضرر شخصی / در معرض ضرر شخصی
craindre pour ses biens	خوف ضرر مالی
crainte révérentielle	خوف ناشی از احترام
effrayant, terrifiant, angoissant, alarmant, inquiétant	خوفناک
sang	خون
sanguinaire	خون آشام
ensanglanté, taché de sang	خون آلود
sang humain	خون انسان
sang coagulé	خون بسته / خون منعقد شده
composition légale	خون بها / دیه
sang coagulé	خون جامد
atroce, féroce, cruel, sanguinaire	خونخوار

vengeance, vendetta	خونخواهی
	خونریزی/آدمکشی/جنایت
verser le sang, faire couler le sang, assassinat, effusion de sang	خونریزی
épanchement sanguin, hémorragie, saignement, hémorrhinie, effusion de sang	خونریزی داخلی
hémorragie interne	خوننبرد
sang-froid, calme, maîtrise de soi, self-control	خونشناسی
hématologie	خون مردگی
hématome, ecchymose	خونین
ensanglanté, sanglant, sanguinolent, couvert de sang	خویشاوندان به خط اطراف
collatéraux, parents collatéraux	خویشاوندان به خط عمودی
parents en ligne directe, ascendants et descendants	
parents de lait	خویشاوندان رضاعی
ligne ascendante	خویشاوندان صعودی
ligne descendante	خویشاوندان نزولی
parenté, alliance	خویشاوندی
parenté par alliance	خویشاوندی بر اثر زناشویی / خویشاوندی سببی
parenté par alliance	خویشاوندی سببی
parenté naturelle	خویشاوندی طبیعی / خویشاوندی غیرقانونی
parenté, parenté par le sang	خویشاوندی نسبی
	خویشاوندی نسبی در خط مستقیم / خویشاوندی میان پدر و فرزند و یا مادر و فرزند
filiation	
parent paternel, allié paternel	خویش پدری
parent maternel	خویش مادری
retenue, réserve, discrétion, modestie	خویشتن داری
avenue	خیابان
	م.آ.د.ر
avenue principale	خیابان اصلی
	م.آ.د.ر

avenue secondaire	خیابان فرعی
option de résiliation (khiyar)	خیار
option de résiliations bilatérales, option de résiliation pour les deux parties d'un contrat	خیارات مشترك
option de résiliations particulières	خیارات مختص
option de résiliation pour retard dans l'exécution	خیار تأخیر
option de résiliation pour retard dans la livraison des marchandises	خیار تأخیر تسليم مبيع
option de résiliation pour paiement tardif du prix	خیار تأخیر ثمن
option de résiliation du contrat dans son ensemble pour vice partiel	خیار تبعض صفقه
option de résiliation du contrat pour inexécution d'une condition	خیار تخلف از شرط فعل
option de résiliation du contrat pour inexécution de son objet	خیار تخلف از شرط نتیجه
option de résiliation pour inexécution d'une condition	خیار تخلف شرط
option de résiliation pour inexécution d'une condition qualitative	خیار تخلف شرط صفت
option de résiliation pour fausse interprétation de l'objet	خیار تخلف غرض / خیار تخلف داعی
option de résiliation pour fausse qualification	خیار تخلف وصف
option de résiliation pour dol	خیار تدلیس

option de résiliation pour impossibilité d'exécuter ou de livrer la chose
 خیار تعذر تسلیم مبیع

م. ۳۵۴. ق. م

option de résiliation pour le cas de déconfiture
 خیار تفلیس

م. ۳۸۰. ق. م

option de résiliation pour le cas de perte partielle de l'objet avant livraison
 خیار تلف جزء مبیع قبل از قبض

م. ۳۸۸. ق. م

option de résiliation pour disqualification de l'objet
 خیار تلف وصف مبیع قبل از قبض

م. ۳۸۸. ق. م

option de résiliation d'une transaction sur un animal
 خیار حیوان

م. ۳۹۶. ق. م

clause de réméré, option de résiliation dans une vente à réméré
 خیار در بیع شرط

م. ۵۰۰. ق. م

option de résiliation d'une vente réalisée hors la vue de la chose,
 option de résiliation d'examen
 خیار رویت

م. ۴۱۴. ق. م

option de résiliation pour non-conformité de la chose
 خیار رویت و تخلف وصف

م. ۴۱۵. ق. م

clause de réméré
 خیار رد ثمن

م. ۴۵۸. ق. م

condition résiliatoire (V. C. civ. art. 1105)
 خیار شرط

م. ۳۹۶. ق. م

option de résiliation ouverte à une tierce personne
 خیار شرط برای غیر از متعاملین

م. ۴۴۷. ق. م

option de résiliation transmissible aux héritiers	خیار شرط به قید مباشرت	م. ق. ۴۴۶م
option de résiliation du contrat dans son ensemble pour vice partiel	خیار شرکت/خیار تبعض صفقه	
droit de préemption	خیار شفعه/حق شفعه	
faculté de résiliation pour vice de la chose	خیار عیب	م. ق. ۳۹۶م
rescision pour lésion	خیار غبن	م. ق. ۳۹۶م
option de résiliation pour une lésion importante	خیار غبن فاحش	م. ق. ۴۱۶م
droit de résiliation	خیار غبن فاحش بل افحش	
droit de résiliation pour défaut dans la qualité	خیار فسخ شرط	م. ق. ۲۳۵م
faculté de résilier la dot (mahr, sadak)	خیار فسخ نسبت به صداق	م. ق. ۱۰۶۹م
droit de résilier le mariage	خیار فسخ نکاح	م. ق. ۱۰۶۹م
droit de résilier une transaction	خیار فسخ معامله	م. ق. ۳۹۹م
option de résiliation pour payement tardif du prix	خیار مایفسد لیومه/خیار تأخیر ثمن	م. ق. ۳۹۷م
faculté pour les parties de revenir sur un accord avant de se séparer, option de résiliation pour les parties avant de se séparer	خیار مجلس	م. ق. ۳۹۶م

option de résiliation propre à l'acheteur	خیار مختص مشتری م. ق. ۴۵۳
transactions assorties d'une clause de résiliation pour l'une ou l'autre partie	خیاری / عقود خیاری م. ق. ۱۸۴
chimères, rêves, illusions, utopies, mirages, hallucinations	خیالات واهی خیال‌بافی
chimères, rêves, illusions, utopies, mirages, hallucinations, visions	خیال پردازی
chimères, rêves, illusions, mirages	خیالی
imaginaire, irréel	خیانت
trahison, trahison, félonie	اصل ۲۹. ق. ۱
haute-trahison, lèse-majesté	خیانت به کشور / خیانت به مملکت
haute-trahison, lèse-majesté	خیانت به مملکت / خیانت به کشور
trahir sa patrie	خیانت به میهن
abus de confiance	خیانت در امانت
détournement de dépôt privé	فصل دهم. ق. ۲. ع
infidélité	خیانت در امانت حقوقی
abus de pouvoir	خیانت در روبرو زناشویی
	خیانت در وظایف / سوء استفاده از قدرت
	۱۵۹۲. ق. ۲. ع
abus d'autorité	خیانت مأمورین / سوء استفاده از قدرت مأموران علیه اشخاص حقیقی و حقوقی
	مبحث سوم. فصل چهارم. ق. ۲. ع
abus de pouvoir de l'administrateur de la fondation	خیانت متولی
	۷۹۲. ق. ۲
abus de pouvoir du tuteur légal	خیانت ولی قهری
	۱۱۹۲. ق. ۲. ح. خ
libéralité, dons et legs au profit des oeuvres de bienfaisance	خیرات و میراث

vouloir du bien à	خبرخواهی
oeuvres de bienfaisance, bonnes oeuvres	خبریه/ امور خیریه
	م. ۶. ق. ۱. ق. م. ر
bureau de bienfaisance des provinces	خبریه‌های ولایات
	م. ۶. ق. ۱. ق. م. ر

en cours d'utilisation, en service	دائر / مورد استفاده / در حال استفاده
défrichage des terres incultes	دائر کردن اراضی بایر
	۱۴. ق. ع. س ۱۳۱۶
entretien des canaux	دائر نگاهداشتن آنها
	۱۴. ق. ع. س ۱۳۱۶
cercle, rond, circonférence, bureau	دائره
cabinet du juge d'instruction	دائره استنطاق / اداره بازپرسی
permanent, constant, perpétuel	دائم / همیشگی
ménorragie	دائم الحیض
alcoolique, atteint d'intoxication éthylique	دائم الخمر
perpétuité, constance, permanence	دائمی
permanence du droit de propriété	دائمی بودن حق مالکیت
créancier	دائن
oncle maternel, frère de la mère	دائی / دائی از مادر جدا و از پدر یکی
oncle maternel demi-frère de la mère	دائی ابوینی
oncle maternel, frère de la mère issu des mêmes parents	دائی اجداد
grand-oncle maternel	دائی امی
oncle maternel frère de la mère mais d'un autre père	

grand-oncle maternel, frère de la grand-mère paternelle	دائی پدر
grand-oncle maternel, frère de la grand-mère maternelle	دائی مادر
de la compétence des tribunaux de droit commun, relevant des tribunaux de droit commun	داخل در صلاحیت محاکم عدلیه
violation de domicile	داخل شدن بدون اجازه به منازل ۱۳۳۲. ق. م. ع
violation de domicile accompagnée de violences ou de menaces	داخل شدن در منزل کسی با تهدید و عنف
violation de domicile	داخل شدن در منزل کسی بدون رضای صاحب منزل ۱۳۳۲. ق. م. ع
entamer des pourparlers	داخل مذاکره شدن
inclus dans le document, inséré dans l'acte	داخل نسق/ جزئی از سند ۱۰۲. آ. ا.
agir de connivence, faire cause commune	داخل مواضعه ۲۰۱۲. ق. م. ن
introduction de fausse monnaie dans le pays	داخل مملکت نمودن مسکوکات قلب ۹۳۲. ق. م. ع
interne, intérieur d'un Etat	داخله/ داخل کشور
requête, demande en justice	داد
partie succombant dans un procès	داد باخته
partie gagnant le procès	داد برده
requête, demande en justice	دادخواست ۷۰۲. آ. د. م
demande de renvoi devant une autre juridiction	دادخواست احاله پرونده از يك دادگاه بدادگاه دیگر
demande de révision	دادخواست اعاده دادرسی ۵۸۵۲. آ. د. م
appel, opposition, exercice d'une voie de recours contre un jugement	دادخواست اعتراض به حکم ق. ر. ن. م. د

opposition à jugement par défaut	دادخواست اعتراض به حکم غیابی م. د. آ. ۱۷۵۲
appel à la requête de l'intervenant	دادخواست اعتراض شخص ثالث م. د. آ. ۵۸۵۲
demande en première instance	دادخواست بدوی م. د. آ. ۶۸۲۲
demande de mise en cause	دادخواست به طرفیت دادگاه
fol appel	دادخواست بی‌معنی
acte d'appel	دادخواست پژوهشی م. د. آ. ۴۹۰۲
acte d'appel	دادخواست پژوهشی م. د. آ. ۶۸۲۲
demande accessoire	دادخواست تکمیلی دادخواست اصلی
demande en justice faite par télégramme	دادخواست تلگرافی م. د. آ. ۷۱۲
plainte	دادخواست جزائی
demande de comparution d'un tiers	دادخواست جلب شخص ثالث م. د. آ. ۲۷۵۲
constitution de partie civile	دادخواست حقوقی ترمیم ضرر و زیان حاصل از جرم
requête, conclusions du demandeur	دادخواست خواهان
demande nouvelle, demande additionnelle	دادخواست دعوی طاری م. د. آ. ۲۹۲
demandeur, requérant	دادخواست دهنده م. د. آ. ۷۸۲
demande de l'intervenant	دادخواست شخص ثالث برای ورود به دعوی
demande introductive d'instance	دادخواست شروع دعوی
conclusions orales	دادخواست شفاهی
	دادخواست شکستن پیشینه / دادخواست نقص حکم / فرجام
exercice d'une voie de recours	م. د. ق. ۵۶۲
demande de dommages et intérêts	دادخواست ضرر و زیان

constitution de partie civile	دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی
	دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی در امور جزائی
constitution de partie civile	
demande dirigée contre l'Etat, recours contre l'Etat	دادخواست علیه دولت
pourvoi en cassation	دادخواست فرجامی
	۴۵۵م. آ. د. م
requête recevable	دادخواست قابل قبول
conclusions écrites	دادخواست کتبی
conclusions de la partie civile	دادخواست مدعی خصوصی
	۲۴م. ق. م. ج
demande incomplète	دادخواست ناقص
	۶۷م. آ. د. م
demande reconventionnelle	دادخواست متقابل
	۶۸۲م. آ. د. م
défendeur	دادخوانده
demandeur	دادخواه
plainte, requête motivée, mémoire ampliatif	دادخواهی
	۲۷م. آ. ق. د. م. ع
	دادرسان اصلی دادگاه جنائی
magistrat de la cour d'assises, président de la cour d'assises	
juge assesseur à la cour d'assises	دادرسان تکمیلی دادگاه جنائی
juge, magistrat	دادرس / قاضی / حاکم محکمه
	۲۰۸م. آ. د. م
	دادرس دادگاه بازرگانی / قاضی دادگاه تجارت
juge commercial, juge consulaire	
	دادرس دادگاه بخش / حاکم محکمه صلح / قاضی محکمه صلح
juge d'instance, juge de paix	
magistrat assesseur à la cour d'assises	دادرس دادگاه جنائی
	دادرس دادگاه شهرستان / حاکم محکمه بدایت
juge de grande instance, juge de première instance	
conseiller à la Cour de cassation	دادرس دیوان کشور / مستشار تمیز
juge départiteur	دادرس رافع اختلاف / دادرس انتخابی برای حصول اکثریت

juge, magistrat	دادرسی رافع اختلاف/ دادرسی قاضی
magistrat saisi de l'affaire	دادرسی رسیدگی کننده به دعوی
juge suppléant	دادرسی علی البدل / قاضی علی البدل
conseiller suppléant à la cour d'appel	دادرسی علی البدل دادگاه استان
juge d'instance suppléant	دادرسی علی البدل دادگاه بخش
juge suppléant	دادرسی علی البدل دادگاه شهرستان
دادرسی ناظر اجرای احکام جزائی/ داورى که مراقب احوال محکومان و اجرای احکام است	
juge de l'exécution des peines	
juge militaire, magistrat militaire	دادرسی نظامی
(V. art. 23 C. just. mil.)	
juge unique	دادرسی واحد
	دادرسی / قضاوت
jugement, arrêt, sentence, juridiction, droit de juger, action de juger	
	۵۸۲. آ. د. م
jugement rendu dans une procédure d'urgence	دادرسی اختصاری
	۱۲۳۲. آ. د. م
	دادرسی اداری/ مجموع دادگاههای رفع اختلافات اداری
juridiction administrative	
	دادرسی اداری/ آراء اداری
jugement du tribunal administratif, sentence administrative	
jugement contentieux	دادرسی امور ترافعی
juridiction criminelle, tribunal pénal	دادرسی امور جنائی
juridiction correctionnelle, tribunal correctionnel	دادرسی امور جنحه
juridiction gracieuse	دادرسی امور حسبی
tribunal de police, juridiction de simple police	دادرسی امور خلافي
tribunaux disciplinaires	دادرسی انتظامی
tribunal de commerce, juridiction commerciale	دادرسی بازرگانی
	۱۳۹۲. آ. د. م
jugement par contumace	دادرسی بدون حضور متداعیین
cour d'appel, juridiction d'appel	دادرسی پژوهشی
juridiction répressive	دادرسی جزائی
	۱۵۱۲. آ. ق. ت

juridiction criminelle	دادرسی جنائی
	۲۰۸۲. آ. د. م
tribunal correctionnel	دادرسی جنجه‌ای
	۲۰۸۲. آ. د. م
jugement contradictoire	دادرسی حضوری/ محاکمه حضوری
tribunal civil, juridiction civile	دادرسی حقوقی
	۱۵۱۴. آ. ق. ت
justice privée, amiable composition	دادرسی خصوصی
juridiction d'instruction	دادرسی در دادرها
juridiction de droit commun	دادرسی در دادگاههای عمومی
procédure par conclusions orales	دادرسی شفاهی
juridiction de droit commun	دادرسی عادی
	۸۷۲. آ. د. م
procédure publique	دادرسی علنی
	۱۳۶۲. آ. د. م
procédure par contumace	دادرسی غیابی در امور جنائی
	ق. تجویز دادرسی غیابی در امور جنائی
procédure à huis clos	دادرسی غیر علنی
	۱۳۶۲. آ. د. م
référé, procédure d'urgence	دادرسی فوری
	۷۷۰۲. آ. د. م
ordonnance de référé	دادرسی فوری/ دستور دادرسی فوری
jugement antérieur, procédure précédente	دادرسی قبلی
jugement écrit	دادرسی کتبی
procédure écrite, procédure sans suite	دادرسی متروک
juridiction civile	دادرسی مدنی
	۲۰۸۲. آ. د. م
	دادرسی مطبوعات/ نحوه رسیدگی به دعاوی و جرایم مطبوعاتی
juridiction saisie des délits de presse	فصل پنجم. ق. مطبوعات

- دادرسی نخستین
jugement de première instance, juridiction du premier degré
باب سوم. آ. د. م
- دادرسی نظامیان / محاکمه نظامیان
jugement rendu par la justice militaire (V. art. 239 s. C. just. mil.)
۱۰۶م. ق. د. ا
- دادستان / مدعی العموم
procureur, avocat public, ministère public
۴۹م. ا. ت. ر
- دادستان ارش
procureur militaire
مدعیان عمومی صاحب منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت
در اجرای قوانین موافق مقررات قانون انجام وظیفه می نمایند
- دادستان استان
procureur général, avocat général
۷۲م. ق. ت. م. ج
- دادستان استیناف
procureur général près de la cour d'appel
دادستان انتظامی قضات
- دادستان انتظامی مالیاتی / دادستان هیئت عالی انتظامی مالیاتی
rapporteur au Conseil supérieur de la magistrature
۳۴م. ا. ت. ر
- دادستان انتظامی مالیاتی / دادستان هیئت عالی انتظامی مالیاتی
rapporteur à la commission supérieure de l'impôt
۶۳م. ق. م. د
- دادستان انتظامی وکلای دادگستری
rapporteur au conseil supérieur de l'Ordre des avocats
۵۳م. آ. ک. و
- دادستان بدایت / دادستان شهرستان
procureur de la République, Parquet
دادستان دادگاه انتظامی
rapporteur au Conseil disciplinaire
۵۱م. ق. ر. ا
- دادستان دادگاه بدوی اداری
rapporteur au Conseil disciplinaire d'une administration
۲۴م. آ. د. ا
- دادستان دادگاه تجدیدنظر اداری
rapporteur près la juridiction d'appel d'une décision du Conseil
disciplinaire d'une administration

- procureur près d'un tribunal de droit commun دادستان دادگاه دادگستری ۵۵۲. آ. د. م
- procureur général, Parquet général دادستان دیوان تجدید نظر ۴۰۲. ق. ر. ا
- Parquet militaire, Parquet des tribunaux des forces armées en temps de guerre دادستان دیوان تجدید نظر زمان جنگ ۷۱۲. ق. ر. ا
- procureur général près la Cour de cassation دادستان دیوان کشور ۵۵۲. آ. د. م
- procureur près d'un tribunal répressif de la fonction publique دادستان دیوان کیفر ۴۲. ق. ت. د. ک
- rapporteur à la Cour des comptes دادستان دیوان محاسبات
- Parquet, procureur près du tribunal d'instance دادستان شهرستان
- procureur impérial, procureur royal, دادستان شهرستان در کشور شاهنشاهی
- procureur de la République دادستان شهرستان در کشور جمهوری
- دادستان کل / دادستان دیوان عالی کشور
- procureur général près de la Cour de cassation ۵۷۲. آ. د. م
- procureur local, procureur ayant compétence territoriale دادستان حمل
- Parquet militaire دادستان نظامی
- دادستانی / اداره مدعیان عمومی
- ministère public, magistrats du ministère public دادسرا
- Parquet, ministère public ۱۹۲. ق. م. ع
- Parquet général دادسرای استان / دادسرای استیناف
- دادسرای انتظامی قضات
- commission d'enquête du Conseil supérieur de la magistrature ۳۳۲. ا. ت. ع
- دادستان انتظامی وکلای دادگستری
- rapporteur au Conseil de l'Ordre des avocats بخش پنجم. آ. ک. و

ministère public, Parquet	دادسرا
ministère public près la cour d'appel, Parquet général	دادسرای استان
ministère public à la Cour de cassation, Parquet général	دادسرای دیوان عالی کشور
rapporteur à la Cour des comptes	دادسرای دیوان محاسبات
ministère public près le tribunal de grande instance	دادسرای شهرستان
petit Parquet	دادسرای ناحیه
tribunal	دادگاه
tribunal d'exception	دادگاه اختصاصی
commission des impôts directs	دادگاه اختصاصی اداری مالیات مستقیم
Conseil disciplinaire	دادگاه اداری / دادگاه انتظامی مستخدمان اداره
tribunal de grande instance	دادگاه استان
cour d'appel, juridiction du second degré	دادگاه استیناف
tribunal pour enfants	دادگاه اطفال
tribunal du domicile du demandeur	دادگاه اقامتگاه خواهان
tribunal du domicile du défendeur	دادگاه اقامتگاه خوانده
commission disciplinaire	دادگاه انتظامی
police judiciaire militaire	دادگاه انتظامی ارتش
(V. C. just. mil. art. 84 à 100)	
قانون رسیدگی بجرائم افسران و پاسپانان شهربانی ۱۳۴۳	

conseil supérieur de la magistrature	دادگاه انتظامی قضات
	۲۷۲. ا. ت
section disciplinaire du conseil de l'Ordre	دادگاه انتظامی وکلای دادگستری
	بخش پنجم. آ. ک. و
tribunaux permanents des forces armées en temps de guerre	دادگاه انضباطی اردوهای نظامی زمان جنگ
(V. art. 35 à 39 C. just. mil.)	
	۸۳. ق. د. ا
tribunaux militaires aux armées	دادگاه انضباطی آرتش در مناطق اشغالی
(V. art. 40 à 49 C. just. mil.)	
	۸۶. ق. د. ا
tribunal de commerce	دادگاه بازرگانی
juridiction collégiale	دادگاه با قضات متعدد
instance supérieure, juridiction supérieure	دادگاه بالاتر
tribunal d'instance, tribunal de grande instance	دادگاه بدایت
	دادگاه بخشی
tribunal de première instance, justice de paix, tribunal cantonal	
	۱۵. آ. د. م
juridiction du premier degré	دادگاه بدوی
	۳۹. ق. د. ا
	دادگاه بدوی اداری
commission disciplinaire administrative de première instance	
	۲۲. آ. د. ا
juridiction internationale	دادگاه بین‌المللی
Cour internationale de justice	دادگاه بین‌المللی دادگستری
	۱. ق. دیون
cour d'appel, juridiction du second degré	دادگاه تجدید نظر
	۳۹. ق. د. ا
commission des appels disciplinaires	دادگاه تجدید نظر اداری
	۲۲. آ. د. ا
	دادگاه تجدید نظر انتظامی قضات
juridiction d'appel du Conseil supérieur de la magistrature	
	۱. ۳. ا. ت. ر

tribunaux répressifs, juridictions pénales	دادگاه جزائی
	۱۳۴. آ. د. ک
juridiction répressive internationale	دادگاه جزای بین‌المللی
cour d'assises	دادگاه جنائی
	۲۴. ق. م. ج
tribunal correctionnel	دادگاه جنحه
	۳۰۵. آ. د. ک
	دادگاه جهانی / دادگاه بین‌المللی لاهه
Cour internationale de justice de La Haye	
tribunal statuant sur le fond	دادگاه حاکمه / دادگاه حکم‌دهنده
	۳۱۴. آ. د. م
tribunal civil	دادگاه حقوقی
	۱۳۴. آ. د. ک
tribunal arbitral	دادگاه حکمیت / دادگاه داوری
tribunal arbitral mixte	دادگاه حکمیت مختلط
tribunal des conflits	دادگاه حل اختلاف
	۴۸۴. آ. د. م
tribunal d'exception, juridiction d'exception	دادگاه خاص / دادگاه اختصاصی
tribunal de police, tribunal de simple police	دادگاه خلاف
	۲۰۸. آ. د. ک
cour permanente d'arbitrage	دادگاه داوری دائمی بین‌الملل
tribunal permanent des forces armées	دادگاه دائمی نظامی
	ق. د. ا - ۱. قانون راجع به صلاحیت دادگاههای دائمی نظامی ۱۳۲۸
tribunal de droit commun	دادگاه دادگستری
	۱۴. آ. د. م
tribunal arbitral	دادگاه داوری / دادگاه حکمیت
curia regis, haute justice	دادگاه درباری
tribunal maritime	دادگاه دریائی
	۱۸۸. ق. دریائی
tribunal de l'Etat contractant	دادگاه دولت متعاقد
	۷. قرارداد بین‌المللی تجدید مسئولیت صاحبان کشتی‌های دریایی

- Cour martiale pendant l'état de siège دادگاه زمان حکومت نظامی
۱م. قانون دادگاههای حکومت نظامی ۱۳۲۱
- tribunal d'instance, justice de paix, tribunal de simple police دادگاه سازش / دادگاه بخش
juridiction itinérante دادگاه سیار
- tribunal religieux (ayant à traiter des affaires intéressant la religion, et selon des règles religieuses) ۱م. ق. ت. د. س.
دادگاه شرع
- tribunal de grande instance, tribunal de première instance ۱م. ق. م. ش.
دادگاه شهرستان
- juridiction compétente pour nommer le tuteur ۱۵م. ا. د. م.
دادگاه صالح برای نصب قیم
- tribunaux militaires aux armées (V.C. just. mil. art. 40 s.) ۱۳۷م. ق. ح. خ.
دادگاه صحرایی نظامی
- tribunal compétent, juridiction compétente دادگاه صلاحیتدار
۳۱م. آ. د. م.
- tribunal d'instance, justice de paix, tribunal de police دادگاه صلح/دادگاه بخش
- tribunal de droit commun دادگاه عادی
- tribunal permanent des Forces armées en temps de paix دادگاه نظامی عادی
۱۹م. ق. د. ا.
- Cour, Cour suprême دادگاه عالی/دیوانعالی
- juridiction du deuxième degré, cour d'appel دادگاه عالی/دادگاه بالانر
- Conseil supérieur de la magistrature دادگاه عالی انتظامی قضات
۳۲م. ا. ت. د.
- juridiction d'appel du Conseil supérieur de la magistrature دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات
۲م. ق. ر. ت. ا. د. ع. ا. ق.
- juridiction destinée aux nomades دادگاه عشایر
ماده واحد قانون راجع به امور قضائی عشایر و ایلاتی که اسکان میشوند
- tribunal de droit commun دادگاه عمومی/دادگاههای دادگستری
- tribunal d'exception دادگاه غیردادگستری
۵۴م. آ. د. م.

دادگاه فوق‌العاده	۲۲۲
دادگاه فوق‌العاده	tribunal d' exception
دادگاه قانونی	tribunal légalement constitué
دادگاه قضائی	tribunal de l' ordre judiciaire
دادگاه کیفری	tribunal répressif, juridiction répressive, tribunal correctionnel
	۱۰۱م. آ. د. ک
دادگاه کیفری بین‌المللی	juridiction répressive internationale
دادگاه ماهیتی	juridiction contentieuse
دادگاه مجلس‌اعیان	Haute Cour de justice
دادگاه مختلط	tribunal mixte
	۶۰م. ق. دیوان محاسبات
دادگاه مختلط دعاوی	juridiction contentieuse mixte
	قسمت D. ق. دیون
دادگاه نظامی	tribunal militaire
	۲۹۶م. ق. د. ا
دادگاه نظامی بین‌المللی	tribunal militaire international
دادگاه نظامی زمان جنگ	tribunal des Forces armées en temps de guerre
	۲م. ق. د. ا
دادگاه نظامی موقت	tribunal militaire aux armées
	۱۹م. آ. ق. ح. ن
دادگاه نقض و ابرام	Cour de cassation
دادگاه‌های دائمی نیروهای مسلح	tribunaux permanents des Forces armées
دادگاه‌های تالی	
دادگاه‌های حکمیت	juridictions du premier degré, tribunaux de première instance
	cours d' arbitrage
	۵م. قرارداد اقامت و دریانوردی ایران و فرانسه
دادگاه‌های دادگستری	tribunaux de droit commun
	۱۰۱م. آ. ر. م
دادگاه‌های کانتون	tribunaux cantonaux, justices de paix
دادگاه‌های کیفری	juridictions répressives, tribunaux correctionnels

- دادگاهها ماهوی/دادگاههایی که واردماهیت دعوی می‌شوند
tribunaux contentieux, juridictions contentieuses
- دادگاههای مدنی
tribunaux civils, juridictions civiles
- دادگاه همگانی دیوان محاسبات
chambres réunies de la Cour des comptes
۶۳۲. ق. د. م
دادگاهی که بدو به آن رجوع شده/دادگاهی که حق رسیدگی نداشت و به آن رجوع شده
tribunal saisi sans objet
۶۴. ق. ا. خ
دادگاهی که بدو به آن رجوع شده/دادگاه‌های تالی
juridiction du premier degré
- دادگاهی که نمایندگان طرفین دعوی به تساوی در آن شرکت دارند
tribunaux paritaires (tels les tribunaux appelés à statuer sur les litiges ruraux ou locatifs)
- دادگاهی که هنگام تعطیلات سالیانه قضات به دعاوی رسیدگی میکند
chambre de vacations
- دادگری
statuer, juger, rendre la justice
- دادگستری/ کاخ دادگستری
palais de justice
۱۴. آ. د. م
دادگستری بین‌المللی/دادگاه بین‌المللی دادگستری
Cour internationale de justice
- دادنامه
demande introductive d'instance, requête, cédule
۱۵۸۲. آ. د. م
دادنامه پژوهشخواسته
acte d'appel, demande introductive en appel
- دادنامه تشخیص فاضل حساب
demande en redressement de compte
۱۶۲. ق. د. م
دادنامه تشخیص مانده حساب
demande en redressement de compte
۱۶۲. ق. د. م
دادنامه تصحیحی
demande introductive rectifiée
- دادنامه دادگاه مختلط
demande introductive devant le tribunal mixte
۶۰۲. ق. د. م

demande introductive corps non présent	دادنامه غیابی ۴۵م. ق. د. م
demande introductive d'instance incomplète	دادنامه غیرمعیّن
mémoire ampliatif	دادنامه فرجامخواسته
acte introductif d' instance	دادنامه قطعی رسمی ۱۱م. ق. متعمم بودجه. س ۱۳۲۱
opposition à jugement par défaut	دادن دادخواست اعتراض نسبت به حکم غیابی ۱۷۵م. آ. د. م
voter, émettre un suffrage	دادن رأی ۱۵م. ق. ا. س
corrompre un fonctionnaire, soudoyer un fonctionnaire, acheter un fonctionnaire	دادن رشوه
délivrer un faux certificat médical	۱۴۳م. ق. م. ع دادن سواهی تندرستی برخلاف واقع ۵م. ق. ل. ا. گ. پ
accorder un délai, reporter	دادن مهلت ۶۱۸م. آ. د. م
complicité de faux par remise de sa carte d' identité à autrui	دادن ورقه هویت خود به دیگری ۱۵م. ق. و. ا. ا. خ
commerce, négoce, transaction	داد و ستد ۳۳۹م. ق. م
commerce d' effets mobiliers, transactions sur les valeurs mobilières, bourse de valeurs	داد و ستد اوراق بهادار تجارتی ۳۳۹م. ق. م
négoce des effets publics	داد و ستد اوراق بهادار دولتی ۳۳۹م. ق. م
marché d'esclaves, traite des noirs	داد و ستد بردگان ۴م. ا. ح. ب

transactions commerciales, négoce	داد و ستد تجارتي
	۷۲. ق. ت
commerce international	داد و ستد جهاني/تجارت جهاني
tumulte, esclandre, éclat, cris, bruit	داد و فرياد
	۱۳۶م. آ. ا. ث
données, prémisses	داده/معلومات
donné, remis, offert	داده/عرضه شده/داده شده
	داديار
substitut du procureur général, magistrat du ministère public, magistrat du Parquet général	۵۵م. ا. ت. ر
représentant du ministère public	داديار اداري
substitut du procureur	داديار اظهار نظر
premier substitut à la Cour de cassation	داديار اول ديوان کشور
substitut du procureur chargé de l'instruction	داديار تحقيق
substitut du procureur général près la cour d'appel	داديار دادسرای استان
	داديار دادسرای انتظامی قضات
substitut du procureur au conseil de discipline des magistrats, rapporteur	۳۷م. ا. ت. د
	داديار دادسرای شهرستان
substitut du procureur de la République près le tribunal de grande instance	داديار دادگاه اداری/داديار دادگاه انضباطی
substitut du procureur près la commission disciplinaire	۲۴م. آ. د. ا
avocat général à la Cour de cassation	داديار ديوان کشور
	م. اول. س. ق
avocat général, procureur général	داديار قضائي/ وکیل عمومي
juge chargé de l'exécution des peines	داديار ناظر زندان
	تبصره ۵. م. و. ق. ر. آ. م. ز
gibet, potence, poteau d'exécution	دار/چوبه دار

biens, avoir, patrimoine	دارائی
	۶۵۳م. ق. م
bien particulier, bien déterminé, bien certain	دارائی اختصاصی
avoir en devises	دارائی ارزی
	۲۱۲. ق. ب. پ
stock, actif social	دارائی تجارتی
avoir net	دارائی خالص
avoir personnel, bien privé	دارائی شخصی
actif social, patrimoine de la société, biens sociaux	دارائی شرکت
	۱۱۶م. ق. ت
biens de l'enfant	دارائی طفل
biens publics, domaine public	دارائی عمومی
	دارائی غایب را به تصرف ورثه دادن
envoi en possession des biens de l'absent (V. art. 112 et 129 C. civ.)	
	۱۰۲۵م. ق. م
immeuble, bien immobilier	دارائی غیر منقول
	۹۰م. ق. ت
avoirs des fonctionnaires, biens des agents publics	دارائی مأمورین
	۱۰۲۵م. ق. ر. د. و. م
biens du de cujus, patrimoine successoral, actif successoral	دارائی متوفی
	۵۲. ق. م. ا. ن. ا. ع
avoir net	دارائی مثبت
biens personnels de l'associé	دارائی مجزی از دارائی شرکاء
biens du condamné	دارائی محکوم
biens du débiteur	دارائی مدیون
	۶۵۳م. ق. م
biens communs, actif de la communauté	دارائی مشترک
passif, biens grevés	دارائی منفی
meuble, bien immobilier	دارائی منقول
	۹۰م. ق. ت
droits incorporels	دارائی نامرئی
	۲۹۲. ا. ش. س. چ. و. ا

biens personnels des ministres	دارائی وزراء/دارایی شخصی وزیران ق. ر. د. و. م
fraction du capital social représentée par des actions nominatives	دارائی ویژه شرکت از روی مظنه سهام شرکت
jouir d'un droit	دارا بودن حقوق / حق داشتن ۹۵۶م. ق. م
	دارالتأديب
établissement d'éducation surveillée, maison de rééducation, maison de redressement	۲۲م. ق. ت. ر. ا
maison de commerce	دارالتجاره ۸م. قرارداد بازرگانی ایران و بلژیک
enrichissement sans cause	داراشدن بلاجهت
enrichissement sans cause	داراشدن غیرعادلانه
assemblée, réunion, groupement	دارالشوری
Assemblée nationale, Chambre des députés	دارالشوری ملی ۱۲م. ق. ت. ا. و. س ۱۳۲۵ قمری
Chambre de l'industrie	دارالصنایع ۸م قرارداد بازرگانی ایران و بلژیک
salle de rédaction	دارالانشاء ۶م. ق. ا. ا. ت. ع
siège du commandement	دارالحکومه م. و. ق. و. ا. ا. ر. ب. س ۱۳۰۷
siège du califat	دارالخلافة اصل ۴۹. ق. ا
maison de santé, asile d'aliénés	دارالمجانین اصل. و. ق. م. ح. م. ج
foyer pour les indigents, soupe populaire	دارالمساکین
cabinet d'avocat	دارالوکاله آ. ق. و. فصل چهارم -- در تکاسیف و تشکیلات دارالوکاله
enrichir	دارا نمودن / مالدارکردن

avoir tous pouvoirs, être omnipotent, avoir pleins pouvoirs
دارای اختیار تام
jouir de la capacité
دارای اهلیت

۹۵۶م. ق. م

repris de justice, récidiviste
دارای سابقه محکومیت جزائی
pendre, pendaison, exécution par pendaison
دار زدن

distillateur, bouilleur de cru
دارندگان آلات تقطیر مشروبات

۱۰م. ق. م. ب. س ۱۳۱۶

distillateur, bouilleur de cru
دارندگان ادوات تقطیر مشروبات

۱م. ق. م. ب. س ۱۳۱۶

دارندگان امتیاز روزنامه و مجله

propriétaire de quotidien ou de revue (périodique).

۲۷م. ق. مطبوعات

actionnaires, porteurs de parts
دارندگان سهام شرکت

détenteur de fausses bandes de garantie
دارنده باندرل قلب

۴۸م. ق. ا. س ۱۳۱۲

porteur de lettre de change
دارنده برات

۲۳۲م. ق. ت

détenteur de contrat de gage
دارنده برک وثیقه

۱۴م. آ. ا. ع

porteur du chèque
دارنده چک

۱م. ق. ج. س ۱۳۳۷

titulaire d'une fonction officielle
دارنده سمت رسمی

porteur non identifié d'un document
دارنده مجهول سند/دارنده ناشناس سند

۳۲۴م. ق. ت

دارنده وثیقه/کسی که در مقابل طلبش از مدیون وثیقه دارد

bénéficiaire d'une dette cautionnée, créancier bénéficiant d'une garantie

۸م. آ. ا. ع

breveté, titulaire d'un brevet d'invention
دارنده ورقه اختراع

۳۹م. ق. ث. ع

médicament, remède, drogue, produit pharmaceutique
دارو

۱۸م. ق. م. ا. ب. ر. م. خ. آ

pharmacien, apothicaire	داروساز
docteur en pharmacie tenant officine	داروسازان خرده فروش
pharmacien, docteur en pharmacie	داروشناس
pharmacologie	داروشناسی
concierge, gardien, shérif	داروغه/کلانتر
somnifères, soporifiques	داروهای خواب آور و بیهوشی
stupéfiants	داروهای مخدر
	داروهای اختصاصی/دارویی که تابع مقررات خاص است
médicament faisant l'objet d'une réglementation spéciale	۱۳۴. ق. ا. پ
médicament anti—opiomanie	داروی ترک تریاک
	۷۲. آ. م. ک. خ
médicament frelaté	داروی تقلبی
	۱۸۲. ق. ا. پ
substance toxique d'origine animale	داروی سمی حیوانی
substance d'origine synthétique	داروی سمی شیمیائی
substance toxique d'origine végétale	داروی سمی نباتی
substance périmée, médicament hors de date, médicament avarié	داروی فاسد
	۱۸۲. ق. ا. پ
médicament toxique	داروی مسموم
	دارویی که مدت استعمال آن گذشته است
médicament périmé, médicament hors date	داستانی و افسانه آمیز
mythe, légende, fiction, affabulation, création imaginaire	
mobile, motif, cause	داعی/داعیه
cause de l' infraction	داعی ارتکاب جرم
motif avouable, juste motif	داعی شرافتمندانه
cause du contrat, but de la transaction	داعیه معامله
fléirir, marquer d'un fer rouge	داغ/داغ کردن
exclure, rejeter	داغ باطله زدن

flétrissure des criminels, marque au fer rouge	داغ بر بدن محکوم
flétrissure, marque au fer rouge	داغ کردن مجرمان با آهن گداخته
couloir, passage couvert, rue couverte	دالان
passage privé, couloir privé	دالان خصوصی
	۵۵۴. ق. ش
tenancier d'un caravansérail	دالاندار
	دالانداری
droit de passage et de séjour au caravansérail, coût de l'hébergement au caravansérail	
passage public couvert, galerie	دالان عمومی
	۵۵۴. ق. ش
bête sauvage inoffensive, animal domestique	دام/حیوان
	۱۹۴. ق. ج. م. ک
piège, chausse-trape, embûche, guet-apens	دام/کله
gendre, beau-fils	داماد
éleveur	دامپرور
	۱۰۹۴. ق. م. د
élevage	دامپروری
	۱۰۹۴. ق. م. ر
vétérinaire	دامپزشک
médecine vétérinaire, art vétérinaire	دامپزشکی
	دام مجرمانه
traquenard, piège, ruse, embûche, guet-apens, chausse-trape	
	دامیه/یکی از اقسام جروح از نظر فقهی
fracture ouverte du crâne, plaie béante au crâne	
élève, écolier, lycéen, collégien	دانش آموز
étudiant	دانشجو
	۳۴. ق. ا. ا. ر. س
brillant élève	دانشجوی ممتاز/ شاگرد ممتاز
	۳۴. ق. ا. ا. ر. س
école normale	دانشسرا

دور اختصاصی	۲۵۳
Ecole normale supérieure	دانشرای عالی
école normale primaire	دانشرای مقدماتی
faculté	دانشکده
université	دانشگاه
université d'Etat	دانشگاه دولتی
savant, érudit, expert, docte, homme de science, scientifique, diplôme	دانشمند دانشنامه
dictionnaire juridique, lexique de droits	دانشنامه حقوقی
diplôme de doctorat	دانشنامه دکتری
diplôme de licence	دانشنامه لیسانس
maître assistant	دانشیار
unité de mesure égale à deux cinquièmes de gramme	دانق/مساوی دوپنجم گرم
sixième d'un bien immeuble, quote-part du sixième	دانگ/یک ششی یک غیر منقول
co—propriété par millièmes	دانگی/املاک دانگی
graine, semence	دانه
arbitre	دور
arbitre privé, arbitre de l'une des parties	دور اختصاصی

arbitres internationaux	داوران بین‌المللی
troisième arbitre choisi d'un commun accord entre les parties	داور ثالث
	۶۴۰م. آ. د. م
arbitre rapporteur	داور در امور بازرگانی/کارشناس در امور بازرگانی
arbitre au commerce	داور در امور بازرگانی
arbitre démissionnaire	داور مستعفی
	۶۴۹م. آ. د. م
	داور مشترك
troisième arbitre choisi d'un commun accord entre les parties	
	۶۴۵م. آ. د. م
arbitre défaillant, arbitre n'émettant pas son avis	داور ممتنع از دادن رأی
	۶۵۰م. آ. د. م
arbitre unique	داور واحد
arbitrage	داوری
	۶۳۲م. آ. د. م
	داوری اتفاقی/توافق اصحاب دعوی به داوری
clause compromissoire insérée au contrat	
arbitrage forcé, arbitrage obligatoire	داوری اجباری
	داوری اجباری مطلق/مواردی که حل اختلاف به موجب قانون اجباری است
arbitrage imposé par la loi	
	۳۰۵م. ق. ص
	داوری اجباری نسبی/داوری اجباری نسبت به يك طرف
arbitrage prévu par la loi pour une partie	
	۳۱۵م. ق. ص
	داوری اختیاری
recours volontaire à l'arbitrage, recours facultatif à l'arbitrage	
arbitrage prévu par clause compromissoire	داوری به تراضی
	۶۳۳م. آ. د. م
arbitrage du tribunal	داوری به وسیله دادگاه
arbitrage du chef de l'Etat	داوری به وسیله رئیس‌کشور
arbitrage d'une commission mixte	داوری به وسیله کمیسیون مختلط

arbitrage international	داوری بین‌المللی
cour permanente d'arbitrage	داوری دائمی بین‌المللی
	داوری سرحدی/حل اختلاف مرزی به وسیله داوری
règlement d'un différend frontalier par recours à l'arbitrage	
arbitrage prévu par une clause compromissoire	داوری قرار دادی
	۶۳۳م. آ. د. م
	داوری يك يا چند نفر
clause compromissoire, arbitrage d'un ou plusieurs arbitres	
	۶۳۳م. آ. د. م
volontaire, candidat, postulant, aspirant	داوطلب
candidat au notariat	داوطلب سردفتری
	داوطلب عضویت شورای داوری
candidat aux fonctions de juge dans les juridictions traitant des petits litiges urbains, appelées «Conseils d'arbitrage»	
	۹م. ق. ش. د
candidature	داوطلبی
	۱۴م. ق. ش
candidature à l'élection au conseil municipal	داوطلبی عضویت انجمن شهر
	۱۴م. ق. ش
en cours de fonctionnement, en marche	دایر/آباد
installer, mettre en marche	دایر کردن
installer un moulin, actionner un moulin	دایر کردن آسیا
	۱۰۱م. قانون مدنی
	دایر کردن پیاله فروشی برای استعمال مشروبات الکلی
ouverture d'un débit de boissons alcoolisées	
	۲۷۵م. ق. م. ع
ouverture d'une fumerie d'opium	دایر کردن شیره کشخانه
	۲۷۵م. ق. م. ع
	دایر کردن فاحشه خانه
ouvrir une maison de tolérance, tenir une maison de tolérance	
	۲۱۱م. ق. م. ع

ouverture d'un débit de boissons excitantes	دایر کردن محل برای استعمال بنگ
ouverture d'un débit de boissons excitantes	دایر کردن محل برای استعمال چرس
ouverture d'un établissement fournissant des stupéfiants	دایر کردن محل برای استعمال مواد مخدر
cercle, réunion, assemblée	دایره
cabinet d'instruction	دایره استنطاق
bureau d'état—civil	دایره سجل احوال
créancier, créiteur	داین / بستانکار / طلبکار
créancier privilégié	داین با حق رجحان
créancier privilégié	داین با مطالبات ممتاز
créancier chirographaire	داین بدون وثیقه
créancier privilégié	داینی که حق تقدم دارد
créancier hypothécaire	داینی که رهینه غیر منقول دارد
créancier gagiste	داینی که رهینه منقول دارد
nourrice	دایه
postérieur, derrière, arrière—train, anus	دبر / عقب
école, établissement scolaire	دبستان
école primaire	دبستان ابتدایی
professeur de lycée	دبیر / معلم دبیرستان
secrétaire	دبیر / منشی
secrétariat	دبیرخانه

secrétariat des Nations Unies	دبیر خانه سازمان ملل متحد
secrétariat des commissions législatives	دبیر خانه کمیسیونهای تهیه قوانین
	۴۲. ا. ت. ع
lycée, établissement d'enseignement secondaire	دبیرستان
lycée d' Etat	دبیرستان دولتی
secrétaire d' ambassade	دبیر سفارت
secrétaire général	دبیر کل
secrétaire général d' un parti	دبیر کل حزب
secrétaire général d' un syndicat	دبیر کل سندیکا
	س. ۲۰۹. م. ق. س. ۱۳۴۳
	دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور
secrétaire général de l'organisation d'Etat pour l'administration et la fonction publique	
	۱۰۵. ا. ک. ق.
secrétaire général des Nations Unies	دبیر کل سازمان ملل متحد
	۱۰۲. م. م. م.
secrétariat	دبیری/منشی گری
	دخالت/عملی است که بموجب آن دولتی بدون حق در امور داخلی یا خارجی دولت دیگری
intervention, immixtion, ingérence	اعمال نظر می کند
intervention collective	دخالت اجتماعی/دخالت جمعی
pression sociale	دخالت اجتماعی/ فشار اجتماعی
	دخالت اشخاص ثالث در دادرسی
immixtion de tiers dans les affaires de justice	
intervention dans une procédure (V. C. proc. civ. art. 339 s.)	
tierce-opposition	دخالت اشخاص ثالث در دادرسی
intervention individuelle	دخالت انفرادی
intervention forcée dans une procédure	دخالت بالاجبار در دعوی
	دخالت بالاخیار در دعوی/دخالت ثالث در دادرسی
intervention dans une procédure (V.C. proc. civ. art. 339s.)	
	دخالت در اسباب چینی با دولتهای بیگانه برای تولید عداوت و جنگ در کشور
collaboration avec l' ennemi, participation à la commission d'un délit contre l' Etat	
	۲۰۲. آ. ق. ح. ن.

- دخالت در امر حمل و نقل مراسلات/دخالت غیر مجاز در امر حمل و نقل مراسلات
intervention illégale dans les services des postes et télécommunications
- دخالت در امور اداری/دخالت غیر مجاز در امور اداری
ingérence dans les affaires administratives
- دخالت در امور داخلی/دخالت کشوری در امور داخلی کشوری دیگر
immixtion d'un Etat dans les affaires intérieures d'un autre Etat
- دخالت در امور خارجی/دخالت کشوری در امور خارجی کشور دیگر
immixtion d'un Etat dans les affaires politiques d'un autre Etat
- دخالت در امور غیر/دخالت غیر مجاز در کارهای دیگران
ingérence dans les affaires privées, indiscretion
- دخالت در امور مالی/دخالت يك کشور خارجی در امور مالی کشور دیگر
immixtion d'un Etat dans les affaires financières d'un autre Etat
- دخالت در امور محاکم عدلیه/دخالت غیر مجاز در امور محاکم عدلیه
intervention illégale dans les affaires judiciaires
- ۱۳۰۲.ق.م.ع
- دخالت در دعوی/ دخالت شخص ثالث در دعوی
former une tierce opposition, intervention dans une procédure
- دخالت در مسائل قضائی/ دخالت قضائی کشوری در کشور دیگر
immixtion d'un Etat dans les affaires judiciaires d'un autre Etat
- فصل ۴. عهدنامه مودت ایران و افغانستان
- دخالت دوستانه/ میانجی گری يك دولت برای دولت دیگر
proposer ses bons offices, opérer une médiation
- دخالت سیاسی/دخالت سیاسی کشور در کشور دیگر
immixtion politique d'un Etat dans les affaires d'un autre Etat
- دخالت شخص ثالث در دعوی
intervention d'un tiers dans une procédure, former une tierce opposition
- دخالت عمال محلی در سفینه
contrôle de l' Etat riverain sur le navire
- دخالت مسلح/دخالت مسلح يك کشور در کشور دیگر
intervention armée d'un Etat sur le territoire d'un autre Etat
- دخالت مشروع/دخالت مشروع کشوری در کشور دیگر
intervention légitime d'un Etat dans les affaires d'un autre Etat

دخالت مطلق/سلطه کشور در کشور دیگر

domination d'un Etat sur un autre Etat, protectorat, empire colonial

دخالت نامشروع/دخالت نامشروع کشوری در کشور دیگر

immixtion illégitime d'un Etat dans les affaires d'un autre Etat

intervention unilatérale

دخالت یکطرفه

دخالت يك کشور یا يك سازمان بین‌المللی در کاری که از حدود صلاحیت آنها خارج است

immixtion d'un Etat ou d'un organisme international dans un domaine outrepasant sa compétence

tabacs

دخانیات

filles

دختر

۸۹۷۲. ق. م

fille vierge

دختر باکره

۲۰۷۲. ق. م. ع

cousine (fille de la soeur de la mère)

دختر خاله/دختر خواهر مادر

دختر خاله ابوینی / دختر خواهر از يك پدر و مادر مادر

cousine (fille de la soeur germaine de la mère)

دختر خاله ابی/دختر خواهر پدری مادر

cousine (fille de la demi—soeur consanguine de la mère)

دختر خاله امی/دختر خواهر مادری مادر

cousine (fille de la demi—soeur utérine de la mère)

cousine (fille du frère de la mère)

دختر دایی/دختر برادر مادر

دختر دایی ابوینی / دختر برادر از يك پدر و مادر مادر

cousine germaine (fille du frère germain de la mère)

دختر دایی ابی/دختر برادر پدری مادر

cousine (fille du demi—frère consanguin de la mère)

دختر دایی امی/دختر برادر مادری مادر

cousine (fille du demi—frère utérin de la mère)

filles majeures vierges

دختر رشیده باکره

filles majeures déflorées

دختر رشیده ثیبه/ دختر رشیده غیر باکره

filles du premier lit de la femme اندر دختران/ربیه/دختران

cousine germaine (fille du frère du père)

دختر عمو/دختر برادر پدر

دختر عموی ابوینی/ دختر برادر از يك پدر و مادر پدر	
cousine germaine (fille du frère germain du père)	
دختر عموی ابی/ دختر برادر پدری پدر	
cousine (fille du demi-frère consanguin du père)	
دختر عموی امی/ دختر برادر مادری پدر	
cousine (fille du demi-frère utérin du père)	
دختر عمه/ دختر خواهر پدر (cousine germaine (fille de la soeur du père)	
دختر عمه ابوینی/ دختر خواهر از يك پدر و مادر پدر	
cousine germaine (fille de la soeur germaine du père)	
دختر عمه ابی/ دختر خواهر پدری پدر	
cousine (fille de la demi-soeur consanguine du père)	
دختر عمه امی/ دختر خواهر مادری پدر	
cousine (fille de la demi-soeur utérine du père)	
cousine germaine (fille de la soeur de la mère)	دختر خاله
infanticide	دختر کشی
profit, bénéfice, revenu, intérêt	دخل/ استفاده
caisse, endroit où l'on paie	دخل
م واحد. اجازه پرداخت يك دوازدهم بودجه. س ۱۳۰۶	
vol dans la caisse, détournement d'avoir	دخل زنی
coït, copulation	دخول/ جماع
م ۹۴۵. ق م	
دخول در ملك محصورى كه در تصرف غير است به قهر و غلبه	
violation de la propriété d'autrui	
م ۲۶۵. ق. م. ع	
violation de domicile	دخول در منزل غير
se mêler, s'immiscer, s'ingérer, s'introduire indûment	دخيل/ دخالت داشتن
بند د. اسانامه صندوق بين المللى يول	
porte, portail	در
portail	دروازه
م ۱۳۳. ق م	
embrasser, étreindre, tenir embrassé	در آغوش كشیدن
revenu, recette, profit	در آمد

revenu occasionnel, rentrée	درآمد اتفاقی
	۴۶م. ق. م. د
revenu occasionnel en nature	درآمد اتفاقی غیر نقدی
	۴۶م. ق. م. د
revenu occasionnel en espèces	درآمد اتفاقی نقدی
	۴۶م. ق. م. د
revenu provenant de la location, loyers perçus	درآمد اجاری
revenu immobilier, revenu d'un immeuble	درآمد اجاری مستغلات
	۱۱۰م. ق. م. د
recette spéciale, recette d'origine locale	درآمد اختصاصی
	۴۲۱م. ق. م. د ۱۳۴۳
	درآمد اختصاصی يك مؤسسه عام المنفعه
recette particulière d'un établissement d'utilité publique, dotation, subvention, recette d'origine locale	
revenus fonciers	درآمد اراضی / درآمد اراضی کشاورزی
	۶م. ق. م. د. س ۱۳۲۲
revenu nominal	درآمد اسمی
revenu foncier	درآمد املاک
	۱۹م. ق. م. د
revenu du domaine privé de l'Etat	درآمد املاک اختصاصی دولت
revenu du domaine de l'Etat, revenu domanial	درآمد املاک خالصه
	۶م. ق. م. د. س ۱۳۲۲
revenu des terrains agricoles, revenus fonciers	درآمد املاک مزروعی
revenu provenant d'activités lucratives de l'Etat	درآمد انتفاعی دولت
revenu commercial, marge bénéficiaire	درآمد بازرگانی
	۳م. ق. م. د. س ۱۳۲۲
	درآمد برنامه / درآمد حاصل از برنامه سوم
revenu provenant de l'exécution du troisième plan	
	۶م. ق. ب. ع. س. ک

revenu courant, recette courante	درآمد جاری
	۴۹۴. ق. م. د
recettes courantes de l'Etat	درآمد جاری دولت
intérêts du capital, produit du capital	درآمد حاصله از سرمایه
rémunération du travail, salaire, traitement	درآمد حاصله از کار
revenu réel, revenu net	درآمد حقیقی
revenu net	درآمد خالص
	بخش ششم اساننامه صندوق بین‌المللی پول
recette du domaine privé de l'Etat,	درآمد دارائی‌های اختصاصی دولت
recette d'origine locale de l'Etat	
revenu journalier, produit de la journée	درآمد روزانه
revenu annuel	درآمد سالیانه
	۶۴. ق. ا. ق. م. د. س ۱۳۱۷
intérêt du capital, intérêt d'un investissement	درآمد سرمایه
intérêt du capital, intérêt d'un investissement	درآمد سرمایه‌گذاری
revenu normal, recette normale	درآمد عادی
bénéfice bancaire et monétaire	درآمد عملیات بانکی و پولی
revenu public, revenu de l'Etat	درآمد عمومی
	م واحد. ق. ا. پ. ه. ر. آ. س ۱۳۱۷
revenu exceptionnel, rentrée exceptionnelle	درآمد غیر عادی
revenu non imposé	درآمد غیر مالیاتی
revenu exceptionnel	درآمد غیر مستمر
revenu irrégulier	درآمد غیر منظم
produit en nature, revenu en nature	درآمد غیر نقدی
bénéfice inattendu	درآمد غیر مکتسب / درآمد بادآورده
revenu brut	درآمد غیر ویژه
	۳۴. ق. م. د. س ۱۳۲۲
revenu éventuel	درآمد فرضی / درآمد احتمالی
intérêt de l'emprunt public	درآمد قروض عمومی
revenu agricole	درآمد کشاورزی
	۴۴. ق. م. د. س ۱۳۲۲
rente viagère	درآمد مادام‌العمر

revenu foncier	درآمد مالکانه
	۱۰م. ق. م. د. س ۱۳۳۵
revenu global	درآمد مرکب/ درآمد کلی
revenu particulier	درآمد مستقل/درآمد خاص
revenu normal de l' Etat	درآمد مستمر دولت
	درآمد مشاغل/درآمد کار
salaire, traitement, revenu tirant sa source du travail	
	۵۷م. ق. م. د. س ۱۳۴۵
revenu imposable des sociétés anonymes	درآمد مشمول مالیات
	۱۲م. ق. م. د. س ۱۳۲۲
	درآمد مشمول مالیات شرکتهای سهامی
revenu imposable des sociétés anonymes	
	۱۰م. ق. م. د. س ۱۳۲۲
	درآمد مشمول مالیات شرکتهای غیر سهامی
revenu imposable des sociétés autres que les sociétés anonymes	
	۱۱م. ق. م. د. س ۱۳۲۲
revenu de base	درآمد مقدماتی
revenu de base fixe	درآمد مقطوع
	۱۰م. آ. م. د. س ۱۳۱۷
revenu national	درآمد ملی
revenu brut	درآمد ناویژه
revenu décroissant, revenu en baisse	درآمد نزولی
	۸۶م. ق. م. د. س ۱۳۰۳
revenu en espèces, produit en espèces	درآمد نقدی
	۳م. ق. م. د. س ۱۳۲۲
source unique de revenu	درآمد واحد
revenu réel, revenu net	درآمد واقعی
recettes et dépenses, pertes et profits	درآمد و هزینه
revenu net	درآمد ویژه
	۳م. ق. م. د. س ۱۳۲۲

revenu net du contribuable	درآمد ویژه مؤدی
	۳۲. آ. م. د. س ۱۳۱۷
dotation des ministères	درآمد های اختصاصی وزارتخانه‌ها
	تبصره يك. ق. بودجه. س ۱۳۴۶
revenus à reporter	درآمد های انتقالی
revenus divers, produits divers	درآمد های متفرقه
arriéré de recettes	درآمد های معوقه
au cours de, durant, pendant, courant	در اثنا / هنگام / در جریان
en cours de procédure	در اثنای دادرسی
au cours d'une bagarre, au cours d'une rixe	در اثنای منازعه
	۱۷۵۲. ق. م. ع
en contre-partie, en échange, en revanche	در ازاء
	۲۶۲. ق. ت
dans les plus brefs délais	در اسرع اوقات
de prime abord, au premier abord, à première vue, a priori	در بادی امر
cour, entourage du roi	در بار
cour du roi	در بار سلطنتی
	م. واحد. ق. م. م. ج. د
pratiquer des ouvertures dans une clôture mitoyenne	در باز کردن به‌خانه همسایه
	۱۳۳۲. ق. م
en totalité, intégralement, complètement, in extenso	در بست
	۲۲. ق. د. س. س. ل. ل
à huis clos, en secret, clandestin, occulte	در بسته
planification budgétaire, préparation du budget	در بودجه منظور داشتن
se faire hospitaliser	در بیمارستان بستری شدن
être en possession de	در تصرف داشتن
insertion des annonces, publications des annonces	درج آگهی
degrés de parenté par alliance	درجات بعد قرابت نسبی
	۱۰۳۲۲. ق. م
grades d'officiers	درجات ثابت افسری
	۱۲۵۰. م. ق. س ۱۳۴۳

rang des créances privilégiées	درجات دیون ممتازه
grades universitaires	درجات علمی رسمی دانشگاه
	س ۱۴۱. ق. س ۱۳۴۳
degrés de parentés	درجات قرابت
degrés de parenté par alliance	درجات قرب قرابت نسبی
	س ۱۰۳۲. ق. م
grades d'aspirant	درجات موقت افسری
	س ۱۲۵. ق. س ۱۳۴۳
grades de l'armée	درجات نظامی افسری :
sous-lieutenant	ستوان سوم
sous-lieutenant	ستوان دوم
lieutenant	ستوان یکم
capitaine	سروان
commandant	سرگرد
lieutenant-colonel	سرهنگ ۲
colonel	سرهنگ
général de brigade	سرتیپ
général de division	سرلشکر
général de corps d'armée	سپهبد
général d'armée	ارتشبد
	درج حکم در جرایم
insertion légale, publication d'un jugement ou d'un avis dans la presse	
	س ۱۰۲. ق. مسئولیت. م
en cours, en cours de circulation, en cours de route	در جریان/رایج
au cours de, durant	در جریان/در زمان/در هنگام
en cours d'audience	در جریان جلسه محاکمه
dans le courant de l'année, durant l'année	در جریان سال
	در جریان محاکمه
durant le procès, dans le courant de la procédure, pendant le jugement, en cours d'audience	

insérer, publier	درج کردن
grade, échelon, rang, place dans la hiérarchie	درجه / پایه
	درجه اجتهاد
degrés d'idjtihad, degrés dans la capacité de créer une règle de droit	۳۳. ق. م. ش
juridiction du deuxième degré, cour d'appel	درجه استینافی رسیدگی بدعوی
	۵۴. ق. ا. م. ح. ت
degrés de validité	درجه اعتبار/میزان اعتبار
être en fonction	درجه اعتبار/در حال فعالیت بودن
	۳۵۴. ق. ث. ع
dissolution de la société	درجه اعتبار ساقط شدن شرکت/انحلال شرکت
	۸۲۴. ق. ت
	درجه بالاتر/مقام بالاتر/رتبه بالاتر
classe supérieure, haut du pavé, échelon supérieur, grade supérieur	درجه بالاتر/دادرسی درجه بالاتر
juridiction du deuxième degré	۲۰۴. ق. د. ا. ر
juridictions du premier degré	درجه بدوی رسیدگی به دعوی
	۶۴. ق. ا. م. ح. ت
juridiction du deuxième degré	درجه پژوهش
	۸۴. آ. د. م
soldat, simple soldat,	درجه تابینی
	۲۱۴. ق. ن. و. س ۱۳۱۷
degrés du délit	درجه جرم
degrés de juridiction	درجه دادگاه
officiers subalternes	درجه دار
	۲۴۴. م. ق. س ۱۳۴۳
grades du notariat	درجه دفتر خانه/درجه دفتر اسناد رسمی
	۴۴. ق. د. ا. ر
échelle Fahrenheit, degrés Fahrenheit	درجه فارنهایت

degré de parenté	درجه قرابت
	۱۰۳۲م. ق. م
degré de parenté constituant un empêchement à mariage	درجه قرابتي که مانع ازدواج است
échelle des peines	درجه مجازات
première instance, premier degré de juridiction	درجه نخستين
	۸۲. آ. د. م
grade militaire	درجه نظامي
	۳م. ق. ا. ق. ق. ا. ت. ن
légalement, dans le cadre de la loi, rentrant dans la légalité, licite, légal,	در چهار چوب قانون
émargement	در حاشیه سند مطلبی نوشتن و امضاء کردن
en difficulté, dans l'embarras	در حال استیصال
	۳۵۰م. ق. ا. ح
en activité	در حال اشتغال
	۲۳م. ر. ب. دا
en cours de liquidation	در حال تصفيه
	۲۰۶م. ق. ا. ق. ت
en voie de formation, devenir	در حال تکوین
en état de cessation de paiements	در حال توقف
	۴۱۲م. ق. ت
proportionnellement à l'apport	در حدود آورده
en présence du juge, devant le juge, par—devers le juge	در حضور دادرس
à l'égard de, en faveur de, pour le compte de	در حق / درباره
	۱۲۷۲م. ق. م
	در حکم/مثل/در ردیف
comme, considéré comme, tenant lieu de, en tant que, pris pour	در حکم اختلاس
admis comme malversation	۹۵م. ق. ب. ا. ک

assimilé à un conflit prud'homal	در حکم اختلافات صنفی ۱۴. ق. ر. ا. ص. س ۱۳۱۱
admis comme actes authentiques,	در حکم اسناد رسمی ۳۶۴. ق. ا. ب. ک. ا
considéré comme acte exécutoire, considéré comme titres exécutoires	در حکم اسناد لازم الاجرا ۱۴. ق. چ
considéré comme déclaration de consentement	در حکم اعلام رضایت ۱۳۹۴. ق. ت
considéré comme bien sans maître, assimilé à un bien vacant	در حکم اموال بلاصاحب ۷۹۴. ق. ت
présomption de dépôt	در حکم ایداع/در حکم ودیعه ۶۳۲۴. ق. م
admis comme paiement distinct	در حکم پرداخت مشخص ۹۴. ق. م. ت. ا. ا. ن
admis comme paiement	در حکم تأدیه/به جای تأدیه
considéré comme succession vacante	در حکم ترکه متوفای بلاوارث ۲۵۴۴. ق. ا. ح
considéré comme opium de contrebande	در حکم تریاک قاچاق ۳۲. ق. ا. د. ت. س ۱۳۱۱
considéré comme possession illégale	در حکم تصرف غیرقانونی ۹۵۴. ق. ب. ا. ک
considéré comme détention illégale de fonds publics	در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی ۹۰۴. ق. ا. ک
considéré comme perdu	در حکم تلف/مثل تلف
assimilé au faussaire	در حکم جاعل/مثل جاعل ۲۴۰۴. ق. م. ع
considéré comme ayant commis un faux en écritures publiques	در حکم جاعل اسناد رسمی ۱۰۳۴. ق. ت

admis comme mur mitoyen	در حکم دیوار مابین املاک ۱۳۵۲. ق. ا
considéré comme navire pirate	در حکم راهزن دریائی
considérée comme épouse	در حکم زوجه ۸۲. ق. ا. ح
considéré comme fidéjusseur	در حکم شریک ضامن ۱۵۰۲. ق. ت
considéré comme transaction définitive	در حکم صلح قطعی ۱۶۲. ق. م. ا. ن. ا. ع
considéré comme vice ancien	در حکم عیب سابق ۴۲۵۲. ق. م
considéré comme chose de genre	در حکم عین خارجی ۳۰۲۲. ق. م
considéré comme usurpateur	در حکم غاصب ۳۱۰۲. ق. م
considéré comme usurpateur au deuxième degré	در حکم غاصب از غاصب ۳۲۴۲. ق. م
considéré comme usurpation	در حکم غصب ۳۰۸۲. ق. م
assimilé à un incapable, considéré comme incapable	در حکم غیر رشید ۱۲۰۹۲. ق. م
immeuble par destination, assimilé à un immeuble	در حکم غیر منقول ۱۷۲. ق. م
considéré comme assassin	در حکم قاتل
considéré comme assassin	در حکم قاتل عمدی ۱۷۱۲. ق. م. ع
assimilé à la contrebande, assimilé à la fraude	در حکم قاچاق ۲۲. ق. ر. ج. ق. ا. م. و. س. ۱۳۱۱
assimilé à un juge	در حکم قاضی/ به جای قاضی
admis en valeur de loi	در حکم قانون/ مثل قانون ۹۲. ق. م

tenu pour acquis, présumé acquis	در حکم قبض/مثل قبض در حکم قییم/مثل قییم
considéré comme tuteur, tenant lieu de tuteur, tuteur de fait	
considéré comme porte-fort	در حکم کفیل/مثل کفیل ۷۳۵۲ ق. م
assimilé à une escroquerie	در حکم کلاهبرداری/مثل کلاهبرداری ۲۲ ق. م. ت. ک. ب. م. غ
tenant lieu de permis de conduire	در حکم گواهینامه رانندگی/ به جای گواهی نامه رانندگی ۱۴ ق. ر. ا. ا. ش
considéré comme bien trouvé	در حکم مال پیدا شده/مثل مال پیدا شده ۱۶۷۲ ق. م
assimilé à l'auteur d'un détournement de fonds	در حکم مختلسین اموال دولتی/مثل مختلسین اموال دولتی ۱۰۱ ق. ا. ک
considéré comme concussionnaire	در حکم مرتشی/مثل مرتشی ۲۶۸۲ ق. م. ن
considéré comme faussaire en écritures publiques	در حکم مرتکبین جعل اسناد دولتی/مثل مرتکبین جعل اسناد دولتی ۵۴ ق. م. ق. ت
considéré comme fonctionnaire titularisé	در حکم مستخدم رسمی/مثل مستخدم دولتی ۱۷۲ ق. ا. ک
admis comme démissionnaire	در حکم مستعفی/مثل مستعفی
considéré comme en état de déconfiture	در حکم معسر/مثل معسر ۳۸۲ ق. ا. افلاس
considéré comme propriétaire des tenants et aboutissants	در حکم ملك صاحب حریم/مثل ملك صاحب حریم ۱۳۹۲ ق. م
considéré comme propriété agricole	در حکم ملك مزروعی/مثل ملك مزروعی ۱۴ ق. ر. ا. غ. م. خ

considéré comme défaillant	در حکم ممتنع / مثل ممتنع ۶۴۹م. آ. د. م
assimilé à un ministre	در حکم وزیر / مثل وزیر ۱م. ق. م. و. ه. م
considéré comme mandataire du chef de l' Etat	در حکم وکیل رئیس مملکت / مثل وکیل رئیس مملکت
assimilé à l' écoulement du délai d'un an	در حکم یکسال / یکسال ۱۱م. ق. ا. ق. ت. ب. آ. ک
dans l'exercice de ses fonctions	در حین اجرای مأموریت / در حین اجرای وظیفه
pendant la commission du délit	۱۶۲م. ق. م. ع در حین ارتکاب جرم
pendant l'exercice de ses fonctions	در حین انجام وظیفه / هنگام انجام وظیفه
en cours de procédure, durant le procès	۱۶۵م. ق. م. ع در حین محاکمه / در جریان محاکمه
arbre	۶۱م. ق. ا. م. ح درخت
arbres déracinés	۱۳۱م. ق. م درختان افتاده
arbres classés	۶م. ت. ق. ح. ب. ج. م درختان اندوخته / درختانی که نباید قطع بشود
arbres abattus	۹م. ق. ح. ب. ج. م درختان انداخته شده / درختان قطع شده
arbres saisis	۴م. ق. ح. ب. ج. م درختان باز داشتی
essences forestières	۱م. ق. ح. ب. ج. م درختای جنگلی
arbres sur pied	۴م. ت. ق. ح. ب. ج. م درختان سر پا
arbres d'ornementation, arbres improductifs	درختان غیر مثمره
arbres productifs, arbres fruitiers	درختان مثمره
arbre productif, arbre fruitier	درخت بارده ۱م. ق. ح. ب. ج. م

arbre fruitier cultivé	درخت بارده دست‌کاشت میوه‌ای ۱۲. ق. ح. ب. ج. م
arbre improductif	درخت بی ثمر
coupe, taille, abattage des arbres	درخت زنی/قطع درخت
élaguer, ébrancher, éclaircir	درخت زنی/شاخه زدن درخت
émonder	درخت زنی/شاخه‌های خشک زدن
plantation des arbres	درختکاری
demande, requête	درخواست/تقاضا ۱۳. آ. د. م
demande de production de document	درخواست ارائه سند ۳۱۰. آ. د. م
demande de retrait d'objet	درخواست استرداد مرسوله درخواست اصحاب دعوی
demandes des parties aux procès (demande principale, reconventionnelle, demande incidente)	۳۴۴. آ. د. م
demande principale	درخواست اصلی
demande d'information	درخواست اطلاعات
demande de révision	درخواست اعاده دادرسی ۵۹۸. آ. د. م
demande de révision du procès principal	درخواست اعاده دادرسی اصلی ۵۹۹. آ. د. م
demande de révision de la procédure incidente	درخواست اعاده دادرسی طاری ۵۹۹. آ. د. م
demande d'ouverture de crédit bancaire	درخواست اعتباری/تقاضای اعتبار از بانک کردن
demande excessive, demande gonflée, demande surestimée	درخواست بیش از استحقاق

demande d'admission	درخواست پذیرش/درخواست قبولی
demande d'adhésion	درخواست پذیرش/درخواست عضویت
conclusions d'appel	درخواست پژوهش/درخواست پژوهشخواهی ۴۸۰م. آ. د. م
demande de l'appelant	درخواست پژوهشخواه
demande de création de journal	درخواست تأسیس روزنامه ۵م. ق. مطبوعات
demande de mesure conservatoire	درخواست تأمین خواسته ۲۲۵م. آ. د. م
demande de garantie d'exécution	درخواست تأمین خواسته بعد از صدور حکم ۲۲۵م. آ. د. م
demande de mesure conservatoire en cours de procédure	درخواست تأمین خواسته حین اقامه دعوی ۲۲۵م. آ. د. م
demande de mesure conservatoire au début de la procédure	درخواست تأمین خواسته در اثنای دادرسی ۲۲۵م. آ. د. م
demande de conservation des preuves existantes	درخواست تأمین دلیل ۳۱۶م. آ. د. م
demande de conservation des preuves avant le début de la procédure	درخواست تأمین دلیل قبل از اقامه دعوی
demande de saisie de l'objet litigieux	درخواست تأمین محکوم به ۲۲۹م. آ. د. م
demande de naturalisation	درخواست تابعیت ۹۸۳م. ق. م
demande reconventionnelle, demande incidente	درخواست تبعی درخواست تجدید اجاره نامه
demande de reconduction de bail, demande de renouvellement de bail	۵م. ق. ر. م. م

- demande en appel, conclusions d'appel / درخواست تجدید نظر / تقاضای پژوهش
 demande de révision du loyer / درخواست تجدید نظر نسبت به میزان اجاره بها
 ۳۲. ق. ر. م. م
- demande de transport sur les lieux / درخواست تحقیق محلی
 ۱۱۱۴. آ. د. م
- demande de restitution de la chose louée / درخواست تخلیه مورد اجاره
 ۸۴. ق. ر. م. م
- demande de rectification des actes de l'état-civil / درخواست تصحیح اسناد سجلی
 درخواست تصحیح حکم یا قرار
- demande de rectification de jugement ou d'arrêt / درخواست تصحیح رای
 ۱۷۹۴. آ. د. م
- demande de certificat d'hérédité / درخواست تصدیق انحصار وراثت
 ۳۶۶۴. ق. ا. ح
- réquisition d'horaires d'expert / درخواست تعیین حق الزحمه کارشناس از دادگاه
 درخواست تغییر تا بهیت / درخواست تغییر تا بهیت برای اخذ تا بهیت جدید
- demande d' autorisation d'abandon de la nationalité / درخواست تقصیط
 demande de délais de paiement / تقصیر الحاقی به ۳۳۴. آ. ا. خ. س. ر
- demande d'échelonnement de la dette / درخواست تقصیط بدهی
 ۳۳۴. آ. ا. ا. ر
- demande de partage / درخواست تقسیم
 ۳۰۰۴. ق. ا. ح
- demande de prorogation de délai / درخواست تمدید مدت
 ۴۵۳۴. آ. د. م
- demande de prorogation de délai / درخواست تمدید مهلت
 demande de conclusion de contrat de bail / درخواست تنظیم اجاره نامه
 ۵۴. ق. ر. م. م

demande d'enregistrement	درخواست ثبت ۱۱۴. ق. ت
demande collective	درخواست جمعی
demande de déclaration d'interdiction	درخواست حجر/تقاضای اعلام حجر ۶۴۴. ق. ا. ۴
demande de déclaration du jugement d'interdiction	درخواست حکم حجر
constitution de partie civile	درخواست حقوقی متضرر از جرم به عنوان مدعی خصوصی
demande d'ordonnance d'exécution provisoire	درخواست دستور موقت ۷۷۴۴. آ. د. م
demande de commission	درخواست دلالی ۲۴. آ. د. م. م
demande d'extradition de l'inculpé	درخواست رد استرداد مجرم
demande de débouté	درخواست رد دادخواست
demande orale, requête orale	درخواست زبانی/تقاضای شفاهی ۱۳۴. ق. ا. ح
demande de conciliation, demande de compromis	درخواست سازش ۱۳۴. آ. د. م
demande orale	درخواست شفاهی ۷۷۴۴. آ. د. م
demande de réexpédition du courrier	درخواست صدور/درخواست فرستادن مرسوله ۷۱۴. قرارداد پستی جهانی
demande de compromis	درخواست صلح دعوی ۷۵۵۴. ق. م
demande de retrait de la demande principale	درخواست عدم تعقیب دعوی
pourvoi en cassation	درخواست فرجام ۵۰۴. آ. د. م

درخواست فرجام دادستان برای محافظت از قانون
pourvoi dans l'intérêt de la loi (V. L. 23. 7. 1947, art. 51, 52)

۵۷۹م. آ. د. ك

درخواست فسخ حکم demande d'annulation de jugement, rescindant

درخواست فسخ سند demande de résiliation d'acte

درخواست قبول استرداد مجرم/قبول تقاضای استرداد مجرم

acceptation de la demande d'extradition de l'inculpé

درخواست قسم demande de prestation de serment, serment décisoire

درخواست کتبی demande écrite

۲۲. ق. ح. خ

درخواست کننده demandeur, requérant

۷۸۵م. آ. د. م

درخواست مستأجر متضرر برای تعقیب جزائی مالك

demande de poursuites pénales à la requête du locataire

۲۲. ق. ح. م. س. ۱۳۱۷

درخواست موقوف الاجرا ماندن حکم از طرف محکوم علیه

opposition à exécution

۵۴۳م. آ. د. م

درخواستنامه/تقاضانامه demande, requête

۴۸م. آ. د. م

در دست داشتن posséder, détenir, avoir en possession

۱۱م. ق. ا. ق. خ. ن

در دست داشتن رهنه/طلبکارانی که رهنه در دست دارند créanciers hypothécaires

۵۱۴م. ق. ت

در دست ساختمان/در جریان ساختمان en cours de construction

دردناك douloureux

در ردیف ضابطین دادگستری faisant fonction d'officier de police judiciaire

۲۳م. ق. ح. م. ك

درستکاری honnêteté

mondialement, internationalement, sur le plan international	در سطح جهانی
rugosité	درشتی/ضخامت
rudesse, grossièreté	درشتی/خشونت
équitablement, sur un pied d'égalité	در شرایط مساوی
en état de ruine, immeuble menaçant ruine	در شرف انهدام/بنای در شرف انهدام
en cours de constitution, en cours de formation	۳۴۴. آ. ا. خ. س. ر
pourcentage, royalties	در شرف تأسیس
taux d'amortissement	درصد/پورسانتاژ
selon les possibilités	درصد استهلاک
équivalent à, à égalité avec	در صورت اقتضا
tribunal du même ordre	در عرض/در ردیف/هم عرض
	در عرض دادگاه صلاحیتدار/در عرض محکمه صلاحیتدار
tribunal du même ordre	۴۴۴. آ. د. م
	در عرض دادگاه صلاحیتدار/در عرض دادگاه صلاحیتدار
tribunal du même ordre choisi par les parties	در عرض دادگاه صلاحیتدار که طرفین دعوی به تراضی می توانند به آن رجوع کنند
en vie, vivant, existant, vif	در قید حیات
responsabilité du vendeur, responsabilité de l'acheteur, garantie d'éviction	درک/ضمان درک
garantie d'éviction	۳۶۲۴. ق. م
	درک/ضمن/ضمن درک/ضمن
être à la charge de quelqu'un	۳۶۲۴. ق. م
responsabilité du vendeur, garantie d'éviction	درک/ضمن/ضمن درک/ضمن
chambranle	۳۶۲۴. ق. م
	در گاهی در و پنجره

mort, décédé, défunt, de cujus	درگذشت/موت
unité de mesure et de monnaie	درم/واحد پول و اندازه گیری
soins, remèdes, médicaments	درمان
cure de sommeil	درمان از راه خواب
guérison par invocation	درمان با دعا نویسی
guérison par la voie médicale	درمان دارویی
cessation de paiement, état de cessation de paiement	درماندگی/توقف
psychothérapie	درمان روانی
clinique, dispensaire, hôpital	درمانگاه
par devant le tribunal	در محضر دادگاه
par devant le tribunal	در محکمه/در محضر دادگاه
en danger de perte	در معرض تضییع
	۲۳۴م. آ. د. م.
	در معرض تفریط
en danger de détérioration, en danger de perte ou de démolition	
être en danger, être exposé au danger	در معرض خطر
être en danger de mort	در معرض خطر مرگ
offre de stupéfiant	در معرض فروش گذاشتن مواد مخدره
	۵م. ق. م. ک. خ.
à l'égard des associés, vis à vis des associés	در مقابل شرکاء
	۵۱م. ق. ت.
en contre—partie du salaire	در مقابل اجرت/در ازاء اجرت
	۳۳۵م. ق. ت.
à l'échelle nationale	در مقیاس مملکتی
دروباك/حقوقی است که از مواد خام وارده به کشور بطور امانت گرفته می شود که اگر همان مواد بصورت ساخته شده از کشور خارج شود این حقوق مسترد می شود	
drawback	
récolte, moisson	درو
porte de la ville	دروازه شهر
issue de passage	دروازه عبور
	۱۴۲م. آ. د. ر.

nominativement, à l'ordre de	دروجه/به نام ...
porteur, bénéficiaire	م. ۲۲۳. ق. ت در وجه حامل/چک در وجه حامل
cueillir la récolte d'autrui	م. ۳۱۲. ق. ج. س ۱۳۳۷ درو حاصل دیگری
mensonge, ruse, artifice, déloyauté, tromperie	م. ۲۶۲. ق. م. ع دروغ
affabulateur, mythomane	م. ۲۲۱. ق. م. ع دروغ پرداز
mythomanie	دروغ پردازی
mensonge sollicité	دروغ تلقین شده
restriction mentale	دروغ دفاعی/دروغ مصلحت آمیز
action de mentir	دروغ سازی
détecteur de mensonge	دروغ سنج
menteur	دروغگو
menterie	دروغگوئی
subjectif	درون ذاتی
migration interne	درون کوچی/مهاجرت داخلی
territorialité	درون مرزی
territorialité des lois	درون مرزی بودن قوانین
vallée	دره
ancienne monnaie d'argent, denier, drachme	م. ۱۴۵. ق. د درهم/واحد مسكوك نقره
mêlé, confus, mélangé, embrouillé, désordonné, inextricable	درهم
condensation	درهم فشردن
mer, océan	دریا
plage, rivage, littoral	م. ۱۲. ق. م. ا. س دریا بار/پلاژ
vice-amiral	م. ۳۲. ق. م. ا. س دریا بان

lac	دریاچه
	۱۴. ق. ت. ح. د. ا. پ. س
contre-amiral	دریادار
amiral	دریاسالار
perception, obtention	دریافت
دریافت اجازه ورود کشتی به بندر پس از انجام تشریفات گمرکی و بهداشتی	
obtenir l'autorisation d'entrer au port une fois remplies les formalités de douane et de contrôle d'hygiène	—
réception d'une notification officielle	دریافت اعلامیه رسمی
perception de taxes dépassant le taux légal	دریافت عوارض زاید بر مقررات
perception de taxes légales	دریافت عوارض غیر قانونی
perception d'impôt illégal	دریافت غیر قانونی مالیات
perception d'impôt dépassant le taux légal	دریافت مالیات زاید بر مقررات
perception illégale d'impôt	دریافت مالیات غیر قانونی
recevoir décoration ou médaille, être décoré	دریافت نشان و مدال
percevoir une somme excédant le tarif	دریافت وجهی اضافه بر تعرفه
	۵۴. ق. د. ا. ر
perçu, touché	دریافتی
perception en espèces	دریافتی نقدی
	دریافتی نقدی/دستمزد نقدی/حقوق نقدی
rémunération en espèces, salaire en espèces	
rémunération toujours versée en espèces	دریافتی نقدی مستمر/دستمزد مستمر
mal de mer	دریا گرفتگی
marin, matelot, gens de mer, navigateur	دریا نورد
	۲۴. مقاله نامه مربوط به شناسنامه ملوانی ملی کارکنان کشتی‌ها
navigation	دریا نوردی
	۱۶۴. قرارداد بین‌المللی دریائی
navigation sous un faux pavillon	دریا نوردی با پرچم جعلی
navigation internationale	دریا نوردی بین‌المللی
navigation intérieure	دریا نوردی داخلی
mer libre	دریای آزاد

eaux territoriales	دریای ارضی
mer fermée, mer intérieure	دریای بسته
mer libre, haute mer	دریای پهناور باز
mer intérieure	دریای داخلی
mer intérieure jouxtant l'océan	دریای داخلی متصل به اقیانوس
	دریای داخلی مشترک
	دریای داخلی که با دریای آزاد اتصال ندارد
mer intérieure commune à plusieurs pays	
mer considérée comme territoriale	دریای در حکم سرزمین
mer territoriale	دریای ساحلی
mer territoriale	دریای سرزمینی
mer fermée, mer intérieure	دریای غیر آزاد
mer frontalière	دریای مجاور
	ص ۹۵. م. ق. و
mer fermée, mer intérieure	دریای مسدود
jour de souffrance, vue	دریچه/دریچه دیوار مشترک
	م ۱۱۸. ق. م
dispositif de sécurité posé à une fenêtre	دریچه اطمینان
détenir, posséder, disposer de	در ید داشتن
	م ۲۷۰. ق. م
déchirer, mettre en pièces	دریدن/پاره کردن
voleur, malfaiteur, malhonnête, filou, détrousseur, brigand	دزد/سارق
	م. واحد. م. ا. ب. ش. س ۱۳۲۲
voleur professionnel	دزد حرفه‌ای
pirate, corsaire, boucanier	دزد دریائی
voleur armé	دزد مسلح
	دزدی
vol, soustraction frauduleuse, appropriation du bien d'autrui, détournement, larcin, pillage, rapine, brigandage, maraudage, cambriolage	
	م ۴. قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ
plagiat	دزدی ادبی/ سرقت ادبی

دزدیدن

voler, dérober, prendre indûment, ravir, filouter, s'emparer de, sous-
traire frauduleusement, subtiliser, détourner, filouter, marauder,
faire main basse sur

enlever un nouveau-né, kidnapper un nouveau-né متولد تازه دزدیدن طفل

۱۹۵۴ ق. م. ع

enlever un mineur de quinze ans دزدیدن طفل کمتر از ۱۵ سال

۲۰۲۴ ق. م. ع

دزدی کردن باشکستن در و بالا رفتن از دیوار

vol avec bris de clôture et violation de domicile

bourreau, exécuteur des hautes oeuvres دژخیم/جلاد/میر غضب

ruses, intrigues, manigances, complot, menées, machinations دسایس

۲۹۴ آ. ت. م. د. ن. م

دسایس در اسباب چینی با دولتهای بیگانه برای تولید عدوات و جنگ

connivence avec l'étranger dans le but de provoquer conflit et guerre

۲۰۴ آ. ح. ن

prétexte دستاویز/بهانه

اصل ۱۲. ق. ۱

droit d'usage des biens mobiliers دستا ر/م/نوعی حق انتفاع از مال غیر منقول

nouveau, récent

première fois دست اول/اولین بار

۱۲۴ ق. م. ع بودجه. س ۱۳۲۱

agresser, contrevenir, violer, passer outre à دست اندازی/تجاوز کردن

agression individuelle دست اندازی اجتماعی/تجاوز جمعی

agression collective دست اندازی انفرادی/تجاوز فردی

appropriation, vol, conquête, dépassement دستبرد

۲۴. قرارداد امنیت سرحدی ایران و ترکیه

falsifier, rectifier, ajouter ou retrancher à un texte, dépasser دستبردن

menottes دستبند

menottes en acier des prisonniers, fers دستبند آهنی زندانیان

menottes de prisonnier دستبند بازداشتی

mettre les menottes	دستبند زدن
baiser la main	دست بوسی
se servir d'une arme	دست به اسلحه کردن/استفاده از اسلحه ۱۶۰۲. ق. م. ع
bandes, troupes, clans	دستجات ۱۷۸۲. م. ق. و
cortège, procession, défilé	دستجات تشریفاتی ۱۶۹۲. آ. ر. ر
bandes armées	دستجات مسلح
bandes de malfaiteurs	دستجات معسدرین ۷۷۲. ق. م. ع
associations nationales, associations patriotiques, associations nationa-	دستجات ملی/جمعیت‌های ملی
listes	
manuscrit, écrit à la main, autographe	دستخط/دست نوشته
rature	دست خوردگی/چیزی را تغییر وضع دادن
empiéter sur le terrain d'autrui	دست درازی به زمین دیگری دست درازی به مال یا حق غیر
usurper le bien ou le droit d'autrui, empiéter sur les droits d'autrui	
occasion, seconde main	دست دوم ۷۶۲. ق. م. د
portée, atteinte, accès	دسترس ۱۴۲. ق. ج. ا
effet immédiat	دسترس فوری ۳۱۳۲. آ. ق. ت. گ
accès aux documents	دسترسی به اسناد
accès aux tribunaux, capacité d'ester	دسترسی به محاکم ۱۲. عهدنامه مودت ایران و اطریش
produit du travail	دسترنج
produits agricoles	دسترنج رعیتی ۳۱۲. آ. ق. ت

- produits dus au cultivateur, récolte دسترنج زارع
transformer, opérer une mutation دستکاری/چیزی را تغییر وضع دادن
بند ۱۱، ۲، آ، ا، خ، س، ر
- cultivé à la main دست کاشت/بادست/داشتن
۱۴، ق، ح، پ، ج، م
- carnet de notes, journal, livre de comptes دستک/دفترچه یاد داشت
appareil دستگاه
- appareil destiné à mesurer le degré d'alcool par l'haleine, ballon دستگاه الکل سنج از راه تنفس
ص ۴۳۲، م، ق، س ۱۳۴۳
- organisation disciplinaire دستگاه انتظامی
aérateur, ventilateur دستگاه تهویه
۶۳، آ، ر، ر
- magnétophone دستگاه ضبط صوت
poste émetteur radio دستگاه فرستنده رادیویی
۲۷۲، قرارداد وین
- pouvoir législatif دستگاه قانون گذاری/قوه مقننه
۶۴، قرارداد بین المللی مربوط به حمل مسافر از طریق دریا
- pouvoir judiciaire دستگاه قضائی/قوه قضائیه
appareil judiciaire دستگاه قضائی/سازمان قضائی
- détecteur de mensonge دستگاه کشف دروغ
دستگاه مختلط عاملیت شرکت نفت/اجتماع دوسازمان جهانگانه بدون شخصیت حقوقی
- sociétés mixtes des agents pétroliers مستقل
۱۴، ق، م، ت، ا، ا، ق
- pouvoir exécutif دستگاههای اجرائی/قوه مجریه
organes exécutifs دستگاههای اجرائی/سازمانهای اجراءکننده
- appareillage d'extraction du gas-oil دستگاههای استخراج گازوئیل
۸۴، قرارداد اراپ، س ۱۳۴۵
- appareillage de distillation du pétrole دستگاههای تقطیر میدان نفت/دستگاههای تقطیر حوزههای نفتی
۸۴، قرارداد اراپ، س ۱۳۴۵

réseau de distribution du pétrole	دستگاههای توزیع نفت
	۸۴. قرارداد. اراپ ۱۳۴۵
appréhendé, saisi	دستگیر شده
	۱۹۹۰. آ. د. ک
appréhender, arrêter, saisir	دستگیر کردن
arrestation, appréhension	دستگیری/توقیف
	۱۲۳۲. ق. م. ع
arrestation d'un inculpé ou d'un prévenu	دستگیری متهم به جنجه و جنايت
	۱۲۳۲. ق. م. ع
arrestation de suspect	دستگیری مظنون
	دستمزد
rémunération, salaire, émolument, traitement, rémunération du travail	
	۳۲. ق. ب. ا. ک
rémunération correspondant à une période de maladie	دستمزد ایام بیماری
	۵۰۲. ق. ب. ا. ک
rémunération en nature, avantage en nature	دستمزد جنسی/مزایای غیر نقدی
honoraires notariaux	دستمزد دفترخانه/حق التحریر سردفتر
	۵۳۲. ق. د. ا. ر
paie journalière	دستمزد روزانه
rémunération normale, salaire moyen	دستمزد عادی
	۵۸۲. ق. ب. ا. ک
rémunération type, salaire étalon	دستمزد عمومی/دستمزد نمونه
	۵۲. آ. ک. خ. د. س ۱۳۲۲
rémunération du travail, salaire	دستمزد کار
honoraires de l'expert	دستمزد کارشناس
	۱۸۴. ق. ک. ر
salaire fixe, salaire de base	دستمزد مقطوع
	۱۶۲. آ. م. خ
rémunération du responsable de la distribution d'eau	دستمزد میرآبی
	تصویبنامه راجع به تقسیم آب زربینه رود و غیر
rémunération en espèces	دستمزد نقدی

intact	دست نخورده/بدون عیب و نقص
homme de paille, prête-nom	دست نشانده
ordre, commandement	دستور
	۳۳۹. ق. و
ordre de mise en liberté de navire	دستور آزادی کشتی
	۵۲. ق. ب. ح. ن. د
exéquatur d'une sentence arbitrale	دستور ابلاغ رأی داور
conseils pédagogiques	دستورات تربیتی/توصیه‌های آموزشی
instructions de service	دستورات تعلیمی اداره
ordres légaux, prescriptions légales	دستورات قانونی
	۱۵۲. ق. ت. ك
préceptes religieux, commandements	دستور مذهبی
ordre d'exécution, mandat d'exécution	دستور اجرا
	۹۷۲. ق. ث
formule exécutoire des jugements	دستور اجرای احکام
	۲۴۲. آ. ق. ح. ن
	دستور اجرای اسناد رسمی
formule exécutoire portée sur un acte authentique	۱۲. ق. ا. ا
	دستور اجرای حکم داور/دستور اجرای حکم داور به وسیله قاضی
ordonnance d'exéquatur de la sentence arbitrale	دستور اجرای حکم را روی نسخه اصلی حکم صادر کردن
ordonner l'exécution du jugement sur minute	دستور اجرای رأی داور
ordonnance d'exéquatur	دستور اجرای سند
ordre d'exécuter un acte	۵۹۲. ق. د. ا. ر
ordonnance de renvoi	دستور احاله/دستور ارجاع به وسیله قاضی
mandat d'amener lancé contre un inculpé	دستور احضار متهم
	۱۸۱۲. ق. د. ا
	دستور استنطاق متهم/دستور تکمیل استنطاق متهم
demande de complément d'information	۵۷۲. مکرر. آ. د. ك

ordonnance de restitution	دستور اعاده تصرف
	۱۲م. ق. ت. خ. ا
	دستور انتشار حکم/دستور انتشار حکم به وسیله قاضی
ordonnance de publication du jugement	
mandat d'arrêt	دستور بازداشت متهم
	۹م. ق. د. ا
injonction de payer	دستور پرداخت/دستور صریح پرداخت
	۴م. ق. م. ا. آ. ا. س. ۱۳۴۶
ordonnance d'acquisition de terrains	دستور تصرف اراضی
	۲م. لایحه قانونی واگذاری بعضی مزایای قانونی به شرکت سهامی نفت ایران
envoi en possession	دستور تصرف اموال غایب
décision ordonnant le partage des terres	دستور تقسیم اراضی
	۱۳م. ق. م. ا. ا
mandat d'amener	دستور جلب
	۱۲م. ق. ا. م
ordre du jour, programme	دستور جلسه
	۱۶م. ا. ش. ق. ا. ا
ordre du jour de l'assemblée générale	دستور جلسه مجمع عمومی
décision d'une "maison d'équité"	دستور خانه انصاف/تصمیم خانه انصاف
	۱۱م. ق. ت. خ. ا
	دستور دادستان شهرستان
instruction du procureur près du tribunal de grande instance	
	۱۲م. ق. م. ک. خ
	دستور دادگاه در مراجعه به اسناد دولتی
autorisation judiciaire de prise de connaissance de documents officiels	
procédure civile	دستور در محاکم حقوقی/آئین دادرسی مدنی
	دستور رسیدگی دادگاه/حکم تحقیق به وسیله دادگاه
jugement ordonnant enquête	
	۳م. آ. ا. ق. ح. خ
jugement ordonnant la rectification d'une erreur	دستور رفع اشتباه
	۱م. ق. ا. ث

ordre de cessation de troubles	دستور رفع مزاحمت ۱۲م. ق. ت. خ. ا
jugement ordonnant la cessation du trouble	دستور رفع مزاحمت به وسیله دادگاه دستور رفع مزاحمت از حق
ordre de cessation du trouble dans la possession d'un droit	۱۲م. ق. ت. ح. ا دستور شهرداری برای تخلیه ساختمانی که بیم خرابی و انهدام آن می‌رود
arrêté de péril	دستور صریح و قاطع
injonction, ordre impératif, ordre formel, ordre exprès, ordre précis	دستور عدم پرداخت چک
opposition à chèque	۳م. ق. ج. س. ۱۳۳۷
circulaire	دستور العمل/بخشنامه/متحدالمال س. ۱۸۰. م. ق. و
circulaire administrative	دستور العمل اداری/بخشنامه اداری/متحدالمال
ordre immédiat	دستور فوری ۷۷۰م. آ. د. م
ordre de la loi prescription légale	دستور قانون
ordre du législateur	دستور قانونگذار/دستور قانونگذار
ordre légal	دستور قانونی
ordre écrit, mandement	دستور کتبی
ordre écrit du supérieur	دستور کتبی مافوق به مادون ۵۴م. ق. ا. ک
ordre rapporté, ordre annulé	دستور لغو شده ۳۳۰م. ق. د. ا
annuler un ordre, rapporter une décision	دستور لغو کردن/دستور یا تصمیمی را باطل کردن ۳۳۰م. ق. د. ا
décision concernant l'exécution des règlements administratifs	دستور مربوط به مقررات اداری/دستور مربوط به اجرای مقررات اداری

décision conforme, décision adéquate	دستور مقتضی/ تصمیم مقتضی
	م. ۱۱۴. ق. ت. خ. ا
	دستور ممنوعیت/ تصمیم ممنوع کردن
décision d'interdiction, mesure d'interdiction	
	م. ۹۴. ق. ا. ت
déchéance de la capacité d'exercer une profession	دستور منع اشتغال به حرفه
	م. ۹۴. ق. ا. ت
déchéance d'exercer une profession commerciale	دستور منع اشتغال به کسب
	م. ۹۴. ق. ا. ت
mesure provisoire, décision non définitive	دستور موقت/ تصمیم موقت
	م. ۷۷۰. آ. د. م
saisie conservatoire d'un bien	دستور موقت بر توقیف مال
	م. ۷۷۸. آ. د. م
ordre de mise à exécution par provision	دستور موقت بر انجام عمل
	م. ۷۷۸. آ. د. م
ordre de sursis à exécution	دستور موقت بر منع از امری
	م. ۷۷۸. آ. د. م
arrêté ministériel, ordre du ministre	دستور وزارتی/ دستور وزیر
réglementation des devises	دستورهای ارزی/ دستورالعمل مربوط به ارز
	م. ۲۴. ق. و. م. ا. ب. م. ا
groupement, assemblée, rassemblement, attroupement	دسته
	م. ۱۴. ق. م. ع. ا. ا. م
	دسته اطراف/ کسانی که با متوفی از یکنفر بوجود آمده‌اند
ligne collatérale, parenté collatérale	
groupe minoritaire	دسته اقلیت
	دسته‌ای که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروط ایران است
groupement d'opposition à la monarchie constitutionnelle iranienne	
	م. ۱۴. ق. م. ع. ا. ا. م
	دسته‌ای که مرام یا رویه آن اشتراکی است
groupements collectivistes, groupements d'inspiration socialiste	
	م. ۱۴. ق. م. ع. ا. ا. م

faction, coterie, clique, cabale, ligue دسته بندی

۱۱۳۲. ا. ت. ع

دسته بندی برای تعطیل محاکم و ادارات

se grouper dans le but d'obtenir la suppression des tribunaux
et administrations

۱۱۳۲. ا. ت. ع

associations politiques, groupements politiques دسته بندی‌های سیاسی

association de malfaiteurs دسته تبه‌کار

collectif دسته جمعیتی/جمعیتی

peloton d'exécution دسته سرباران مأمور تیر باران محکوم به اعدام

groupement religieux, communauté religieuse دسته مذهبی/گروه مذهبی

procession دسته مذهبی در حال حرکت

groupement d'obédience gouvernementale دسته ملی/دسته طرفدار دولت

۶۲. د. ب. ر

groupes extrémistes دسته‌های افراطی

bandes armées دسته‌های مسلح

groupes de hors-la-loi دسته یابگی

accès à la mer, ouvertures sur la mer دست یابی به دریا

aide, secours, assistance دستیار/کمک

۲۴۹۲. ق. م. ع

signature دستینه/امضاء

complot, intrigue, cabale, ligue دسیسه/توطئه

۱۲. ق. م. م. ا. ن. و

s'immiscer دسیسه/تقلب/دخالت

دسیسه در امور نظام وظیفه/تقلب در امور نظام وظیفه

fraude dans les affaires concernant le service militaire

۱۲. ق. م. م. ا. ن. و

دسیسه در امور نظام وظیفه/دخالت در امور نظام وظیفه

s'immiscer dans des affaires ayant trait au service militaire

fraude commerciale دسیسه در تجارت/تقلب در تجارت

فصل یازده از باب سوم. ق. م. ع

usage de procédé déloyal dans l'exercice d'un commerce	دسیسه درکسب
	فصل یازده از باب سوم ق. م. ع
fraude commerciale	دسیسه و تقلب درکسب و تجارت
garde-champêtre	دشتبان
	م. ۲۰ ق. ا. ا. س. ۱۳۴۰
ennemi, opposé, rival, adversaire	دشمن
ennemis de la société, asociaux	دشمنان جامعه
	ص. ۴۵۵ م. ق. س. ۱۳۴۳
ennemi déguisé	دشمن مخفی/دشمن ناپیدا
ennemi commun	دشمن مشترك
animosité, inimitié, antipathie, haine	دشمنی
	م. ۲۳ ق. مطبوعات
insulte, injure	دشنام
insulter, injurier	دشنام دادن
stylet	دشنه
dur, pénible, rigoureux, ardu	دشوار
capacité de guérir par l'haleine	دعانویسی
contentieux, procès, procédure, affaires	دعاوی
	م. ۹۷۱ ق. م
contentieux de l'exécution	دعاوی اجرائی/دعاوی ناشی از عملیات اجرائی
	م. ۲۰ ق. ا. ق. م. د
contentieux administratifs	دعاوی اداری
contentieux touchant aux devises basées sur l'étalon d'or	دعاوی ارزی با شروط طلا
actions des particuliers	دعاوی اشخاص بر دولت
	م. ۴ ق. ر. د. ب. ا. ر
	دعاوی اشخاص بر ورشکسته/دعاوی طلبکاران بر ورشکسته
actions personnelles des créanciers contre le failli	
	م. ۴۱۹ ق. ت
	دعاوی اطاقهای استیجاری/دعاوی نسبت به يك اتاق اجاره‌ای
actions locatives, contentieux des loyers	
	م. ۱۲ ق. ر. م. م

actions des créanciers contre le déconfit	دعاوی افلاس
۱۵۶م مکرر. ق. ر. ت. ق. ا. م. ح	
دعاوی اقامه شده از طرف اشخاص حقوقی در دادگاه	
actions à la requête des personnes morales	دعاوی اقامه شده از طرف سند یکاهای حرفه‌ای
actions exercées par les syndicats professionnels	
contentieux commercial	دعاوی بازرگانی
۱م. آ. د. م	
contentieux international, conflits internationaux	دعاوی بین‌المللی
affaires financières, contentieux financier	دعاوی پول
affaires commerciales, procédures commerciales	دعاوی تجاری
۱م. ا. م. ح. ت. س. ۱۴۴	
affaires criminelles, procès criminels	دعاوی جنائی
procès pénaux	دعاوی جزائی
۴۶م. ق. ث. ع	
procès réunissant plusieurs parties en cause	دعاوی چندجانبه
بندج. بخش پنجم. ا. ب. ب. ت. ت	
affaires civiles	دعاوی حقوقی
۵۵۹م. ق. ت	
différends familiaux, dissensions familiales	دعاوی خانوادگی
۲م. ق. ح. خ	
	دعاوی خلافی
procédure relevant des tribunaux de police, affaire de simple police	
۲۵م. ق. ا. ت. ع	
affaires publiques	دعاوی دولت
تبصره ۲. ماده ق. ت. م. د. ب. ا. د. س. ۱۳۰۷	
actions opposant l'Etat aux particuliers	دعاوی دولت بر اشخاص
	دعاوی راجع به احوال شخصی
actions d'état, affaires concernant l'état des personnes	
دعاوی راجع به اصل امتیازاتی که از طرف دولت داده میشود	
contentieux des concessions publiques	
۱۶م. آ. د. م	

contentieux de la construction	دعاوی راجع به اعیان ۱۳۴. ق. م. ح. ا. ت. س. ۱۳۱۴
actions mobilières	دعاوی راجع به اموال منقول ۱۳۴. آ. د. م.
contentieux concernant le passif héréditaire	دعاوی راجع به بدهی متوفی ۲۲۱۴. ق. ا. ح.
contentieux relatif au passif héréditaire pendant inventaire du patrimoine	دعاوی راجع به بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه ۲۲۱۴. ق. ا. ح.
contentieux relatif à l'actif successoral	دعاوی راجع به ترکه ۱۲۱۴. ق. ا. ح.
contentieux relatif aux biens d'un de cujus de nationalité étrangère	دعاوی راجع به ترکه اتباع خارجه ۳۵۵۴. ق. ا. ح.
contentieux successoral	دعاوی راجع به ترکه در مدت تحریر ترکه ۲۲۱۴. ق. ا. ح.
actions réelles	دعاوی راجع به حقوق عینی دعاوی راجع به دولت/ دعاوی مربوط به دولت
procédure mettant l'Etat en cause, actions relatives à la chose publique	۱۶۴. آ. د. م.
contentieux des marques de fabrique	دعاوی راجع به علائم صنعتی ۱۶۴. آ. د. م.
litige portant sur un corps certain	دعاوی راجع به عین دعاوی راجع به عین موصی به
litiges concernant des biens compris dans un partage testamentaire	دعاوی راجع به عین موهوبه
contentieux des mutations à titre gratuit	دعاوی راجع به غائبین فرضی
contentieux, contentieux concernant des absents	دعاوی راجع به قیمومت
procédures relatives à la tutelle	دعاوی راجع به مؤسسات دولتی
contentieux des établissements publics	

- دعاوی راجعه به اموال غیر منقول
actions immobilières, contentieux immobilier
- دعاوی راجعه به اموال غیر منقوله
actions immobilières, contentieux immobilier
- ۱۱۱ م. ا. م. ح
دعاوی راجعه به اموال منقوله
actions immobilières, contentieux immobilier
- ۲۴ م. ق. ا. م. ح. ت. س ۱۳۱۴
دعاوی راجعه به حقوق ارتفاقی
actions confessoires
- ۱۳ م. آ. د. م
دعاوی راجعه به حقوق انتفاعی
actions négatoires d'usufruit
- دعاوی راجعه به حقوق مالی
actions réelles
- ۱۲ م. ق. ا. م. ح. ت. س ۱۳۱۴
دعاوی راجعه به غیر منقول
actions immobilières
- ۲۵ م. ق. ا. م. ح. ت. س ۱۳۱۴
دعاوی راجعه به قمار
contentieux des jeux et paris
- ۶۵۴ م. ق. م
دعاوی راجعه به گرو بندی
contentieux des jeux et paris
- ۶۵۴ م. ق. م
دعاوی راجعه به محاکمی که بدایتاً رسیدگی مینمایند
affaires pendantes en première instance
- ۲۳ م. ق. ا. م. ح. ت. س ۱۳۱۴
دعاوی راجعه به نظم عمومی
litiges concernant l'ordre public
- دعاوی سوسه دار/دعاوی غیر واقعی
causes sans fondement, actions fictives
- دعاوی صغار/دعاوی مربوط به صغار
affaires concernant les mineurs
- دعاوی ضرر و خسارت ناشی از امتیازات
contentieux relatif au dédommagement des concessions
- ۸ م. ق. ت. ق. ا. م. ح. س ۱۳۰۲
دعاوی غیر مالی
actions extra-patrimoniales, actions personnelles
- ۸ م. ق. م. د
دعاوی فرضیه/دعاوی تصویری/دعاوی احتمالی
actions fictives, réclamations sans fondement
- ۷۶۶ م. ق. م

actions en justice, procédures	دعاوی قضائی/دعاوی مطروح در مراجع قضائی
۴۴م. قانون الحاق دولت ایران به مقاوله نامه بین المللی مربوط به حمل و نقل کالا و راه آهن	
actions pénales	دعاوی کیفری/دعاوی مربوط به دادگاه های کیفری
۸م. ق. م. د	
actions indéterminées	دعاوی که خواسته آن معلوم نیست
actions réelles	دعاوی مالی
۸م. ق. م. د	
actions reconventionnelles	دعاوی متقابل
demande reconventionnelle réelle	دعاوی متقابل مالی
۲۹۹م. ق. د	
	دعاوی مختلط/دعاوی مالی و غیر مالی/دعاوی منقول یا غیر منقول
cumul d'actions	
affaires terminées, contentieux réglé	دعاوی مختومه
۲۲م. ق. ت	
actions portées devant les juridictions civiles	دعاوی مدنی
۱م. آ. د. م	
contentieux du mariage	دعاوی مدنی ناشی از امر زناشویی
۱۳۱م. ق. ح. خ	
actions domaniales	دعاوی مربوط به املاک دولتی
	دعاوی مربوط به منال دیوانی/دعاوی مربوط به اموال دیوانی
contentieux de la chose publique	
۹م. ق. ا. م. ح. ت. س. ۱۳۱۴	
actions douteuses, réclamations douteuses	دعاوی مشکوک
۳۹م. ق. ت. ا. و	
actions pendantes, affaires en cours	دعاوی موجوده/ادعای فعلی/ادعای حال
contentieux relatif aux assurances sociales	دعاوی ناشی از بیمه های اجتماعی
contentieux de l'exécution	دعاوی ناشی از دستور اجرای اسناد رسمی
۲م. ق. ا. ا	
actions issues de la gestion d'affaires	دعاوی ناشی از معاملات فضولی
contentieux des actes de gestion	دعاوی ناشیه از اعمال تصدی
۴م. ق. ر. د. ب. ا. د	

- contentieux relatif aux actes d'autorité دولت اعمال حاکمیت
۴م. ق. ر. د. ب. ا. د
- contentieux des obligations sociales دعاوی ناشیه از تعهدات شرکت
۳۷م. آ. د. ا
- contentieux actuel دعاوی واقعی/دعاوی وقوع یافته
۷۶۶م. ق. م
- contentieux relatif au failli دعاوی ورشکسته
- action indéterminée دعوائی که خواسته آن معلوم نیست
- action en dommages et intérêts دعاوی خسارت
- action en dommages et intérêts moratoires دعاوی خسارت از بابت تأخیر تأدیه
۳۸م. ق. ا. م. ح. ت
- action en paiement des honoraires d'avocat دعاوی خسارت از بابت حق الوکاله
- action en paiement des honoraires d'avocat
۳۸م. ق. ا. م. ح. ت
- action en réclamation des frais de justice دعاوی خسارت از بابت مخارج عدلیه
- action en réclamation des frais de justice
۳۸م. ق. ا. م. ح. ت
- action en réclamation des frais de la procédure devant la Cour de cassation دعاوی خسارت راجع به مرحله تمیزی
- action en réclamation des frais de la procédure devant la Cour de cassation
۳۸م. ق. ا. م. ح. ت
- compensation judiciaire دعاوی مقاصه/دعای تهاثر
۱۴م. ق. ا. ب. ق. ا. م. ح. س. ۱۳۰۲
- convocation, invitation, appel, assignation دعوت
دعوت الحاق به قرارداد/دعوت الحاق به معاهده
- invitation à adhérer à la convention دعوت برای قمار
- incitation au jeu دعوت رسمی برای حضور در دادگاه
- assignation à comparaître, citation à comparaître دعوت شورای امنیت
- convocation du Conseil de Sécurité

- inviter les parties à régler leur différend دعوت طرفین برای تصفیه اختلاف ۳۲۴.۴.۴ م
- convocation des créanciers دعوت طلبکارها ۴۸۶.۴. ق. ت
- convocation de l'assemblée générale دعوت مجمع عمومی شرکت ۶۳۳.۴. ق. ت
- convocation, invitation دعوتنامه ۳۸۴.۴. ق. دیون
- appel à l'adhésion دعوتنامه الحاق ۱۱۴. قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی
- appel d'offres limité دعوتنامه مناقصه محدود ۸۴. آ. ا. ق. ت. ا. ص. م
- دعوی
- action en justice, procédure, litige, procès, cause, différend, contestation, affaire ۲۴. آ. د. م
- action en annulation d'un acte ou document دعوی ابطال سند ۳۲۲.۴. ق. ت
- دعوی ابطال سند در وجه حامل/دعوی ابطال سند تجارتهی در وجه حامل
- action en annulation d'un effet au porteur ۳۲۲.۴. ق. ت
- action en annulation d'un acte authentique دعوی ابطال سند رسمی
- action en annulation d'un titre de propriété دعوی ابطال سند مالکیت
- دعوی ابطال سند مالکیت معارض
- action en annulation d'un titre de propriété douteux (en conflit avec un autre titre de propriété)
- action en dissolution de la société دعوی ابطال شرکت ۸۴.۴. ق. ت
- action en annulation d'un acte de l'état civil دعوی ابطال شناسنامه ۱۸۴. ق. ت. ع. ا
- دعوی ابطال علامت ثبت شده
- action en annulation de marque

- دعوی ابطال عملیات و قراردادهای شرکت
 action en annulation des actes et contrats passés par la société
 ۸۴۴. ق. ت
- دعوی ابطال معامله
 action en invalidation de transaction
- دعوی اثبات
 action en réclamation de paternité
- دعوی اختصاری/دادرسی اختصاری
 procédure sommaire
- دعوی استخدامی مستخدمان
 recours des fonctionnaires aux tribunaux
- دعوی استرداد اسناد و اموالی که نزد ورشکسته است
 action en revendication des biens et effets détenus par le failli
 ۵۲۸۴. ق. ت
- دعوی استرداد اشیاء منقول
 action en revendication de meubles
- دعوی استرداد اماناتی که محدود به مدت معینی نباشد
 action en revendication du dépôt fait sans indication de durée
۷۴۱۴. آ. د. م
 action en revendication
- دعوی استرداد تعهدات ایفاء شده
 ۲۶۶۴. ق. م
- دعوی استرداد مال مغضوبه
 action en restitution du bien usurpé
- دعوی استرداد مالی مورد استفاده بلاجهت قرار گرفته
 action en revendication
- دعوی استرداد وثیقه
 action en restitution de gage
۶۴۱۴. آ. د. م
 cause d'appel
- دعوی استینافی
 دعوی اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال غیر منقوله
- دعوی اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال منقوله
 demande en distraction de saisie immobilière à la requête d'un tiers
- دعوی اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال منقوله
 demande en distraction de saisie exécution à la requête d'un tiers
- دعوی اصلی
 action principale, demande principale
۲۸۴. آ. د. م
 demande additionnelle
- دعوی اضافی
 demande judiciaire de réhabilitation
- دعوی اعاده اعتبار
 ۵۶۹۴. ق. ت

réintégrande	دعوی اعاده تصرف
prétention à l'oreille des autorités ou supérieurs, allégation d'un crédit ou d'une influence	دعوی اعتبار و نفوذ/ ادعای نفوذ داشتن
procédure en dénégation d'enregistrement	م. ۱. ق. ۱. ن
procédure de tierce opposition	دعوی اعتراض به ثبت
demande incidente	دعوی اعتراض ثالث
action en déconfiture	دعوی اعتراض طاری
action en déclaration de faillite	دعوی اعسار
action en déclaration de faillite à la requête des créanciers	م. ۳۷۲. ق. ۱
action en partage	دعوی اعلان ورشکستگی
action en annulation de partage	دعوی اعلان ورشکستگی از طرف طلبکاران ورشکسته
procédure disciplinaire	دعوی اقرار
action en réclamation de faire	م. ۷۲. آ. ق. و
action en annulation de société	دعوی الغاء تقسیم/ دعوی بطلان تقسیم
action personnelle	م. ۳۱۲. ق. ۱. م. ح. ت
action en dénégation de mariage	دعوی انتظامی/ تشریفات مربوط به رسیدگی به تخلفات انتظامی
action en annulation de mariage	دعوی انجام تعهد/ دعوی الزام به انجام تعهد
action en désaveu de paternité	دعوی انحلال شرکت
action nulle	م. ۹۳۲. ق. ت
action en déclaration de libération de la caution (v. art. 2034 s. C.civ.)	دعوی انفرادی
	دعوی انکار زوجیت/ دعوی انکار زوجیت درمورد ازدواج ثبت شده
	م. ۱۲۱. ق. ۱. د. ا. ز
	دعوی انکار زوجیت/ دعوی ابطال زوجیت
	دعوی انکار نسب
	دعوی باطل
	دعوی برائت از وجه الكفاله
	م. ۱۳۶۲ مکرر. آ. د. ک

contentieux relatif à la lettre de change دعوی برات/دعوی مربوط به برات
action intentée contre un absent دعوی برغایب

دعوی بر کسی که مال متوفی نزد او است

action intentée contre le détenteur d'un bien successoral

۲۳۶م. ق. ا. ح

دعوی بر متعهد میت

action intentée contre le détenteur d'un bien ayant appartenu au de cujus

action en réclamation d'une créance successorale دعوی بر ممدیون متوفی

۲۳۶م. ق. ا. ح

action intentée contre le de cujus

دعوی بر میت

۲۳۲م. ق. ا. ح

دعوی بستانکار بر حقوق و دعاوی بدهکار جز آن چه که منحصرأ مربوط به شخص بدهکار
action oblique (art. 1166 C. civ.) است

action paulienne (art. 1167 C. civ.) دعوی بستانکار در رد ادعای اعسار بدهکار

action en annulation de bail

دعوی بطلان اجاره

action en annulation de partage

دعوی بطلان تقسیم

۳۳م. آ. د. م

دعوی بطلان قرارداد ارفاقی

action en nullité du concordat (v. art. 571 C. comm.)

دعوی بطلان ورقه اختراع

action en nullité de brevet d'invention (v. L. 5 juill. 1844 art. 30 s.)

appel, procédure en cause d'appel

دعوی پژوهشی

procès à sensation

دعوی پرشرو شور/دعوی جنجالی

action en bornage (v. art. 646 C. civ.)

دعوی تحدید حدود

دعوی تحصیل حکم مشترک/دعوی جلب شخص ثالث

action en déclaration de jugement commun

action en réalisation de condition

دعوی تحقق شرط/دعوی حصول شرط

action en expulsion des lieux loués

دعوی تخلیه مورد اجاره

action en expulsion

دعوی تخلیه ید/دعوی خلع ید

action négatoire

دعوی تراغی

د آئی شماره ۳۵۴۷. س ۱۳۴۶. د. ع. ک

contentieux successoral	دعوی ترکه/دعوی مربوط به ترکه
action en déclaration de fraude	دعوی ترویر و تقلب
	۴۲م. ق. ت
	دعوی تشریک یا تحصیل حکم مشترک/دعوی جلب شخص ثالث
action en déclaration de jugement commun, mise en cause	
action en rectification d'acte de l'état-civil	دعوی تصحیح شناسنامه
	۴۴م. ق. ث. ا
	دعوی تصدیق وصایت وصی/دعوی تنفیذ وصایت وصی
action en validation de testament	
	۷۳م. ق. ا. ح
action possessoire	دعوی تصرف/دعوی راجع به تصرف
action en complainte	دعوی تصرف عدوانی
	۱۳۳۵م. ق. م
	دعوی تعمیر مورد اجاره
action en demande d'entretien de la chose louée	
	۲۲م. ق. ر. م. م
action en révision de loyer	دعوی تغییر مال الاجاره/دعوی تعدیل مال الاجاره
action reconventionnelle, action récursoire	دعوی تقابل/دعوی متقابل
action en partage	دعوی تقسیم/دعوی افراز
action tendant à la répression d'une fraude	دعوی تقلب
	۴۲م. ق. ت
action paulienne	دعوی تمکن معسر/دعوی علیه معسری که تمکن پیدا کرده است
	دعوی تمکین
action du mari contre sa femme qui refuse le devoir conjugal	
	۱۱۰۸م. ق. م و م ۱۴۳۲. آ. د. م
demande de reconduction de bail	دعوی تنظیم اجاره نامه
	۵م. ق. ر. م. م
	دعوی تنظیم سند/دعوی به الزام طرف به تنظیم سند
action tendant à la constitution d'un acte	
	دعوی تنفیذ وصیت نامه/دعوی راجع به احراز اصالت وصیت نامه
action en validation de testament	

- action en déclaration de faillite دعوی توقف/دعوی راجع به ورشکستگی
۴۳۲. آ. د. م
- action relative à la gestion d'affaires دعوی تولیت/دعوی راجع به تولیت
۱۶. آ. د. م
- instance en faux principal دعوی تعقیب جعل اصلی
- instance en faux incident دعوی تعقیب جعل طاری
- requête en intervention (v. art. 339 C.proc. civ.) دعوی ثالث/دعوی جلب ثالث
۶۲۲. آ. د. م
- action reconventionnelle دعوی ثانی/دعوی که در اثنای دعوی اولی حادث شود
- action en dommages et intérêts دعوی جبران خسارت
- action en dommages et intérêts, demande de réparation du préjudice,
action directe دعوی جبران ضرر و زیان
۶۴۵. م. ق. س. ۱۳۴۵
- procédure pénale دعوی جزائی/آیین دادرسی جزائی
- action publique دعوی جزائی از جنبه عمومی
- inscription en faux (v. art. 214 s. C.proc. civ.) دعوی جعل
۳۸۰. آ. د. م
- poursuite de faux principal دعوی جعل اصلی
- poursuite de faux incident دعوی جعل طاری
- procédure d'inscription de faux دعوی جعلیت
- requête en intervention (v. art. 339 C. proc. civ.) دعوی جلب شخص ثالث
۶۲۲. آ. د. م
- procédure criminelle دعوی جنائی/محاكمه جنائی/آیین دادرسی جنائی
- procédure fondée sur l'ignorance du droit de préemption دعوی جهل به شفعه
- procédure fondée sur l'ignorance au moment du droit de préemption دعوی جهل به فوریت شفعه
- procédure concernant un chèque دعوی چك/دعوی مربوط به چك
- saisine d'office des tribunaux pour la protection des mineurs et des
incapables دعوی حسبى/رسیدگی راجع به امور حسبى

دعوی حصر وراثت/ تقاضای صدور تصدیق انحصار وراثت	
demande de certificat de successible, demande d'envoi en possession	
دعوی حضانت طفل	
action relative au droit de garde d'un enfant	
دعوی حقوقی / دعوی مدنی	
procédure de caractère civil	۲۲۱۴. ق. م. ع
دعوی حواله/ دعوی راجع به حواله در انتقال دین	
action concernant la délégation de dette	
دعوی خالصه / دعوی راجع به اموال خالصه	
biens publics, domaine privé de l'Etat	
دعوی خسارت/ دعوی مطالبه خسارت	
action en dommages et intérêts	۴۲۴. آ. د. م
دعوی خسارت دادرسی/ دعوی مطالبه خسارت دادرسی	
action en réclamation des frais de justice	
دعوی خسارت ناشی از حقوق ارتفاق	
action en indemnité pour servitude	
دعوی خصوصی/ دعوی مدعی خصوصی	
action civile	۲۴. آ. د. ک
دعوی خلع ید از متصرف غیر قانونی	
action en expulsion de l'occupant sans droit ni titre	
دعوی خیانت متولی/ دعوی راجع به خیانت متولی	
poursuites pour abus de confiance de l'administrateur d'une fondation pieuse	
دعوی خیانت ولی قهری/ دعوی راجع به خیانت ولی قهری	
poursuites pour abus de confiance contre le tuteur légal	
دعوی دولتی / دعوی راجع به دولت	
contentieux mettant en cause une personne publique	
	۱۶۴. آ. د. م
دعوی دینی/ دعوی غیر عینی	
action personnelle	
دعوی راجع به احوال شخصی	
procédure d'état, action d'état (état et capacité des personnes)	
دعوی راجع به اصل حقوق انتفاع و ارتفاق	
action confessoire	۳۳۲۴. آ. د. م
دعوی راجع به اصل طلاق	
procédure de divorce	۷۴. ق. م. ش

litige concernant le mariage	دعوی راجع به اصل نکاح ۷۲. ق. م. ش
action mobilière	دعوی راجع به اموال منقول ۱۳۲. آ. د. م
action immobilière	دعوی راجع به اموال غیرمنقول
action en paiement des loyers	دعوی راجع به پرداخت مال الاجاره
action en remboursement des frais de justice	دعوی راجع به هزینه دادرسی
action tendant au remboursement de la dette assortie d'intérêts	دعوی راجع به دیون و منافع ۱۳۲. آ. د. م
action réelle immobilière	دعوی راجع به عین غیرمنقول
action successorale	دعوی راجع به ماترك ۳۱۲. قرارداد وین
action réelle	دعوی راجع به مال غیرمنقول خصوصی ۳۱۲. قرارداد وین
action en révocation de donation (V. art. 953 C. civ.)	دعوی رجوع ازهبه
action en revendication	دعوی رد مدعی به
action en revendication d'un corps certain	دعوی رد یا استرداد شیئی معین
action paulienne	دعوی رفع عسرت از معسر
complainte	دعوی رفع مزاحمت ۳۲۵. آ. د. م
complainte	دعوی رفع ممانعت از حق ۳۲۴. آ. د. م
action en concurrence déloyale	دعوی رقابت مکارانه
action concernant le mariage	دعوی زناشویی / دعوی راجع به زناشویی
action sans fondement	دعوی زوجیت ۲۲. ق. ر. ا. ز
action relative aux actes de l'état-civil	دعوی ساختگی
contentieux de le lettre de change	دعوی سجلی / دعوی راجع به اسناد سجلی
action en exécution d'une obligation	دعوی سفته / دعوی راجع به سفته

demande de débouté fondée sur l'exécution de l'obligation	دعوی سقوط تعهد/ادعای سقوط تعهد
action en réintégrande	دعوی سلب مالکیت/دعوی تصرف عدوانی
tierce opposition dans une saisie	دعوی شخص ثالث نسبت به مال توقیف شده
action personnelle	دعوی شخصی
action en dommages et intérêts	دعوی ضرر و زیان/دعوی مطالبه ضرر و زیان
demande incidente	دعوی ضمیمه/دعوی طاری
demande incidente, demande additionnelle	دعوی طاری
action en divorce	دعوی طلاق
action réelle, action en réclamation de dette	دعوی طلب/دعوی راجع به طلب
procédure de droit commun	دعوی عادی
action publique	دعوی عمومی
action réelle	دعوی عینی
action fondée sur le dol	دعوی غبن
action personnelle	دعوی غیر مالی
action oblique (V. C. civ. art. 1166)	دعوی غیر مستقیم
action immobilière	دعوی غیر منقول
demande incidente, action incidente	دعوی فرعی/دعوی ضمنی
action résolutoire	دعوی فسخ
action en résiliation de bail	دعوی فسخ اجاره
action en résolution de la vente d'un immeuble	دعوی فسخ بیع مال غیر منقول
action en résolution de la vente d'un bien meuble	دعوی فسخ بیع مال منقول

دعوی فسخ بیع به علت عدم تأدیه ثمن	
action en résolution de vente pour non—paiement du prix (V. C. civ. art. 1654)	
action résolutoire	دعوی فسخ عقد
action résolutoire	دعوی فسخ قرارداد
action résolutoire	دعوی فسخ معامله
	۷۴۰م. آ. د. م
action en rescision (V. C. civ. art. 1674)	دعوی فسخ معامله به علت غبن
action pour contrebande	دعوی قاچاق/محاكمه مربوط به قاچاق
	۷۲. ق. م. م. ق
دعوی کسبه و بازرگانان نسبت به قیمت چیزی که از آنان خریده میشود	
action tendant au paiement du prix	
	۷۴۰م. آ. د. م
procédure pénale, action pénale	دعوی کیفری/دعوی جزایی
	دعوی کیفری از طرف مجنی علیه
procédure pénale à la requête de la victime, procédure au pénal sur les intérêts civils	
litige opposant les successibles	دعوی مابین وراث
	۳۲م. آ. د. م
action pétitoire	دعوی مالکیت
	۲۳م. آ. د. م
action pétitoire	دعوی مالکیت علیه متصرف
action pétitoire	دعوی مالکیت نسبت به اعیان
	۷۴۱م. آ. د. م
action pétitoire	دعوی مالکیت نسبت به اموال غیر منقول
	۷۴۱م. آ. د. م
contentieux fiscal	دعوی مالی
دعوی متضرر از جرم/طرح دعوی متضرر از جرم در محاکم مدنی	
action au civil	
دعوی متضرر از جرم/دعوی مطالبه خسارات ناشی از جرم	
action en réparation de dommages et intérêts	

demande reconventionnelle	دعوی متقابل
plainte contre X...	دعوی مجهول/دعوی علیه طرفی که هنوز معلوم نیست دعوی مجنی علیه، علیه بیمه گر مسئول ۲۸۴۲. آ. د. م.
action directe de la victime de l'assuré contre l'assureur de responsabilité (L.13 juil. 1930 art.53)	
action mixte	دعوی مختلط
affaire classée	دعوی مختومه
action civile	دعوی مدنی/دعوی حقوقی ۲۲. ق. ح. خ
	دعوی مدنی تاختم دعوی کیفری معلق میماند
principe selon lequel: «le criminel tient le civil en état»	
	دعوی مربوط به خسارت ناشی از حمل و نقل
action en dommages et intérêts relatifs aux transports	
demande connexe	دعوی مرتبط با دعوی اصلی ۲۸۴۲. آ. د. م.
	دعوی مرور زمان/ادعای مرور زمان کردن
action en déclaration de prescription acquise	
action en complainte	دعوی مزاحمت ۱۳۳۵۲. ق. م.
action en complainte	دعوی مزاحمت حقوقی/دعوی رفع مزاحمت حقوقی
action en complainte	دعوی مزاحمت عملی/دعوی رفع مزاحمت عملی دعوی مستحق اللغیر/مالکیت مربوط به غیر ناقل
action en nullité de la vente de la chose d'autrui (V.C. civ. art. 1599)	
	۷۴۱۲. آ. د. م.
action directe	دعوی مستقیم
action en réclamation de loyer	دعوی مطالبه اجرت المثل مال منقول ۷۲۷۲. آ. د. م.
	دعوی مطالبه اجرت المثل مال غیر منقول
action en fixation de la valeur locative	
	دعوی مطالبه خسارات متوجه به مال غیر
demande de réparation des dommages causés au bien d'autrui	

demande en réparation des dommages causés à un immeuble	دعوی مطالبه خسارات متوجه به مال غیر منقول
affaire en cours, cause pendante devant le tribunal	دعوی مطروحه در دادگاه
action réelle, action immobilière	دعوی ملکی
action réelle, action immobilière	دعوی ملکیت نسبت به عین غیر منقول
	۷۳۸۲. آ. د. م
action possessoire pour un trouble de droit, action en réintégration	دعوی ممانعت از حق
	۲۵۲. آ. د. م
action réelle, action mobilière	دعوی منقول
action principale	دعوی موجد دعوی اعتراض/دعوی اصلی
action en réclamation de dot	دعوی مهر/دعوی مطالبه مهر
	دعوی ناتمام در دادگاه
affaire en instance, affaire en cours, affaire pendante devant un tribunal	
	۳۲۲. ق. دیون
contentieux du transport	دعوی ناشی از قرارداد حمل و نقل
contentieux de la transaction	دعوی ناشیه از معاملات
	۷۴۱۲. آ. د. م
demande introductive d'instance	دعوی نخستین
contentieux de la filiation	دعوی نسب
	۱۶۲. آ. د. م
action réelle	دعوی نسبت به ملک
	۷۳۳۲. آ. د. م
	دعوی نشوز/شکایت راجع به ناسازگاری زن
action fondée sur le manquement de la femme à l'obéissance au mari	دعوی نفقه/شکایت راجع به نفقه
action tendant à l'allocation ou au paiement de la pension alimentaire	
	۱۴۳۲. آ. د. م

prétention à une certaine influence	دعوی نفوذ/ادعای داشتن نفوذ ۱. ق. ا. ن
demande de débouté du demandeur	دعوی نفی ادعای غیر
action en négation de mariage non transcrit	دعوی نفی زوجیت ثبت نشده
action en désaveu	دعوی نفی ولد ۱۱۶۱. ق. م
action concernant le failli	دعوی ورشکستگی/دعوی راجع به ورشکستگی
tierce opposition	دعوی وارد ثالث/دعوی ورود شخص ثالث
tierce opposition	دعوی ورود شخص ثالث
contentieux successoral	دعوی وراثت/دعوی راجع به وراثت ۲. ق. ت. ا. و. ر
contentieux d'une fondation (waqf)	دعوی وقفیت/دعوی راجع به وقف ۷۳۸. آ. د. م
	دعوی وکیل برموکل
action du mandant contre le mandataire, action directe du mandant contre le mandataire substitué (V. C. civ. art. 1694)	۷۳۹. آ. د. م
anxiété, angoisse, inquiétude, peur	دغدغه خاطر
tricherie	دغل کاری
registres, cahiers	دفاتر
bureau d'information, bureau de renseignements	دفاتر اطلاعاتی ۱۲۲. قرارداد دژنو
registre compte créditeur	دفاتر بستانکار حساب ۳۱. ق. ت. ا. و
bureaux de poste	دفاتر پستی/شعبه‌های پستی ۶. ق. پ
livres de commerce, registres de commerce	دفاتر تجاری ۱۲۹۷. ق. م
livres de commerce obligatoires	دفاتر تجاری رسمی/دفاتر رسمی تجاری

دفاتر تجارتي عادی

livres de commerce d'usage courant, livres de commerce officiels

دفاتر ثبت سهم آب

registre d'enregistrement des droits à la répartition de l'eau

۳۲. ق. ا. ق. ت. ب. آ. ک

livre de comptes

دفاتر جزو جمع

faux registres

دفاتر جعلی

registres des comptes

دفاتر حساب

registres officiels

دفاتر دولتی/دفاتر رسمی

۲۵۹۲. ق. م. ع

registres officiels

دفاتر دولتی/ادارات دولتی

administration publique, administration étatique

registres officiels

دفاتر رسمی / دفاتر دولتی

documents maritimes

دفاتر رسمی کشتی/اسناد رسمی کشتی

registres de l'état-civil

دفاتر سجل احوال

۹۷۰۲. ق. م

registres frontaliers

دفاتر سرحدی

۴۴. ق. م. د

bureaux techniques

دفاتر فنی/ادارات فنی

۱۶. ق. م. س ۱۳۴۳

registres légaux

دفاتر قانونی/ دفاتری که منطبق با قانون است

۵۸۲. ق. م. د

دفاتر قانونی/دفاتری که نگاهداری آنها را قانون دستور داده است

livres dont la tenue est imposée par la loi

offices du travail

دفاتر کار اشخاص/محل کار اشخاص

registres falsifiés

دفاتر مخدوش

دفاتر ملی اطلاعاتی

bureaux nationaux de renseignements, bureaux de renseignements officiels

۳۷۲. ق. ب

inventaire des marchandises	دفاتر موجودی کالا
registre d'inscription	۱۱۲. آ. ق. م. د دفاتر نام نویسی
résistance	۶۲. ق. ش. د. ا دفاع/مقاومت
défense	۱۸۷۲. ق. م. ع دفاع/دفاع در برابر حمله
défense par tous moyens, libre défense	۲۹۲. ق. ا. م. ح. ت دفاع آزاد
défense sociale	۱۴۶۲. قرارداد ژنو راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ دفاع اجتماعی
protection sociale	دفاع اجتماعی/حمایت اجتماعی
cas de légitime défense	دفاع از جان/دفاع کردن از جان
défense au procès	دفاع از دعوی
défense de l'honneur	دفاع از عرض
soutenir l'Etat, défendre le pays	۱۸۸۲. ق. م. ع دفاع از کشور/دفاع کردن از کشور
défense de la propriété	دفاع از مال
défense des intérêts communs	دفاع از منافع مشترك دفاع از ناموس
défendre l'honneur familial, défendre la respectabilité de la femme	۴۱۲. ق. م. ع دفاع از نفس/دفاع از جان/دفاع مشروع
légitime défense	۱۸۸۲. ق. م. ع دفاع به معنای اخص/نفی و انکار ادعای طرف
défense	دفاع به معنای ایراد/ایراد
exception	دفاع حق/دفاع کردن از حق خود
défendre son droit	۲۷۲. م. ق. د دفاع در ماهیت
défense au fond	دفاع در مقابل جنایت/پیش گیری جنایت
prophylaxie criminelle	دفاع شفاهی
défense verbale	دفاع غیر نظامی
protection civile	

دفاع کتبی

défense écrite, conclusions en défense, mémoire de la défense	
défense locale, résistance locale	دفاع محلی/مقاومت محلی
	۸۴۲.۴.۴
légitime défense	دفاع مشروع
	۱۸۶۲.ق.م.ع
légitime défense collective	دفاع مشروع اجتماعی/دفاع مشروع جمعی
	۵۱۲.۴.۴
légitime défense individuelle	دفاع مشروع انفرادی
	۵۱۲.۴.۴
défense nationale	دفاع ملی
	۱. قرارداد اقامت و دریانوردی ایران و فرانسه
défensif	دفاعی
cahier, registre, journal, répertoire	دفتر
bureau	دفتر/اداره/محل کار
bureau d'union postale	دفتر اتحاد پستی
bureau d'union postale internationale, U.I.T.	دفتر اتحاد پستی بین‌المللی
bureau de recensement	دفتر احصائیه
	۶۲.ق.ا.ق.خ.ن
répertoire du courrier expédié et reçu	دفتر ارسال و دریافت مراسلات
registre des mariages	دفتر ازدواج/دفتر ثبت ازدواج
	دفتر ازدواج و طلاق/دفتر ثبت ازدواج و طلاق
registre des mariages et des divorces	
nomenclature, annuaire	دفتر اسامی/دفتر ثبت اسامی
	۲۵۲.ق.ا.ق.خ.ن
notariat	دفتر اسناد رسمی/دفتر ثبت اسناد رسمی
	۸۳۲.ق.ت
	دفتر اظهار نامه تولد خارج از موعد/دفتری که تولد نوزادانی که قبل از فروردین سال جاری تولد یافته باشد در آن ثبت می‌گردد
registre de déclarations tardives de naissance	

- دفتر امانت ثبت
registre de dépôt de bureau d'enregistrement
۲۹۶م. ق. ا. ح
- دفتر املاک/دفتر ثبت املاک
registre foncier
۸م. ق. ت
- دفتر املاک توقیف شده/دفتر ثبت املاک توقیف شده
- registre des immeubles saisis
- دفتر املاک مجهول المالك/دفتر ثبت املاک مجهول المالك
- répertoire des immeubles dont le propriétaire est inconnu
- دفتر امور اطاقهای بازرگانی/دفتر ثبت امور اطاقهای بازرگانی
- répertoire des affaires commerciales, rôle des tribunaux de commerce
۳م. ل. ق. ا. ب
- دفتر امور مجبورین و تحریرترکه
- bureau connaissant des affaires des incapables et des successions
۱۶م. ق. ا. ت. ع
- دفتر بازرسی کل کشور/اداره بازرسی کل کشور/سازمان بازرسی کل کشور
- office d'inspection générale de l'Etat
۶م. ق. ا. ا. ت. ع
- دفتر بین المللی اتحاد پستی جهان/سازمان بین المللی اتحاد پستی جهانی
- bureau international d'union postale
- دفتر بین المللی اتحاد پستی عمومی/اداره بین المللی اتحاد پستی عمومی
- bureau international d'union postale
- دفتر بین المللی حمایت فرهنگی/سازمان بین المللی حمایت فرهنگی
- organisation internationale de la protection culturelle
۸م. قرارداد حمایت اموال فرهنگی
- دفتر بین المللی کار/اداره بین المللی کار
- bureau international du travail (B.I.T.)
- دفتر بین المللی هیدروگرافیک/اداره بین المللی آب شناسی
- bureau international d'hydrographie
- دفتر پست مبداء
bureau de poste émetteur, timbre d'origine
- دفتر پلمب شده قانونی
registre officiel plombé, registre officiel cacheté
۲۲م. آ. ت. ج. ک

registre du commerce	دفتر تاجر/دفتر تجاری ۱۲۹۸۲ ق. م
bureau de commerce	دفتر تجارت/دفتر تاجر/محل کار تجاری
registre commercial	دفتر تجاری ۱۲۹۹۲ ق. م
tableau d'avancement	دفتر ترفیع رتبه ۵۱۲ ق. ا ق
répertoire des actes sous seings privés	دفتر تصدیق امضاء افراد ۱۲۰۱ ق. ت
rôle d'audience	دفتر تعیین اوقات
rôle d'audience, mise au rôle	دفتر تعیین اوقات رسیدگی دادگاه
registre des faillites	دفتر ثبت اسامی ورشکستگان ۵۷۴۲ ق. ت
répertoire des actes authentiques	دفتر ثبت اسناد رسمی ۲۳۲ ق. د. ا. ر
cahiers de doléances	دفتر ثبت اعلام جرمها/دفتر ثبت شکایات
registre des décès	دفتر ثبت اموات
	دفتر ثبت تجاری/دفتر ثبت علائم تجاری
registre d'inscription des marques de commerce	۱۲۰۱ ق. د. ت. ت
rôle	دفتر ثبت خلاصه تصمیمات دادگاه دفتر ثبت شرکتهای تجاری
répertoire des sociétés commerciales, registre d'inscription des sociétés de commerce	دفتر ثبت علایم صنعتی و تجاری
registre d'inscription des marques de commerce	۱۲۰۲ ق. ا. ق. ت. ع
	دفتر ثبت فنوآت
répertoire des canaux souterrains (kanat), catalogue des canaux souterrains	۱۲۶۲ ق. آ. ق. ت

registre d'inscription des navires, inscription maritime دفتر ثبت کشتی
liste des correspondants دفتر ثبت مکاتبات

۲۳۴. ق. د. ا. ر

دفتر ثبت موقوفات

registre d'inscription des fondations pieuses (waqf), répertoire des
fondations pieuses

۱۰۷۴. آ. ق. ت

registre d'écrou دفتر ثبت نام زندانیان
rôle دفتر ثبت نتایج دادرسی و تصمیمات دادگاه

دفتر ثبت نماینده/دفتر نماینده ثبت دفتر اسناد رسمی

catalogue du représentant

۸۷۴. ق. ب

carnet de bord, livre de bord, journal de bord دفتر ثبت وقایع کشتی

۴۶۹. م. ق. س. ۱۳۴۳

livret militaire

دفترچه پایان خدمت

۲۰۴. آ. س. ت. آ

carte de rationnement, carnet de rationnement دفترچه جیره بندی

۱۳۴. آ. ک. خ. ک. د

carnet de chèque

دفترچه چک

۲۸۴. ق. م. ع. ح. ت

carnet de notes

دفترچه مشخصات

livret de famille

دفترچه مشخصات ازدواج/دفترچه مشخصات خانوادگی

étude de notaire, notariat

دفترخانه/دفتر اسناد رسمی

۲۲۴. ق. د. ا. ر

دفترخانه ثبت زناشویی

bureau d'enregistrement d'acte de mariage (notarial)

notariat de première classe

دفترخانه درجه اول

۴۴. ق. د. ا. ر

notariat de seconde classe

دفترخانه درجه دوم

۴۴. ق. د. ا. ر

notariat de troisième classe	دفترخانه درجه سوم
	۴۴. ق. د. ا. ر
cabinet du juge	دفتر دادرس
greffe du tribunal	دفتر دادگاه
	۱۲۲۴. آ. د. م
greffe de la Cour d'assises	دفتر دادگاه جنائی
	۱۸۴. آ. د. ك
	دفتردار
greffier, secrétaire, personne chargée de la tenue des écritures	
	۴۳۴. د. ب. د
livre d'inventaire du commerçant	دفتر دارایی/دفتر دارایی تاجر
	۶۴. ق. ت
greffier	دفتردار محکمه
	۴۴۶۴. ق. ت
secrétariat commercial	دفتر داری تجارتي
comptabilité en partie double	دفتر داری دوبل/حسابداری دوبل
agence de commission	دفتر دلالي
	۳۵۶۴. ق. ت
greffe de la Cour de cassation	دفتر دیوان تمیز
registre clôturé	دفتر راکد
	۶. ق. ا. ت. ا. ع
	دفتر راهنمایی/اداره اطلاعات و راهنمایی
bureau d'information, bureau de renseignements	
registre officiel	دفتر رسمی/دفتر پلمپ شده
	۸۱۴. ق. ت
bureau notarial d'enregistrement de mariage	دفتر رسمی ازدواج
	۱۴. ق. ا. ر
étude de notaire, notariat	دفتر رسمی اسناد رسمی
	۸۱۴. ق. ت
inscription maritime	دفتر رسمی ثبت کشتی‌ها
	۵۴. آ. ت. ا. م. ك

office notarial des divorces	دفتر رسمی طلاق
livre — journal	دفتر روزنامه تاجر ۱۲. ق. ا. ر
bureau de conciliation	دفتر سازش
annuaire des abonnés, annuaire téléphonique	دفتر سالیانه مشترکین
bureau d'état—civil	دفتر سجل احوال/ اداره سجل احوال ۹۹۴۲. ق. م
office de recensement	دفتر سجل نفوس/ دفتر سجل جمعیت ۶۲. ق. ا. ق. ا. ق. خ. ن
registre d'état—civil à l'échelon départemental	دفتر سجل ولایتی
chancellerie	دفتر سفارت
cahiers de doléances	دفتر شکایت/ طومار شکایت
registres notariaux	دفتر صاحب دفتر/ دفتر سردفتر ۸۴۲. ق. ت
registre des produits d'exportation	دفتر صدور محصولات به خارج ۶۲. ق. ا. ق. ا. ت. خ
	دفتر صندوق/ دفتر حسابداری پرداخت‌های نقد تجارتخانه
livre de recettes du commerçant	
office notarial de divorce	دفتر طلاق/ دفتر رسمی طلاق
livre de recettes	دفتر عایدات/ دفتر دریافت‌ها ۲۳۲. ق. د. ا. ر
répertoire secondaire des propriétés	دفتر فرعی املاک
office consulaire	دفتر قنصلخانه
livre de copie	دفتر کپی تاجر ۶۲. ق. ت
livre, grand livre	دفتر کل تاجر ۶۲. ق. ت
	دفتر کل بازرسی و تشکیلات و کلای عدلیه
bureau d'inspection générale du barreau	۶۲. ق. ا. ت. ع

secrétariat général d'un ministère	دفتر کل وزارت
	۶۴. ق. ا. ت. ع
دفتر گردش تمبر/ دفتر گردش تمبر دفترخانه اسناد رسمی	
répertoire des timbres quittance dont l'usage est exclusivement no- tarial	
	۲۳۴. ق. د. ا. ر
répertoire des actes sous seings privés	دفتر گواهی امضاء
	۱۴. آ. ق. ت
	دفتر مالیات بر شرکتها و تجارت
liste des impôts frappant les sociétés commerciales	
	۴۴. ق. ا. ق. ا. ت
registre des décès	دفتر متوفیات/ دفتر ثبت نام مردگان
	دفتر محجورین و تحریر ترکه/ دفتر ثبت نام محجورین و تحریر ترکه
répertoire des incapables et des biens du de cujus	
registre confidentiel	دفتر محرمانه
	۶۴. ق. ا. ت. ع
répertoire des immeubles non enregistrés	دفتر مخصوص املاک ثبت نشده
	۸۸۴. ق. ث
bureau d'aide sociale	دفتر مددکاری اجتماعی
	دفتر مرتب/ دفتر بدون عیب و نقص/ دفتر بدون دست خوردگی
registre bien tenu	
registre des décès	دفتر مردگان/ دفتر ثبت نام متوفیات
bureau central de transport international	دفتر مرکزی حمل و نقل بین‌المللی
	۵۴. مقاله نامه بین‌المللی مربوط به حمل و نقل کالا با راه آهن
office des pensions	دفتر مستمریات/ دفتر پرداخت مستمریات
	۶۴. ق. م. ب. س. ۱۳۱۱
bureau d'assistance judiciaire du barreau	دفتر معاضدت قضائی کانون و کلاء
	۴۹۴. آ. ق. و
agence de transactions immobilières	دفتر معاملات غیر منقول
	۲۶۴. ق. ث

دفتر موالید/دفتری که برطبق مقررات معین نام موالید باید در آن ثبت شود	
registre des actes de naissance	
دفتر نماینده/دفتر نماینده ثبت در دفترخانه اسناد رسمی	
registre du représentant de l'Etat à l'étude de notaire	
	۲۳م. ق. د. ا. ر.
secrétariat commercial	دفتر نویسی/نوشتن دفتر تجاری
	۱۳م. ق. ت
clerc	دفتر یار
	۲۴م. ق. د. ا. ر.
clerc de première catégorie	دفتر یار درجه اول
	۵م. ق. د. ا. ر.
clerc de seconde catégorie, petit clerc	دفتر یار درجه دوم
	۵م. ق. د. ا. ر.
	دفتری شده/اسناد رسمی دفتری شده
transcrit, enregistré, répertorié, noté	
	۲م. ق. م. خ. ا.
lutter contre les fléaux naturels	دفع آفات طبیعی
temporisation	دفع الوقت
du premier coup, d'un seul coup, en une seule fois	دفعه واحده
	۸م. ت. ش. ۵۸۵/۴ - ۴۴/۲/۱۸ هیأت دولت
empêcher une infraction, s'opposer à la commission d'un délit	دفع جرم
	دفع خطر کردن
conjururer un péril, écarter un danger, dissiper une menace	
prévenir le préjudice	دفع ضرر
	۱۱۴م. ق. م
fois, coup	دفعه
inhumation	دفن
permis d'inhumer	دفن/جواز دفن
enterrement, inhumation	دفن اموات
mise en terre d'un cadavre, inhumation	دفن جنازه

trésor	دڤنه/کنج
	۱۷۳۲. ق. م
	دقایق قانونی/ نکات باریک قانونی
précision apportée par la loi, subtilité juridique	
précision, minutie	دقت
précision normale	دقت معمولی
	۴۴۲. م. ق. س ۱۳۴۳
précis	دقیق
précisément, exactement	دقیقاً
magasin, boutique, échoppe, fonds, commerce	دکان
	۱۲. ق. ر. م. م
doctrine	دکترین
échoppe, petite boutique	دکه/دکان کوچک
	۵۵۲. ق. ش
sadique	دگر آزار/ کسی که جنون آزار کردن دارد
sadisme	دگر آزاری/ جنون مردم آزاری
évolution, changement, transformation, mutation	دگرگونی
dollar	دلار
coquetterie	دلالت
commissionnaire	دلالت/ واسطه معامله و کار
	۳۳۵. ق. ت
courtier libre	دلالت آزاد/ دلالت بدون پروانه
coulissier, courtier en valeurs mobilières	دلالت اوراق بهادار
souteneur, proxénète	دلالت زنان منحرف
courtier inscrit, courtier assermenté	دلالت مجاز
bouc émissaire	دلالت مظلمه
commission	دلالتی
	۳۵۳. ق. ت
diriger, renseigner, guider	دلالت/ هدایت و راهنمایی
intime conviction, présomption	دلالت/ قرینه و اماره قانونی
	۱۹۱۲. ق. م

signification par raison, induction	دلالت اشاره/دلالت عقلی
signification par contenance	دلالت اقتضاء/دلالت تضمن
signification par consécutif	دلالت التزام/دلالت به یاری ملازمه
présomption de possession	دلالت بر تصرف/قرینة بر تصرف ۱۱۰۴. ق. م
expression de la volonté	دلالت بر قصد/ثابت کننده قصد/اشاره بر قصد ۱۹۱۴. ق. م
signification par contenance	دلالت تضمنی/دلالت اقتضا دلالت سیاقی/دلالت منطوقی غیر صریح
signification par contenance tacite, signification par concordance tacite, signification expresse	دلالت صریح دلالت طبعی/دلالت ذاتی
signification naturelle, signification par les moyens normaux	
signification par raison	دلالت عقلی
renseigner, diriger, éclairer, orienter	دلالت کردن/راهنمایی کردن
présumer, subodorer	دلالت کردن/معنی دادن/مفهوم شدن ۲۸۴۴. ق. م
signification conventionnelle	دلالت لفظی
signification par concordance, analogie	دلالت مطابقه/دلالت مطابقی
signification par concordance, analogie	دلالت مطابقی/دلالت مطابقه
signification par intuition	دلالت مفهومی دلالت منطوقی/دلالت تضمنی/دلالت مطابقه
signification par contenance, signification par concordance	
signification conventionnelle	دلالت وضعی
preuves	دلایل/وسایل اثبات یا دفاع حق ۳۵۴۴. آ. د. م و ۱۲۵۷۴. ق. م
chefs d'accusation	دلایل اتهام/جهات اتهام ۱۶۱۴ مکرر. آ. د. ک
preuves	دلایل اثبات دعوی ۱۲۵۸۴. ق. م
preuves	دلایل اثبات وقایع خارجی/دلایل اثبات دعوی ۳۵۵۴. آ. د. م

motif du refus	دلائل امتناع
	۴۴. قرارداد وین
causes de la dissolution de la société commerciale	دلائل انحلال شرکت تجاری/جهات انحلال شرکت تجاری
	۱۳۶م. ق. ت
causes de l'infraction	دلائل بزه/عوامل ارتکاب بزه
preuves de la commission de l'infraction	دلائل بزه/دلائل اثبات و تحقق بزه
preuves nouvelles	دلائل تازه/دلائل جدید
	دلائل تعلیق مجازات‌ها/جهات تعلیق اجرای مجازات
raison du sursis dans l'exécution des peines	
preuves de la culpabilité de l'accusé	دلائل توجه اتهام به متهم
preuves nouvelles	دلائل جدید/دلائل تازه
	۲۹۱م. آ. د. ک
preuves admises pénalement	دلائل جزائی/دلائل در امور جزایی
preuves du faux en écriture	دلائل جعل سند/دلائل اثبات جعل سند
	۳۸۰م. آ. د. م
présomption	دلائل حاصل شده از روی آثار و علایم
motivations juridiques, logique du droit	دلائل حقوقی/منطق حقوقی
arguments de droit, arguments	دلائل حقوقی/استدلال حقوقی
preuves indirectes	دلائل غیر مستقیم
preuves admises légalement	دلائل قانونی
preuves ordinaires	دلائل کلاسیک/دلائل معمولی
moyens de preuve habituels	دلائل کلاسیک/وسایل کلاسیک
preuves matérielles du crime	دلائل مادی جرم
flagrant délit	دلائل مستقیم یا ملاحظات قاضی
intime conviction du juge, preuve par présomption	دلائل معنوی یا ایمان قاضی
	دلائل موجه/دلائل قابل قبول
preuves irréfutables, preuves déterminantes	
	ص ۳۸. م. ق. ر
	دلائل موجه/استدلال قابل قبول
preuves convaincantes, arguments probants	

دلایل نظری/استدلال نظری

argumentation, syllogisme, déduction, raisonnement	
charges contre l'inculpé	دلایل و قرائن علیه متهم
charges suffisantes	دلایل و قرائن کافی بر انتساب اتهام
amoureux, épris, sous le charme	دلباخته/عاشق
attachement, affection	دلبستگی
tristesse, affliction	دل‌تنگی
mécontentement, colère, mauvaise humeur, vexation	دلخوری
déchirant, navrant, affligeant, désolant	دلخراش
déception, découragement	دل‌سردی
en bon père de famille, en apportant les soins nécessaires	دل‌سوزی

۳۲. ق. پ. ب. ك

clown, bouffon, pitre	دلقك
désespéré, découragé, battu	دل‌مرده
anxiété, angoisse	دل‌هره
petit vol, menu larcin	دله دزدی
raison, motif, cause, mobile	دلیل/سبب/علت
preuve	دلیل/وسیله اثبات حق

۳۵۳۲. آ. د. م

raisonnement	دلیل آوری/استدلال کردن
charge de la preuve	دلیل آوری

دلیل آوری به عهده خواهان است

la charge de la preuve revient au demandeur	
présomption	دلیل اجتهادی/اماره
preuve de l'expédition d'une lettre	دلیل ارسال نامه
preuve de l'authenticité d'un acte	دلیل اصالت يك سند
preuve de la culpabilité de l'accusé	دلیل اثبات محکومیت

ص ۱۷۹. م. ق. و

preuve de la résidence	دلیل اقامت
------------------------	------------

۱۰۴. آ. ا. ر

preuve irréfutable	دلیل اقوی/دلیل تعیین کننده
--------------------	----------------------------

raison la plus forte	دلیل اقوی/قوی ترین دلیل
raison historique	دلیل تاریخی
argutie, subtilité de langage, chicane	دلیل تراشی
preuve nouvelle	دلیل جدید/دلیلی که در مرحله بدوی بدان استناد شده است
	۱۲۹۲. آ. د. م
fausse preuve	دلیل جعلی
preuve de la légitimité	دلیل/حقانیت/دلیل برحق بودن/دلیل مشروعیت
preuve contraire	دلیل خلاف
	۷۲۲. ق. پ
preuve de la réception de la lettre	دلیل دریافت نامه
preuve psychologique	دلیل روانی/علت روانی
preuve testimoniale	دلیل شهادتی
preuve indirecte	دلیل غیر مستقیم
preuve déterminante	دلیل قاطع
	دلیل قضائی/دلیل مورد قبول مقامات قضایی
moyen admis comme preuve, procédé de preuve légalement admis	
preuve légale	دلیل قضائی/دلیل قانونی
preuve découlant de l'expertise	دلیل کارشناسی/نظر حاصل از کارشناسی
preuve par écrit	دلیل کتبی
preuve de la propriété	دلیل مالکیت
	۳۵۲. ق. م
preuve directe	دلیل مستقیم
preuve acceptable, moyen admis comme preuve	دلیل مقبول
preuve admissible	دلیل موجه/دلیل قابل قبول
sang	دم/خون
	دمارکوبی/از وسایل مربوط به ساختن دخانیات
procédé de fabrication des cigares et cigarettes	
cerveau, encéphale	دماغ/مغز
nez	دماغ/بینی
cap, péninsule, promontoire	دماغه
lunatique, capricieux, changeant, versatile	دمدمی مزاج

démocrate	دمکرات
démocratie, gouvernement du peuple par le peuple	دمکراسی
instinct grégaire, esprit moutonnier	دنباله روی
dent	دندان
médecine dentaire	دندان پزشکی
côte découpée	دندانه‌های خشکی مجاور دریا
point mort	دنده خلاص
	۱۶۵۴. آ. ر. ر
monde extérieur, monde réel	دنیای خارج از ذهن
pays étrangers	دنیای خارج از کشور
duel, combat singulier	دوئل
cheptel, bestiaux, bétail	دواب/چهار پایان
bêtes de charge, bêtes de somme	دواب بارکشی/حیوانات بارکش
bêtes de monture, cheval de selle	دواب سواری/حیوانات سواری
bêtes de trait	دواب کشش/حیواناتی که چهار چرخ می‌کشند
continuité, durée, prolongation	دوام/ادامه
stabilité	دوام/ثبات
suite du litige, poursuite des débats	دوام اختلاف
	۳۳۴. ۲. ۲. ۲
continuation du différend	دوام اختلاف/ادامه اختلاف
	۳۳۴. ۲. ۲. ۲
maintien de la nationalité	دوام تابعیت
continuité de la possession	دوام تصرف
maintien du failli en détention	دوام توقیف ورشکسته
	۲۱۴. ق. ت. ا. و
pérennité de l'Etat	دوام دولت/دوام کشور
permanence du mariage	دوام زناشویی
courses de bêtes montées	دوانیدن حیوانات سواری
	۶۵۵۴. ق. م
cercles, spirale, volute, cercles concentriques	دوایر/دایره‌ها
bureaux, administrations, clubs, cercles	دوایر/اداره‌ها
administrations publiques	دوایر اداریه/سازمانهای دولتی

administrations départementales	دوایر ایالتی/ادارات استان
bureaux d'instruction préparatoire	دوایر تحقیقی
administrations publiques	دوایر حکومتی/ادارات دولتی/سازمانهای دولتی
administrations publiques	دوایر رسمی/دوایر عمومی/دوایر دولتی
	س. ۵. م. ق. د
administrations locales	دوایر محلیه/سازمانهای اداری محلی
administrations centrales	دوایر مرکزیه/سازمانهای اداری مرکزی
administrations locales	دوایر ولایتی/سازمانهای اداری ولایتی/ادارات محلی
recollage de label	دوباره چسب/باندردل دوباره چسب
	م. ۳. ق. ا. ق. ا. د. ت
	دوباره حبس کردن
réemprisonner, arrêter une nouvelle fois, reprendre, remettre sous les verrous	
bateau, barque, canot	دوبه/نوعی قایق کوچک
	س. ۱۵۴. م. ق. س. ۱۳۴۳
	دوپائی/تراز/مناصفه در مورد ملکیت دام و تربیت و نگاهداری دام
bail à cheptel (V. C. civ. art. 1804)	
	دوپهلو
ambigu, douteux, incertain, aléatoire, hypothétique, problématique	
charger un passager sur le cadre d' une bicyclette	دو ترکه سوار کردن
	م. ۱۴۷. آ. ر. ر
deux tiers	دو ثلث
	دو ثلث/از جمله سهامی که در ارث با فرض برده می شود
vocation successorale pour les deux tiers (une des quote — parts légalement prévues)	
	م. ۸۹۵. ق. م
hermaphrodite, androgyne	دو جنسی بودن
cycliste	دوچرخه سوار
	م. ۱۴۸. آ. ر. ر
véломoteur, motocycle	دوچرخه موتوردار
	م. ۱. آ. ر. ر

discorde, différend, désunion, mésentente	دو دستی
conduit de fumée, cheminée	دودکش
famille, lignage, dynastie	دودمان
cercle, cercle vicieux	دور/توقف شیئی بر نفس/دورفاسد
période	دوران
grossesse, gestation	دوران بارداری زن
antiquité	دوران باستان
période de guerre, temps de guerre	دوران جنگ
grossesse, gestation	دوران حاملگی/دوران باروری زن
temps du règne de la légalité	دوران حکومت قانون/دوران حیات قانون
grossesse, gestation	دوران حمل/دوران بارداری زن
	دوران حیات قانون/دوران اجرای قانون
temps du règne de la légalité, période d'application de la loi	
période de croissance	دوران رشد
	۱۰۲. ق. ح. نباتات
temps de paix	دوران صلح
grossesse, gestation	دوران طبیعی حمل
convalescence	دوران نقاهت
ménopause	دوران یائسگی زن
clairvoyant, lucide, perspicace, sagace, pénétrant	دوراندیش
bifurcation, croisée des chemins	دوراه
	دور زدن وسایل نقلیه در جای قدغن
demi — tour des véhicules là où cela est interdit	
	۱۳۶۲. آ. ر. ر
hypocrite, faux, dupeur	دورو
cercle vicieux	دورو تسلسل
cycle historique	دورو تسلسل تاریخی
cercle, période	دوره
	دوره آزمایش
période d'essai, temps de probation, temps d'épreuve	
	۸۲. ق. و
durée du sursis des peines	دوره آزمایش در تعلیق مجازات

période de stage de la fonction publique	دوره آزمایشی استخدام رسمی
durée de validité d'une convention ou d'un contrat	دوره اجرای قرارداد
session ordinaire	دوره اجلاسیه عادی
	۲۰۴. ۴. ۴. ۴
session extraordinaire	دوره اجلاسیه فوق العاده
	۲۰۴. ۴. ۴. ۴
session du Sénat	دوره اجلاسیه مجلس سنا
	۳۷۴. ق. ا. س
session ordinaire annuelle	دوره اجلاسیه منظم سالانه
temps de réserve (armée)	دوره احتیاط/قسمتی از خدمت وظیفه عمومی
	۴۴. ق. خ. ن. و
	دوره احضار به خدمت وظیفه
conscription, période de recrutement des contingents	
	۳۳۴. ق. خ. ن. و
période de gestion provisoire d'une usine	دوره اداره موقت کارخانه
	۲۶۴. آ. ا. ق. ح. س
durée du contrat	دوره اصلی قرارداد
	۱۱۴. ق. م. ت. ا. ا. ن
phase de recherche	دوره اکتشاف
	۲۲۴. ق. م. ت. ا. ا. ن
session d'examen	دوره امتحان
	دوره انتخابیه/مدت وکالت مجالس مقننه
durée du mandat législatif, durée de la députation, durée de la législature	
	۵۴. ق. ت. س. ک
époque où s'appliquait la loi du talion, période de vengeance	دوره انتقام
période de crise	دوره بحرانی
époque de la puberté	دوره بلوغ
stage de spécialisation	دوره تخصصی
	۱۳۳۴. ق. ا. ک
temps de gestion	دوره تصدی
	۵۵۴. قرارداد ایجاد سازمان مشورتی دریا نوردی بین دول

enseignement obligatoire	دوره تعلیمات ابتدائی اجباری
stage de formation	دوره تعلیماتی/دوره آموزشی ۲۴. ق. آ. ب. ع. ا. م ۳۵۴. ق. ا. ک
durée de la législature, législature	دوره تقنینیه/دوره قانونگذاری
période de prolongation	دوره تمدیدی
reconduction d'un contrat ou d'une convention	دوره تمدیدی قرارداد
	۱۱۴. ق. م. ت. ا. ا. ن
	دوره جرائم عمومی
période pendant laquelle une infraction n'est pas couverte par la prescription	
période pendant laquelle la preuve est admise	دوره دلایل قانونی
durée d'admission de la preuve par présomption	دوره دلایل معنوی
	دوره ذخیره اول/دوره ذخیره اول احتیاطی
réserviste de première catégorie	
	۴۴. ق. ح. ن. و
réserviste de deuxième catégorie	دوره ذخیره دوم
	۴۴. ق. خ. ن. و
	دوره زراعی/دورانی که زمین زیر کشت است
période de remise à la culture après un temps de jachère	
	۳۴. ق. ا. ارضی
	دوره زیر پرچم/دوره خدمت زیر پرچم
service militaire, temps sous les drapeaux	
	۴۴. ق. خ. ن. و
temps des feuillets embryonnaires, période foetale	دوره علقه/علقه مضغه
temps de gestion	دوره عمل
	۲۴. ق. م. ع. س. ۱۳۱۲
année fiscale	دوره عمل مالیاتی
marchand ambulant, colporteur, forain	دوره فروش/فروشنده دوره گرد
vacance parlementaire	دوره فترت
temps de la vengeance, époque où s'appliquait la loi du talion	دوره قصاص

temps de stage, période de stage	دوره کارآموزی
	۲۵۴. آ. ا. ق
période d'admission comme auditeur libre	دوره کارآموزی به صورت مستمع آزاد
diplôme d'études secondaires, baccalauréat	دوره کامل متوسطه/دیپلم دوره کامل متوسطه
	۱۳۳۴. ق. ا. ک
colporteur	دوره گرد
	۵۴. ق. م. و
colportage	دوره گردی
année fiscale	دوره مالیاتی/سال مالیاتی
	۱۴۰۱. ق. م. ع. ح. ت
embryon, foetus, période foetale	دوره مضغه/دوره جنین
durée du mandat	دوره نمایندگی
	۱۲۴. عهد نامه بین المللی ایجاد سازمان اداره شاهی قانونی
retour d'âge, ménopause	دوره یائسگی زن
cyclique	دوری/ادواری
distance	دوری/فاصله دور
amicalement, amitié	دوستانه
dossier	دوسیه/پرونده
	۹۴. ق. م. ش
dossier d'instruction	دوسیه تحقیقات
	۹۴. ق. ا. ق. س. ا
dossier d'étude	دوسیه عمل
	۱۸۴. ق. ث
seconde lecture, deuxième examen, deuxième délibération	دوشوری
boisson excitante	دوغ وحدت/بنگاب/تنگ آب
de facto	دوفاکتو
jumeaux	دوقلو
dualisme	دوگانگی
Etats	دول/کشورها
Etats neutres, Etats non engagés	دول بی طرف/کشورهای بی طرف

	دولت خراج گیرنده/کشورهای خراج گیرنده
Etat percevant un impôt sur les terres conquises	
Etats maritimes	دولت دریایی/کشورهای دریایی
Etats tampons	دولت دست نشاندۀ/کشورهای دست نشاندۀ
	دولت دست نشاندۀ/حکومت دست نشاندۀ
gouvernements fantoches, Etats fantoches	
Etats garants de neutralité	دولت ضامن بیطرفی/کشورهای ضامن بی طرفی
	دولت عقب افتاده/کشورهای عقب افتاده
pays sous — développés, pays en voie de développement	
Etats non voisins	دولت غیر مجاور/کشور غیر مجاور
petites et moyennes puissances	دولت غیر معظمه
divers Etats du monde	دولت کرهٔ ارض/کشورهای جهان
Etats voisins	دولت مجاور/کشورهای همسایه
Etats ayant un accès à la mer	دولت مجاور دریا/کشورهای همسایه دریا
Etats riverains d'un fleuve	دولت مجاور رود/کشورهای همسایه رود
Etats de la chrétienté	دولت مسیحی/کشورهای مسیحی
Etats aux intérêts liés	دولت مشترک المنافع/کشورهای مشترک المنافع
grandes puissances	دولت معظمه/کشورهای بزرگ
Etats voisins	دولت همجوار/کشورهای همجوار
	م. واحد. ق. ت. ا. س ۱۳۰۶
Etats de la même région	دولت هم ناحیه/کشورهای يك منطقه
Etat	دولت/کشور
gouvernement	دولت/حکومت
Etat libre, Etat indépendant, Etat souverain	دولت آزاد/کشور مستقل
Etat gérant	دولت اداره کننده/کشور اداره کننده
Etat tuteur	دولت اداره کننده/کشور قیم
Etat communiste, pays communiste	دولت اشتراکی/کشور کمونیست
Etat depositaire	دولت امانت دار/کشور امانت دار
	۱۸۴. ق. انرژی
Etat gérant depositaire	دولت امانت دار/کشور اداره کننده/کشور مسوول اداره
Etat pleinement souverain	دولت با استقلال کامل/کشور با استقلال تام

Etat unitaire, Etat simple	دولت بسیط/کشور متمرکز/کشور غیرفدرال
Etat monarchique, Etat impérial	دولت پادشاهی/کشور پادشاهی
régime monarchique	دولت پادشاهی/رژیم پادشاهی
Etat sous tutelle	دولت تحت الحمايه/کشور تحت الحمايه
Etat requérant, pays demandeur	دولت تقاضاکننده/کشور تقاضاکننده
	۷۴. عهدنامه استرداد مقصرین ایران و ترکیه
Etat tiers, tierce puissance	دولت ثالث/کشور ثالث
	ص ۱۵. م. ق. و
Etat protecteur	دولت حامی/کشور حمایت کننده
Etat tributaire	دولت خراج دهنده/کشور خراج کننده
Etat tributaire	دولت خراج گذار/کشور خراج دهنده
Etat riverain	دولت ساحلی/کشور ساحلی
Etat impérial, Etat monarchique	دولت شاهنشاهی/کشور شاهنشاهی
	ص ۱۴. م. ق. و
Etat du drapeau	دولت صاحب پرچم/کشور صاحب پرچم
	دولت صاحب ساحل/کشور صاحب ساحل
Etat ayant le littoral sous sa souveraineté	
Etat dominant	دولت صاحب سلطه/کشور مسلط
petite puissance	دولت ضعیف/کشور ضعیف
Etat fédéral	دولت غیر بسیط/کشور متحده/کشور فدرال
Etat non contractant	دولت غیر متعاهد/کشور غیر متعاهد
	۷۴. قرارداد بین المللی تحدید مسئولیت صاحبان کشتی های دریای پیما
grande puissance	دولت قوی/کشور بزرگ/کشور نیرومند
nation la plus favorisée	دولت کاملته الوداد/کشور کاملته الوداد
	۶۴. ق. ت. گ
Etat auquel on appartient, patrie	دولت متبوع/کشور متبوع
	۹۶۳. م. ق.
gouvernement auquel on est soumis	دولت متبوع
patrie du mari, nationalité du mari	دولت متبوع شوهر/کشور متبوع شوهر
	۹۶۳. م. ق.
Etat agresseur	دولت متجاوز/کشور متجاوز

Etat fédéral, confédération d' Etats	دولت متحده/کشور متحده
Etat fautif	دولت متخلف/کشور متخلف
Etat victime, Etat subissant un préjudice	دولت متضرر/کشور زیان دیده
Etat signataire	دولت متعاقد/کشور متعاقد
۸۴. قرارداد بین المللی محدید مسئولیت صاحبان کشتی‌های دریاییما	
Etat fédéré, confédération d' Etats	دولت مجتمعه/کشور متحده
pays de résidence	دولت متوقف فیها/کشور محل سکونت
فصل ۴. عهدنامه ایران و افغانستان	
Etat composé, Etat fédéral	دولت مرکب/کشور متحده
gouvernement central	دولت مرکزی/حکومت مرکزی
Etat indépendant	دولت مستقل/کشور مستقل
Etat membre	دولت ملحق شونده/کشور ملحق شونده
gouvernement adhérent	دولت ملحق شونده/حکومت ملحق شونده
۳۶۴. ق. دیون	
Etat invitant	دولت مهماندار/کشور مهماندار/مملکت مهماندار
Etat médiateur	دولت میانجی/کشور میانجی
Etat semi — indépendant	دولت ناقص الاستقلال/کشور نیمه مستقل
Etat mandataire	دولت نماینده/کشور نماینده
Etats belligérants	دولتهای متخاصم/کشورهای متخاصم
۱۹۴. قرارداد ژنو راجع به زخمیها و بیماراران	
Etats colonisateurs	دولتهای مستعمراتی/کشورهای استعمارگر
دولتی/مربوط به قدرت عمومی	
gouvernemental, public, relatif au gouvernement d'un Etat	۲۴۷. م. ق. و
étatique, public	دولتی/کشوری
Etat dans l' Etat	دولتی در دولت
دولتی را به رسمیت شناختن/کشوری را به رسمیت شناختن	
reconnaissance d'un Etat	دولتی که حقاً شناخته شده است/کشوری که قانوناً شناخته شده است
Etat reconnu «de jure», reconnaissance «de jure» d'un Etat	
دولتی که عملاً شناخته شده است/کشوری که عملاً شناخته شده است	
Etat reconnu «de facto», reconnaissance «de facto» d'un Etat	

دولتین معظمین متعاهدین/کشورهای معظم طرف قرارداد

Hautes Parties contractantes

dominion autonome

دومینیون خودمختار

۱۹۴۰. قرارداد رهن دریائی

inférieur, subalterne, dernier échelon

دون اشل

dernier échelon, bas de l'échelle

دون پایه

۱۴۰۱. ق. م. د. د. آ. ن

bas de l'échelle

دون رتبه/دون پایه

au-dessous de sa condition

دون شان

bigamie polygamie

دو همسری/دو زنی/چندهمسری

polyandrie,

دو همسری/دو شوهری

village

ده

۱۴۰۱. ل. ق. ت. ا. د

estuaire

دهانه خلیج

embouchure d'un ruisseau, embouchure d'un cours d'eau

دهانه نهر

maire du village

دهبان

chef d'un groupe de villages

دهدار

۴۰۴. ق. ت. ك

rénovation de village, réorganisation d'un village

دهساری

۱۴۰۱. م. ق. س ۱۳۴۳

دهستان

un groupe de villages, entité juridique résultant de la réunion de plusieurs villages

۱۴۰۱. ق. ت. ك

terrifiant, effrayant, horrible

دهشت انگیز

effrayant

دهشتناك

jouxant un village, village voisin de la forêt

دهکده مجاور جنگل

۱۴۰۱. ق. ح. ب. ج. م

crédule, confiant

دهن بین/دهان بین/خوش باور

donneur de sang

دهنده خون

aval, caution

دهنده وجه الضمانه

۱۳۳۰. آ. د. ك

دیرباز	۳۳۵
embouchure de ruisseau, embouchure d'un cours d'eau	دهنه نهر
	۱۵۱۲. ق. م
jour de guerre	دهو
dizaine	دهه
	۱۵۲. آ. د. ك
village, commune	ده یا قریه
	۱۲. ق. ا. ا. س. ۱۳۴۰
composition légale	دیات/دیده‌ها/خونها
créanciers	دیان
	۱۶۵۲. ق. م
créanciers du de cujus	دیان متوفی
diplôme	دیپلم
	۴۲. ق. ر. ا. خ
diplomate	دیپلمات
diplomatique	دیپلماتیک
	۱۶۵۲. م. ق. و
diplomatie	دیپلماسی
	۶۹۲. م. ق. و
relations diplomatiques à découvert	دیپلماسی علنی/روابط دیپلماتیک علنی
diplomatie secrète	دیپلماسی مخفی
vue, visibilité	دید
	۲۳. آ. ر. ر
rencontre, réunion, jonction	دیدار
réunion, rassemblement, groupement	دیدار/تشت/اجتماع
à vue	دیداری/به محض رؤیت
dépôt à vue	دیداری/پرده دیداری
	دیده بانی/پست دیده بانی
tour de contrôle, mirador, poste d' observation, poste de guet	
surveillance, observation, guet, espionnage	دیده بانی/مواظبت/مراقبت
époque reculée, temps jadis, préhistoire	دیرباز
	مقدمه، قرارداد وین

۳۳۶	دیر باوری
incrédule, dubitatif, sceptique	دیر باوری
tardif, après l' échéance	دیر کرد
discipline	دیسپلین
	۲۷۹۴ ق. م. ن
discipline sociale	دیسپلین اجتماعی
	دیگری را از خدمت معاف کردن/ اخراج کردن از کار
licencier, mettre à la porte, congédier, renvoyer	
dispenser une autre personne d'un service	دیگری را از خدمتی معاف کردن
créanciers	دیان/ طلبکاران
diabète	دیابت
	۳۴ ق. ت. خ. ا
croyance, foi	دیانت
culture sèche	دیم/ دیمه
rocaille, terrain de culture sèche	دیمزار/ دیمه
rocaille, terres arides, terrain de culture sèche	دیمه/ دیمزار
dette, obligation	دین/ بدهی
	۲۷۱۴ ق. م
religion, conviction	دین
dinar (centième partie de l'unité monétaire iranienne: le rial)	دینار
	۱۱۴ ق. ب. پ
religion musulmane	دین اسلام
religion morale, obligation morale	دین اخلاقی
dette alimentaire, obligation alimentaire	دین بابت نفقه
dette exigible	دین حال
	۶۰۲۴ ق. م
dette d'honneur	دین شرفی
dette fictive, dette apparente	دین صوری
dette d'Etat	دین کشور/ بدهی کشور
religion d'Etat	دین کشور/ مذهب کشور
dette non échue	دین مؤجل/ بدهی مدت دار
	۶۹۲۴ ق. م

dettes contestées	دین متزلزل/ بدهی متزلزل
dettes relatives à un emprunt public	دین مربوط به اوران قرضه
	۳۴. ق. دیون
dettes assorties d'hypothèque	دین مرهون/ دین بارهن
dettes faisant partie du passif successoral	دین مستغرق دارائی/ دین متوفی
dettes établies	دین مستقر
dettes assorties d'une garantie	دین مضمون/ دین ضمانت شده
dettes consécutives à l'achat d'une maison	دین ناشی از خرید خانه
dettes réelles	دین واقعی
religieuses, confessionnelles, relatives à la religion	دینی/ مربوط به دین و مذهب
relatives à la dette	دینی/ مربوط به قرض/ مربوط به بدهی
dettes mobilières	دینی که موضوع آن غیر منقول باشد
murs, murailles, remparts, enceintes, clôtures	دیوار
	۱۱۱۴. ق. م
murs mitoyens	دیوار اشتراکی
	۱۱۱۴. ق. م
murs menaçant ruine	دیوار خطرناک
	۵۵۴. ق. ش
murs menaçant ruine	دیوار شکسته و خطرناک
	۵۵۴. ق. ش
cloisons, minces cloisons	دیوار صندوقه
	۳۴. ق. ر. ا. ت. م. خ
cloison mitoyenne	دیوار غرفه
	۱۲۶۴. ق. م
murs séparatifs, murs mitoyens	دیوار فاصل
murs séparatifs propres	دیوار فاصل اختصاصی
murs séparatifs des propriétés	دیوار فاصل مابین املاک
	۱۳۵۴. ق. م
murs séparatifs mitoyens	دیوار فاصل مشترک
clore de murs, clôtures	دیوار کشی
	۲۶۸۴ مکرر. ق. م. ع

۳۳۸	دیوار مابین
considéré comme mur mitoyen	دیوار مابین/در حکم دیوار مابین ۱۳۵۴. ق. م
mur mitoyen	دیوار مابین دو ملک ۱۰۹۴. ق. م
mur mitoyen	دیوار مشترک ۱۲۲۴. ق. م
mur menaçant ruine	دیوار متمایل به شارع/دیوار در حال خرابی ۱۲۲۴. ق. م
mur menaçant ruine	دیوار متمایل به ملک غیر/دیوار در حال خرابی ۱۲۲۴. ق. م
	دیوار مختص
mur privatif, mur faisant l'objet d'une propriété privative (V. art. 656 s. C. civ.)	۱۱۶۴. ق. م
mur menaçant ruine	دیوار مشرف به خرابی/دیوار در حال خرابی ۱۲۲۴. ق. م
cour, Haute Cour, Cour suprême	دیوان/دادگاه عالی
tribunal des conflits	دیوان اختلافات/دیوان حل اختلافات ۳. قرارداد وین
Cour internationale de justice	دیوان بین‌المللی دادگستری ۹۲۴. م. م. م
tribunal des appropriations de guerre	دیوان بین‌المللی غنائم
cour d'appel militaire	دیوان تجدید نظر ۱۳۴. آ. ت. ص. ر. ن. م
tribunal des Forces Armées en temps de guerre	دیوان تجدید نظر زمان جنگ فصل پنجم. ق. د. ا
Cour de cassation, Cour suprême	دیوان تمیز ۲۰۴۴. آ. د. ک
juridiction répressive	دیوان جزا/محاکم جزایی/دادگاه کیفری ۱۱۴. ق. ر. ک. ر

juridiction répressive des fonctionnaires et agents publics	دیوان جزای عمال دوات
cour d'assises	دیوان جنائی
tribunal statuant sur l'affaire, tribunal connaissant de l'affaire	دیوان حاکمه/دادگاه حکم دهنده/دادگاه تصمیم گیرنده
cour militaire	دیوان حرب/دادگاه نظامی
tribunal militaire aux Armées	دیوان حرب زمان جنگ
tribunaux permanents des Forces armées en temps de paix (C Just. mil. art 4 s.)	دیوان حرب زمان صلح
Cour de cassation	دیوانخانه تمیز/دیوان عالی کشور
tribunal de droit commun	دیوانخانه عدلیه/دادگاه عمومی
Cour permanente internationale de justice	دیوان دائمی دادگستری بین المللی
Cour permanente d'arbitrage	دیوان دائمی داوری
Cour des comptes	دیوان دادرسی دارائی
Cour internationale de justice	دیوان دادگستری بین المللی
Cour d'arbitrage	دیوان داوری
Cour internationale d'arbitrage	دیوان داوری بین المللی
tribunal	دیوان شکوی/دادگاه/محکمه
Cour suprême	دیوان عالی
Cour de cassation, Cour suprême	دیوان عالی تمیز

دیوان عالی جنائی

cour d'assises, juridiction criminelle d'appel, chambre criminelle de la Cour de cassation

Cour de cassation دیوان عالی کشور/دیوان عالی تمیز

organisation judiciaire de droit commun دیوان عدالت عظمی/محاکم عمومی

اصل ۷۱. ق. ۱

Cour de cassation دیوان قرجامی/دیوان عالی تمیز/دیوان عالی کشور

tribunaux de l'ordre judiciaire دیوان قضائی/دادگاه‌های دادگستری

Cour de cassation دیوان کشور/دیوان عالی تمیز

۵۲م. آ. د. م

دیوان کیفر کارکنان دولت

juridiction connaissant des délits commis par des agents publics, tribunal répressif concernant des délits des fonctionnaires et agents publics

۵م. ل. ق. م. ت. د. ک

Cour des comptes دیوان محاسبات

اصل ۱۰۱. م. ق. ۱

Cour des comptes دیوان محاکمات مالیه

۷م. ق. م. ا. ن. ا. ع

Cour mixte d'arbitrage دیوان مختلط دأوری

tribunal de droit commun دیوان مظالم/مرجع رسیدگی به شکایات

Cour de cassation دیوان نقض و ابرام/دیوان عالی تمیز

fonctionnaire, agent de l'Etat, agent public دیوانی/مستخدم دولت

fou, dément, incapable, forcené دیوانه

pervers, désaxé دیوانه اخلاقی

folie, aliénation mentale, démence دیوانگی

diabolique دیوسیرت

dettes, obligations دیون/بدهی‌ها

۲۰م. ق. م

dettes de l'administration, dettes publiques دیون اداری

۳۱م. ق. ت. ا. ش

dettes des personnes, dettes privées	دیون اشخاص/دیون افراد
	۲۵۴. ق. دیون
dettes des personnes physiques et morales	دیون اشخاص حقیقی و حقوقی
dettes découlant d'un emprunt public	دیون اوراق قرضه
dette garantie par un gage ou une caution	دیون با وثیقه
dette sans couverture, créance non recouvrable	دیون بلامحل
	تبصره ۴. ق. ب. س ۱۳۴۵
dette de l'assuré vis à vis de l'assureur	دیون بیمه/دیون بیمه‌گذار
	۲۳۲. ق. دیون
dette de l'assureur vis à vis de l'assuré	دیون بیمه/دیون بیمه‌گر
dettes non réglées	دیون پرداخت نشده
	۲. موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی ایران و رومانی
	دیون تأمین شده/دیونی که دارای وثیقه است و یا محل پرداخت آن مشخص شده است
dettes exigibles	
	۳۲. ق. دیون
dettes exigibles	دیون تصفیه شدنی
	۴۲. ق. دیون
dettes exigibles	دیون حال/بدهی‌های قابل مطالبه
dette extérieure de l'Etat	دیون خارجی/دیون خارجی دولت
	ق. دیون
	دیون خارجی طویل‌المدت/قرضه خارجی طویل‌المدت
dette extérieure à long terme	
	۵۷. م. ق. س ۱۳۴۳
dettes privées	دیون خاص/دیون خصوصی
	۲۵۴. ق. دیون
	دیون دارای حق تقدم و رجحان
dettes garanties par un privilège, obligations privilégiées	
	۲۲۶. ق. ا. ح
dettes publiques	دیون دولتی
	۱۹۴. ق. دیون
dette dormante	دیون راكد

dettes sociales, dettes de la société	دیون شرکت
dettes à long terme, obligations à long terme	دیون طویل المدت
dettes publiques, devoirs publics	دیون عمومی/دیون دولتی
	دیون عمومی باسگروی/دیون عمومی بارهن
dettes publiques garanties par un gage	
dettes publiques recouvrables	دیون عمومی تأمین شده
dettes publiques non assorties de garantie	دیون عمومی کل بدون گروی و رهن
dette exigible, obligation exigible	دیون عندالمطالبه
dette commerciale ancienne	دیون قدیمی بازرگانی
dette du travailleur	دیون کارگر
dette à terme, obligation à terme	دیون مؤجل
	۴۲۱۲. ق. ت
dette successorale à terme	دیون مؤجل متوفی
	۲۳۱۲. ق. ا. ح
dettes fiscales	دیون مالیاتی
dette à moyen terme	دیون متوسط المدت
dette échue	دیون محقق
	۲۴. ق. ا. ق. م. ا. ن. ا. ع
dette garantie par un privilège	دیون ممتاز
	دیون ممتاز کارفرما
dettes garanties par un privilège du chef d'entreprise	
	۲۴۲. ق. ک
dettes maritimes privilégiées	دیون ممتاز بحری
dettes résultant de l'assistance économique	دیون ناشی از کمکهای اقتصادی
	دیون و حقوق بعهدہ متوفی
obligation au paiement des dettes et charges de la succession	
(c. civ. art. 870)	
	۲۲۵۲. ق. ا. ن
	دیه/کیفر نقدی که درسه مورد در فقه پیش بینی شده است
composition légale, rançon, indemnisation pour le décès de la victime,	
prix du sang, pretium doloris	

indemnisation de la perte de l'enfant en cas d'avortement	دیه جنین/دیه سقط جنین
indemnité pour perte du foetus	دیه سقط جنین
indemnité pour perte du foetus	دیه عظم/دیه سقط جنین
indemnité pour perte du foetus	دیه علقه/دیه مرحله‌ای از جنین
indemnité pour perte du foetus	مضغه/دیه مرحله‌ای از جنین
indemnisation compensatrice de la perte de l'enfant en cas de fausse couche ou d'avortement	دیه نطفه/دیه جنین
composition légale pour assassinat (équivalent de 1000 dinars.or ou de 10 000 drachmes en argent)	دیه نفس

ذ

ذ/ذو/ذی/صاحب/دارنده/مالك	
ayant – droit, propriétaire, détenteur, possesseur	ذائقه
goût, saveur	ذات
nature, substance	ذات اشياء
nature des chose, essence	ذات اشياء محموله
nature des objets transportés	ذات البين/امريامال مشترك بين دوطرف، مثل اختلاف، نزاع و...
en indivis	۲۶۲۲. آ. د. ك
pneumonie	ذات الریه
	۱۹۲. ق. ب. آ. و
	ذات سند حقوقی/ماهیت سند حقوقی
nature d'un document juridique, contenu d'un document	ذات سند قضائی/ماهیت سند قضائی
nature ou contenu d'un document juridique	ذات عقد/ماهیت عقد
nature du contrat	ذاتی
essentiel, propre, particulier, relevant de la substance même	ذب/منع کردن/بازداشتن طرف
empêcher	ذبح
abattage	ذبح حیوانات
abattage du bétail, abattage des animaux	ذخایر آبهای زیرزمینی
nappes d'eau souterraines	ذخایر اقتصادی
ressources économiques	۲۰۴. ۲۰۲. ۲۶۲

ressources humaines, potentiel humain	ذخایر انسانی
ressources commerciales	ذخایر تجاری
richesses de la mer, ressources de la mer	ذخایر حیاتی دریا
richesses de la mer, ressources maritimes	ذخایر دریا
richesses naturelles, ressources exploitables	ذخایر قابل استخراج
	۳م. قرارداد نفت با ارباب
richesses minières	ذخایر معدنی
	۲۰م. ق. معادن
richesse nationale, ressources nationales	ذخایر ملی
	۳م. قرارداد نفت با ارباب
réserviste, homme de l'armée de réserve	ذخیره/سرباز ذخیره
	۱۳م. ق. ا. ق. خ. ن
fonds de réserve	ذخیره احتیاط/پس انداز احتیاطی
	ذخیره اسکناس
réserves en papier - monnaie, réserves en monnaie fiduciaire	
	۱م. ق. ر. ط. ا. ج. س ۱۳۱۳
épargne privée	ذخیره اشخاص/پس انداز اشخاص حقیقی/پس انداز افراد
réserve de petite monnaie	ذخیره پیشیز
	۲م. ق. ا. ت. ب. ر. ا. س ۱۳۱۷
réserves métalliques, encaisse métallique	ذخیره پولی
	۳م. ق. ر. ط. ا. ح. س ۱۳۱۳
	ذخیره راکد اسکناس
réserve de papier - monnaie non encore mis en circulation	
épargne privée, épargne personnelle	ذخیره شخصی/پس انداز شخصی
fonds de réserve	ذخیره فنی/ذخیره احتیاط
épargne légale	ذخیره قانونی
	۲۹م. اساسنامه شرکت سهامی چاپخانه وزارت اطلاعات
réserves monétaires de l'Etat	ذخیره قران مملکتی/ذخیره پولی مملکتی
	م. واحده قانون اعتبار ساختمان ده مجلس. س ۱۳۱۰
épargne de l'Etat	ذخیره مملکتی
	۴م. ق. م. ب. س ۱۳۱۱

۳۴۶	ذرع
ancienne unité de longueur (équivalent de 104 centimètres)	ذرع
	م. ۳۴۲۴ ق.
	ذکر/آلت ذکر/آلت مردی
organe de la copulation chez l'homme, membre viril, phallus, pénis	ذکر/جنس نر
mâle, homme	ذکر تاریخ
mention de la date	م. ۷۲۴ ا. د.
	ذکر تمام ادله اثبات دعوی
énumération des preuves dans une action en justice	م. ۲۲۵۴ ق.
	ذکر در عقد/مندرج در قرارداد
énonciation du contrat, mention figurant au contrat	ذکوة
aumône expiatoire, taxe de pénalité, dîme aumônière	ذکور
mâle	ذمام
protection accordée en temps de guerre aux ressortissants étrangers par les Musulmans	
	م. ۹۰۲۴ ق.
dette, dû	ذمه/بدهی/دین
	م. ۳۰۰۴ ق.
dette du de cujus, passif successoral	ذمه میت
	م. ۲۹۱۴ ق.
protégé chrétien ou juif	ذمی/اهل ذمه
péché, infraction, délit, faute	ذنب/گناه/خطا/جرم
ayant - cause, ayant - droits	ذوالحقوق
	م. ۲۷۴ ق. ت. ا. ش
ayant - cause de la victime	ذوالحقوق مجنی علیه
bénéficiaire de l'option de résiliation	ذوالخیار/دارنده حق خیار
	ذوالمقدمه/دارای مقدمه/مطلب قانونی که تحقیق آن نیاز به تحقیق مقدمه ای است
précédé d'une introduction, introduit	ذوالبید/متصرف
possesseur, détenteur	ذهنی
mental	ذی/ذد/مالک/صاحب
possesseur, détenteur, propriétaire	

ذینفع مقدم	۳۴۷
titulaire du compte	ذیحساب/دارنده حساب ۲۵۲. آ. د. محاسبات
percepteur, collecteur d'impôt, receveur des contributions	ذیحساب دولتی ۲۵۲. آ. د. محاسبات
receveur municipal	ذیحساب شهرداری ۲۵۲. آ. د. محاسبات
compétent	ذیحصلاح
ayant - droit, ayant - cause	ذیحق
ayant - cause à titre universel	ذیحق در کلیه مایملک
ayant - cause à titre particulier	ذیحق در قسمت یا مال معین
ayant - cause, ayant - droit	ذیحق در نتیجه انتقال حقوق دیگری
bas de l'acte	ذیل سند
partie intéressée, individu concerné	ذیمدخل/ذینفع
partie intéressée	ذینفع/طرف ذینفع ۷۳۴۲. آ. د. م
partie au procès, partie au litige	ذینفع بودن در دعوی ۲۲. آ. د. م
ayant - cause du de cujus	ذینفع در ترکه
partie la plus diligente	۲۱۱۲. ق. ا. ح ذینفع مقدم

réacteur expérimental

رآكتور
رآكتور تحقيقاتي

ص ۴۰۳. م. ق. س ۱۳۴۵

réacteur nucléaire

رآكتور هسته‌اي

d'office, de plein droit, ipso facto

رأساً/بدون تقاضای کسی یا مقامی

م ۳۸۲. آ. د. ك

ordonner d'office des mesures d'instruction

رأساً قرار تحقیقات صادر کردن

faîte, sommet, cime

رأس الجبال

arrivée du terme, échéance

رأس موعد

م ۳۰۲. آ. خ. ا. ا. س ۱۳۳۶

vote, suffrage

رای/رای برای انتخابات

décision judiciaire, sentence, jugement

رای

م ۱۵۴. آ. د. م

avis du bureau d'instruction

رای اداره تحقیق

م ۷۲. ن. ق. ا. س ۱۳۱۴

ordonnance du juge d'instruction, vote sur le fond

رای اصلی

vote excédentaire

رای اضافی

vote de confiance

رای اعتماد

تصمیم قانونی بهمن ۱۳۰۹

vote de confiance au gouvernement	رأی اعتماد بدولت
	رأی اکثریت/تصمیم اکثریت
décision prise à la majorité, scrutin majoritaire	
vote à mains levées	رأی با بلند کردن دست
vote par assis et levé	رأی با قیام و قعود
	رأی برائت به علت غیر تعقیب بودن عمل ارتكابی
arrêt d'acquittement fondé sur ce que les faits poursuivis ne relèvent pas de la loi pénale	
arrêt d'acquittement	رأی بر برائت
	م. ۳۵۰. آ. د. ك
	رأی بر عدم صلاحیت
arrêt d'incompétence, décision judiciaire constatant l'incompétence	
arrêt de condamnation de l'accusé	رأی بر محکومیت متهم
	م. ۴۰۰. آ. د. ك
arrêt d'acquittement, décision de non - lieu	رأی بر معافیت از مجازات
	رأی بر ارجاع
décision définitive (ne bénéficiant d'aucune voie de recours)	
	م. ۲۶۰. ق. م. د. س ۱۳۴۵
décision d'annulation d'un acte	رأی بر ابطال سند
	م. ۳۸۰. آ. ا. ا. س ۱۳۴۳
décision ordonnant la rectification d'un document	رأی بر اصلاح سند
	م. ۳۸۰. آ. ا. ا. س ۱۳۴۳
décision entérinant un mutus dissensus	رأی بر اقاله سند
	م. ۳۸۰. آ. ا. ا. س ۱۳۴۳
déposer le bulletin dans l'urne	رأی به صندوق انداختن
arrêt confirmatif	رأی پژوهشی در تأیید حکم بدوی
arrêt infirmatif	رأی پژوهشی در فسخ حکم بدوی
vote favorable	رأی تمایل
avis favorable	رأی تمایل/نظر موافق
vote de confiance	رأی تمایل/رأی اعتماد
investiture ministérielle	رأی تمایل اکثریت به انتخاب نخست وزیر

۳۵۰	رای دادن با ...
vote collectif	رای جمعی
	م. ۴. آ. ا. ب
sentence arbitrale	رای حکمیت
vote familial	رای خانوادگی
	رای خانه انصاف
décision rendue par la juridiction dite «maison d'équité»	
	م. ۲۳. ق. ت. خ. ا
jugement du tribunal, arrêt de la Cour	رای دادگاه
	م. ۱۵۳. آ. د. م
	رای دادگاه بدوی اداری/رای دادگاه انتظامی در مرحله بدوی
décision en premier ressort d'une juridiction disciplinaire	
	م. ۵۱. آ. د. ا
jugement du tribunal administratif	رای دادگاه بدوی اداری
arrêt d'acquittement	رای دادگاه بربرائت متهم
	م. ۳۹. آ. د. ک
	رای دادگاه تجدید نظر اداری/تصمیم دادگاه تجدید نظر انتظامی
décision en appel d'une juridiction disciplinaire	
	م. ۵۷. آ. د. ا
arrêt sur appel du tribunal administratif	رای دادگاه تجدید نظر اداری
	رای دادگاه خارجی
jugement étranger, décision émanant d'un tribunal étranger	
	م. ۱۷. ق. دیون
	رای دادن/رای دادن در يك جلسه یا انتخابات
voter, juger, statuer, décider	
	م. ۴۸۷. ق. ت
juger, statuer, se prononcer	رای دادن حکم دادن/قضاوت کردن
	رای دادن با شناسنامه دیگری/رای دادن با کارت الکترا ل دیگری
voter en utilisant la carte d'électeur d'une autre personne	
	م. ۸۹. ق. ش
	رای دادن با شناسنامه مجعول
voter en utilisant une fausse carte d'électeur	
	م. ۸۹. ق. ش

voter par procurarion	رای دادن باوکالت
	رای دادن به ختم مذاکرات در مجالس مقننه
clôturer les débats de l'assemblée législative	
sentence arbitrale	رای داوری
sentence arbitrale rendue par défaut	رای داوری غیابی
	ص ۴۸۱. ق. ۱. س ۱۳۴۵
	رای در ماهیت دعوی صادر کردن/ حکم در ماهیت دعوی صادر کردن/ در ماهیت دعوی
	قضاوت کردن
statuer sur le fond du litige	
électeur, votant	رای دهنده/ رای دهنده در انتخابات
	۱۵۲. ق. ۱. س
juge prononçant le jugement	رای دهنده/ قاضی رای دهنده
décision d'admission	رای دیوان کشور در ابرام
voix du président	رای رئیس
consultation	رای زنی/ مشورت
bulletin blanc, bulletin nul	رای ساکت/ رای سفید
majorité silencieuse	رای ساکت/ کسانی که در انتخابات شرکت نمی کنند
décision du conseil d'entreprise	رای شورای کارگاه/ تصمیم شورای کارگاه
	۶۲. آ. ش. ک
vote simple	رای عادی
jugement rectificatif	رای تصحیحی/ حکم عدولی یا تصحیحی
vote public	رای علنی/ رای عمومی
vote public par bulletin	رای علی باورقه
vote public	رای عمومی/ رای علنی
élections générales	رای عمومی/ رای همگانی/ انتخابات عمومی
jugement indivisible	رای غیر قابل تجزیه و تفکیک
	۵۲۰۲. آ. د. م
	رای قاطع/ تصمیم قاطع
décision définitive (non - susceptible d'une voie de recours)	
jugement définitif	رای قاطع/ قضاوت قطعی/ رای قضایی قطعی
voix prépondérante, voix décisive	رای قاطع در صورت تساوی آراء
jugement définitif	رای قطعی/ قضاوت قطعی
	۱۲۲. ق. ت. خ. ا

vote plural	رای متعدد
vote favorable, vote affirmatif, avis positif	رای مثبت/نظر موافق
	۲۷۴.۲۰۲.۲۰۴
	رای مخالف/نظر مخالف
contradiction, opposition, vote négatif, avis contraire	
vote secret, bulletin secret, scrutin secret	رای مخفی/انتخاب با رای مخفی
vote secret avec bulletin	رای مخفی با ورقه/انتخاب مخفی با ورقه
vote secret par jetons	رای مخفی با مهره/انتخاب با مهره
avis consultatif	رای مشورتی/نظر مشورتی
	رای مصدق مرضی الطرفین/نظر مورد قبول دو طرف
avis entériné par les deux parties	
bulletin blanc	رای ممتنع/رای سفید
avis négatif, contradiction, opposition	رای منفی/نظر مخالف
avis favorable, vote positif	رای موافق/نظر موافق
jugement favorable	رای موافق/قضاوت موافق
décision boursière	رای هیئت داورى بورس
	۱۸۴.ق. ب. ا. ب
	رای هیئت عمومی دیوان کشور
arrêt des Chambres Réunies de la Cour de cassation	
verdict du jury	رای هیئت منصفه
verdict de culpabilité	رای هیئت منصفه بر تقصیر متهم
verdict de non - culpabilité	رای هیئت منصفه بر عدم تقصیر متهم
	رؤسای دیوان تمیز/ریسان شعبه‌های دیوان تمیز
président de chambre à la Cour de cassation	
	۵۴۴.آ.د.م
président de chambre à la Cour de cassation	رؤسای شعب دیوان عالی کشور
	۴۴۴.ا.ت.ع
rêve	رؤیا/خواب
vue, vision, regard	رؤیت/دیدن
	۴۱۵۴.ق.م
réception d'exploit judiciaire	رؤیت اخطاریه
	رای ۱۶۷۴.س.۱۳۳۷. هیئت عمومی دیوان عالی کشور

signification de jugement	رؤیت حکم
connaissance antérieure, prescience	رؤیت سابق/اطلاعات سابق
chef, directeur, dirigeant, président	رئیس
chef de la Sûreté, chef du service des renseignements généraux	رئیس آگاهی/رئیس اداره آگاهی
président de la première chambre du tribunal	رئیس اول/رئیس شعبه اول دادگاه
	رئیس اول دیوان عالی تمیز
président de la première chambre de la Cour de cassation	رئیس ایالتی یا ولایتی/رئیس استان یا شهرستان/استاندار یا فرماندار
directeur administratif départemental ou cantonal, préfet, sous-préfet	رئیس بازداشتگاه
directeur de la maison d'arrêt, directeur de la prison	رئیس بانک مرکزی
gouverneur de la banque centrale	رئیس پرسنل
chef du personnel	رئیس تشریفات
maître des cérémonies, chef du protocole	رئیس جامعه/رئیس انجمن
président d'une association	رئیس جمهور
président de la République	رئیس خانوار/رئیس خانواده
chef de famille, paterfamilias, maître de la maison	رئیس دادگاه
président du tribunal	رئیس دادگاه استان
président du tribunal de grande instance	

président du tribunal d'instance (Justice de paix) رئیس دادگاه بخش
۴۴م. ق. ا. ت. ع

président de la Cour d'assises رئیس دادگاه جنائی

président du tribunal de grande instance رئیس دادگاه شهرستان
۱۱م. ق. ا. ت. ش. د

président de la commission disciplinaire des magistrats رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات
۴۴م. ق. ا. ت. ع

chef du gouvernement رئیس دولت

président de la cour internationale d'arbitrage رئیس دیوان داورى بین‌المللی
۱۶م. عهدنامه مودت ایران و دانمارک

premier président de la Cour de Cassation رئیس دیوان عالی کشور
۴۴م. ق. ا. ت. ع

président du tribunal de grande instance رئیس شعبه دادگاه استان

chef de tribu, chef tribal رئیس قبیله

tête du pouvoir exécutif, chef du gouvernement رئیس قوه مجریه/ رئیس دولت

chef du pouvoir législatif رئیس قوه مقننه

bâtonnier del'Ordre des Avocats رئیس کانون وکلاء دادگستری
۲۰م. ق. و

chef d'Etat رئیس کشور

commissaire principal رئیس کلانتری

secrétaire général رئیس کل دبیرخانه

grand maître des cérémonies رئیس کل تشریفات

premier président du tribunal de grande instance رئیس کل دادگاه استان
۴۴م. ق. ا. ت. ع

premier président de la Cour d'Appel رئیس کل دادگاه استیناف

premier président de la Cour de Cassation رئیس کل دیوان عالی کشور
۵م. ق. ا. ه. د

président de conférence رئیس کنفرانس

۴م. قرارداد بین‌المللی ارتباطات دور

chef de mission	رئیس مأموریت
	۱م. قرارداد وین
président du Sénat	رئیس مجلس سنا
président de l'Assemblée Nationale	رئیس مجلس شورای ملی
gouverneur colonial	رئیس مستعمره
	۴۹م. قرارداد بین المللی ارتباطات دور
administrateur d'un territoire colonisé	رئیس مستعمره/رئیس کشور مستعمره
supérieur hiérarchique direct	رئیس مستقیم
	رئیس مستقیم مستخدم متهم
supérieur hiérarchique direct du fonctionnaire incriminé	
	۴۰م. آ. د. ا
chef commun	رئیس مشترک
chef d'Etat	رئیس مملکت/رئیس کشور
	۸۱م. ق. م. ع
président élu, chef élu	رئیس منتخب
chef de mission diplomatique	رئیس مبعیون سیاسی
	فصل پنجم قرارداد بین المللی ارتباطات دور
premier ministre	رئیس الوزراء/نخست وزیر
	ص ۵۴۰. م. ق. س ۱۳۱۱
	رئیس هیئت مدیره
président du conseil d'administration, directeur général, président	
	۲۰م. اساسنامه شرکت تولید و انتقال نیروی برق
chef de délégation	رئیس هیئت نمایندگی
chef de mission diplomatique	رئیس هیئت نمایندگی سیاسی
	ص ۹۲. م. ق. و
intermédiaire, courtier	رابط
	۸م. ق. انرژی
union libre	رابطه آزاد
	رابطه برخلاف اخلاق
rapports contre nature, rapports contraires aux bonnes mœurs	
rapports contraires à la nature du mariage	رابطه برخلاف امر ازدواج
rapports entre la société et les associés	رابطه بین شرکت و شرکاء

rapport gouvernant—gouverné	رابطه بین فرد و دولت
rapport Etat—citoyen	رابطه بین فرد و کشور
lien de nationalité	رابطه تابعیت
rapport sexuel	رابطه جنسی
rapport juridique basé sur un droit réel	رابطه حقوق دینی
rapport de droit	رابطه حقوقی
rapports de droit entre deux gouvernements	رابطه حقوقی بین دو دولت
	رابطه حقوقی بین دو دولت/رابطه حقوقی میان دو کشور
rapport de droit entre deux Etats	رابطه خارجی نمایندگی/رابطه قراردادی میان طرف معامله و موکل
rapport contractuel	
lien de sang	رابطه خونی
	رابطه داخلی نمایندگی/رابطه میان وکیل و موکل در معامله
rapport mandant—mandataire	
rapport bilatéral	رابطه دوجانبه
rapport réel	رابطه دینی
	رابطه زن با مردان در مقابل دریافت پول
rapport sexuel moyennant argent, prostitution, passe	
rapport découlant du mariage	رابطه زوجیت
rapport de causalité	رابطه سببیت
	رابطه سببیت بین تقصیر و خسارت
lien de causalité entre la faute et le dommage	
relation politique, rapport politique	رابطه سیاسی
lien sentimental	رابطه عاطفی
lien de causalité	رابطه علیت
	رابطه علیت بین تقصیر و خسارت
lien de causalité entre la faute et le dommage	
rapport contractuel	رابطه قراردادی
rapport de réciprocité	رابطه متقابل

rapport civil, lien civil	رابطه مدنی/رابطه حقوقی مدنی
rapport moral, lien moral	رابطه معنوی
rapports locatifs	رابطه موجر و مستأجر
rapport entre deux personnes	رابطه میان دو شخص
rapport illégitime	رابطه نامشروع
	۲۰۷۴. ق. م. ع
	رابطه نامشروع زن شوهردار با مردی
rapport sexuel adultérin pour la femme	
	۲۱۲۴. ق. م. ع
rapport homosexuel d'un homme marié	رابطه نامشروع مرد زن‌دار با مردی
	۲۱۲۴. ق. م. ع
rapport sexuel adultérin pour la femme	رابطه نامشروع مردی با زن شوهردار
rapport, mémoire, relation, exposé	رابطه/گزارش
	۱۷۵۴. آ. د. ک
préférable, supérieur, meilleur	راجح/برتر
paresseux, apathique, fainéant, inactif, nonchalant, mou	راحت طلب
radical	رادیکال/ریشه/اساس
radicalisme	رادیکالیسم
radio	رادیو
radio-isotopes	رادیوایزوتوپها
radiophonie	رادیو فونی
radiologie	رادیو لوژی
discrétion, réserve, tact	راز پوشی
discret	رازدار
acte de corruption, corrupteur	راشی
	۱۴۲۴. ق. م. ع
content, satisfait, heureux, béat	راضی
	رافضی
schismatique (qualificatif donné aux chiites par les sunnites), hérétique, apostat, renégat	
qui écarte un obstacle	رافع

supprimer une restriction	رافع محدودیت
	۱۸۴. ق. دیون
décharger d'une responsabilité	رافع مسئولیت
۶۴. قرارداد بین‌المللی برقراری بعضی از مقررات متحدالشکل در تصادم کشتی‌ها	
inerte, stoppé, dormant, en état de stagnation	راکد
dompteur	رام‌کننده حیوانات
rendement	راندمان/بازده
	۸۴. پروتکل بین‌المللی تمدید کشت خشخاش
recette fiscale	راندمان مالیات
	راندن هواپیمای دارای تابعیت مجعول
pilotage d'un avion avec une fausse nationalité	
	۲۴۴. ق. ه. ک
	راندن هواپیمای دارای علائم ثبت مجعول
pilotage d'un avion sous une fausse immatriculation	
	۲۴۴. ق. ه. ک
	راندن هواپیمای فاقد علائم ثبت تابعیت
pilotage d'un avion sans immatriculation	
	۲۵۴. ق. ه. ک
conducteurs en infraction, conducteurs en tort	رانندگان متخلف
	ق. ت. م. ر. م
conduite d'un véhicule	رانندگی/رانندگی يك وسیله موتوری
conduire, piloter	رانندگی کردن
conduire en état d'ivresse	رانندگی در حال مستی
conducteur, pilote, chauffeur	راننده
	۱۴. آ. ر. ر
conducteur de véhicule, chauffeur	راننده وسیله نقلیه موتوری
route, chemin, voie	راه
voie navigable	راه‌آبی
	۱۴. آ. ر. ر

voie d'eau interne, voie navigable intérieure	راه آبی داخلی
voie navigable nationale	راه آبی ملی
chemin de fer	راه آهن
	۱۲. آ. ر. ر.
chemin de fer indépendant	راه آهن مستقل
	۴۴۴. ق. الحاق دولت ایران به مقاوله نامه بین‌المللی مربوط به حمل و نقل مسافر و توسعه راه آهن
voie de communication	راه ارتباطی
dans l'exercice de ses fonctions	راه انجام وظیفه/ در راه انجام وظیفه
	۴۴۴. م. واحده لایحه قانونی پرداخت مستمری به وراثت افسران و درجه‌داران ارتش
voies de recours	راه تجدید شکایت
voie de droit, moyen légal	راه حقوقی
solution amiable	راه حل دوستانه
	۴۴۴. موافقتنامه. ت. ا. ب. ن. ش. م. پ
solution juridique, solution légale	راه حل قانونی
solution juridique	راه حل قضائی
voie privée	راه خصوصی/ جاده خصوصی
	راه دادن مردم به قمار خانه
introduire des individus dans une maison de jeux	
	۲۴۳۴. ق. م. ع
cantonniers	راه‌داران/ مأموران حفاظت و مرمت راه‌ها
entretien des voies	راه داری
	۴۴۴. م. واحده قانون تمدید خدمت کارشناسان وزارت راه
voie maritime	راه دریائی
voie maritime artificielle	راه دریائی مصنوعی
corridor aérien	راه روها/ کریدورها
brigand, bandit de grand chemin	راهزن
bandit armé	راهزن مسلح
	۱۰۲۴. ق. د. ا
banditisme	راهزنی
	۱۳۴. قرارداد امنیت سرحدی ایران و ترکیه

banditisme sur les voies de communication	راهزنی در راهها
banditisme sur les voies	راهزنی در شوارع
piraterie	راهزنی دریائی
piraterie aérienne	راهزنی هوائی
construction des routes	راهسازی/جاده سازی
juste moyen, solution normale	راه صواب/راه حل قابل قبول
voie publique	راه عمومی
moyen extraordinaire, solution anormale	راه غیرعادی/راه حل غیر عادی
voie légale, moyen de droit	راه قانونی
solution légale	راه قانونی/راه حل قانونی
passant	راهگذر
débiteur offrant un gage	راهن/رهن دهنده
guide, cicerone, conducteur , conseiller , pilote	راهنما
instructions, conseils, mode d'emploi, vade-mecum	راهنمایی
orientation scolaire	راهنمایی تحصیلی/جهت دادن تحصیل
cycle d'orientation en cours d'études	راهنمایی تحصیلی/دوره راهنمایی تحصیلی
cycle d'orientation professionnelle	راهنمایی و حرفه‌ای/دوره تحصیلی راهنمایی و حرفه‌ای
pilotage de navire	راهنمایی کشتی
pilotage et conduite	راهنمایی و رانندگی
pilotage maritime	راهنمایی بحری
renseignements touristiques, syndicat d'initiative	راهنمای جهانگردی

voies maritimes	راه‌های دریائی
voies terrestres	راه‌های زمینی
	۳۲۴. ق. پ
voies côtières	راه‌های ساحلی
moyens illégaux, voies illégales	راه‌های غیرمجاز
	۱۳۲. ق. و. ا. ا. خ
voies aériennes, lignes aériennes	راه‌های هوایی
voie à sens unique	راه یکطرفه
en cours de validité, actuel, valide, valable	رایج
disponible sur le marché	رایج معامله
conseiller	رایزن
	۲۴۰. قرارداد تأسیس شورای همکاری گمرکی
conseiller politique	رایزن سیاسی
conseiller culturel	رایزن فرهنگی
	۱۱۱۰. موافقتنامه فرهنگی ایران و مصر
mark-os, mark avec étalon-or	رایشمارك با شروط طلا
gratuit, bénévole, gratis, gracieux	رایگان
	۵۴۰. ق. ا. ا. س. ۱۳۴۰
intérêt, revenu de l'argent, usure	ربا/ربح
usurier, prêteur	ربا خوار
usure, prêt à intérêts	ربا خواری
intérêt, revenu de l'argent, usure	ربح/فرع
	۱۵۴۴. ق. ت
anatocisme	ربح در ربح
intérêt légal, intérêt à un taux légal	ربح قانونی
anatocisme	ربح مرکب
portion du quart	ربح يك چهارم
	۷۹۵۴. ق. م
voler, soustraire, dérober, enlever, subtiliser	ر بودن/دزدیدن/سرقت کردن
	ر بودن اشخاص
kidnapper, procéder à l'enlèvement d'une personne, ravir	
	ن. ث. م. ر. م. س ۱۳۳۵

kidnapping, enlèvement, kidnappage	ربودن اشخاص از وسائط نقلیه
	ق. ت. م. ر. م. س ۱۳۳۵
kidnapper, enlever un enfant	ربودن اطفال
	م. ۲۰۲۲. ق. م. ع
	ربودن/ برداشتن و از بین بردن اوراق پرونده
soustractions, reprises, destructions de pièces d'un dossier	
soustraction de documents	ربودن اسناد
	م. ۱۱۴۴. ق. م. ع
soustractions de documents	ربودن اسناد عنفاً
	م. ۱۱۶۴. و. ق. م. ع
soustraction de registres	ربودن دفاتر
	م. ۱۱۴۴. ق. م. ع
	ربودن زن به تهدید برای ازدواج
enlèvement sous la menace d'une femme dans le but de l'épouser	
	م. ۲۰۹۴. ق. م. ع
	ربودن زن به حیله برای ازدواج
enlèvement par ruse d'une femme dans le but de l'épouser	
	م. ۲۰۹۴. ق. م. ع
	ربودن زن به عنف برای ازدواج
enlèvement par violence d'une femme dans le but de l'épouser	
	م. ۲۰۹۴. ق. م. ع
commettre un vol mobilier	ربودن شیئی
	ربودن طفل کمتر از ۱۵ سال به اکراه
enlèvement sous la violence d'un enfant de moins de quinze ans	
	م. ۲۰۲۲. ق. م. ع
	ربودن طفل کمتر از ۱۵ سال به حیله
enlèvement par ruse d'un enfant de moins de quinze ans	
	م. ۲۰۲۲. ق. م. ع
	ربودن کسی را برای عمل منافی عفت به تهدید
enlèvement par la violence d'une personne afin de la violer	
	م. ۲۰۹۴. ق. م. ع

ر بودن کسی را برای عمل منافی عفت به حیل	
enlèvement par ruse d'une personne pour la violer	۲۰۹م. ق. م. ع
ر بودن کسی را برای عمل منافی عفت به عنف	
enlèvement par violence d'une personne pour la violer	۲۰۹م. ق. م. ع
ر بودن کسی را برای وادار کردن به عمل منافی عفت	
enlèvement d'une personne dans le but de l'obliger à accomplir un acte contraire aux bonnes moeurs	۲۰۹م. ق. م. ع
ر بودن متقلبانه به قصد تصاحب مال منقول متعلق به غیر	
vol frauduleux pour l'usage personnel	۱۱۴م. ق. م. ع
soustraction frauduleuse du bien d'autrui	ر بودن مخفیانه مال غیر
voler des documents	ر بودن نوشتجات
vol avec violence	۱۱۴م. ق. م. ع
	ر بودن نوشتجات عنفاً
	۱۱۶م. ق. م. ع
	ر نیمه/دختر زن/دختر زوجه
fille de la femme, belle-fille, fille d'un autre lit de la femme, fille de l'épouse	
ر پرتاژ جنائی/ر پرتاژ درباره امر جنائی	
reportage sur une affaire criminelle, chronique judiciaire	
échelon	رتبه/پایه
	۱۶م. ق. م. ب- س ۱۳۱۷
échelon administratif	رتبه اداری/پایه اداری
	۳م. ق. ا. ت. ع
grade de professeur	رتبه استادی/سمت استادی/درجه استادی
	۲م. ق. ا. ک
grade de maître-assistant	رتبه دانشیاری/سمت دانشیاری/درجه دانشیاری
	۲م. ق. ا. ک
échelon dans la magistrature	رتبه قضائی
	۳م. ق. ا. ت. ع

رتبه کشوری	۳۶۲
رتبه کشوری/رتبه غیر نظامی	échelon civil
۱م. ق. ا. ق. ا. ا. م. ج. ت. ن	
رتبه مادون	échelon inférieur, bas de l'échelle
۴۱م. ق. ا. ق. س ۱۳۰۶	
رتبه مافوق	échelon supérieur, grade supérieur
۴۱م. ق. ا. ق. س ۱۳۰۶	
رجال سیاسی/سیاستمداران	hommes politiques
رجحان/برتری	préférence, prédilection
۵م. ق. د	
رجحان حقوق ممتاز	droit privilégié
ص ۴۲۲. م. ق. س ۱۳۴۳	
رجحان خاص	prérogative spéciale
رجحان دادن شخصی به شخصی دیگر	
رجم/سنگسار	donner la préférence à une personne sur une autre
رجوع/برگشت به حالت قبل از عقد یا ایقاع مبیع/فسخ	lapidation
رجوع ۱۱۴۴م. ق. م	retour, recours, résolution
رجوع آمر به مأمور	recours du commettant contre le préposé
رجوع از اذن	retirer son autorisation
۹۸م. ق. م	
رجوع از وصیت	révocation du testament (V.C.civ. art 1035 s.)
۸۲۹م. ق. م	
رجوع از وقف ممکن نیست	
رجوع از هبه	principe selon lequel la révocation d'une fondation n'est pas possible
۶۱م. ق. م	
رجوع از هبه	révocation des legs, révocation des donations (V.C.civ.art 953 s.)
۸۰۳م. ق. م	
رجوع از هبه به علت حق ناشناسی	
رجوع از هبه به علت حق ناشناسی	révocation des legs pour cause d'ingratitude (V.C. civ. art. 1046)
رجوع به تابعیت اول	réintégration dans la nationalité d'origine
۹۸۶م. ق. م	

- recours à l'expert رجوع به خبره/ نظرخواهی از خبره/ رجوع به کارشناس
- recours à l'arbitrage رجوع به داوری/ ارجاع به داوری
۶۲. ق. ح. خ
- communication des livres de commerce رجوع به دفاتر تجاری
- saisie d'une juridiction religieuse رجوع به شرع/ رجوع به محضر شرع
۷۲. ق. م. ش
- رجوع به طلاق/ فسخ طلاق
- droit reconnu au mari de se remarier avec la femme qu'il a répudiée
après un certain délai, résolution de divorce ۱۱۴۹م. ق. م
- saisir le juge رجوع به قاضی/ مراجعه به قاضی
- recours à l'expert رجوع به کارشناس/ نظرخواهی از کارشناس
۴۴۵م. آ. د. م
- expertise رجوع به کارشناسی/ ارجاع به کارشناسی
۱م. ق. ک. ر
- رجوع به کارشناس به نظر خود دادگاه/ ارجاع به کارشناس از طرف دادگاه
- expertise ordonnée d'office par le tribunal رجوع به محاکم/ شکایت به محاکم
- recours à l'autorité judiciaire ۸م. اعلامیه حقوق بشر
- رجوع به مزاحم که مانع استفاده از عین مستاجر می شود
- recours contre l'auteur du trouble de jouissance ۴۸۸م. ق. م
- رجوع در طلاق/ فسخ طلاق
- droit de révocation accordé au mari dans un divorce révocable,
droit reconnu au mari de se remarier sans l'avis de la femme
répudiée, résolution de divorce ۱۱۴۹م. ق. م
- رجوع در طلاق خلع و مبارات
- droit de révocation accordé au mari dans un mariage en principe
irrévocable, résolution de divorce ۱۳۱م. ق. ح. خ

رجوع در طلاق رجعی

droit de révocation dans un divorce révocable, résolution de divorce

ص ۱۳۱. ق. ح. خ

révocation de donation, résiliation de donation رجوع در هبه/فسخ در هبه

revenir sur son témoignage رجوع شاهد از شهادت/تکذیب شاهد از شهادت

م ۱۳۱۹. ق. م

رجوع شرکاء از اذن/انصراف شرکاء از اذن

révocation de l'autorisation par les associés

م ۵۷۸. ق. م

رجوع صریح/انصراف صریح/فسخ صریح

révocation expresse, recours exprès, résiliation expresse, résolution expresse

رجوع ضمنی/انصراف ضمنی

révocation tacite, résiliation tacite, recours tacite, résolution tacite

رجوع غایب بطلاق

retour de l'absent contre lequel le divorce a été obtenu

م ۱۰۳۰. ق. م

رجوع کردن/فسخ کردن/برگشت کردن/منصرف شدن

revenir sur, évoquer, se retourner, résilier

رجوع واهب/فسخ واهب

révocation par le donateur, résiliation par le donateur

م ۸۰۴. ق. م

virilité, masculinité

رجولیت/مردی/علامت مردی

م ۹۳۹. ق. م

tolérance, loi de facilité رجعت/قبول مشروعیت بعضی از امر به دلایل خاص در فقه

rejet, refus

رد/عدم قبول

م ۲۵۱. ق. م

récusation

رد/اعتراض به صلاحیت

م ۲۰۸. آ. د. م

récuser

رد کردن/اعتراض کردن به صلاحیت

restituer l'indû	رد آنچه که بناحق گرفته شده/برگرداندن آنچه که بناحق گرفته شده است
révocation de l'autorisation, revenir sur l'autorisation	رد اجازه/انصراف از اجازه
dénégation de la possession	رد ادعای مالکیت/نفی ادعای مالکیت
	۲۵۰۲. ق. م
	۳۷۲. ق. م
rejet de la demande d'extradition de l'inculpé	رد استرداد مجرم/رد تقاضای استرداد مجرم
	۴۲. ق. ا. م
	رد استعفا/رد تقاضای استعفاء
refus de la démission, rejet de la demande de démission	۶۴۲. ق. ا. ك
rejet de la requête civile	رد اعاده دادرسی/رد تقاضای اعاده دادرسی
réfuter une objection, rejeter une objection	رد اعتراض
débouté de la défense par le tribunal	رد اعتراض/حکم شرعی
	۱۶۲. ق. م. ش
débouté de la défense en justice	رد اعتراض باحکم دادگاه
	رد اعسار/رد اعسار بحکم دادگاه
jugement rejetant la demande de déconfiture	۸۰۷۲. آ. د. م
récusation des jurés	رد اعضاء هیأت منصفه
	۳۵۲. ق. مطبوعات
	رد امناء صلح/رد قضاوت دادگاه صلح/رد دادرسان دادگاه بخش
récusation du juge de paix	۲۰۴۲. ا. د. ك
restitution d'un bien	رد اموال اختلاس شده/استرداد اموال اختلاس شده
	۲۶۲. ق. د. ك
rejet en la forme	رد ایراد
	۲۰۴۲. آ. د. م
quote—part héréditaire	رد بر
	۹۰۵۲. ق. م

contestation de la feuille d'impôt	رد برگ تشخیص مالیات
restitution d'une partie du prix	رد بعضی مثل الثمن ۳۵۸۲. ق. م
restitution en même quantité et qualité	رد به عین کما و کیفاً
trace du pied, empreinte du pied	رد پا/ اثر پا
rejet de la conciliation	رد پیشنهاد صلح
rejet de la demande de caution	رد تأمین/ رد درخواست تأمین ۲۳۳۴. آ. د. م
renonciation à une nationalité	رد تابعیت/ انصراف از تابعیت
récusation de l'enquête	رد تحقیقات/ اعتراض تحقیقات/ عدم قبول تحقیقات
renonciation à la succession	رد ترکه/ انصراف از قبول ترکه ۲۴۹۲. ق. ا. ج
non adhésion au pacte ou à la convention	رد تصویب معاهده/ قبول نکردن معاهده
rejet de la demande d'ouverture d'une banque	رد تقاضای تأسیس بانک
	رد تقاضای ثبت/ قبول نکردن تقاضای ثبت ملک
rejet de la demande de publicité foncière	
rejet d'une demande de dépôt de brevet	رد تقاضای ثبت اختراع
rejet d'une demande d'enregistrement de marque	رد تقاضای ثبت علامت
	رد تقاضای سلب مصونیت پارلمانی
rejet de la demande de levée d'immunité parlementaire	
rejet du recours en cassation	رد تقاضای فرجام
	رد تمام مبیع/ قبول نکردن تمام مبیع
restitution de la totalité de la chose vendue	
	۴۱۲۲. ق. م
récusation du juge	رد حاکم/ رد قاضی
contestation de la sentence arbitrale	رد حکم حکم/ اعتراض به رأی داور
	۱۱۱۲. ق. ح. س. ۱۳۰۶
rejet de la demande introductive d'instance	رد دادخواست
	۸۵۲. آ. د. م
rejet de l'opposition	رد دادخواست اعتراض/ عدم قبول دادخواست اعتراض

mise à néant de l'instance	رد دادخواست پژوهش/عدم قبول دادخواست پژوهش
	۴۹۵۰. آ. د. م
opposition à comparution	رد دادخواست جلب
débouté de l'opposition	رد دادخواست واخواهی
récusation d'un juge	رد دادرس
	۲۰۸۲. آ. د. م
récusation du procureur	رد دادستان
récusation de l'arbitre	رد داور/رد حکم
rejet de la demande de paiement à tempérament	رد درخواست تقسیط
	بند ۹. آ. ا. ا. ر. س ۱۳۴۳
rejet de la demande d'interdiction	رد درخواست حجر
	۶۶۴. ق. ا. ح
fin de non-recevoir	رد دعوی/عدم قبول دعوی
	۲۹۸۲. آ. د. م
récusation du juge-commissaire	رد رئیس اداره تصفیه
	۳۴۳. ق. ت. ا. و
récusation d'un juge disciplinaire	رد رئیس و اعضای دادگاه اداری
	۴۴۲. آ. د. ا
	رد سند به مدیون/تسلیم سند به مدیون
remise du titre original de l'acte sous seings privés ou de la grosse de l'acte authentique	
rejeter un amendement	رد شدن پیشنهاد اصلاحی/عدم قبول پیشنهاد اصلاحی
rejet de la plainte	رد شکایت/عدم پذیرش شکایت
débouté	رد شکایت در دادگستری
	رد شهادت و مدارک جدید/عدم قبول شهادت و مدارک جدید
refus de nouveaux témoignages ou nouvelles preuves	
	۸۷۲. ق. س ۱۳۱۴
débouté	رد عرضحال/عدم قبول دادخواست
	۸۲۰. ق. ا. م. ح. ت
rejet du pourvoi en Cassation	رد عریضه تمیزی
	ف. پنجم. آ. د. ک

rejet du contrat révocable	رد عقد غیر نافذ/عدم قبول عقد غیر نافذ ۲۰۵م. ق. م
restitution de la chose volée	رد عین اموال مسروقه/تسلیم عین اموال مسروقه ۵م. ق. ق. ت. م. پ
restitution pure et simple	رد عین مال/تسلیم عین مال ۴۱۱م. ق. م
restitution de la chose louée	رد عین مستأجره/تحويل عین مستأجره ۱۹۱م. آ. د. م
traces du fugitif	رد فراری/اثر و جای پای فراری
extradition du réfugié	رد فراری/تحويل فراری ۲۴م. قرارداد امنیت سرحدی ایران و ترکیه
récusation du substitut du juge-commissaire	رد قائم مقام رئیس اداره تصفیه ۳م. ق. ت. ا. د
récusation de juge	رد قاضی/اعتراض به صلاحیت قانونی قاضی ۳م. آ. د. ک
déferer le serment à l'autre partie	رد قسم/تکلیف قسم به طرفی دیگر ۱۳۲۸م. ق. م
récusation de l'expert	رد کارشناس/اعتراض به صلاحیت کارشناس ۴۴۷م. آ. د. م
rejeter, refuser, récuser	رد کردن/قبول نکردن/اعتراض کردن
restitution du bien d'autrui	رد مال غیر/رد کردن مال غیر
restitution de l'objet de la saisie	رد مال مصادره شده
restitution du dépôt	رد مال ودیعه ۶۱۴م. ق. م
refus de recevoir livraison de la chose vendue	رد مبیع/قبول نکردن مبیع ۴۳۲م. ق. م
récusation du traducteur	رد مترجم ۳۲م. آ. د. ک
paiement du prix de la chose vendue	رد مثل الثمن/تسلیم مثل ثمن
extradition de l'accusé	رد مجرم/تحويل مجرم ۹م. ق. ا. م

récusation de contrôleurs au concordat	رد محاسبین اداره تصفیه
	۳۲.. ق. ت. ا. ق
restitution au demandeur de l'objet de la demande	رد مدعی به به مدعی/پس دادن موضوع مورد ادعا
récusation du procureur	رد مدعی العموم/رد دادستان
	۴۲۲.. آ. د. ک
récusation du juge d'instruction	رد مستنطق/رد بازپرس
	۵۰۲.. آ. د. ک
récusation des juges du tribunal pour enfants	رد مشاورین دادگاه اطفال
	۳۲.. ق. ت. د. ا. ب
refus d'entérinement d'une opération sur la chose d'autrui, rejet d'une transaction révocable	رد معامله فضولی/قبول نکردن معامله فضولی
	۲۵۱۲.. ق. م
refus de la convention	رد معاهده/عدم قبول معاهده
	رد ورثه نسبت به مازاد از ثلث
rejet du testament dans ce qu'il dispose au-delà de la quotité disponible (1/3)	
renonciation à la succession, attaque du testament	رد وصایت
	۸۳۴۲.. ق. م
rejet du testament	رد وصیت
	۸۳۰۲.. ق. م
rang, rangée, file, queue, série	ردیف
bassesse, méchanceté, mesquinerie	رذالت
bas, méchant, vil, ignoble, abject	رذل
droit d'inclure une réserve, condition	رزرو/حق شرط
	رزق/حقوق مستخدمان دولت (اصطلاح فقهی)
traitements des fonctionnaires d'Etat en droit islamique	
régime	رژیم/نظام/مقررات
	۱۰۰۲.. م. ق. د

régime des eaux territoriales	رژیم آبهای ساحلی
régime despotique, despotisme, tyrannie	رژیم استبدادی
رژیم اشتراك اموال بين زن وشوهر/ ازدواج بر پایه اشتراك اموال میان زن وشوهر	
régime de communauté de biens entre les époux	رژیم اشتراك دارائی بين زن و شوهر
régime de communauté de biens entre les époux	رژیم امتیازات مخصوص
régime de concession spéciale	رژیم بردگی/ نظام بردگی
esclavage	رژیم پارلمانی/ نظام پارلمانی
régime parlementaire	رژیم پاساوان تضمینی
régime de passavant garanti	۱۳۴. ق. ت. گ
régime de séparation de biens	رژیم تفکیک اموال
régime juridique	رژیم حقوقی/ نظام حقوقی
régime politique	رژیم حکومت/ رژیم سیاسی/ نظام سیاسی
	رژیم خارج الملکتی/ قاعده خارج الملکتی
régime de l'exterritorialité, principe de l'exterritorialité	رژیم دریای آزاد/ قاعده دریای آزاد
régime de la mer libre	رژیم دموکراتیک/ نظام دموکراسی
régime démocratique, démocratie	رژیم دیکتاتوری/ نظام استبدادی
régime dictatorial, dictature	رژیم ریاست جمهوری/ نظام ریاستی
régime présidentiel	رژیم سلطنتی/ نظام سلطنتی
régime monarchique, monarchie	رژیم صنفی/ نظام صنفی/ سازمان صنفی
organisation corporative	رژیم عمومی/ قاعده عمومی/ اصل کلی
régime général, régime commun, principe général	رژیم غیرمشورتی/ رژیم دیکتاتوری/ نظام استبدادی
régime autoritaire	رژیم فئودالیت/ نظام فئودالیت
régime féodal, féodalité	رژیم کاپیتولاسیون
régime de capitulation	رژیم کارگاههای کشاورزی و صنعتی/ تشکیلات کشاورزی و صنعتی
organisation des ateliers agricoles et industriels	رژیم کامله الودادی مطلق/ اصل کشورهای کامله الوداد
régime de la nation la plus favorisée	ص ۲۶۷. م. ق. و

réglementations douanières	رژیم گمرکی/مقررات گمرکی ص ۲۶۷. ق. ۲. و
régime financier entre les époux, régime matrimonial entre les époux	رژیم مالی زوجین/مقررات مالی بین زن و شوهر
régime de séparation de biens entre les époux	رژیم مالی جدائی دارائی زوجین/قاعده جدائی دارائی زن و شوهر
régime féodal, féodalité	رژیم ملوک الطوائفی/نظام فئودالیت
régime national, autarcie	رژیم ملی/نظام ملی
réglementations étatiques	رژیم ملی/مقررات کشوری ص ۲۶۷. ق. ۲. و
mandat, mission, but	رسالت/پیامبری
brochure, livret	رساله ۲۳۵۲. ق. ۲. ع
thèse, thèse universitaire	رساله/پایان نامه دانشگاهی
sorte de codification, rassemblement des règlements juridiques	رساله عمیل/مقررات اسلامی که به وسیله یک یا چند فقیه جمع آورده شده است
greffier, rédacteur	رساننده ورقه جلب ۱۱۷۲. آ. د. ک
résurrection	رستاخیز
restaurant	رستوران ۲۲. ق. ب. و. م
branche, classe, division administrative	رسته ۷۲. ق. ا. ک
sous-lieutenant de police	رشدبان
lieutenant de police	رشدبان یک
coutumes, usages, us et coutumes	رسم/عرف/عادت
officiellement	رسماً ص ۸۸. ق. ۲. و
formule insérée habituellement dans les actes	رسم القباله/قسمتی از عبارات سند که حسب المعمول در همه اسناد آورده می شود
us et coutumes juridiques	رسم حقوقی/عرف و عادت

۳۷۴	رسم ساده بین‌المللی
courtoisie internationale	رسم ساده بین‌المللی/ نزاکت بین‌المللی
coutume conventionnelle	رسم عملی/ رسم قراردادی
pratique ancienne, usage ancien	رسم قدیمی
coutume conventionnelle	رسم قراردادی/ رسم علمی
authentique, officiel	رسمی
	۱۲۸۶م. ق. م
authenticité	رسمیت اسناد
	۱۲۹۴م. ق. م
authenticité des documents	رسمیت اسناد
	۱۰م. ق. ر. ا. ق. ا. ل
véracité d'une nouvelle	رسمیت خبر
authenticité d'un acte, authenticité d'un document	رسمیت سند
	۱۵م. عهدنامه استرداد مقصرین ایران و ترکیه
légalisation	رسمیت قانونی
être authentique, être authentifié, entrer en vigueur	رسمیت یافتن
entrée en vigueur de l'accord	رسمیت یافتن موافقتنامه
	۳۵۲. ق. دیون
publicité des actes de commerce	رسمی شناختن معاملات بازرگانی
	۲۰۷. م. ق. و
déshonoré, mal famé, diffamé	رسوا
scandale	رسوائی
sédiment, dépôt, résidu·laissé par l'eau, limon, alluvion	رسوب
sédiments anciens, sédimentation	رسوب تدریجی
usages, coutumes, traditions	رسوم
	۱. م. ق. و
	رسومات
prélèvement proportionnel sur les produits agricoles pour le paiement des fonctionnaires	رسومات/ محل تهیه نوشابه‌های الکلی
lieu de distillation des boissons alcoolisées	رسومات/ مالیات بر نوشابه‌های الکلی
taxes perçues sur la distillation des boissons alcoolisées	

règlements municipaux	رسومات شهری/مقررات شهری
octrois, taxes municipales	رسومات شهری/عوارض مقرردر شهر
réglementation douanière	رسومات گمرکی/مقررات گمرکی
	ص ۳۰۳. ق. و
us et coutumes sociaux, usages	رسوم اجتماعی
usages ancestraux	رسوم اجدادی
	رسوم اعتبار اسنادی
moyen que l'usage admet comme acceptation de document, usage du crédit documentaire	
coutumes internationales	رسوم بین المللی
usages commerciaux	رسوم تجارتي
la coutume source de droit	رسوم حقوقی/عرف و عادت به عنوان منبع حقوقی
usages locaux	رسوم محلی/عرف عادات محلی
	ص ۷۷. ق. س ۱۳۴۳
usages nationaux, coutumes nationales	رسوم ملی/عرف و عادات ملی
	۱۹۴. ق. مطبوعات
acquit, reçu, récépissé, quitus	رسید
	۸۱۴. آ. د. م
sommation interpellative	رسید اظهارنامه
remise de l'exploit	رسید دادخواست
	۸۱۴. آ. د. م
quitus officiel	رسید رسمی
	۵۴. آ. ط. و. ع. ش
étude, instruction, examen, vérification	رسیدگی
	۱۴. آ. د. م
	رسیدگی ابتدائی
connaître d'une affaire en premier ressort, juger en 1° ressort	
	۲۲۴. آ. د. ا
étude sommaire, examen sommaire	رسیدگی اختصاری/دادرسی اختصاری
	رسیدگی اداری
examen administratif, avis administratif, vérification administrative	
	۲۱۶۴. ق. م. د

connaissance de l'affaire en appel	رسیدگی استینافی ۹۲. آ. د. م
examen d'une affaire pénale ou disciplinaire	رسیدگی انتظامی ۳۶۴. ق. د. ا. ر
connaissance d'une affaire concernant l'état des personnes (filiation)	رسیدگی به ادعای نسب
examen des preuves	رسیدگی به ادله
étude de l'affaire au fond	رسیدگی به اصل دعوی ۴۸۲. آ. د. م
connaissance judiciaire de l'affaire	رسیدگی به اختلافات به وسیله مراجع حل اختلاف ۲۱۶۴. ق. م. د
juridiction contentieuse	رسیدگی به امور ترافعی
saisie d'office des tribunaux civils d'affaires	رسیدگی به امور حسبی
concernant des mineurs ou des incapables	۲۴. ق. ا. ح
examen budgétaire	رسیدگی به بودجه
examen des propositions	رسیدگی به پیشنهادات ۲۶۴. ق. ب
connaissance des délits de droit commun commis par des officiers	رسیدگی به جرائم عمومی افسران ارتش ۴. و. ر. ج. ع. ا
vérification des biens des agents publics	رسیدگی به دارائی مأمورین ۴. و. د. م
vérification des biens des ministres	رسیدگی به دارائی وزراء ۴. و. د. م
vérification des revenus imposables	رسیدگی به درآمد مشمول مالیات ۲۱۶۴. ق. م. د
instruction des procès civils	رسیدگی به دعاوی حقوقی
instruire une cause, examiner une demande d'introduction en justice, jugement	رسیدگی به دعوی ۲۴. ق. آ. د. م

- juger une procédure par défaut رسیدگی به دعوی با وجود غیبت خواننده
 vérification des preuves رسیدگی به دلایل
 connaissance d'une affaire en premier ressort رسیدگی بدوی
 ۸۲. ق. ا. م. ح. ت
 رسیدگی به صحت سند
 vérification de l'authenticité d'un acte; vérification d'écriture
 ۳۹۳۲. آ. د. م
 vérification d'identité رسیدگی به صحت هویت
 étude des procédés d'arbitrage رسیدگی به نحوه داوری/رسیدگی به طریق داوری
 étude sommaire de l'affaire رسیدگی به قید فوریت
 ۵۲. ل. ق. ا. ع. د
 vérification des comptes رسیدگی به محاسبات
 ۷۴. قرارداد تلگرافی ایران و شوروی
 vérification de la compétence رسیدگی به مدارج لیاقت
 ۱۵۲. ق. ب
 juridiction de jugement رسیدگی به منظور صدور حکم
 décision en appel رسیدگی پژوهشی
 ۱۲۲. آ. د. م
 étude de l'affaire en Cour de Cassation رسیدگی تمیزی
 ۴۳۰۲ مکرر ا. م. ج
 deuxième examen d'une affaire رسیدگی ثانوی/رسیدگی بار دوم
 ۲۲۲. آ. د. ا
 instruction criminelle رسیدگی جنائی/تحقیقات مربوط به امر جنائی
 رسیدگی جنایت به علل قانونی در دادگاه جنحه/دادرسی جرم جنایی به علل قانونی در
 دادگاه جنحه
 correctionnalisation des peines رسیدگی حضوری/دادرسی حضوری
 jugement contradictoire رسیدگی دائمی
 vérification permanente
 ۲۱۲. ق. ا. ت. د
 examen par le tribunal, jugement رسیدگی در دادگاه/دادرسی در دادگاه
 رسیدگی در قبول یارد اعاده دادرسی/بررسی در قبول یارد اعاده دادرسی
 statuer sur le rescindant

procédure devant une commission	رسیدگی در کمیسیون/بررسی در کمیسیون
juridiction d'instruction	رسیدگی در مرحله بازپرسی/تحقیق در مرحله بازپرسی
instruction de la cause, jugement	رسیدگی دعوی/دادرسی
procédure rapide, procédure d'urgence	رسیدگی سریع/دادرسی سریع
apurement	رسیدگی صحت حساب/بررسی صحت حساب
	رسیدگی عادی/دادرسی عادی
jugement de droit commun, jugement en la forme ordinaire	
procédure par défaut	رسیدگی غیابی/دادرسی غیابی
	۱۶۶م. آ. د. م
	رسیدگی غیابی در دادگاه جنائی/دادرسی غیابی در دادگاه جنائی
procédure par contumace	
	ماده واحده تجویز دادرسی غیابی در دادگاه جنائی
	رسیدگی فرجامی/بررسی فرجامی
connaissance de l'affaire en appel, procédure devant la Cour	
	۵۵۸م. آ. د. م
instruction judiciaire	رسیدگی قضائی/دادرسی قضائی
examiner, instruire, vérifier	رسیدگی کردن/بررسی کردن
	رسیدگی کردن/دادرسی کردن
examen du fond, étude du fond	رسیدگی ماهوی/دادرسی ماهوی
	۶م. ق. د. ک. س ۱۳۱۷
examen au fond	رسیدگی ماهیتی/دادرسی ماهوی
	۷م. آ. د. م
	رسیدگی مجانی/دادرسی مجانی
procédure gratuite, procédure sans frais, assistance judiciaire	
	۲م. ق. ت. خ. ا
descente sur les lieux, transport sur les lieux	رسیدگی محلی/بررسی در محل
	۱۶م. ق. م. د. س ۱۳۴۵
descente sur les lieux, transport sur les lieux	رسیدگی محلی/تحقیق در محل
examen préliminaire	رسیدگی مقدماتی/بررسی مقدماتی
	۳۷م. ق. د. ا. ر
connaissance de l'affaire en 1 ^o ressort	رسیدگی نخستین/دادرسی نخستین
	۷م. آ. د. م

instruction effective	رسیدگی واقعی/تحقیق واقعی
récollement	رسیدگی و تصدیق صورت اموال توقیف شده با آنچه نزد حافظ موجود است
examen et jugement sur révision de procès	رسیدگی و صدور حکم مجدد در اعاده دادرسی
revenir à, être dévolu, être attribué	رسیدن/تخصیص یافتن/تعلق گرفتن
	۹۲۸۲.ق. ۲
atteindre	رسیدن/نائل شدن
atteindre l'âge requis pour mariage	رسیدن به سن ازدواج
être émancipé	رسیدن به سن رشد
atteindre la majorité légale	رسیدن به سن قانونی
	رسید وجه در ذیل یا ظاهر سند
donner quittance au bas de l'acte ou au dos du document	
activité commerciale, branche commerciale	رشته تجارت
	۹۲.آ.د.ث.ت
spécialisation	رشته تخصصی
	۲۵۲.ق. ۱.ک
catégorie professionnelle	رشته‌های شغلی
	رشته‌های مختلف دلالتی
catégories diverses de commissionnaires ou courtiers	
	۳۳۶۲.ق. ت
discernement, bon sens, pertinence, clairvoyance, capacité	رشد
	۱۲۰۹۲.ق. ۲
maturité sociale	رشد اجتماعی
maturité morale	رشد اخلاقی
croissance économique	رشد اقتصادی
	رشد پیش‌رس/رشد به حکم محکمه
majorité précoce, majorité prononcée par le tribunal	
	۱۲۰۹۲.ق. ۲
majorité pénale	رشد جزائی/رشد از نظر جزا
maturité intellectuelle, développement intellectuel	رشد دماغی
maturité intellectuelle, développement intellectuel	رشد عقلی

développement anormal, monstruosité رشد غیر طبیعی
 maturité intellectuelle, développement intellectuel رشد فکری
 concussion رشوه

۱۲. ق. م. ارتشاء. س ۱۲۰۷

concussion, dons de reconnaissance رشوه خواری
 corruption active des fonctionnaires رشوه دادن کارمندان دولتی
 corruption active des employés رشوه دادن کارمندان مؤسسات غیر دولتی
 fait de se laisser corrompre pour le fonctionnaire رشوه گرفتن مستخدمان
 agent corrompu رشوه گیرنده/مرتشی
 civilement capable, émancipé, majeur رشید

۱۱۹۳. ق. م

vierge ayant atteint l'âge de la majorité رشیده باکره
 majeur qui n'est plus vierge رشیده ثیبه
 consentement, acquiescement رضا

۱۹۲. ق. م

nourrir au sein, allaiter رضاع

۱۰۴۶. ق. م

رضای اظهار شده

consentement exprès, consentement déclaré

consentement tacite, accord intime رضای باطنی
 رضای بدون قصد انشاء

consentement déformé, consentement sans formalité exprès

consentement, accord, acquiescement رضایت

۲۸۷. ق. م. د

consentement tacite رضایت باطنی

consentement de la victime رضایت برجنایت از طرف مجنی علیه

consentement présumé رضایت تقدیری/رضایت فرضی

accord du criminel pour la composition légale رضایت جانی به دیه

consentement préalable رضایت خاطر قبلی

consentir, donner son accord, acquiescer, souscrire à رضایت دادن

۸۵. ق. م. د

رضایت زن برای سقط جنین

consentement de la femme aux manoeuvres abortives

۱۸۲۴. ق. م. ع

رضایت زوجه در اختیار زن دیگر به شوهر

consentement de l'épouse au remariage de son mari

۳۴. ق. ح. خ

رضایت سکنه در تصرف مشروع اراضی

reconnaissance de la propriété par les occupants des lieux

consentement exprès

رضایت صریح

accord tacite, consentement tacite

رضایت ضمنی

consentement des parties, accord des parties

رضایت طرفین

consentement concomitant

رضایت فعلی

accord préalable du contribuable

رضایت قبلی مؤدیان

consentement réciproque

رضایت متقابل

۳۵۴. قرارداد وین

consentement de la victime

رضایت مجنی علیه

échange de consentements, consentement commun

رضایت مشترک

۲۴. مقاوله نامه بین المللی مربوط به حمل و نقل کالا با راه آهن

consentement préalable de la victime à l'euthanasie

رضایت مقتول

acquiescement écrit

رضایتنامه

consentement donné par erreur

رضای حاصل در نتیجه اشتباه

۱۹۹۴. ق. م

consentement donné sous l'empire de la violence

رضای حاصل در نتیجه اکراه

۱۹۹۴. ق. م

consentement des parties contractantes

رضای طرفین معامله

۱۹۰۴. ق. م

رضای مالک

acquiescement du propriétaire, accord du propriétaire, consentement du propriétaire

رضای متأخر در عقد غیر نافذ

consentement tardif dans un contrat non encore ratifié

consentement du possesseur	رضای متصرف
acquiescement fictif, consentement présumé	رضای مجازی/رضایت فرضی
	رضای معامله/رضایت در انجام معامله
accord pour la conclusion d'une transaction	۴۵۰۲. ق. م
acquiescement conditionnel	رضای معتدل/رضای مشروط
enfant nourri au sein, nourrisson	رضیع
unité de poids	رطل
	رعایا
serfs (terme désignant communément les paysans non propriétaires avant la réforme agraire en Iran)	
	۱۲. قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فردی
	رعایت حق ارتفاق توسط دهنده و دارنده این حق
respect de la servitude par le propriétaire du fonds servant	
	رعایت حق تقدم ملك
respect de la servitude par le propriétaire du fonds dominant	
respecter les priorités	رعایت مالکیت/احترام به مالکیت
respecter le règlement	رعایت مقررات
	ص ۴۸۰. م. ق. س. ۱۴۴۳
peur, crainte, effroi, alarme, frayeur, inquiétude	رعب
serf (ancienne appellation des paysans sans terre en Iran), sujet	رعیت
	۱۲. قرارداد تکمیلی دفع بردگی و برده فردی
désir, goût, inclination, envie	دغبت/میل
étagère, tablette, gradin, niche	رف
	۱۱۸۲. ق. م
bien-être social, confort	رفاه اجتماعی
	م. واحده قانون اجرای توصیه بین المللی شماره ۱۰۲ مربوط به رفاه اجتماعی کارگران
bien-être social des ouvriers	رفاه اجتماعی کارگران
	م. واحده قانون اجرای توصیه بین المللی شماره ۱۰۲ مربوط به رفاه اجتماعی کارگران

bien-être général, aisance générale	رفاه عمومی
tenue, conduite, attitude, comportement	رفتار
comportement social	رفتار اجتماعی
comportement humanitaire	رفتار انسانی
comportement vis-à-vis des étrangers	رفتار با بیگانهان
traitement inhumain	رفتار برخلاف انسانیت
	۵۲. ا. ج. ب
favoritisme, discrimination	رفتار ترجیحی
	۸۲. دیون خارجی آلمان
comportement criminel	رفتار جنائی
comportement réel	رفتار حقیقی
comportement sans respect des formes	رفتار خارج از نزاکت
	۳۲. آ. د. ا
attitude agressive, agressivité, violence	رفتار خشونت آمیز
comportement hostile, comportement malveillant, inimitié	رفتار خصمانه
comportement immoral	رفتار خلاف حیثیت
	۴۲. آ. د. ا
	رفتار خلاف شئون شغلی
comportement en infraction aux règles de la profession	
	۳۲. آ. د. م
comportement malhonnête	رفتار خلاف شرافت
	۳۲. آ. د. ا
comportement quotidien, comportement habituel	رفتار روزانه
comportement ordinaire, comportement normal	رفتار عادی
comportement répréhensible	رفتار قابل سرزنش
	رفتار کاملاً الوداد / رفتار کشور کاملاً الوداد
agissements en fonction de la clause de la nation la plus favorisée	
comportement enfantin, infantilisme	رفتار کودکانه
agissements réciproques, réciprocité	رفتار متقابل
attitude politique réciproque	رفتار متقابل سیاسی
comportement pratique réciproque	رفتار متقابل عملی

attitude réciproque du législateur	رفتار متقابل قانونگزاری
comportement criminel	رفتار مجرمانه
	رفتار مجرمانه حرفه‌ای/رفتار مجرمانه به‌عادت
comportement du criminel d'habitude	
actes criminels	رفتار مجرمانه مثبت
abstention criminelle	رفتار مجرمانه منفی
	رفتار محترمانه
attitude respectueuse, respect, considération, obséquiosité	
	۲۸م قرارداد وین
comportement attentatoire aux bonnes mœurs	رفتار مخالف باعفت
comportement de respect mutuel	رفتار مساوی متقابل
	رفتار ملل کامله الوداد
agissement en fonction de la clause de la nation la plus favorisée	
comportement national, caractère national	رفتار ملی/خصوصیات ملی
civisme	رفتار ملی/حس شهروندی
comportement équitable	رفتار منصفانه
	۷م. قانون اجازه استخدام وحدود اختیارات رئیس‌کل دارائی
attitude méprisante	رفتار موهن
	۵م. ا. ح. ب
comportement de représentant politique	رفتار نماینده سیاسی
	رفتار وقیحانه
attitude cynique, insolence, impertinence, effronterie	
	رف دردیوار مشترك باز کردن
pratiquer une excavation dans un mur mitoyen	
	۱۱۸م. ق. م
référéndum	رفراندوم/همه‌پرسی/مراجعه به‌آراء عمومی
éclaircir, clarifier, éclairer les obscurités	رفع ابهام/روشن کردن
	رفع اتهام از کسی کردن
décharger quelqu'un d'une accusation, relever d'un chef d'accusation	
satisfaire un besoin naturel	رفع احتیاج طبیعی
règlement des différends	رفع اختلافات
	۱۷م. ق. انرژی

réglement pacifique des conflits	رفع اختلافی به وسایل مسالمت آمیز
mainlevée de l'opposition	رفع اعتراض
désintoxication	رفع اعتیاد
	۲۳۴. ق. ا. ق. م. ک. خ
démolition d'une construction	رفع بنا/خراب کردن بنا
retirer une caution, supprimer l'exigence d'une caution	رفع تأمین
	۲۳۷. آ. د. م
unifier les lois, fondre les législations	رفع تعارض قوانین
mainlevée d'une saisie	رفع توقیف
	رفع توقیف از اموال منقوله بدهکار نزد اشخاص ثالث
mainlevée de la saisie-arrêt	
mainlevée de la saisie d'un navire	رفع توقیف از کشتی
mainlevée totale de la saisie	رفع توقیف از کلیه اموال توقیف شده
levée de saisie sur les biens du failli	رفع توقیف از اموال ورشکسته
	۳۵۱. ق. ت
	رفع توقیف بی قید و شرط از اموال توقیف شده
mainlevée pure et simple de la saisie	
mainlevée partielle de la saisie	رفع توقیف قسمتی از اموال توقیف شده
régler la contestation existante	رفع تنازع موجود
	۷۵۲. ق. م
	رفع حجاب/منع چادر سر کردن به وسیله بانوان
suppression du voile porté par les femmes, interdiction faite aux femmes de porter le voile	
mainlevée de l'interdiction	رفع حجر
	۱۲۴۵. ق. م
dédommager, indemniser	رفع خسارت / جبران خسارت
	رفع خطر از بناهای شکسته و خطرناک
parer au danger résultant d'un immeuble menaçant ruine	
	رفع دعوی در دادگاه/منتفی شدن موضوع دعوی در دادگاه
déferer une cause, renvoyer une affaire	
dédommager, indemniser, réparer le préjudice	رفع زیان

céder la place, vider les lieux	رفع سد معبر
prévenir le préjudice, dédommager, indemniser	۵۵۲. ق. ش
fin de la déconfiture	رفع عسرت/پایان عسرت
retour au calme	۳۱۲. ق. ۱
mainlevée du mandat d'arrêt	رفع غائله/پایان آشوب/بازگشت به آرامش
suppression forcée de la caution	رفع قرار توقیف
suppression du trouble de jouissance	رفع قهری تامین
	رفع مزاحمت
levée de la réquisition	۴۸۸۲. ق. م
	رفع مصادره
suppression d'un empêchement à l'exercice de la servitude	رفع ممانعت از حق ارتفاق
	۳۲۴۲. آ. د. م
suppression d'un obstacle à la jouissance d'un droit	رفع ممانعت از حق انتفاع
	۳۲۴۲. آ. د. م
fin du conflit, cessation des hostilités	رفع منازعه/پایان اختلاف
fin du conflit, cessation des hostilités	رفع مناقشات/پایان اختلاف
	رفع موانع/از میان برداشتن مشکلات
écarter tous les obstacles, aplanir les difficultés	
bris de scellés	رفع مهر و موم/برداشتن مهر و موم
	۱۹۵۲. ق. ۱. ح
expulser, chasser, congédier	رفع ید/خلع ید
réforme sociale	رفع ید/خلع ید
concurrency	رفع ید/خلع ید
rivalité politique	رقابت اجتماعی/اصلاحات اجتماعی
	رقابت
conflit d'intérêts entre la société et les associés, concurrence entre la société et les associés	رقابت سیاسی
concurrency effrénée	رقابت شرکاء با شرکت
	رقابت غیر معقول
concurrency illicite	۴۴۲. قرارداد هواپیمائی کشوری بین المللی
	رقابت غیر قانونی

رقود معاملات	۳۸۷
concurrence nocive	رقابت مضره
	۵۴. ق. ۵. ك
concurrence déloyale	رقابت مكارانه
	۲۴۴۲. ق. ۲. ع
concurrence déloyale	رقابت نامشروع
titres de propriété immobilière	رقبه/بنچاق/سند مالکیت
titres de propriété immobilière	قبه املاك/سند مالکیت
droit d'usage temporaire	رقبی
	۴۲۲. ق. م
sorte, genre, espèce, catégorie	رقم
chiffre (caractère représentant un nombre)	رقم
	۵۲۵۴. ق. ت
	رقم تولید ناخالص
chiffre de la production brute, montant de la production brute	
chiffre d'affaires	رقم عملکرد
code chiffré, code secret, code	رقم مخفی
adversaire, contradicteur, opposant, rival	رقیب
	رکن اداری/تشکیلات اداری
organisation administrative, fondement administratif	
élément principal, fondement Principal, base, clef de voûte	رکن اساسی
support principal	رکن اصلی/پایه اساسی
	۹۲۲. م. م. م
clef de voûte	رکن تشکیل دهنده
base légale, fondement légal	رکن قانونی/پایه قانونی
organe judiciaire	رکن قضائی
pouvoir judiciaire	رکن قضائی/قوه قضائیه
élément matériel de l'infraction	رکن مادی بزه
élément moral de l'infraction	رکن معنوی بزه
	رقود معاملات
mévente, stagnation des affaires, activité commerciale momentanément interrompue, vaches maigres	

volant, gouvernail	رل/فرمان دروسائل ثقلیه موتوری
devin, voyante, chiromancien diseur de bonne aventure	رمال
divination, géomancie, cartomancie	رمالی
jeu d'armes à flèches	رمایه/تیراندازی با کمان
code des messages secrets, code, chiffre, clé	رمز
	رمضان
nom du mois de jeûne musulman (9ème mois de l'année lunaire)	رمل
magie, divination, astrologie, cartomancie	رمله/سگله
troupeau	رمه‌دار
berger, pasteur, pâtre	رنجبر
travailleur, homme de peine, femme de charge	رنگ آزادیخواهی
teint de liberalisme	رنگ آمیزی
peintre en bâtiments	رنگ لکه خون
sang, rouge sang	روابط
relations, rapports sociaux	ص ۱۵۰. م. ق. و
	روابط اجتماعی
relations sociales	روابط استثنائی
relations exceptionnelles	روابط اقتصادی
relations économiques	مقدمه عهدنامه مودت ایران و دانمارک
	روابط انسان و محیط
relation de l'homme avec son milieu	روابط انفرادی کار/قرارداد فردی کار
contrat de travail individuel	روابط بین ابوبن با اولاد
rapports des enfants avec leurs parents	ص ۱۲۱. م. ق. ح. خ
	روابط بین اتباع دول مختلف
relations entre ressortissants de nations différentes	روابط بین المللی
relations internationales	۲۰۲. ۲۰۲. ۲۰۲
	روابط بین متخاصمین
rapports entre belligérants	روابط پستی
relations postales	ص ۴۳. م. ق. و

rapports commerciaux, relations commerciales	روابط تجارتي
	۳۲. ق. م. و
relations courantes entre Etats	روابط جاریه دول
rapports sexuels, relations intimes	روابط جنسی
rapports belliqueux	روابط جنگی
	روابط حسنه/روابط حسنه داشتن.
relations cordiales, entente cordiale, bons termes	
relations juridiques	روابط حقوقی
	روابط حقوق ملی و حقوق بین الملل
rapports entre le droit interne et le droit international	
relations extérieures	روابط خارجی
	۲۱۲. قرارداد بین المللی ارتباطات دور
relations diplomatiques	روابط خارجی دول بایکدیگر
relations familiales, rapports familiaux	روابط خانوادگی
relations inamicales, rapports hostiles	روابط خصمانه
réglementation du travail	روابط خصوصی کار/مقررات خصوصی مربوط به کار
rapports impudiques	روابط خلاف عفت
relations de groupe	روابط دستجمعی
convention collective du travail	روابط دستجمعی مربوط به کار/قرارداد جمعی کار
relations amicales	روابط دوستانه
	۱. ق. م. و
relations cordiales, bonne entente	روابط دوستی و مودت
	۳. ق. م. و
relations entre les Etats	روابط دول بایکدیگر
relations officielles entre les Etats	روابط رسمی بین دول
	روابط زنجیری/روابط بهم پیوسته
relations de proche à proche, relations en chaine	
rapports entre époux	روابط زوجیت
	۱۱۰۲. ق. م
relations politiques	روابط سیاسی
	۷۶. ق. م. و
relations diplomatiques	روابط سیاسی/روابط دیپلماتیک

rappports juridiques entre les époux	روابط شخصی و مالی بین زوجین م. ۹۶۳۲. ق. ۲
rappports entre les associés d'une société	روابط شرکاء در شرکت
relations cordiales, rapports cordiaux	روابط صمیمی م. ۱۳۰۲. ق. ۲
relations économiques normales	روابط عادی اقتصادی م. ۹۲۰. ۱۹۵. ق. ۲
rappports contre nature	روابط غیرطبیعی
rappports personnels	روابط فردی
relations culturelles	روابط فرهنگی م. ۸۴۰. ق. ۲ و
rappports entre la loi et la convention	روابط قانون با معاهده
conditions du travail	روابط کار/شرایط کار
réglementation du travail	روابط کار/مقررات مربوط به کار روابط کارگر و کارفرما
relations entre la direction et les ouvriers, relations entre les patrons et les employés	
relations consulaires	روابط کنسولی م. ۸۴۰. ق. ۲ و
rappports financiers entre époux, régime matrimonial	روابط مالی زوجین م. ۹۶۳۲. ت. ۲
relations directes	روابط مستقیم
relations culturelles, relations intellectuelles	روابط معنوی ۱۲. موافقتنامه فرهنگی ایران و چین
relations courantes entre Etats	روابط منظم بین دول
courant, en cours, valable, applicable, sur le marché	رواج/رایج بودن قانون اجازه صدورمسکوکه نقره خارجی مصوب ۱۳۰۵
ouvert à tous	رواج/همگانی شدن
cours forcé	رواج اجباری
accessible à l'achat	رواج اقتصادی

روانشناسی جنسی	۳۹۱
cours légal	رواج قانونی
	۱۲. ق. ر. م. خ. س ۱۳۱۵
cours légal de la monnaie	رواج قانونی پول
	۱۷۲. ق. ب. ب
visa	روادید
	۲۲. ق. و. خ. ا. خ
visa de sortie	روادید خروج
	۱۲. ق. و. خ. ا. خ
visa diplomatique	روادید سیاسی
visa pour plusieurs entrées	روادید ورود کثیر المسافره/روادید برای چندین ورود
	مبند ۶. پروتکل شماره ۳ مربوط به وسایل ارتباط و حمل و نقل. س ۱۳۴۴
stoïque, courageux, inflexible, ferme, inébranlable, héroïque	رواقی
esprit, âme souffle	روان/روح
patente	روانامه
exéquatur	روانامه
psychiatrie	روانپزشکی
	روانپزشکی جنائی
examen psychiatrique des délinquants, psychiatrie criminelle	
psychiatrie médico_légale	روانپزشکی قانونی
examen psychiatrique moyen d'expertise judiciaire	روانپزشکی قضائی
psychothérapie	روان درمانی
psychologie	روانشناسی
psychologie sociale	روانشناسی اجتماعی
psychologie expérimentale	روانشناسی تجربی
psychologie analytique	روانشناسی تحلیلی
psychologie des enfants, orientation professionnelle	روانشناسی تربیتی
psychologie criminelle	روانشناسی جزائی
psychologie de groupe	روانشناسی جمعی
psychologie criminelle	روانشناسی جنائی
psychologie de la vie sexuelle, psychologie de la libido	روانشناسی جنسی

psychologie générale	روانشناسی عمومی
psychologie individuelle	روانشناسی فردی
expertise mentale judiciaire, examen psychologique	روانشناسی قضائی
psychologie classique	روانشناسی کلاسیک
psychologie infantile	روانشناسی کودک
psychanalyste	روان‌کاو
psychanalyse	روان‌کاوی
psychanalyse éducative	روان‌کاوی پرورشی
	روایات
hadith, récit des faits et gestes de Mahomet, tradition musulmane	روبرو کردن
confronter	روبنای جامعه
infrastructure sociale	روح انسان
esprit humain, âme, souffle	روحانیت
spritualité	
	۱۷۲. ق. مطبوعات
ministre du culte, membre du clergé (religion musulmane)	روحانیون
esprit du droit	روح حقوق
esprit du droit	روح قانون
	۳۲. آ. د. م
morale, mentalité, personnalité	روحیه
mentalité du délinquant, personnalité labile,	روحیه تبه‌کاران
personnalité des malfaiteurs	روحیه جنائی
personnalité criminelle, psychologie criminelle	روحیه مجرم
psychologie du malfaiteur	روحیه تبه‌کار
fleuve, rivière, cours d'eau	رود
fleuve international	رود بین‌المللی
lit du cours d'eau, fleuve	رودخانه
	قرارداد بین ایران و افغانستان
fleuve frontalier	رود سرحدی
fleuve frontalier	رود مرزی

fleuve national	رود ملی
cours d'eau à régime variable, cours d'eau successif.	رودهای پیاپی
cours d'eau proche, cours d'eau voisin	رودهای همجوار
jour, journée	روز
	۶۱۲م. آ. د. م
	روز آخر موعد
dernier jour du délai, jour d'expiration du délai, échéance	
	۶۱۳م. آ. د. م
date de l'exploit	روز ابلاغ
	۶۱۴م. آ. د. م
date du protêt	روز اعتراض
	۳۰۴م. ق. ت
date de remise de l'exploit	روز اعلام
	۶۱۴م. آ. د. م
jour de la declaration de guerre	روز اعلان جنگ
date de l'exécution, jour de l'exécution	روز اقدام
	۶۱۴م. آ. د. م
	روز انقضای موعد
jour de l'expiration du délai, échéance, dernier jour du délai	
échéance, jour d'expiration du délai	روز انقضای مهلت
quotidien, journalier	روزانه
échéance, dernier jour du délai	روز پایان مهلت
jour du paiement, jour de l'exécution de l'obligation	روز تأدیبه
	۲۸۸م. ق. ت
jour de la séance, jour de l'audience	روز جلسه
jour de l'audience	روز جلسه دادرسی
	۱۴۴م. آ. د. م
date du l'audience	روز جلسه رسیدگی
	۳۴۵م. ق. آ. د. م
échéance, dernier jour du délai	روز خاتمه مهلت

روزرؤیت	۳۹۲
روزرؤیت	date de présentation d'un effet ou d'un document
روزرسمی	jour ouvrable, date officielle
روز رسیدگی/روز محاکمه	jour de l'audience
روز سر رسید مهلت	échéance d'un délai
روز شروع اجرا	jour de l'exécution
روز شروع مهلت	
روز صدور برات	jour où le délai commence à courir, point de départ du délai
روز قطعیت حکم	date d'émission de la lettre de change
روزنامه	journal, publication quotidienne
روزنامه آگهیهای رسمی	journal d'annonces légales
روزنامه ای که بجای روزنامه توقیف شده انتشار می یابد	
روزنامه توقیف شده	journal paraissant en remplacement d'un journal saisi
روزنامه رسمی	journal officiel
روزنامه فروش	marchand de journaux, kiosque à journaux
روزنامه کثیرالانتشار	vendeur de journaux, crieur de journaux
روزنامه نگار	journaliste, reporter
روزنامه نگاری	journalisme

روش استقراء تام	۳۹۵
journaliste, rédacteur	روزنامه نویس
hebdomadaire, périodique hebdomadaire	روزنامه هفتگی
journal quotidien	روزنامه یومیه
quotidien, journal quotidien	روزنامه یومیه مرتب‌الانتشار
	روز نیایش
jour de prière (cérémonie légalement instituée pour commémorer l'anniversaire du 21 farvardine)	م. واحدہ قانون نامگذاری روز ۲۱ فروردین بنام روز نیایش
jour de tolérance, jour de souffrance	روزنه
vue de face	روزنه‌ای که در دیوار موازی ملک همسای باز شود
jour de souffrance	روزنه‌ای که نمیتوان باز کرد و فقط برای روشنائی است
jour de souffrance avec grille	روزنه باشبکه
échéance, délai de grâce	روز وعده
jeûne	روزه
a quo, en conséquence	روزی که مهلت از آن حساب می‌شود
prostituée, putain, fille de joie	روسپی
maison close, maison de tolérance	روسپی خانه
village	روستا
villageois, campagnard, paysan, rural	روستائی
méthode, procédure, procédé	روش
méthode expérimentale	روش آزمایشی
méthode fondamentale, méthode inductive	روش اساسی
méthode déductive	روش استقراء/ وصول از جزئی به کلی
méthode d'induction complète	روش استقراء تام

روش استقراء ناقص	۳۹۶
روش ۱- استقراء ناقص	méthode d'induction incomplète
روش استنتاج	méthode déductive
روش اصولی	méthode scientifique
روش انتخاب انب	sélection naturelle
روش تجربی	méthode expérimentale
روش تحلیلی	méthode analytique
روش جنائی	méthode criminelle, criminologie
روش حقوقی	méthode juridique
روش حکمت	procédure d'arbitrage
روش حل تعارض قوانین	procédé de résolution des conflits de lois
روش روزنامه یا مجله	politique journalistique
۴۴. ق. مطبوعات	
روش صریح بازرگانی	procédé commercial reconnu
۱۴. ل. ق. ت. ن. ب	
روش علمی	méthode scientifique
روش عملی	méthode empirique, empirisme, méthode expérimentale
روش عمومی	procédé général
بند ۳. سفارشنامه مربوط به حمایت کارگران مهاجر در کشورهای توسعه نیافته	
روش غذائی	méthode juridique
روش کلاسیک در تفسیر قوانین	méthode classique d'interprétation des lois
روش کورکورانه	empirisme
روش متداول حسابداری	procédé comptable courant
۵۸۴. ق. م. د	
روش مشاهده	méthode basée sur l'observation
روش مکمل	méthode complémentaire
روش نیاکان	traditions et coutumes, usages ancestraux
روشنائی	éclairage, lumière, clarté, éclaircissement
روشن بینی	lucidité, clairvoyance
روشن فکر	intellectuel
روشن کردن افکار عمومی	éclairer l'opinion publique
۳۱۰ م. ق. ۱۳۴۳	

رونوشت گواهی شده دادنامه	۳۹۷
roulette (jeu de hasard)	رولت
roulement	رولمان
révolver, pistolet	رولور/هفت تیر
prospérité économique, expansion, âge d'or	رونق اقتصادی
prospérité du marché	رونق بازار
copie, reproduction	رونوشت
	۷۴۲. آ. د. م
copie des lettres de créance	رونوشت استوارنامه
	۱۳۲. قرارداد وین
copie des actes et documents	رونوشت اسناد
	۷۴۲. آ. د. م
copie des pièces d'identité	رونوشت اسناد سجلی
	رونوشت حکم که به اشخاص ذینفع داده می‌شود
copie de jugement, expédition de jugement	
expédition de jugement	رونوشت دادنامه
	۱۶۱۲. آ. د. م
expédition, copie	رونوشت رسمی
acte ampliatif	رونوشت رسمی از نسخه اصلی سند
copie des actes de l'état civil	رونوشت رسمی اسناد سجلی
expédition de jugement	رونوشت رسمی حکم
copie conforme, copie vérifiée, copie collationnée	رونوشت رونوشت
copie d'un acte	رونوشت سند
copie simple	رونوشت عادی
	۶۴۲. آ. د. ا. ر
copie intégrale du jugement	رونوشت کامل حکم
	۸۳۲. آ. د. م
grosse de l'acte	رونوشت کامل سند با دستور اجرا
expédition de l'acte	رونوشت کامل سند بدون دستور اجرا
copie certifiée conforme	رونوشت گواهی شده
	۸۴۲. آ. د. م
copie certifiée du jugement	رونوشت گواهی شده دادنامه
	۱۶۲۲. آ. د. م

۳۹۸	رونوشت مصدق
copie certifiée du jugement	رونوشت مصدق
۱۸۴. اساسنامه مؤسسه بین‌المللی انرژی	
copie certifiée conforme des actes et documents	رونوشت مصدق اسناد
۶۴. آ. د. ا. ر	
copie certifiée conforme d'un texte	رونوشت مصدق متن
copiste	رونویس‌کننده
pourcentage, royalties	رؤیالتی
۵۴. آ. ص. پ. ن. ف	
à quai	روی اسکله/تحويل کالا روی اسکله در بندر معین و در مهلت پیش‌بینی شده
viser l'original de l'exploit	رؤیت نسخه اصلی برگ دعوی
méthode, critère	رویه
régime	رویه
régime collectiviste	رویه اشتراکی
۶۴. ق. م. ع	
critère de distinction	رویه تشخیص
méthode scientifique	رویه علمی
pratiquement, en fait, en réalité, de facto, empirisme	رویه عملی
بند ۴. سفارشات مربوط به حمایت کارگران مهاجر در کشورهای توسعه نیافته	
critère objectif	رویه عینی/ماخذ عینی
critère légal	رویه قانونی/ماخذ قانونی
jurisprudence	رویه قضائی
۳۴. ق. ا. ت. ع	
jurisprudence administrative	رویه قضائی اداری
jurisprudence internationale	رویه قضائی بین‌المللی
jurisprudence commerciale	رویه قضائی تجاری
jurisprudence de droit comparé	رویه قضائی تطبیقی
jurisprudence interne	رویه قضائی داخلی
jurisprudence civile	رویه قضائی مدنی
	رویه متداول
méthode classique, méthode habituelle, tradition, coutume, usage	
۳۴. آ. ا. ا. م. ۱۳۴۳	

méthode évolutive	رویه متناوب/رویه متحول
critère subjectif	رویه نفسانی/رویه ذهنی
ensemble, réuni, joint, lié, relié	رویه‌م/باهم
libération	رهائی
émancipation, affranchissement	رهائی ازقید تسلط
libération des prisonniers de guerre	رهائی اسرای جنگ
dé foulement	رهائی تمایلات سرکوفته
abandonner, délaisser	رها کردن/ترک کردن
	۱۷۱۲. ق. م
lâcher, abandonner	رها کردن
animal perdu, abandonné, sans maître	رها کردن حیوان ضاله
	۱۷۱۲. ق. م
abandon d'une femme enceinte	رها کردن زن آبستن
abandon d'infirmes dans des lieux habités	رها کردن شخص عاجز در آبادی
	۱۲۸۶۲. ق. م. ع
	رها کردن شخص عاجز در جای خالی از سکنه
abandon d'infirmes dans des lieux non habités	
	۲۰۰۲. ق. م. ع
abandon d'enfant, exposition d'enfant	رها کردن طفل
abandon d'enfant dans des lieux habités	رها کردن طفل در آبادی
	۲۰۰۲. ق. م. ع
	رها کردن طفل در جای خالی از سکنه
abandon d'enfant dans des lieux non habités	
	۱۹۸۲. ق. م. ع
abandon du travail, désertion, grève sur le tas	رها کردن کار
non assistance à blessé	رها کردن مجروح
jeux et paris	رهان
diriger, conduire, gouverner	رهبری
	۳۳۹۰. ق. م. و
passant, promeneur	رهگذر
hypothèque, garantie immobilière	رهن
	۷۷۱۲. ق. م

hypothèque immobilière (immeuble bâti)	رهن اعیان
mesure conservatoire sur un meuble, nantissement	رهن اموال منقول
nantissement d'obligation	رهن اوراق قرضه شرکتها
hypothèque nulle	رهن باطل
	م. ۷۷۴. ق. م
gage commercial	رهن تجارتي
antichrène	رهن تصرف
	م. ۱۰. ق. م. د
	رهن حقوق بین الملل
hypothèque en droit international, garantie internationale	
antichrésiste	رهن در تصرف بستانکار/بستانکاری که مرهونه را در تصرف دارد
hypothèque maritime	رهن دریائی
	قرارداد بین المللی مربوط به حقوق ممتاز ورهن دریائی س. ۱۳۴۵
débiteur ayant consenti une hypothèque	رهن دهنده
	م. ۷۷۱. ق. م
	رهن دین و منفعت باطل است
impossibilité de gager une créance ou un intérêt	
	م. ۷۷۴. ق. م
hypothèque sans cause	رهن غیر موجه
	ص. ۴۷۲. م. ق. س. ۱۳۴۳
hypothèque légale	رهن قانونی
hypothèque conventionnelle	رهن قراردادی
hypothèque judiciaire	رهن قضائی
gage d'un navire	رهن کشتی
	۱. قرارداد بین المللی مربوط به حقوق ممتاز رهن دریائی س. ۱۳۴۵
mettre en gage des objets militaires	رهن گذاشتن اشیاء نظامی
	ف. هشتم. ق. د. ا
	رهن مال غیر
mettre sous hypothèque le bien d'autrui, hypothéquer la chose d'autrui	
mettre en gage un bien emprunté	رهن مستعار

plaie externe, plaie superficielle	زخم بدن/زخم ظاهری/زخم سطحی
blessé	زخمی
frapper, battre, rouer de coups	زدن
être de connivence, comploter	زدوبند
échange de coups	زدوخورد
or (métal précieux)	زر/طلا
arsenal militaire	تیسره يك از فصل چهاردم. ق. ت. گ زراد خانه ارتش
agriculture, culture	ز ا ع ت
	۱. ق. ا. ۱
	زراعت آبی
culture exigeant beaucoup d'eau, culture irriguée	زراعت دیمی
culture ne nécessitant pas beaucoup d'eau, culture se contentant de l'eau de pluie, culture sèche	زراعت عادی/زراعت باوسایل قدیمی/زراعت غیرمکانیزه
Culture extensive	زراعت مکانیزه
culture mécanique, motoculture	۳. ق. ا. ۱
	زراعت يك ماده خاص/زراعت تخصصی
monoculture, culture spécialisée, culture intensive	زراعتی اعیانی/حق ریشه و کارکرد
culture en fermage	۳۳. ق. س. ع. ک. ر. س. ک
agricole	زراعی/کشاورزی
	۳. ق. ا. ۱
culture, agriculture	زرع/کشاورزی
	۵۳۷. ق. م
or fin, or pur	زرناب
	۲. ق. ر. ح. ج. ف. ا
ruse, artifice, débrouillardise	زرتگی
laideur	زشتی
noce, mariage	زفاف
aumône de purification, impôt purificateur	زکات
conduite des affaires	زمام امور
gouvernement de l'Etat, rênes du gouvernement	زمام حکومت

۴۰۶	زماندار
gouvernant, dirigeant	زماندار
temps, période, laps de temps	زمان
	۳۷۱۴. ق. م
durée du bail	زمان اجاره
	۳۷۱۴. ق. م
époque de la mise en vigueur de la loi	زمان اجرای قانون
moment de la commission de l'infraction	زمان ارتکاب جرم
moment de l'exécution de l'obligation	زمان انجام تعهد
époque du paiement	زمان تأدیه
	۲۹۶۴. ق. م
moment de la constitution de société	زمان تشکیل شرکت
date de l'arrestation de l'inculpé	زمان توقیف متهم
moment présent	زمان حاضر
époque du vol, moment du vol	زمان سرقت
temps de paix	زمان صلح
	۲۴. ق. ت. م. خ. و. ع. س ۱۳۴۴
période de validité de la loi	زمان لازم الاجرا بودن قوانین
	۲۴. ق. م
période d'interdiction	زمان ممنوعیت/دوره ممنوع بودن
en même temps	زمان واحد/در یک زمان
	۸۸۸. ق. م. ت. ا. ا. ن
moment de la conclusion du contrat	زمان وقوع عقد
moment de l'exécution de l'infraction	زمان وقوع جرم
époque et lieu de l'exercice du droit de visite	زمان و مکان ملاقات طفل
	۱۱۷۳۴. ق. م
terre, terrain, sol	زمین
	۱۴۰۱. ق. ا. ا. س ۱۳۴۰
terrain irrigué, culture irriguée	زمین آبی/غیردیمی/زراعت آبی
	۱۴۰۱. ق. ا. ا
terre en jachère	زمین آیش
	۱۴۰۱. ق. ا. ا

terrain vague, terre non cultivée	زمین بایر
	۱۴. ق. ا. ا
sol vierge, terre vierge	زمین بکر
terrain nu, sol nu, terrain non bâti	زمین بیاض/زمینی که در آن اعیانی نیست
	۷۴. آ. ت. م
terre dépendant du domaine public	زمین خالصه
	ق. ر. و. ز. ت. ک
sol aride	زمین خشک
spéculation sur les terrains	زمین خواری
terre cultivée	زمین دایر/زمین زیر کشت
culture ne nécessitant pas d'eau, culture sèche	زمین دیم/زراعت دیمی
	۱۴. ق. ا. ا
cultures ne nécessitant pas d'eau, culture sèche	زمین دیم زار/زراعت دیمی
	۴۴. ق. ط. ت. ا. س. ف
sol marécageux	زمین رخواه/زمین سست
	۱۳۷۴. ق. م
terre cultivable, terre arable	زمین زراعتی
terre cultivée	زمین زیر کشت
	۱۴. ق. ا. ا
sol dur	زمین سخت
	۱۳۸۴. ق. م
géologie	زمین شناسی
terrain d'autrui	زمین غیر/زمین متعلق به غیر
terre cultivable, terre labourable, terre arable	زمین قابل زراعت
paralysie	زمین گیری/در اصطلاح فقهاء ابعاد گفته میشود/فلج
	۱۱۲۳۴. ق. م
terrain à bâtir	زمین متصل به ابنیه
	۱۴. قرارداد وین
terrain avoisinant	زمین مجاور
terrain clôturé, enclos	زمین محصور
terre cultivable, terre arable, terre cultivée	زمین مزروع

۲۰۸	زمین مشجر
terrain boisé	زمین مشجر
atterrissage d'un avion	۴م. ق. ط. ت. ا. س. ف زمین نشستن هواپیما/ فرود آمدن هواپیما
fonds et tréfonds, sol et sous-sol	زمین و زیر زمین
terres non partageables	زمین های تقسیم نشدنی ۳م. ق. ا. ا
terrains côtiers	زمین های ساحلی
enclaves	زمین یا ملکی که از تمام جهات محصور به املاک دیگران است و راه خروجی ندارد
servitudes relatives aux eaux qui découlent naturellement d'un fonds inférieur	زمینی که به منبع آب دور تر است ۱۵۶م. ق. م
servitudes relatives aux eaux qui découlent naturellement d'un fonds supérieur	زمینی که به منبع آب نزدیک تر است ۱۵۶م. ق. م
terre hypothéquée	زمینی که در رهن است
terrain vague	زمینی که در آن زراعت یا ساختمان نشده باشد زمینه
terrain favorable (état d'un organisme, d'un tissu quant à sa résistance aux agents pathogènes)	زمینه انفعالی/ آمادگی روحی
disponibilité, tempérament	زمینه بین المللی/ در زمینه بین المللی
sur le plan international	زمینه توافق
terrain d'entente	زمینه فکری مشترک
communauté d'esprit	زمینه مساعد
terrain propice, terrain favorable	زمینه ملی/ در زمینه ملی
sur le plan national	زمینی
terrestre	زن
femme	۱۰۳۴م. ق. م
adultère	زنا ۱۱۶۷م. ق. م
enfant adultérin, enfant illégitime, enfant naturel, bâtard	زنزاده/ حرامزاده
mariage, rapports sexuels, copulation	زناشویی ۱۰۴۷م. ق. م

hypothéquer plusieurs fois le même bien	رهن مکرر
	۳۴۴ مکرر ق. ت
hypothéquer l'usufruit, hypothéquer les droits réels	رهن منفعت
	رهن يك يا چند غير منقول برای تضمین تعهد
affectation des biens par rapport aux hypothèques consenties (V. art. 2130 C. civ.), rang des hypothèques (V. art. 2134 C. civ.), droit de préférence (V. art. 2094 C. civ.)	
biens grevés d'hypothèque	رهینه
	۵۱۴۴ ق. ت
unité de poids	ری/واحد وزن
hypocrisie, fausseté, manque de franchise, double jeu	ریا
direction, présidence	ریاست
chef de famille, paterfamilias	ریاست خانواده
	۱۱۰۵۴ ق. م
patriarche, doyen	ریاست سنی مجلس
	ریاست عالیہ ادارات دولتی حوزه مأموریت
chef d'une circonscription administrative, direction de l'ensemble des services administratifs d'une circonscription	
	۱۴ ق. ر. و. ا. ا
	ریاست عالیہ کشور
direction suprême du pays, gouvernement, haute autorité, hautes sphères, commandement suprême de l'Etat	
commandement suprême	ریاست کل
	۳۶۴ ق. ا. ت. د
souffrances du purgatoire	ریاضت به منظور تذکیه نفس
hypocrisie, duplicité, fausseté, fourberie,	ریا کاری
rial, unité de monnaie Iranienne	ریال/واحد پول ایران
	۱۱۴ ق. ب. ب. ک
	ریختن مصالح ساختمانی در معبر عمومی
dépôt de matériaux sur la voie publique, décharge publique	

ریختن مواد مضر به سلامت در آب

déversement de matières nocives dans l'eau, pollution des eaux	ریز بین/دقیق
scrupuleux, méticuleux, pointilleux	ریز بین/خرده گیر
tatillon, chicanier, vétéilleur, ergoteur	ریزش بنا
écroulement d'un immeuble, ruine d'un immeuble	ریسک/خطر
risque, danger, menace	ریسک کردن/خطر کردن
risquer	ریشه/اساس/پایه
racine, pivot, radicule, souche, base, radical	ریشه اختلال/اساس اختلال
origine du trouble	ریشه اعتباری/منشاء اعتباری
origine du crédit	ریشه بین المللی/مبداء بین المللی
origine internationale	ریشه تاریخی/مبنای تاریخی
fondement historique	ریشه داوری و داد گستری
origine historique de l'arbitrage et de la justice	ریشه دیپلماسی/منشاء دیپلماسی
source diplomatique	ریشه قاره ها/منشاء قاره ها
origine des continents	ریشه کن کردن
déraciner, arracher	ریشه کن کردن نهال از جنگل
arracher un jeune plant	۱۳۲. ق. ج
déraciner, arracher, déplanter	ریشه کنی/ریشه کن کردن
origine du conflit	ریشه اتفاق/اساس اختلاف
traditions nationales	ریشه های ملی/سنت های ملی
rail, voie ferrée	ریل/خط آهن

ز

engendrer, donner naissance, concevoir	زاد و ولد
cultivateur, agriculteur	زارع
	۱۴. ق. ا. ا
propriétaire terrien, propriétaire exploitant	زارع صاحب نسق
	۶۴. ق. م. ا. ا. ا. ا. س ۱۳۴۶
propriétaire terrien	زارع ملك/زارع صاحب ملك
	۶۴. ق. م. ا. آ. ا. ا. س ۱۳۴۶
caverne, grotte, troglodyte, bidonville	زاغه
parc à bestiaux	زاغه دواب
	۲۵۴۴. ق. م. ع
sangsue	زالو
	۵۹۴. ق. پ
homme adultère	زانی/مرد زناکار
	۱۱۶۷۴. ق. م
femme adultère	زانیه/زن زناکار
supérieur au montant de la demande, excédant la demande	زاید بر خواسته
pélerin	زایر/زیارت کننده
pélerins de la Mecque	زایرین بیت‌الله/حجاج زایرین مکه
	۸۴. ق. تذکره. س ۱۳۱۱

۴۰۴	زایشگاه
maternité, clinique d'accouchement	زایشگاه
s'éteindre, disparaître	زایل شدن/پایان یافتن/از میان رفتن
extinction de la jouissance d'un droit	زایل شدن حق انتفاع ۵۱۴. ق. م
accouchement, enfantement	زایمان
ordure, immondice	زباله ۲۴. آ. ا. خ
langue (organe), langue (idiome)	زبان
langage social	زبان اجتماعی
langage familier, argot	زبان اوباش
cabotin, beau parleur	زبان باز
langue internationale	زبان بین‌المللی
vocabulaire juridique	زبان حقوقی/اصطلاح حقوقی
termes procéduraux	زبان دادرسی/اصطلاحات دادرسی زبان رؤسای ممالک
langue utilisée officiellement par les représentants diplomatiques	زبان رسمی
langue officielle	زبان رسمی بین‌المللی
langue officiellement utilisée sur le plan international	زبان سیاسی/زبان دیپلماتی
langues des diplomates, langues diplomatiques	زبان فارسی
langue persane, farsi	۷۱۴. آ. د. م زبان غیر فارسی
langues étrangères par rapport au persan, langues non persanes	۱۴. ق. ر. ت. ا. ا زبان مادری
langue maternelle	زبان شفاهی
oral	زبونی
abattu, déprimé, affaibli	زجر/شکنجه/آزار
torturer, tracasser, persécuter, tourmenter	زحمت
peine, effort	۹۳. م. ق. و
plaie	زخم

زوجه غیرذات ولد	۲۱۳
péréemption de jugement	زوال دادرسی
éteindre une dette	زوال دین
cause de fin de tutelle	زوال سبب تعیین قیم
	۱۲۵۳م. ق. م
cessation de fonction	زوال سمت
	۲۹م. آ. د. م
perte de la raison, déraison, égarement, aberration	زوال عقل
	۱۷۲م. ق. م. ع
déchéance de la puissance paternelle	زوال قدرت پدری
paralysie totale	زوال کامل حس
cessation de violence	زوال کره
	۱۰۷۰م. ق. م
déchéance totale du droit	زوال کلی حق
disparition d'un obstacle ou empêchement	زوال مانع
	۵م. ق. ت
réhabilitation	زوال محکومیت/اعاده حیثیت
éternel, constant, impérissable, indestructible	زوال ناپذیر/جاویدان/همیشگی
déchéance d'un mandat, retrait de mandat	زوال وکالت
déchéance de la tutelle, cause de fin de tutelle	زوال ولایت
mari, époux, conjoint	زوج/شوهر
	۸۹۱م. ق. م
paire	زوج/جفت
	۶۷۷م. آ. د. م
épouse, femme, conjointe	زوجه
	۸۹۱م. ق. م
épouse à titre permanent	زوجه دائمه
زوجه ذات ولد/زنی که از شوهرش دارای فرزند است و پس از مرگ شوهر در خانه شوهر می ماند و از تمام ترکه ارث می برد	
épouse ayant un enfant de son mari	زوجه غیرذات ولد/زنی که از شوهرش فرزند ندارد و به همین جهت از بعضی از ترکه ارث می برد یعنی فقط از زمین ارث نمی برد
épouse sans enfant	

۴۱۲	زوجہ غیر مدخولہ
épouse d'un mariage blanc	زوجہ غیر مدخولہ ۱۰۹۲۲ ق. م
épouse d'un mariage consommé, femme mariée	زوجہ محصنه
épouse d'un mariage consommé	زوجہ مقوضه
épouse à titre temporaire	زوجہ منقطعه
mariage	زوجیت ۱۱۵۸۲ ق. م
mariage à titre permanent	زوجیت دائمی ۹۴۰۲ ق. م
époux, conjoints, mari et femme	زوجین/زن وشوهر ۹۴۰۲ ق. م
crédulité, candeur, confiance, naïveté	زودباوری
délinquance précoce	زودرسی بزهکاری
précocité sexuelle	زودرسی جنسی
précocité d'esprit	زودرسی فکری
susceptible, ombrageux, sensible	زودرنج
force, contrainte, violence	زور/جبر ۵۲. عهدنامه صلح با ژاپن
lieux consacrés à la gymnastique rituelle iranienne	زورخانه
profiter de sa force, user d'un avantage	زورگویی
ruisselet	زه آب/زهاب ۴۲. ق. ق
drainage	زهکشی ۵۲. ق. ا. ت. ب. آ
hypocrisie, tartuferie (ou tartufferie)	زهد فروشی
toxicologie	زهرشناسی ۴۲. ق. س. ا. و. د
fruit, rendement, profit, multiplication	زیادت/ثمره/نتیجه ۷۷۶۲ ق. م
demande additionnelle	زیادکردن خواسته ۱۱۷۲. آ. د. م

زیان وارده	۴۱۵
accroître le nombre de chambres du tribunal	زیاد نمودن تعداد دایگاهها
excédant la quotité disponible	۱۴. ق. ا. ت. ع زیاده برثلث ترکه
peine excédant le plafond légal	۸۴۳۴. ق. م زیاده بر مقررات قانون
excédentaire, surplus	۱۵۴۴. ق. م. ع زیادی
pélerinage	۳۱۴۴. ق. م زیارت
perte, dommage	زیان
nuisible, dommageable, pernicieux	۹۴. آ. د. ك زیان آور
dommage éventuel, risque	زیان احتمالی
nuisible, dommageable, pernicieux	زیان بخشی
risque d'une atteinte corporelle	زیان جانی
victime du dommage	تیمبره ۸۴. قانون اجازه انتقال کردن سمپاش نیروی هوایی به وزارت کشاورزی زیان دیده
victime d'une infraction	۲۴. ق. م. م زیان دیده از جرم
dommage dû au paiement tardif	زیان دیرکرد
amende de retard due par le contribuable	۳۴۴. ق. ت زیان دیرکرد مالیانی
dommage certain	زیان مشخص
dommage indirect	زیان غیر مستقیم
dommage matériel	زیان مائی
dommage direct	۱۲۴. ق. د. ا زیان مستقیم
dommage résultant de l'infraction	زیان ناشی از جرم
préjudice résultant d'une I.T.T (incapacité temporaire de travail)	زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی
perte, dommage, préjudice	زیان وارده

beauté, embellissement	زیبائی
embellissement des artères urbaines	زیبائی خیابان
	۴م. ق. ر. ا. ت. م. س ۱۳۱۲
infrastructure	زیربنا
	۲م. ق. م. ا. س
fouler aux pieds, Piétiner, ne pas respecter	زیر پا گذاشتن
inférieur, subordonné, trouppier	زیر پایه/مأمورین زیر پایه
	۵۹م. ق. ت. ا. و
sous les drapeaux	زیر پرچم
	۴م. ق. خ. ن.
service militaire	زیر پرچم/خدمت زیر پرچم
subordonné	زیر دست بودن
	۹م. ق. م. مسئولیت
sous-marine, submersible	زیر دریایی
sous-sol, tréfonds	زیر زمین
	۳۸م. ق. م
sous-jacent aux cultures, cultivé, terre cultivée	زیر کشت
	۲م. ق. ا. ا
fonds sous-marins territoriaux	زیر کف دریای ساحلی
vie, existence, vie biologique	زیست
biologie	زیست شناسی
biologie criminelle	زیست شناسی جنائی
	زیست شناسی روانی
examens biologiques d'ordre psychiatrique (électroencéphalographie, radiologie du crâne, examen du liquide céphalo-rachidien)	زیستگاه/اقامتگاه
domicile, résidence	
	۲۷م. آ. ق. د. م

exogamie	زناشوئی با بیگانه/غیرهمخون
endogamie	زناشوئی با همخون
femme légère, femme de petite vertu, prostituée	زنان منحرف
inceste	زناى احسان
inceste	زناى با محارم
viol assorti d'adultère	زناى به عنف
adultère	زناى ساده
adultère	زناى عادى
inceste par rapport à l'homme	زناى محصن/روابط نامشروع مرد زنادار ص ۲۱۲ ق. ۲. ع
inceste par rapport à la femme	زناى محصنه/روابط نامشروع زن شوهردار ص ۲۱۲ ق. ۲. ع
femme du père, belle-mère, marâtre	زن بابا
femme enceinte, femme grosse	زن باردار
marâtre, belle-mère, femme du père	زن پدر/نامادری
	زن تبعه خارجه
femme de nationalité étrangère, épouse d'un ressortissant étranger	۹۷۶ ق. ۲
femme non enceinte	زن حائل/غیرآبستن
femme enceinte	زن حامل/آبستن ۱۱۵۳ ق. ۲
femme enceinte	زن حامله
femme avec qui le mariage est possible	زن خالى از موانع نکاح ۱۰۳۴ ق. ۲
femme épousée selon le mariage permanent	زن دائم
veuve	زن شوهرمرده ۹۸۶ ق. ۲
efféminé	زن صفت
femme épousée sous le régime temporaire	زن صیغه
concubine	زن غیر عقدی/زن ومردى که بدون عقد ازدواج باهم زندگى میکنند
femme épousée sous le régime temporaire	زن متعه/زوجه غیر دائم

۴۱۰	زن مرد نما
femme masculine, hommasse	زن مرد نما
nourrice	زن مرصعه
femme musulmane	زن مسلمه
femme épousée sous le régime temporaire	زن منقطعه
	۱۱۳۹ق.م
femme mariée	زن منکوحه
femme à l'époque de la ménopause	زن یائسه
concubinage	زن و مردی که بدون عقد و ازدواج با هم زندگی می کنند
abeille	زن بورعسل
	۱۸۱۴ق.م
emprisonnement, détention	زندان/حبس
prison, établissement pénitentiaire	زندان/محبس
	۱۳۶۴. آ. ا. ت
réclusion, détention à perpétuité, relégation	زندان ابد
réclusion criminelle à perpétuité	زندان ابد با کار
réclusion à perpétuité, relégation	زندان ابد با کار اجباری
détention préventive	زندان احتیاطی
geôlier	زندان بان/ زندانیان
maison de redressement, placement éducatif	زندان تادیبی
	زندان جنائی
détention en maison centrale, detention dans une enceinte fortifiée	
détention criminelle à perpétuité	زندان جنائی ابد
réclusion, relégation	زندان جنائی با کار
travaux forcés à perpétuité	زندان جنائی با کار
travaux forcés à perpétuité	زندان جنائی دائم با کار
detention criminelle à temps	زندان جنائی موقت
détention temporaire	زندان جنائی موقت با کار
détention collective	زندان دسته جمعی
détention cellulaire	زندان سلولی
emprisonnement	زندان کمتر از ۵ سال

prison de droit commun	زندان عمومی
détention préventive	زندان متهمین به جنایت
cellule de punition (C. proc. pén. D.167 à D.169)	زندان مجرد
maison centrale	زندان محکومان به اءال شاقه
centres pénitentiaires	زندان مخصوص
maison centrale, centre de relégués	زندان مخصوص زندانیان محکوم به حبس از يك سال به بالا
maison centrale, centre de relégués	زندان مخصوص زندانیان محکوم که باید بیش از یکسال در زندان بمانند
maison centrale	زندان مرکزی/ زندان دولتی
régime en commun, emprisonnement en commun	زندان مشترک
maison d'arrêt	زندان موقت
détenu, prisonnier	زندانی
détenu libéré, détenu élargi	زندانی آزاد شده
détenus de nationalité étrangère	زندانیان اتباع خارجه
détenus de droit commun	زندانیان غیرسیاسی
mineurs détenus	زندانیان صغیر
détenu politique, prisonnier politique	زندانی سیاسی
être écroué, être emprisonné, être incarcéré	زندانی شدن
écrouer, emprisonner, incarcérer, mettre sous les verrous	زندانی کردن
vie, existence	زندگانی
vie en société, vie publique	زندگانی اجتماعی
vie privée	زندگانی خصوصی
vie économique	زندگانی اقتصادی
existence propre, vie individuelle, vie privée	زندگی انفرادی
existence internationale	زندگی بین‌المللی
vie privée	زندگی خصوصی
vie intérieure	زندگی داخلی

۲۰۲. آ. ق. ح. ن

قانون راجع به وادار نمودن زندانیان غیرسیاسی به کار

vie conjugale	زندگی زناشویی
vie politique	زندگی سیاسی
vivant, en vie	زنده
né viable	زنده متولد شدن
avertisseur dont le bruit est prohibé	زنگ صوتی/بوق‌های ناهنجار
désagréable, déplaisant, pénible	زنده
serviteur, infirmier, gardien de prison	زوار/خادم/پرستار
pélerins	زوار
déchéance, décadence, déclin, chute, disparition	زوال/از میان رفتن/از دست دادن
déchéance du mandat parlementaire	زوال اعتبارنامه پارلمانی
dépossession, perte de possession	زوال تصرف
déchéance partielle du droit	زوال جزئی حق
déchéance du droit, perte du droit	زوال حق
	۴۵۵م. ق. م
déchéance incontestée d'un droit	زوال حق اجباراً
déchéance d'un droit	زوال حق از صاحب حق
	زوال حق استفاده از مقررات تصفیه ورشکستگی
déchéance du bénéfice de la liquidation judiciaire	زوال حق انتفاع
extinction de la jouissance d'un droit	۵۱م. ق. م
déchéance de la jouissance légale	زوال حق انتماع قانونی
déchéance facultative	زوال حق به اختیار
forclusion	زوال حق به علت انقضای موعد قانونی
forclusion	زوال حق به علت انقضای مهلت قانونی
	زوال حق به علت عدم اجرا یا انجام شرط یا تشریفات
jeu de la condition résolutoire	زوال حق به علت عدم انجام شرط در مهلت مقرر قانونی
jeu de la condition résolutoire	زوال حق پژوهش به علت انقضای مهلت مقرر
déchéance de l'appel interjeté hors délai	زوال حق دعوی به علت انقضای مهلت قانونی
forclusion	زوال حق قانوناً
déchéance légale	

ژ

Jambon	ژامبون
géophysique	ژئوفيزيك
	ص ۴۳۳. م. ق. س ۱۳۴۵
gendarme	ژاندارم
gendarmerie	ژاندارمری
	تبصره ۱. ق. ر. ج. ع. ا. س ۱۳۳۹
jeton	ژتون
gérant d'affaires	ژران دافیر/مباشر
profond	ژرف/گود
geste	ژست
gène	ژن/جزء کوچکی از کروموزم که وسیله انتقال صفات موروثی است
vétuste, usagé	ژنده
générateur	ژنراتور
généralisme	ژنراليسم
gélatine	ژلاتین
consul général	ژنرال قنصل/سرکنسول
génie	ژنی/نابغه/دارای استعداد فوق العاده
génocide	ژنوسید/نابود کردن یا کشتن قسمتی از سکنه يك کشور به طور جمعی

journal	ژورنال/روزنامه/نمونه
jury	ژوری/هیأت داور/هیأت ممحنه
furieux, fâché, nerveux	ژان
gigolo	ژیگولو/مردی که زن مسن تر از او زندگی اش را اداره می کند
gigolette	ژیگولت/دختر یا زن هرزه
gymnastique	ژیمناستیک



AVANT – PROPOS

Ce deuxième volume du dictionnaire juridique persan – français comprend de la lettre «dj» à la lettre «zh» (soit de la sixième à la quatorzième lettre de l'alphabet persan). Au début de ce volume, ont été reproduits de nouveau, pour une plus grande facilité d'utilisation de l'ouvrage, la liste des abréviations et le système de transcription. Cette liste d'abréviations n'est pas la même que celle présentée dans le premier volume, parce qu'y figurent des abréviations de réglementations plus récentes utilisées dans l'élaboration de ce volume. Un supplément bibliographique des livres juridiques persans est également présenté au début de l'ouvrage.

Nous tenons à rappeler que certaines équivalences françaises des mots et expressions juridiques persans cités dans ce deuxième volume sont dues au regretté. **M. Amine NATEKI.**

Nous remercions **Mme Danièle ABOLHAMD** qui nous a gracieusement aidé dans la correction des épreuves d'imprimerie.

Nous présentons notre gratitude à Mr. Le Professeur **Parviz NATEL KHANLERI** secrétaire général et directeur de la Fondation de la Culture Iranienne qui nous a bien encouragé dans nos recherches.

Bien qu'un assez long laps de temps sépare les parutions des premier et deuxième volumes – retard dû aux difficultés des travaux d'impression en Iran – nous espérons que le troisième volume paraîtra prochainement.

Téhéran, octobre 1977

Abdolhamid ABOLHAMD

Imprimerie KHADJÉ, tirage 2000 exemplaires.

Téhéran octobre 1977

DICTIONNAIRE JURIDIQUE

PERSAN - FRANÇAIS

Vol. II

Sous la direction d'Abdolhamid ABOLHAMD

Professeur à l'Université de Téhéran

avec la collaboration de :

Rose-Marie AKHAVI (enseignante à l'Université Farah Pahlavi),

Abolfath KOTBI (magistrat) et Nemat MOKHTARI (magistrat)



Publié par la Fondation de la Culture Iranienne

«257»

